منتخب مناسک حج

مطابق فتاوای

حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ امام خمینی

با حواشی

مراجع معظم تقلید









ویرایش دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴)

نویسنده:

حسامی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴) ----- ۹

مشخصات کتاب ----- ۹

اشاره ----- ۹

پیشگفتار ----- ۲۱

مقدمه ----- ۲۵

حَجّةُ الاسلام ----- ۲۷

شرایط وجوب حجّةالاسلام ----- ۲۹

اشاره ----- ۲۹

استطاعت مالی ----- ۲۹

استطاعت طریقی و بدنی و زمانی ----- ۳۹

عمره و حجّ کودکان ----- ۵۰

نیابت در حجّ ----- ۵۳

اشاره ----- ۵۳

شرایط منوب عنه ----- ۵۶

حجّ استحبابی ----- ۶۶

اقسام عمره ----- ۶۷

اشاره ----- ۶۷

فاصله بین دو عمره ----- ۶۹

اقسام حجّ ----- ۷۰

صورت حجّ افراد و عمره مفرده ----- ۷۱

صورت اجمالی حجّ تمتّع ----- ۷۷

واجبات احرام ----- ۸۹

بعضی از مستحبات احرام ----- ۱۰۰

بعضی از مکروهات احرام ----- ۱۰۳

احکام محرّمات احرام ----- ۱۰۵

اشاره ----- ۱۰۵

محرّمات مشترک بین مردان و زنان: ----- ۱۰۵

محرمات مخصوص مردان ----- ۱۲۸

محرّمات مخصوص بانوان ----- ۱۴۱

مسائل متفرّقه احرام ----- ۱۴۴

مستحبات ورود به حرم ----- ۱۴۶

مستحبات ورود به مکه معظمه ----- ۱۴۷

آداب ورود به مسجد الحرام ----- ۱۴۷

طواف واجب و احکام آن ----- ۱۵۳

اشاره ----- ۱۵۳

واجبات طواف: ----- ۱۵۴

آداب و مستحبات طواف ----- ۲۰۱

نماز طواف ----- ۲۰۵

اشاره ----- ۲۰۵

مستحبات نماز طواف ----- ۲۱۶

سعی صفا و مروه ----- ۲۱۸

اشاره ----- ۲۱۸

مستحبّات سعی صفا و مروه ----- ۲۲۴

تقصیر و بعض أحکام آن ----- ۲۲۹

مسائل متفرّقه ----- ۲۳۵

احرام حجّ تمتّع ----- ۲۴۰

اشاره ----- ۲۴۰
مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات ----- ۲۴۴
وقوف به عرفات ----- ۲۴۶
اشاره ----- ۲۴۶
مستحبّات وقوف به عرفات ----- ۲۴۹
وقوف به مشعر الحرام ----- ۲۵۴
اشاره ----- ۲۵۴
مستحبات وقوف به مشعر الحرام ----- ۲۶۰
واجبات منی ----- ۲۶۴
رمی جمره عقبه ----- ۲۶۴
اشاره ----- ۲۶۴
واجبات رمی جمره ----- ۲۶۷
مستحبات رمی جمرات ----- ۲۷۱
دوم از واجبات منی- ذبح است ----- ۲۷۲
اشاره ----- ۲۷۲
مستحبات هَدیْ ----- ۲۸۶
سوّم از واجبات منی تقصیر است ----- ۲۸۸
اشاره ----- ۲۸۸
مستحبات حلق ----- ۲۹۴
واجبات بعد از اعمال منی ----- ۲۹۵
اشاره ----- ۲۹۵
مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی ----- ۳۰۴
بیتوته در منی ----- ۳۰۵
رمی جمرات سه‌گانه ----- ۳۱۱

مستحبات منی ----- ۳۱۸

مستحبات دیگر مکه معظّمه ----- ۳۱۹

استحباب عمره مفرده ----- ۳۲۱

طواف وداع ----- ۳۲۱

مسائل متفرقه ----- ۳۲۳

محصور و مصدود ----- ۳۳۴

گزیده‌ای از سخنان امام خمینی قدس سره ----- ۳۴۲

درباره مرکز ----- ۳۴۹

منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴)

مشخصات کتاب

نام کتاب: منتخب مناسك حج(سال ۱۳۸۴)

نويسنده: حسامی

موضوع: احكام و مناسك

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مكان چاپ: تهران

سال چاپ: ۱۳۸۴

نوبت چاپ: ۲

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

پیشگفتار

از نیازهـای مهمّ و جـدّی روحانیـان محترم کاروان‌هـای حـج، آگـاهی یافتن از مسائل و فروع مناسك حـج و اختلاف فتاوای مراجع عظام تقلیـد است و از آن جا که زائران و حجاج بیت‌اللَّه الحرام، از مراجع مختلف تقلیـد می‌کننـد، بر روحانی کاروان است که آراء فقهی مراجع معظّم تقلیـد را فراگرفته، زائران را راهنمایی نمایـد تا آنان بتوانند اعمال حج را بدون اضـطراب و دغدغه خاطر به جای آورند.

برای پاسخگویی به این نیاز اساسی، از سال ۱۳۷۰ ه. ش. تا کنون تلاش‌هایی بدین شرحصورت پذیرفته است:

* ابتـدا مناسک مرحوم حضـرت آیهٔ اللَّه العظمی امام خمینی قدس سـره که کامل‌ترین مناسک منتشـر شده است، با حواشـی مرحوم آیهٔ اللَّه العظمی اراکی قدس سره به چاپ رسید.

* در مرحله دوّم مناسک حضرت امام، با حواشی سه نفر از مراجع عظام تقلید ذیل:

آیهٔ اللَّه العظمی حاج سیّد محمدرضا گلپایگانی قدس سره

آیهٔ اللَّه العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خویی قدس سره

ص:۱۴

آیهٔ اللّه العظمی شیخ محمدعلی اراکی قدس سره

با کوشش و تلاش فراوان تعدادی از عزیزان، تهیه و منتشر گردید.

* در مرحله سوم فتاوای حضرت آیهٔ اللّه آقای محمد فاضل لنکرانی- دامت برکاته- بر مناسک افزوده شده و حواشی مراجع معظم به چهار نفر رسید.

* در مرحله چهارم بر آن شدیم تا فتاوای مراجع فعلی را نیز بر حواشی مناسک حضرت امام قدس سره بیفزاییم. که این مهم نیز با تلاش گروهی از روحانیان فاضل و ارجمند حوزه علمیه قم، که هم به حج مشرف شده بودند و هم ارتباط تنگاتنگ با بیوت مراجع عظام تقلید- دامت برکاتهم- داشتند، به انجام رسید و اولین بار در سال ۱۳۷۵ چاپ و منتشر شد ولی از آنجا که مناسک مذکور به جهت برخورداری از فروع بسیار که برخی از آنهانیز چندان مورد نیاز عموم زائران نبود و وجود برخی از مسائل در قالب استفتاء که کار بازیابی مسائل را دشوار می کرد لذا بر آن شدیم تا با یک اقدام جدید مناسک حاضر را آماده و منتشر سازیم.

حال با توجه به مطالب فوق، نظر خوانندگان عزیز و محترم را به چند نکته مهم جلب می کنیم:

۱- متن این مناسک مطابق با فتاوای بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی قدس سره می‌باشد که از مناسک محشی گرفته شده است.

۲- تمام استفتائات موجود در مناسک حضرت امام خمینی قدس سره توسط حضرت آیهٔ اللّه حاج شیخ محمد حسن قدیری دام ظله بهصورت مسأله درآمده که منتخبی از آنها در این مناسک، در جایگاه واقعی خود آورده

ص:۱۵

شده است.

۳- در این مناسک حواشی حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی دامت برکاته، نیز افزوده شد.

۴- برای آن که مسائل عمره و حج از نظم منطقی بهتر برخوردار باشد، برخی جابجائی‌ها در مسائلصورت پذیرفته است.

۵- پس از آماده شدن این مناسک، نسخه‌ای از آن به دفاتر مراجع معظم تقلید تقدیم، و پس از ملاحظه و درج اصلاحاتی به این دفتر مسترد گردید که از این جهت مسائل آورده شده مورد اطمینان مقلدان مراجع نیز خواهد بود.

۶- اسامی مراجع محترمی که حواشی آنان در این مرحله افزوده شده به ترتیب حروف الفبا، عبارتند از:

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج شیخ محمدتقی بهجت- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج شیخ جواد تبریزی- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج سید علی خامنه‌ای- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج سید علی سیستانی- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج شیخ لطف اللَّهصافی- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی- دامت برکاته-

* حضرت آیهٔ اللَّه آقای حاج شیخ حسین نوری همدانی- دامت برکاته-

علی رغم تلاشهای به عمل آمده شاید کار بدون نقص نباشد، موجب سپاس خواهد بود اگر نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را به نشانی مرکز تحقیقات حجّ- واحد فقه، ارسال نمایید.

ص:۱۶

در پایـان از تمامی حضـرات آیات، علمای اعلام، بیوت مراجع معظم و روحانیان فاضل و ارجمنـدی که در تمامی مراحل ذکر شـده در فراهم آمـدن این مجموعه ارزشـمند مـا را یـاری دادنـد تشـکر و قـدردانی نموده، توفیق همگان را از خداونـد قادر متعال مسألت داریم.

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

ص:۱۷

مقدمه

بـدان که بر هر مکلـف که جـامع شـرایط باشـد وجوب حـج به دلیـل قرآن و احـادیث وارده از نـبی اکرمصـلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السـلام ثابت است. حـج یکی از ارکان دین است و از ضـروریات آن بشـمار می‌رود. ترک حـج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. «(۱)» خداوند متعال در قرآن مجید فرمود:

وَللَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْ الْعَالَمِينَ

. شیخ کلینی قدس سره به طریق معتبر از حضرتصادق علیه السلام روایت نموده که:

هر کس از دنیا رود و حَجـهٔ الاسـلام را بجا نیاورد بـدون این که او را حاجتی ضـروری باشـد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آنکه پادشاهی

۱- – آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت منافات با بقاء تصدیق به وحدانیّت خالق یا بقاء تصدیق به نبوت.

آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

آیـهٔ اللَّه زنجـانی: و انکـار آن از کسـی که در محیـط اسـلامی بزرگ شـده اماره کفر است و بر اساس احادیث معتبر به همین جهت خداوند متعال ...

آیهٔ اللَّه مکارم: در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

ص:۱۸

از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کس در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

ص:۱۹

حَجّةُ الاسلام

۱- حَجّةُ الاسلام که حجّ واجب بر شخص مستطیع است بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نمی‌شود.

(م ۱)

۲- وجوب حجّ بر شخص مستطیع فوری «(۱)» است یعنی «(۲)» واجب است در سال اوّل استطاعت بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست «(۳)» و درصورت تأخیر واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین ...

(م ۲)

۳- بر مستطیع واجب است مقدّمات انجام حجّ از قبیل تهیّه وسائل

۱- - آیهٔ‌اللَّه سیستانی: در این فوریّت دو وجه است: اوّل اینکه شرعی باشد و گویا مشهور هم همین‌باشد، دوّم اینکه عقلی باشد از باب احتیاط تا مبادا تأخیر آن منجر به ترک واجب بدون عذر شود، که در این صورت مستحق عقوبت خواهد بود، وجه اوّل احوط است ودوّم اقوی. پس اگر آن را از سال اوّل استطاعت تأخیر انداخت بدون اینکه اطمینان داشته باشد که بعداً می‌تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفّق به انجام آن شود متجرّی می‌شود و اگر اصلًا موفّق نشود، مرتکب گناه بزرگی شده است.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: یعنی واجب است در اولین سالی که می‌تواند، آن را بجا آورد.

۳- - آیات عظام گلپایگانی، خویی، صافی، تبریزی: بلکه بعید نیست تأخیر آن از گناهان کبیره باشد.

آیهٔ‌اللَّه بهجت: و تأخیر آن بدون عذر حرام است و تکرار این تأخیر در سالها بدون توسیط توبه از گناهان کبیره مثل ترک حجّ است.

آیهٔ‌اللَّه فاضل: تأخیرآن معصیت است ولی کبیره بودن آن به طوری که مسقط عدالت باشد ثابت نیست.

ص:۲۰

واسباب سفر را «(۱)» به طوری که بتوانـد در همان سال به حجّ برسد «(۲)» فراهم کند و درصورتی که شخص کوتاهی کند «(۳)» و به حجّ در آن سال نرسد حجّ بر او مستقر می‌شود «(۴)» که باید در هرصورت بعداً به حجّ برود، هر چند استطاعت از بین برود. «(۵)» (م ۳)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: به طوری که در اولین سالی که می‌تواند به حج برسد، فراهم کند و در صورتی که‌شـخص کوتاهی کند و در اثر آن به حج در آن سال نرسد حج بر ذمه او مسـتقر می‌شود که باید بعداً به حج برود هرچند استطاعت از بین برود بلی در صورتی که بـدون اختیار انجام حـج بر او حرجی شود، تأخیر حـج تا رفع حرج جایز است و اگر از رفع حرج مأیوس باشد باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد، البته در هر دو صورت می‌تواند خودش در حال حرج حج بجا آورد.

۲- - آیهٔاللّه مکارم: در صورت حصول استطاعت چنانچه راه منحصر به نام‌نویسی برای چند سال بعد باشد آن نیز واجب است.

۳- - آیهٔاللّه بهجت: در صورت اعتماد و وثوق به اینکه با تأخیر نیز حجّ را حتماً درک خواهد کرد اظهر عدم‌وجوب خروج در اوّلین فرصت است، پس اگر اتّفاقاً درک نکرد حج بر او مستقر نشده است، و امّا با عدم اعتماد مذکور پس مورد تأمّل است و عدم حرمت تقویت احتمالی در موردی که دلیل خاصّ نباشد خالی از وجه نیست.

۴- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: در صورتی حجّ مستقر می‌شود که معلوم شود اگر می‌رفت به حجّ‌می‌رسید.

آیـهٔاللّه خویی، آیهٔاللّه تبریزی: مگر اینکه حرجی باشد که در این صورت برخودش واجب نیست ولی بعد از مرگ وی باید از ترکه او حج بجا آورند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر تأخر بعلت اطمینان به درک حجّ در همین سال باشد و اتفاقاً نرسد حجّ بر او مستقر نخواهد شد.

آیهٔاللّه فاضل: در صورتی حجّ بر او مستقر می‌شود که اگر می‌رفت به حجّ می‌رسید.

۵- - آیـهٔاللّه فاضل: اگر انجام حـجّ برای او حرجی باشـد حـجّ از خودش ساقط است ولی باید خود او بعداً در صورت قدرت انجام دهد و یا بعد از فوتش از ترکه او حجّ نیابی ولو از میقات انجام دهند.

ص:۲۱

شرایط وجوب حجّهٔالاسلام

اشاره

با چند شرط حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حجّ واجب نیست.

۱- بلوغ، ۲- عقل. پس‌برکودک‌و دیوانه «(۱)» حجّواجب نیست.

(ص ۲۰)

۳- استطاعت از جهت مال وصحت بدن و توانایی و باز بودن راه و وسعت وقت و کفایت آن. «(۲)»

استطاعت مالی

۴- استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مَرکب سواری است، «(۳)» و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن راصرف در تهیه آنها نماید «(۴)» و شرط است که مخارج برگشتن «(۵)» را نیز داشته باشد. و امور دیگری

۱- - آیهٔاللَّه بهجت: که قاصر باشد زمان افاقه او از اداء واجب فعلی بر او.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و امنیت داشتن در سفر و این که تشرف به حج مستلزم هتك حیثیت او نبوده و همچنین زندگیش را مختل ننماید.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر به آن نیاز داشته باشد.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: و نیز اظهر وجوب حج و تحقق استطاعت است بر کسی که فعلًا زاد و راحله را نداردولی می‌تواند بمناسبت موقعیّت شغلی خود بدون استیجار که بعداً ذکر می‌شود در بین راه کسب کند، و با کسب لایق به شأن، حوائج مناسب هر وقت را تحصیل نماید بدون خطر و با اطمینان به حصول، مثل خدمت کردن در کاروان به اعمالی که در غیر سفر، شغل او همانهاست.

۵- - آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، بهجت، فاضل، سیستانی، صافی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود را داشته باشد. اما اگر نخواسته باشد برگردد، یا خواسته باشد در جای دیگری غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آن جا را داشته باشد، و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر اینکه بیشتر از هزینه بازگشت به وطن باشد که در این صورت اگر ناگزیر از سکونت در آنجا نباشد، هزینه بازگشت به وطن در وجوب حج کافی است.

آیهٔ اللَّه بهجت: بنحویکه بواسطه حج ناچار به تبدیل محل اقامت و مسکن نشود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلّف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن بجایی دورتر از وطن خود را داشته باشد داشتن هزینه برگشت به وطن کافیست البته مقصود جایی است که از نرفتن به آنجا بحرج نمی‌افتد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر تصمیم به بازگشت داشته باشد.

آیـهٔ اللّه خویی رحمه الله: داشـتن مازاد بر مصارف و رفتن و برگشـتن در تحقّق اسـتطاعت شـرط نیست بلی اگر به علّتی اداء حـج بر مکلّف مستلزم وقوع در حج باشد حج بر او واجب نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی: داشـتن هزینه بازگشت در صورتی معتبر است که مکلف نیازی به برگشـتن داشته باشد و اگر انجام حج باعث شود که حاجی ملزم به سکونت در جای دیگری غیر از وطن خود شود باید هزینه رفتن به آنجا را داشته باشد.

ص:۲۲

در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می‌شود.

(م ۱۵)

۵- شرطاست در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، ضروریات زندگی «(۱)» و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، «(۲)» مثل

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: ضرورت شخصیّه یا شأنیّه.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: داشتن ضروریات زندگی در استطاعت معتبر نیست. بلی کسی که بعضی از ضروریات زندگی خود را ندارد و مالی به‌مقدار مخارج حج دارد که اگر آن را در راه حج هزینه کند برای تهیه لوازم زندگی به مشقت شدید می‌افتد یا تهیه آن‌ها با هتک حیثیت او همراه خواهد بود، مستطیع نمی‌باشد. البته در صورتی که تصمیم داشته باشد که اگر حج هم نرود، این مال را در تهیه لوازم زندگی مصرف نکند و همچنین در صورتی که اگر این مال را در سفر حج مصرف هم نکند، نمی‌تواند ضروریات زندگی را تهیه کند، مستطیع می‌باشد.

ص:۲۳

خانه مسکونی «(۱)» و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدی که مناسب «(۲)» با شأن او باشد «(۳)» و چنانچه عین آنها را ندارد، «(۴)» پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

(م ۱۶)

۶-اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حجصرف کند از حَجةُ الاسلام کفایت نمی‌کند. «(۵)»

(م ۱۷)

۷- کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، «(۶)» اگر وقت طلب او رسیده یا حالّ است و می‌تواند بدون واقع

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: خواه ملکی باشد یا اجاره‌ای که با شئون او سازگار باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: در حدی که کافی برای شخص و شأن او باشد.

۳- - آیهٔاللَّه سیستانی: ... و نداشتن آن موجب حرج باشد.

۴- - آیهٔ اللَّه صافی: و نداشتن آن حرجی باشد.

۵- - آیهٔ اللَّه خویی: چنانچه سبب حرج بشود حج واجب نیست. بلی اگر بنا بر صرف نکردن آن مال در نیاز خود داشت، حج بر او واجب است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: کسی که برای سفر حج باید لوازم زندگی خود را بفروشد و پس از بازگشت برای تهیه آن با مشکل روبه‌رو می‌شود مستطیع نمی‌باشد والا- با داشتن بقیه شرایط- مستطیع بوده به هر شکلی حج بجا آورد کافی است هرچند ضروریات اولیه زندگیش را خرج سفر حج کند.

۶- - آیهٔ اللَّه زنجانی: کسی که تمام هزینه حج را ندارد، ولی از دیگری به مقدار مخارج حج‌یا مکمّل آن‌طلبی دارد که وقت پرداخت آن است، چنان‌چه مدیون بتواند بدهی خود را بپردازد و طلبکار نیز بتواند بدون مشقت و هتک حیثیت به طلب خود برسد مستطیع بوده، حج بر او واجب می‌گردد و اگر انجام حج متوقف بر مطالبه قرض باشد، مطالبه نیز واجب می‌شود و اگر وقت طلب او نرسیده، چنان‌چه مدیون بخواهد بپردازد مستطیع است والّا مستطیع نخواهد بود. در هر صورت اگر بتواند طلب خود را به مبلغ کمتری که برای حج لازم دارد بفروشد، چنان‌چه این کار برای او مشقّت شدید نداشته باشد، مستطیع می‌باشد، هرچند در این فروش ضرر کند.

ص:۲۴

شدن در حَرَج و مشقت، «(۱)» آن را بگیرد واجب است مطالبه کند «(۲)» و بگیرد و به حج برود، «(۳)» مگر مدیون نتواند بپردازد که در اینصورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود «(۴)» و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود، ولی اگر مدیون نمی‌خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هرچند با مطالبه حاضر به پرداخت شود. «(۵)»

(م ۱۹)

۱- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و نیز می‌تواند ولو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یابا رجوع به حاکم غیر شرعی- در صورتی که استیفاء حقّ موقوف بر آن باشد، بنابر اقوی- آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: مستطیع است و واجب است حج برود هر چند با مطالبه و صرف آن مال در حج باشد و همچنین است اگر بدهکار دارا باشد و نپردازد ولی بتواند هر چند با رجوع به حاکم جور حق خود را بگیرد یا بدهکار منکر باشد ولی بتواند آن را اثبات کند و بگیرد یا بتواند از اموال او از باب تقاص بردارد. بلی اگر استیفاء دین بر او حرجی باشد مستطیع نیست.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر تحصیل آن متوقّف بر مراجعه به دادگاه اگر چه حاکم جور باشد لازم است مراجعه‌نماید در صورتی که موجب ضرر و حرج فوق حد مسامحه نباشد، و در تضرر مالی غیر مجحف و نیز ضرر حالی مثل ذلت نفس و نقص جاه نزد حاکم جور تأمّل است و اقرب وجوب مطالبه است با عقلائی بودن تن دادن به این ضرر با قطع نظر از تکلیف به حج.

۴- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی، در این مسأله قائل شده‌اند که اگر بتواند دَین را بفروشد و پول آن به‌تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت شدید نداشته باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بتواند دَین رابفروشد بنحوی‌که اجحاف در حق او نباشد، و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر بتواند دَینش را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که موجب ضرر و مشقّت نباشد. و این مقدار برای حج کافی باشد مستطیع است و باید حج انجام دهد.

۵- - آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد همچنانکه معمولًا چنین است.-

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: و اگر شک داشته باشد که مدیون با مطالبه می‌پردازد یا نه، به جهت آنکه احتمال استطاعت می‌دهد، و تمکّن از فحص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحص از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت.

آیهٔ اللّه صافی: حکم مسأله در صورتی است که فروش دین مؤجّل به نقد ممکن نباشد والّا فروش آن مانند فروش سایر اموال واجب است.

آیات عظام خویی، تبریزی، بهجت: درصورتی‌که اگرمطالبه‌کند بدهکار خواهدپرداخت، باید مطالبه‌کند و به حج برود.

آیهٔ اللّه فاضل: مگر آنکه یقین داشته باشد که اگر مطالبه کند مدیون حاضر به پرداخت آن می‌شود، که در این صورت مطالبه لازم است.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر مطالبه محذوری ندارد باید مطالبه کند.

ص:۲۵

۸- اگر غیر مستطیع، مصارف حجّ را قرض کند، مستطیع نمی‌شود، «(۱)» هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را اداء کند «(۲)» و اگر با آن حج بجا آورد از حَجّهٔ الاسلام کفایت نمی کند. «(۳)»

(م ۲۰)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: هر گاه کسی به مقدار مخارج حج یا مکمل آن قرض کند چنانچه اگر حج برود درپرداخت بدهی خود به مشقت شدید نمی‌افتد مستطیع شده باید حج بجا آورد هرچند آن پول را برای خصوص حج قرض کرده باشد و حج او کفایت از حجهٔالاسلام می کند.

۲- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کسی که مخارج حج را ندارد، ولی می‌تواند به آسانی آن مبلغ را از دیگری وام بگیرد و بعداً اداء کند واجب نیست که با گرفتن وام خود را مستطیع کند، ولی اگر وام گرفت، حج بر او واجب می‌شود.

۳- - آیات عظام خویی، فاضل،: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد، و قدرت پرداخت آن را بدون مشقّت بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

آیهٔ اللّه بهجت: قرض گرفتن برای حج تحصیل استطاعت است و واجب نیست. مگر آنکه مالی داشته باشد بالفعل که می‌تواند پس از حجّ با فروش و استبدال آن اداء دین کند که در این صورت قرض گرفتن واجب است با عدم تمکن از فروش آن قبل از حجّ و اگر مالی که با آن اداء دین می‌نماید بعد از حج تحصیل می‌شود، پس در وجوب حج فعلًا تأمّل است.

آیهٔ اللّه تبریزی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول بمقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را اداء کند ولی فعلًا نمی‌تواند آن را بفروشد یا در آن تصرّف کند حج بر او واجب خواهد بود. بلکه در این صورت اگر قرض کرده بر او حرجی نباشد مستطیع است و باید حج برود و استطاعت متوقف بر قرض گرفتن نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلًا عقلاء به آن توجه نکنند. که در این صورت اگر قرض کرد حجّ بر او واجب خواهد شد.

آیهٔاللّه گلپایگانی و آیهٔاللّه صافی: در صورتی که مالی دارد که در دسترس او نیست و بعداً به واسطه آن به‌راحتی بتواند قرضی را که گرفته ادا کند، در این صورت با قرض گرفتن صدق استطاعت می کند و با وجود سایر شرایط، حج واجب است و حجهٔالاسلام محسوب می‌شود.

ص:۲۶

۹- اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحّت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند «(۱)» در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

(م ۲۴)

۱۰- شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد «(۲)» باید بفروشد و

۱- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: تصرّف در مال جایز نیست و واجب است مال را حفظ کند و خود را از استطاعت خارج نکند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر ضرورت عرفی نداشته باشد بنابر احتیاط واجب آن را حفظ کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: پس از فرا رسیدن زمانی که صرف آن برای رسیدن به حج لازم است شخص مستطیع نمی‌تواند خود را از استطاعت بیندازد و پیش از فرا رسیدن این زمان نیز احتیاط واجب آن است که خود را از استطاعت خارج نسازد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: مستطیع می‌باشد و اگر برای حج در سال بعد حفظ پول لازم باشد باید پول را حفظ کند بلی چنانچه ضرورتی پیش آمد می‌تواند مال را در آن صرف نماید پس اگر مصرف کرد از استطاعت می‌افتد.

آیهٔاللَّه گلپایگانی: اگر اطمینان دارد که در سال‌های بعد از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند نمی‌تواند در مال خود تصرف نماید.

۲- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر خانه وقفی و یا غیر وقفی در اختیار اوست، به طوری که کسرشأن او نبوده، و بدون سختی و حرج، از داشتن خانه دیگر بی‌نیاز است، و احتمال از دست رفتن آن خانه نیست، اگر خانه ملکی‌ای دارد که قیمت آن وافی به‌مخارج حج ویا تتمیم آن‌باشد، واجب‌است خانه‌ملکی خود را فروخته و صرف مخارج حج کند، و همچنین است نسبت به‌دیگر چیزهایی که‌مورد نیازبوده، و از غیر راه ملکیّت رفع احتیاجش شده باشد.

ص:۲۷

به حج برود اگر چه بواسطه مشتری نداشتن به کمتر از قیمت معمولی «(۱)» بفروشد مگر آنکه «(۲)» فروش به این نحو موجب حرج و مشقّت برای او شود.

(م ۲۷)

۱۱- اگر مالی که برای حج کفایت می‌کند را به او ببخشند برای اینکه حج بجاآورد «(۳)» باید قبول کند و حج بجا آورد، و همچنین اگر واهب بگوید مخیّری بین اینکه حج بجاآوری یا نه. «(۴)» ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست. «(۵)»

(م ۳۴)

۱- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر باعث ضرر قابل توجّه شود فروشش واجب نیست.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر حرجی یا ضرری نباشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر اینکه اجحاف بر او باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اجحاف و ضرر بحدّی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: بطوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

۳- - آیهٔ اللَّه بهجت: واجب نیست قبول نماید و در صورت قبول، استطاعت بذلیه محقّق است و استطاعت‌مالیّه است در دو صورت بعد.

آیهٔاللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه صافی: چنانچه مال، کافی‌برای مؤونه حج‌باشد، ویا به‌مقداری است که به ضمیمه اموال خود شخص استطاعت حاصل می‌شود، حج بر او واجب، و کافی از حجّهٔ الاسلام است.

آیهٔ اللَّه نوری: مگر اینکه در قبول ذلّت و مهانت برای او باشد که در این صورت قبول واجب نیست.

۴- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: و اگر واهب بخشنده اختیار را به انسان بدهد و بگویدمی‌خواهی با این مال حج برو و نمی‌خواهی به حج نرو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

۵- - آیهٔ اللَّه مکارم: بلکه قبول واجب است بشرط اینکه به هنگام بازگشت، زندگی او تأمین باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: در هر سه صورت با داشتن سایر شرایط مستطیع است مگر آن که قبول بذل یا تحویل مال موهوب حرجی یا مستلزم هتک حیثیت او باشد و همچنین است در صورتی که مکمّل هزینه حج را به او ببخشند و در هر حال پول قربانی مانند حج غیر بذلی جزء استطاعت نیست پس کسی که تمکن از قربانی ندارد روزه می‌گیرد. بلی اگر روزه گرفتن مشقت شدید یا خوف ضرر داشته باشد حج واجب نمی‌شود.

ص:۲۸

۱۲- کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت درصورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد «(۱)» و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج بجا آورد.

(م ۳۸)

۱۳- شرط است در استطاعت که مخارج عائله‌اش را تا برگشت از حج داشته باشد هرچند عائله واجب النفقه او نباشند. «(۲)»

(م ۳۹)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: و امّا اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، باید حج خود را مقدّم بدارد، مگراینکه برای او وثوق حاصل شود که در سالهای آینده حج را انجام خواهد داد، که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدّم بدارد.

آیهٔ‌اللّه زنجانی: و بعد از آن در اولین سال ممکن برای خودش حج به‌جا آورد و اگر راه انجام حج خود منحصر به حفظ این اجرت باشد، نباید آن را در کار دیگری هزینه کند، مگر آن‌که نیاز مبرمی پیش بیاید و در این صورت اگر پول را در آن نیاز مصرف کرد از استطاعت می‌افتد.

آیات عظام خویی، تبریزی، زنجانی، فاضل: اما اگر مقیّد به همان سال نباشد و برای او محرز است که می‌تواند حج نیابی را در سالهای بعد بجا آورد، حج خودش را مقدّم کند و الّا باید حج نیابی را مقدّم بدارد.

آیهٔ اللّه بهجت: امّا اگر حج نیابتی مقیّد به همان سال نباشد حجّ خود را مقدّم بدارد.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و یا عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد مثل خواهر و برادر، باید نفقه آنها را هم داشته باشد.

آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: داشتن مخارج عائله غیر واجب‌النفقه شرعی، شرط نیست مگر اینکه با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج می‌افتد.

آیهٔ اللّه بهجت: در عیال غیر واجب النفقه و مصارف لازمه برای حفظ شأن احوط رعایت عسر و حرج است یعنی نه اقتصار فقط بر مقداری که بر او واجب شرعی است می‌کند و نه انتظار تمکّن از هر چه عرفیت دارد می‌کشد. پس تحقق استطاعت منوط به دارا بودن مقداری است که اگر نباشد لازمه‌اش عسر و حرج است.

آیهٔ اللّه زنجانی: در استطاعت، شرط است که حج سبب اختلال در تأمین زندگی کسانی که عرفاً یا شرعاً واجب النفقه او هستند نباشد و لازم نیست که مخارج آنها را بالفعل داشته باشد بلکه کافی است بتواند با کسب، آن را تأمین کند.

ص:۲۹

۱۴- شرط است در استطاعت رجوع به کفایت، «(۱)» یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یاصنعت یا منفعت ملك، مثل باغ و دکان داشته باشد بطوری که برای زندگانی به شدّت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است، «(۲)» و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیّه داشته باشد،

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: اظهر اعتبار رجوع به کفایت است به این معنا که به سبب حج از غنا به فقر یا از فقر به‌اوسع از آن واقع نشود.
آیهٔ اللّه خویی: رجوع به کفایت در تحقق استطاعت دخیل نیست بلی اگر شخصی بداند که از رفتن به حجّ در آینده به حرج می‌افتد حج بر او واجب نیست.
آیهٔ اللّه زنجانی: داشتن شغل مناسب از شرایط وجوب حج نیست. بلی رجوع به کفایت به این معنی در استطاعت شرط است که حج مستلزم اختلال در زندگی مکلف نباشد. پس چنان‌چه انجام حج موجب از دست دادن شغلی که تنها ممرّ زندگی مکلف است گردد، مستطیع نمی‌باشد.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: و همچنین اگر از طریق زکات و یا خمس و یا استعطاء، امور خود را اداره کند، کافی‌است، و همچنین کسی که آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی نکند، حج بر او واجب می‌شود و نیز بر طلاب که با شهریه اداره می‌شوند چنانچه هزینه حج و مخارج خانواده خود را داشته باشند یا به عنوان روحانی مشرّف شوند حج واجب است و از حجّهٔ الاسلام کفایت می‌کند.

ص:۳۰

کفایت نمی‌کند، «(۱)» بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حجّ نیاز به شهریّه حوزه‌های علمیه دارند «(۲)» حجّ واجب نیست. «(۳)»

(م ۴۰)

استطاعت طریقی و بدنی و زمانی

۱۵- شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از

۱- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر بعد از مراجعت زندگی آنها با شهریه اداره می‌شود کفایت می‌کند و حج‌واجب است.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: کسی که از وجوه شرعیه مانند خمس و زکات و امثال اینها زندگی خود را اداره می‌کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت، مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد، و همچنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد و همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجّش با قبل از آن تفاوتی نکند.

آیهٔ اللَّه بهجت: عیناً موافق حاشیه قبلی بوده با این تفاوت که ایشان صراحت در وجوب حج دارند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: نیاز به شهریه و وجوه شرعیه مانع استطاعت نیست مگر در مورد کسانی که انجام حج آنها را مجبور به استفاده از وجوهات گرداند و این گونه ارتزاق مناسب شأن آنها نباشد.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: اگر زندگی آنها با وجوهات بر حسب عادت بدون مشقّت مضمون و حتمی باشد. در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد حج بر او واجب است.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: برای طلاب و مانند آنها حج واجب می‌شود.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: افرادی که از وجوه خاصّ‌ی مثل سهم سادات و وجوهات شرعیه و نذورات استفاده می‌کنند، مانند طلّاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجّه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد.

آیهٔ اللَّه صافی: ولی‌رعایت احتیاط به‌اینکه به نحوی خود را واجد شرط استطاعت نماید خوب است.

ص:۳۱

جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی «(۱)» که قدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشقّت زیاد دارد واجب نیست «(۲)» و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است بطوری که نمی‌تواند به حج برسد نیز واجب نیست. «(۳)»

(م ۴۱)

۱۶- اگر با وجود شرایط استطاعت، حجّ را ترک کرد، حج بر او

۱- – آیهٔ اللَّه خویی: بر مریض یا شخصی که استطاعت مالی دارد ولی از تمکن از رفتن به حج ناامیداست یا بر او حرجی است واجب است نایب بگیرد.

۲- – آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحّت بدن استطاعت‌ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد درصورتی که حج بر او مستقر شده، و اگر حج بر او مستقر نشده باشد، نایب گرفتن مطابق احتیاط است اگرچه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد.

آیهٔ اللَّه خویی: در این فرض گرفتن نایب واجب است و وجوب آن فوری است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر امید به تمکّن از حجّ بدون حرج و مشقّت بعد از آن هم نداشته باشد در این فرض گرفتن نایب واجب است، و وجوب آن فوری است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط باید نایب بگیرد و وجوب آن فوری است مگر اینکه اطمینان به تمکّن از مباشرت در سالهای بعد داشته باشد.

آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت یأس از خوب شدن استنابه می‌کند بنحو فوری بنابر اظهر.

۳- – آیهٔ اللَّه زنجانی: کسی که استطاعت مالی دارد حج بر عهده او واجب می‌شود پس اگر از جهات دیگر مانند توانایی بدنی و باز بودن راه مستطیع باشد، باید خودش حج بجا آورد.

و اگر از برخی از این جهات استطاعت نداشته باشد پس اگر احتمال می‌دهد که در آینده بتواند خودش حج بجا آورد- و لو با تحصیل استطاعت- فوریت حج از او ساقط می‌گردد ولی باید استطاعت از این جهات را تحصیل کند و تا ضرورتی پیش نیامده نمی‌تواند با مصرف مال خود را از رفتن به حج عاجز گرداند و اگر از تحصیل استطاعت مأیوس باشد باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد و اگر نگرفت در سال بعد و همین طور ... و این حج کفایت از حجهٔ الاسلام او می‌کند هر چند عذر اوبرطرف گردد و در جمیع فروض اگر خودش حرج یا بیماری را تحمل کرده حج بجا آورد مجزی است.

ص:۳۲

مستقر می‌شود «(۱)» و باید بعداً به هر نحو می‌تواند به حج برود. «(۲)»

(م ۴۲)

۱۷- مستطیع بایـد خودش به حـج برود، و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند، «(۳)» مگر در مورد مریض یا پیر به شـرحی که بعداً بیان می‌شود.

(م ۴۳)

۱۸- کسـی که خودش مسـتطیع است «(۴)» نمی‌توانـد از طرف دیگری برای حـج نـایب شود یا حـج اسـتحبابی بجا آورد و اگر حج نیابی یا استحبابی بجا آورد باطل است. «(۵)»

(م ۴۴)

۱- - آیـهٔ اللّه سیسـتانی: مگر این که جاهل به حصول اسـتطاعت یا غافل از آن باشد، یا جاهل به وجوب حج یا غافل از آن باشد، و در این جهل و غفلت معذور باشد.

آیـهٔ اللّه فاضل: چنانچه تا پایان اعمال حـج شـرایط اسـتطاعت باقی باشـد، که در این صورت باید حج را انجام دهد مگر اینکه انجام حج حرجی باشد، که در این فرض از خودش ساقط است، و در این صورت باید از ترکه او- ولو از میقات- نایب بگیرد، یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

۲- - آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: چنانچه در زمان استطاعت مالی، معتقد به عدم تحقّق استطاعت بود و در این اعتقاد معذور بود حجّ بر او مستقر نیست ولی اگر احتمال استطاعت را مداد حج بر او مستقر است و چنانچه حرج نباشد باید به حجّ برود.

آیهٔ اللّه بهجت: هر وقت قدرت پیدا نمود فوراً باید بجا آورد ولو استطاعت شرعیه زائل شده باشد.

آیهٔ اللّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۳ مراجعه شود.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: مگر در مورد کسانی که در حاشیه مسأله ۱۵ بیان شد.

۴- - آیـهٔ اللّه زنجـانی: مسـتطیع اگر حـج نیـابی بجـا آورد باطل است، مگر در صورتی که انجام حجهٔالاسـلام‌خود در آن سال بر او واجب نباشد به تفصـیلی که در حاشـیه مسأله ۱۲ گـذشت. و اگر مسـتطیع حج اسـتحبابی انجام دهد باطل است مگر از باب خطا در تطبیق باشد یعنی حجّی را که بالفعل شارع مقدس از او خواسته نیت کرده لکن به تخیل این که مستطیع نیست آن را بر حج مستحب تطبیق نموده باشد، در این صورت حج او صحیح و حجهٔ الاسلام خواهد بود.

۵- - آیهٔ اللّه فاضل: اگر حج نیابی انجام داده است، حج او صـحیح است اگرچه معصـیت کرده است و اگر با غفلت و عدم توجه به وجوب حـج، حج مسـتحبی انجام داده است، حج او صـحیح و کفایت از حجهٔالاسـلام می کند، ولی اگر با توجه به حج واجب، نیت حج مستحبی کرده باشد، حج استحبابی صحیح است، ولی مرتکب فعل حرام شده است، حج هم بر او مستقر شده است.

آیهٔ اللّه مکارم: حج نیابتی او صحیح است هرچند گناه کرده است. و حج استحبابی او حج وجوبی محسوب می‌شود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد و یا جاهل.

آیهٔ اللّه سیستانی: کسی که ذمّه‌اش مشغول به حجّ واجب است و باید در همان سال بجا آورد چنانچه متوجّه آن است جایز نیست در همـان سـال نیـابت بپـذیرد ولی اگر حـجّ نیابی انجام داد صـحیح است و ذمّه منوب‌عنه فارغ می‌شود، امّا اجاره باطل است و مسـتحقّ اجرت المثل است و در مورد حجّ استحبابی با علم به استطاعت نظر ایشان در دست نیست.

آیهٔ اللّٰه بهجت: حجّ نایب، صحیح و ذمّه منوب عنه برئ می‌شود.

آیـهٔ اللّٰه خویی: در صورت تنجّز وجوب حج بر نایب اجاره باطل است، مگر اینکه اجاره مطلق باشد که بتواند اوّل برای خودش حج بجـا آورد و بعـد از آن حـج منـوب‌عنه را و در فرض بطلان اجـاره، اجیر مسـتحق اجرهٔ‌المثـل اسـت مگر اینکـه اجرهٔ‌المثـل بیشـتر از اجرهٔ‌المسـمی باشد و اگر مسـتطیع حج استحبابی برای خودش انجام دهد، با اینکه می‌داند مستطیع است، گرچه حجش صحیح است ولی مجزی از حجهٔ‌الاسلام نمی‌باشد.

آیـهٔ اللّٰه تبریزی: اگر حـج نیـابی بجـا آورد، حجش صـحیح است و ذمّه منوب عنه بریء می‌شود ولی در فرضـی که واقعـاً بر او حج واجب بوده ولو نسـبت به آن جاهل باشـد اجاره باطل است و نایب اسـتحقاق اجرهٔ المثل را دارد مگر بیشتر از اجرهٔ المسـمی باشد و اگر حج اسـتحبابی برای خودش انجام دهد در صورت علم به اسـتطاعت خود و عدم صـحت حج استحبابی، حج او باطل است و در غیر این صورت حجش صحیح و مجزی از حجهٔ‌الاسلام می‌باشد.

ص:۳۳

۱۹- کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برای او حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند، «(۱)» و تا حج او را

۱- – آیهٔ اللّه زنجانی: و اگر استیجار حج میقاتی ممکن باشد و از بلد برای او نایب بگیرند، مازاد بر مخارج‌حج میقاتی از اصل ترکه برداشته نمی‌شود مگر نسبت به حج بلدی وصیت نافذی کرده باشد و در صورتی که در تصرف در ترکه خطر فوت استیجار حج یا تأخیر آن باشد ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند ...

ص:۳۴

ندهند ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند «(۱)» و لازم است در همان سال فوت، حج را اداء نمایند و تأخیر از آن جایز نیست، و چنـانچه در آن سال استیجار ممکن نباشـد مگر از بلـد، لازم است «(۲)» از بلـد اجیر بگیرنـد و از اصـل ترکه خارج می‌شود، «(۳)» و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر

۱- – آیـهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: کسـی که مرده و حجهٔ الاسـلام بر عهده او بوده، ورثه پیش ازاستیجار برای حج نمی‌توانند در ترکه تصـرف کنند، خواه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنابر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج شوند، می‌توانند تصرف کنند.

آیـهٔ اللّه گلپایگانی، آیـهٔ اللَّه صافی: حتی در صورتی که ترکه بیش از مخارج حـج باشد، بنابر احتیاط واجب تصـرّف در اموال میّت جایز نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرّف نکنند.

آیهٔ اللَّه بهجت: ورثه پیش از استیجار برای حج می‌توانند در ترکه تصرف کنند در صورتی که قصد استیجار داشته باشند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: برای ورثه جایز نیست تا زمانی که ذمّه او به حج مشغول است به طوری در میراث تصرّف نمایند که منافی با قضاء حج میّت از میراث باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: مگر اینکه بنای قطعی بر ادای حج داشته باشد، در این صورت تصرف جایز است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در خصوص اختیار ورثه نسبت به تصرف در ترکه و عدم آن، نظر ایشان یافت نشد.

۲- – آیهٔ اللَّه سیسـتانی: احوط این است که فوراً برای فارغ شدن ذمّه او اقدام نمایند هرچند با استیجار ازترکه، و اگر در همان سال، استیجار از میقات میسّر نشـد به احتیاط واجب باید از بلد استیجار کنند و تأخیر نیندازند هر چند بدانند در سال بعد، از میقات میسّر می‌شود، ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

۳- – آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مگر اینکه وصیّت کرده باشد مخارج حج از ثلث پرداخت شود که در این صورت بروصایای مستحبّه مقدم است و اگر ثلث وافی نبود کمبود آن از اصل ترکه میّت اخراج می‌شود.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی، آیـهٔ اللَّه زنجانی: مگر این که وصـیّت کنـد از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و اگر کافی نباشد از سایر ترکه باید تکمیل شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: مگر اینکه وصیّت کند از ثلث خارج شود.

ص:۳۵

بگیرنـد مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرنـد و تأخیر نیندازنـد، «(۱)» و اگر وصـی یا وارث اهمال کننـد و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی‌شود.

(م ۴۵)

۲۰- زنی که مهریه‌اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است «(۲)» اگر شوهرش تمکّن از اداء آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد «(۳)» و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد با فرض اینکه شوهر نفقه و مخارج زنـدگی زن را می‌دهـد لازم است زن، مهریه را مطالبه کنـد و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد مثل اینکه ممکن است مطالبه به نزاع «(۴)» و طلاق منجر شود که برای زن

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب، ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

آیهٔ اللّه زنجانی: و اگر کسی که ترکه، در دست اوست اهمال کند و ترکه از بین برود ضامن است هر چند وصی یا وارث نباشد.

۲- - آیـهٔ اللّه بهجت: در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشـکلاتی در زنـدگی ایجاد نکند وی‌مسـتطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست.

۳- - آیـهٔ اللّه زنجانی: و در این صورت و همچنین در صورتی که گرفتن مهریه برای او مشـقت شدیدداشـته باشد یا با هتک حیثیت او همراه باشد، مستطیع نیست و اگر ....

۴- - آیهٔ اللّه سیستانی: اگر به حدّی باشد که برای زن تحمّلش مشکل باشد.

آیـهٔ اللّه گلپایگانی: مجرّد طلاق باعث عـدم وجوب حج نیست. بله اگر صـرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختلّ شود حج بر او واجب نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: حتی اگر منجرّ به طلاق نشود ولی مشکلات مهمّی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: اگرمطالبه مهریّه موجب ناراحتی‌هایی شود که زن در زندگی‌اش به حرج و مشقّت بیفتد، حج بر او واجب نیست.

آیهٔ اللّه خویی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست.

ص:۳۶

مفسده دارد، مستطیع نشده است.

(م ۴۷)

۲۱- اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و درصورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، «(۱)» چنانچه منزلی که دارد زائد بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد «(۲)» و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شئون او باشد با وجود سایر شرایط مستطیع است.

(م ۴۹)

۲۲- کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هرچند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات «(۳)» رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می‌شود و کفایت از حَجهٔ الاسلام می‌کند.

(م ۵۴)

۲۳- پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند و در

۱- - آیهٔاللّه زنجانی: چنان‌چه تبدیل آن به منزل ارزان‌تر مستلزم حرج و هتک حیثیت او نباشد، مستطیع می‌باشد.

۲- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر استبدال ضرری یا حرجی باشد لازم نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه خویی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: به میقات یا محلی قبل از آن.

ص:۳۷

میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حجةالاسلام بجاآورند «(۱)» هرچند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

(م ۵۹)

۲۴- اگر کسی برای حجّ ثبت نام کرد و نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند چنانچه قبل از رسیدن نوبت از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد لکن باید قرض کند و به مکّه برود، اگر قبلًا حجّ بر او مستقر نشده و فعلًا هم نمی‌تواند به حجّ برود مگر با قرض «(۲)» حجّ بر او واجب نشده است «(۳)» و حجّ او حجّةالاسلام نیست. «(۴)»

(س ۶۵)

۱- - آیةُ اللَّه فاضل: مگر اینکه مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حجّ تمتّع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هر چند مرتکب معصیت شده‌اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حجّةُ الاسلام می کند.

آیةاللَّه زنجانی، آیةُ اللَّه بهجت: باید حجةالاسلام بجا آورند، مگر آنکه مأموریت به گونه‌ای باشد که نتوانند به وظائف عمل کنند.

۲- - آیةُ اللَّه سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلًا عقلاء به آن توجه نکنند. که در این صورت اگر قرض کرد حجّ بر او واجب خواهد شد.

آیةُ اللَّه بهجت: حکم قرض گرفتن در ذیل مسأله ۱۵ گذشت.

آیةاللَّه خامنه‌ای: حکم قرض گرفتن در حاشیه مسأله ۸ گذشت.

۳- - آیةُ اللَّه زنجانی، آیةاللَّه فاضل: ولی اگر قرض کرد چنانچه در پرداخت آن به مشقت شدید نمی‌افتد مستطیع است.

آیةاللَّه خویی: ولی اگر قرض کرد و در وقت اداء می‌توانست آن را اداء کند مستطیع می‌شود و حج بر او واجب است.

۴- - آیةُ اللَّه گلپایگانی، آیةُ اللَّه صافی: مگر در صورتی که ازکسی طلب داشته‌باشد ویا مالی دارد که‌در دسترس او نیست و بعداً به راحتی می‌تواند به واسطه آن قرضی را که گرفته اداء کند، که در این صورت با قرض کردن صدق استطاعت می کند واگر قرض کرد وسایر شرایط هم فراهم بود حج واجب می‌شود وحجةالاسلام می‌باشد.

آیةاللَّه مکارم: مگر اینکه نوبت خود را که‌برای آن‌ثبت نام کرده در مقابل آن به وام دهنده واگذار کند.

ص:۳۸

۲۵- شخص مستطیع با بخشش مال خود به دیگری مثل پدر و مادر یاصرف آن در کارهای خیر مثل فرستادن آنها به حجّ از استطاعت خارج نمی‌شود و باید حجّ خود را بجا آورد و درصورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حجّ واجب بر خود را بجا آورد بخشش جائز نیست، اگر چه صحیح است.

(س ۷۵)

۲۶- اگر در وقت ازدواج یک سفر حجّ به زوجه وعده داده شود چنانچه مجرّدِ وعده بوده است «(۱)» لازم نیست ادای «(۲)» آن و اگر مهر قرار داده شده «(۳)» باید به آن عمل کند. «(۴)»

(س ۸۴)

۲۷- کسی که به علّت کهولت سن و مرض قادر به انجام فریضه حجّ نباشد اگر قبلًا از جمیع جهات مستطیع بوده و اقدام بر انجام حجّ نکرده حجّ بر او مستقر شده اگر در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکّن‌از سفرندارد واجب‌است کسی‌را نایب‌بگیردتابرای او حجّ بجاآورد «(۵)» و اگر قبلًا استطاعت نداشته و فعلًا هم نمی‌تواند به حجّ برود مستطیع

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب باید به آن وفا کند.

۲- - آیهٔ اللَّه مکارم: ولی بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: یا شرط ضمن العقد بوده است.

آیهٔ‌اللَّه زنجانی: یا ضمن عقد لازمی تعهد کرده ....

۴- - آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل: و نیز اگر شرط ضمن العقد باشد، وفاء واجب است.

آیهٔ اللَّه بهجت: تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی‌شود ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند اگر هنگام عقد ازدواج به او وعده داده است.

۵- - تفصیل نظر آیات عظام در این مسأله در ذیل مسأله ۱۵ گذشت.

آیهٔ‌اللَّه بهجت: بر چنین شخصی واجب نیست به حج برود ولی نایب گرفتن بر او واجب است علی الأظهر.

ص:۳۹

نیست و لازم نیست نایب بگیرد.

(س ۸۵)

۲۸- در سفر حجّ واجب برای زن اجازه شوهر شرط نیست و اگر زن مستطیعه شده باید حجّ واجب خود را بجا آورد ولو شوهر او راضی به مسافرت او برای حجّ نباشد. «(۱)»

(س ۸۷)

۲۹- اگر شخصی طبق وصیّت پدر که پول به حساب سازمان حجّ واریز کرده است به نیابت او به مکّه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته چنانچه راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت او راه برای او باز شده است باید برای پدرش حجّ کند «(۲)» مگر آنکه تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در اینصورت مستطیع شده وباید برای خودش حج بجاآورد، «(۳)» و به مجرد وصیت «(۴)» و قبول فرزند،

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: ولی بهتر جلب رضایت اوست.

آیهٔ اللّه زنجانی: بلی اگر مخالفت با شوهر با مشقت شدید یا هتک حیثیت زن همراه باشد، رفتن به حج فعلًا واجب نیست.

۲- - آیات عظام تبریزی، گلپایگانی، صافی: باید برای خود حج بجا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

۳- - آیهٔ اللّه سیستانی: در این صورت نیز باید برای پدرش حج کند.

آیهٔ اللّه خویی: در صورتیکه وصیت پدر این بوده که او خودش حج نیابی را بجاآورد فتوای ایشان معلوم نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی: در این صورت نیز باید برای پدرش حج بجا آورد بلی در صورتی که پدر وصیت نکرده که خصوص این شخص برایش حج بجا آورد و همچنین وصیت نکرده که با این فیش برای او حج بجا آورده شود چنانچه مستطیع بتواند فیش را از ورثه بخرد و برای خودش حج بجا آورد، انجام حج برای او واجب می‌گردد و باید برای حج پدرشان نایب دیگری بگیرند.

آیهٔاللّه فاضل: در این صورت نیز باید برای پدرش حج به‌جا آورد، هرچند اگر حج را برای خودش انجام دهد، حج او صحیح است.

۴- - آیهٔ اللّه نوری: اگر در وصیّت قید مباشرت شده و فرزند وصیت را قبول کرده نیابت واجب می‌شود و استیجار لازم نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر وصیت را قبول کرده واجب العمل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر اجرت معین شده باشد و او در حیات پدر وصیت را قبول کرده باشد، اجاره است و باید انجام دهد.

ص:۴۰

نیابت واجب نمی‌شود مگر آنکه قبل از استطاعت اجیر شود.

(س ۸۸)

۳۰- پول‌هدی جزء استطاعت نیست «(۱)» و اگر شخص بجز برای هدی استطاعت را داراست مستطیع می‌باشد و باید حجّ بجا آورد. «(۲)»

(س ۸۹)

عمره و حجّ کودکان

۳۱- اگر غیر بالغ حجّ بجا آوردصحیح است هر چنداز حجّةالاسلام کفایت نمی‌کند.

(م ۴)

۳۲- مستحب است «(۳)» ولیّ طفل غیر ممیّز «(۴)» محرم کند او را و لباس

۱- - آیة اللّه خویی، آیة اللّه فاضل: چنین شخصی مستطیع نیست مگر با تمکّن از جمیع مصارف حج واز جمله ثمن هدی.

آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: مستطیع نمی‌شود وپول هدی جزء استطاعت است.

آیة اللّه سیستانی: استطاعت حاصل است و به جای هدی روزه می‌گیرد.

آیة اللّه مکارم: زیرا بجای آن روزه می‌گیرد و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

آیة اللّه تبریزی: در صورتی که بتواند بدون حرج و مشقّت بدل هدی روزه بگیرد.

۲- - آیة اللّه زنجانی: و به جای قربانی روزه می‌گیرد بلی در صورتی که روزه گرفتن برای او مشقت شدید یا خوف ضرر داشته باشد، مستطیع نمی‌باشد.

۳- - آیة اللّه زنجانی: انجام حج و عمره برای طفل ممیز مستحب است همچنان که مستحب است ولی‌شرعی یا کسی که از طرف او مأذون در امر حج و عمره صبی است محرم کند طفل غیر ممیز را و ...

۴- - آیةاللّه بهجت: صحیح است احرام ولیّ از طفل غیر ممیّز و از مجنون، و متولّی نیّت احرام طفل، ولیّ حاضر می‌شود و تمام اعمال حجّ را آنچه را متمکن است طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با نیّت ولیّ و آنچه را متمکّن نیست ولی از جانب او انجام می‌دهد از آن جمله تلبیه احرام است که اگر متمکن باشد طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با نیّت ولیّ و گرنه ولی نایب می‌شود.

ص:۴۱

احرام به او بپوشانـد و نیّت کند که این طفل را محرم می‌کنم برای حجّ یا این طفل را معتمر می کنم به عمره تمتّع و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و الّا خودش به عوض او بگوید.

(م ۸)

۳۳- بعـد از آنکه طفل محرم شـد یا او را محرم کردنـد باید ولیّ، او را از محرّمات احرام باز دارد «(۱)» و اگر ممیّز نیست خود ولیّ حفظ کند او را از محرّمات.

(م ۱۰)

۳۴- بر ولیّ طفل لازم نیست او را محرم کنـد یا از طرف او حـجّ انجام دهـد ولی اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق وظیفه‌ای که در مناسک و در رساله ذکر شـده است انجام دهند «(۲)» وگرنه در بعضـیصور طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.

۳۵- بعـد از اینکه طفل محرم شد اگر محرّمات احرام را بجا آورد یا ولیّ؛ او را از آنها باز نداشت کفّاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنابر اقوی درصید و بنابر احتیاط واجب در غیر آن. «(۳)»

(م ۱۱)

۱- - آیات عظام خویی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیّز است.

آیـهٔ اللّه زنجانی: در مورد کودکی که مسـتقلّا محرم شده، ولی وظیفه‌ای ندارد، امّا در مورد کودکی که ولی او را محرم کرده است، ولی موظف است که با نهی یا ممانعت عملی کودک را از محرمات احرام بازدارد و در این امر فرقی بین ممیز و غیر آن نیست.

۲- - آیهٔاللّه مکارم: همان وظیفه‌ای که در مسأله بالا گفته شد.

۳- - آیـهٔ اللّه گلپایگانی، آیـهٔ اللّه صافی: کفاره صـید بر ولیّ طفل است، و اما در وجوب سایر کفارات بر ولیّ اشـکال است اگرچه احوط این است که بر عهده ولیّ است.

آیات عظام خامنه‌ای، خویی، تبریزی: ظاهراً کفارات دیگر در غیر صـید نه بر ولیّ واجب است و نه در مال طفل، ولی کفاره صید بر ولیّ واجب است.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّه سیستانی: کفاره صید غیر ممیز بر ولیّ اوست و در غیر آن بر نابالغ کفاره نیست نه در مال او و نه در مال ولیّش.

آیهٔ اللّه بهجت: فداء صـید مولیّ علیه بر ولیّ است که با مباشـرت او و عمل مولیّ علیه صحیح است و کفاره موجب هدی بر ولیّ است در آنچه عمد و خطاء کفّاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفّاره دارد و صبی عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سـبب است خالی از وجه نیست.

آیـهٔ اللّه زنجانی: در غیر صـید کفاره نـدارد و در صـید بر عهـده خود اوست، مگر آن‌که پدر کودک او را محرم کرده باشد، که در این صورت کفاره صید بر عهده پدر اوست.

ص:۴۲

۳۶- قربانی حجّ بر عهده ولیّ طفل است. «(۱)»

(م ۱۲)

۳۷- تمام اعمال حج و عمره را باید ولیّ، طفل را وادار کند که بجا آورد «(۲)» و اگر نمی‌تواند، ولیّ او به نیابت طفل بجا آورد. «(۳)»

(م ۱۳)

۱- - آیهٔ اللّه‌تبریزی: قربانی بچه غیر ممیز بر ولیّ او است که او را به حج برده و چنانچه پول آن را نداشت و خود بچه مالی داشت از مال او قربانی تهیه می‌کند و گر نه ولیّ روزه می‌گیرد.

آیهٔ اللّه سیستانی: پول قربانی بچه غیر ممیّز بر ولیّ اوست.

آیهٔ اللّه فاضل، زنجانی: و اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزه بگیرد، و چنانچه خود ولیّ نیز حجّ تمتع‌انجام داده وفقط تمکّن از یک قربانی دارد آن رابرای طفل قربانی کند و برای خودش روزه بگیرد.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: و اگر کودک نمی‌تواند، چنانچه عمل قابل نیابت باشد ولی به نیابت او بجا می‌آورد و اگر انجام عملی بر ولی مشقت دارد می‌تواند نایب بگیرد و در مورد طواف اگر کودک ممیز باشد خود طواف می‌کند و در طواف باید طهارت از حدث داشته، بدن و لباسش پاک باشد و اگر پسر است باید ختنه کرده باشد، ولی اگر ممیز نیست او را طواف می‌دهند و طواف‌کننده نیت می‌کند و در این صورت لازم نیست کودک با وضو و ختنه کرده بوده، بدن و لباسش پاک باشد.

۳- - آیهٔ اللّه تبریزی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد واجب است او را وضو دهد اگرچه بصورت وضو باشد.

آیهٔ اللّه فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاطاً طفل را وضو بدهد، و خودش هم وضو بگیرد.

آیهٔ اللّه بهجت: در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و سنگ ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولی با آن کیفیت رمی و نیّت نماید و در تمام افعال آنچه در غیر نیّت می‌تواند انجام دهد ولیّ متصدّی نیّت می‌شود.

ص:۴۳

نیابت در حجّ

اشاره

۳۸- در نایب اموری شرط است:

۱- بلوغ، «(۱)» بنابر احتیاط واجب. «(۲)» ۲- عقل. ۳- ایمان. ۴- وثوق واطمینان «(۳)» به انجام دادن او، «(۴)» و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: ممیز بودن نایب کافی است.

۲- - آیهٔ اللَّه تبریزی: نایب باید بالغ باشد، پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی‌کند، البته در حجهٔ الاسلام و حجّهای واجب دیگر، هرچند آن بچه ممیّز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: بلوغ شرط است و بنابر احتیاط بچه ممیّز نمی‌تواند نایب شود، مگر در حج مندوب به اذن ولی.

آیهٔ اللّه خویی: در حج واجب بلوغ نایب شرط است ولی در حج مستحبی بعید نیست که نیابت غیر بالغ با اذن ولیّ صحیح باشد.

آیهٔ اللّه بهجت: نیابت طفل غیر ممیز صحیح نیست، و اگر بچه ممیّز باشد و قائل به مشروعیّت عبادت صبیّ ممیز باشیم، خالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد.

آیهٔ اللّه مکارم: بلکه بنابر اقوی در حج واجب.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب.

۳- - آیهٔ اللَّه فاضل: این شرط در استنابه معتبر است نه در اصل نیابت.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: و اگر نایب ثقه باشد إخبار او کافیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر خبر داد که از طرف او انجام داده و از خبرش وثوق و اطمینان حاصل نشد در این صورت اکتفا به خبر دادن او اشکال دارد.

۴- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: از اینجا تا آخر این فرع را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: وثوق به انجام نایب شرط واقعی صحت نیابت نیست، لکن برای امتثال واجب نمی‌توان به مجرد نایب گرفتن بدون داشتن حجت شرعی بر انجام دادن عمل اکتفا کرد.

ص:۴۴

اطمینان بهصحت آن، و درصورت شک درصحت، «(۱)» حکم به صحت می‌شود «(۲)» و استنابه صحیح است هرچند قبل از عمل شک داشته باشد. «(۳)» ۵- معرفت نایب به افعال و احکام حج «(۴)» ولو با ارشاد کسی در حال عمل. ۶- ذمّه نایب، مشغول به حج واجبی «(۵)» در آن سال نباشد.

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: وقتی ذمّه منوب عنه فارغ و بریء می‌شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را بطورصحیح بجا آورده یا آنکه اماره معتبره باشد بر بجا آوردن.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: اگر احتمال بدهیم که نایب به رعایت شرایط عمل توجه داشته و همچنین لاابالی‌نیست حکم به صحت عمل او می‌شود.

۳- - آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب عدم استنابه در این دو مورد است.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: آن‌چه در نیابت معتبر است، این است که نایب عمل را به شکل صحیح انجام دهد، لذا اگر نایب به بعضی از مناسک حج معرفت نداشته باشد، ولی آن را احتیاطاً به‌جا آورد کافی است.

۵- - آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه بهجت: با اختلاف تعابیر: مگر در صورتی که جاهل به وجوب باشدیعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می‌دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. و این شرط شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نایب.

آیهٔ اللّه بهجت: اضافه می‌فرماید: پس هرگاه در حالیکه حج بر خودش واجب بوده و از قبل دیگری و به نیابت او حجّ نماید اظهر آن است که حج او صحیح است و ذمّه منوب عنه بریء شده است ولی نایب اجرتی را که قرار داده شده مستحقّ نخواهد شد بلکه مستحقّ اجرهٔ المثل خواهد بود اجرهٔ المثل یعنی نرخ متعارف.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صحت حجّ غافل و جاهل اشکال است و احوط عدم اکتفاء به حج آن دو است.

آیهٔ اللّه خویی: ذمّه نایب مشغول به حج واجب منجّز نباشد و این شرط صحّت اجاره است.

آیهٔ اللّه تبریزی: ذمّه نایب مشغول به حج واجب نباشد و این شرط صحّت اجاره است، پس اگر غافل از استطاعت بود اجاره او صحیح است.

آیهٔ اللّه فاضل: این شرط معتبر نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هرچند گناه کرده است.

آیهٔ اللّه زنجانی: در سال نیابت انجام حجهٔ الاسلام خودش، بر او واجب نباشد و اگر غیر حجهٔ الاسلام خودش حج دیگری بر او واجب بود، نیابت باطل نمی‌شود.

ص:۴۵

۷- معذور «(۱)» در ترک بعض افعال حج نباشد.

(م ۱۰۷)

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: نیابت معذور فقط برای حج واجب صحیح نیست، ولی برای حج مستحبی و عمره مستحبی مانعی ندارد، هرچند بهتر است حج را برای خودش انجام دهد و ثواب آن را اهداء کند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط نیابت معذور صحیح نیست.

آیـهٔ اللَّه خویی: اجاره کردن معـذور برای حج جایز نیست بلکه اگر خودش تبرعاً حج نیابی بجا آورد اجزاء آن از منوب عنه مشـکل است ولی کسـانی که جایز است در شب عیـد قبل از طلوع فجر به منی برونـد و در شب رمی کننـد و یا کسانی که ناچار به ارتکاب محرّمات احرام هستند نیابتشان مانعی ندارد و ایشان نیابت معذور بعذر طاری را مجزی می‌دانند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نمی‌شود کسی را که از پیش عجز او از عمل اختیاری معلوم است اجیر کرد، بلکه اکتفا به تبرّع او در نیابت نیز محلّ اشکال است و در مورد عذرهایی که بعداً عارض می‌شود حکم نایب همان حکم منوب‌عنه است که در بعضی موارد حـج صـحیح است و گـاهی باطل است و استیجار و نیابت کسـی که در انجام بعضـی واجبات حـج که ترک عمـدی آنها هم موجب بطلان نیست، مانند طواف نساء و بیتوته و رمی روز یازده و دوازده اشکال ندارد.

آیـهٔ اللَّه بهجت: بنـابر احتیاط با تمکّن از استیجار غیر معـذور، نمی‌توان معـذور را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصـی تبرّعاً به نیابت دیگری حـج نمود اکتفـا کردن به عملش مشـکل است[بلی اگر در بجـا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است معـذور باشـد مثل اینکه مضطرّ به تظلیل زیر سایه رفتن باشد اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخص عیبی ندارد].

آیهٔ اللَّه مکارم: ولی عذرهایی که در خود حج پیش می‌آید مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: نیابت کسی که از ابتدا می‌داند از اتیان به حج اختیاری عاجز است در حج واجب اشکال دارد.

آیهٔ اللَّه صافی: نیابت کسـی که از اتیان بعض اعمال عمره و حج معذور است اگر ترک عمدی آن عمل از غیر معذور موجب بطلان حـج یـا عمره نباشـند به اینکه ترک آن عمـل یـا فقـط حرمت تکلیفی دارد و یـا علاوه بر آن موجب کفّاره هم هست ولی ترک آن موجب بطلان عمل عمره یا حج نیست، اشـکال ندارد و حتی اگر می‌داند که اجیر بعضـی از اعمالی که ترک آن موجب بطلان حج و عمره نیست عمدا بدون عذر ترک می‌کند استیجار او مانعی ندارد و مبرءذمّه منوب‌عنه می‌باشد بلی نسـبت به استحقاق اجرت اگر موقع عقـد اجاره، مسـتأجر اطّلاع از معـذور بودن اجیر در امور مـذکوره نداشـته باشد اجیر اسـتحقاق اجرت ندارد ولو اینکه عمل او مبرءذمّه منوب‌عنه است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: کافی است بتواند به شـکل صـحیح محرم شود و هنگام محرم شدن گمان داشـته باشد که از انجام مناسک اختیاری معذور نیست، در این صورت اگر در طول اعمال برای او عذری پیش آید ضرری به نیابت او نمی‌زند و همچنین معذور بودن نسبت به محرمـات احرام، نیـابت را باطـل نمی‌کنـد و در بطلان نیابت معـذور فرقی نیست که عمل نایب تبرعی باشـد یا بالاجاره، نیابت در حج واجب باشد یا مستحب.

ص:۴۶

شرایط منوب عنه

۳۹- در منوب عنه اموری شرط است:

۱- اسلام. «(۱)» ۲- در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: در منوب‌عنه اسلام وایمان شرط است، پس‌حج به‌نیابت کافر ومخالف‌صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه بهجت: نیابت از کافر به احتمال حصول تخفیف عذاب محلّ تأمّل است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: در منوب عنه علاوه بر اسلام اموری معتبر است:

۱- بلوغ. ۲- عقل مگر در مورد دیوانه‌ای که قبلًا حج بر عهده او مستقر شده است. ۳- منوب عنه ناصبی نباشد بلی در صورتی که منوب عنه پدر نایب باشد مسلمان بودن کافی است. ۴- در حجهٔ الاسلام شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است استطاعت مالی پیدا کرده و به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۱۵ گذشت از برخی از جهات دیگر مانند توانایی بدنی یا باز بودن راه مستطیع نباشد. در حج کفاره‌ای نیابت صحیح نیست، و صحت نیابت در حجی که با نذر یا قسم یا شرط ضمن عقد و مانند آن واجب شده بستگی به کیفیت التزام آنها دارد.

ص:۴۷

زنده است حج بر او مستقر شده «(۱)» و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست «(۲)» و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست «(۳)» و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود. «(۴)»

(م ۱۰۸)

۴۰- نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب‌عنه را در نیت

۱- - آیهٔ اللّٰه بهجت: در صورت استقرار حجّ با فرض یأس از زوال عذر، واجب است استنابه نماید و با- امید زوال عذر احوط جمع بین استنابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عذر احوط اعاده با مباشرت است و با تبدیل امید زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید استنابه است و با استمرار عذر تا وقت وفات احوط برای غیر مأیوس قضاء از او با تکرار استنابه است. و اما صورت عدم استقرار حج پس با فرض یأس از زوال عذر اظهر وجوب فوری استنابه است و با امید زوال عذر احتیاط مستحب این است که فوراً استنابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشرت می‌نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شد کتاب حج ص ۱۹- ۱۸.

۲- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آنکه بقصد رجاء آورده شود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نیابت از بچه و دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده عقل شرط نیست و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش- ولو از میقات- برای او استنابه کنند.

آیهٔ اللّٰه بهجت: در غیر صبی ممیّز مشکل است.

۳- - آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر چه نیابت زن از مرد مرجوح است.

۴- - آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: بلکه اگر منوب‌عنه مرد و زنده باشد که بخاطر عدم تمکن نمی‌تواند حجهٔ الاسلام را بجای آورد احتیاط لزومی آن است که مردی را که تاکنون به حج نرفته، به نیابت خود به حج بفرستد.

آیهٔ اللّٰه بهجت: بلی نایب گرفتن صروره مکروه است به خصوص در صورتی که نایب زن و منوب عنه مرد باشد، اگر چه با داشتن بعض مرجّحات دیگر از قبیل فقاهت و تقوی و کمالات دیگر جانب رجحان تقویت می‌یابد و از مرجوحیّت بیرون می‌آید.

ص:۴۸

تعیین کند «(۱)» و لو اجمالًا و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است. «(۲)»

(م ۱۰۹)

۴۱- لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر درصورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

(م ۱۱۱)

۴۲- نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید «(۳)» و احتیاط استحبابی «(۴)» آن است که بقصد ما فی الذمه بجا آورد.

(م ۱۱۲)

۴۳- در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یکسال جایز نیست «(۵)» و در غیر واجب مانع ندارد.

(م ۱۱۵)

۴۴- کسی که حج بر او مستقر شده یعنی سال اول استطاعت، حج نرفته اگر بواسطه مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج ومشقت دارد واجب است نایب بگیرد، درصورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و بنابر احتیاط

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: معتبر است در نیابت قصد آن و تعیین منوب عنه با تعدد، و در صورت اتّحاد کافی‌است قصد نیابت واجبه مثلًا.

۲- - آیـهٔ اللَّه زنجـانی: پس اگر قصـد نیابت نکنـد برای خودش واقع می‌شود و اگر قصـد نیابت کرد ولی منوب عنه را حتی به طور اجمال تعیین نکرد، احرامش باطل است.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و با امکان امتثال تفصیلی قصد مافی الذمهٔ مطابق احتیاط استحبابی هم نیست.

۴- - آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه سیستانی: این احتیاط استحبابی در مناسک ایشان مذکور نیست.

۵- - آیات عظام خویی، فاضل، تبریزی، سیستانی، بهجت، زنجانی: مگر اینکه به نحو شـرکت بر آنها واجب شـده باشـد. مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را اجیر نمایند که در اینصورت می‌توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند.

ص:۴۹

واجب «(۱)» باید فوراً نایب بگیرد «(۲)» و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است. «(۳)»

(م ۱۱۶)

۴۵- کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است، «(۴)» چه عالم بحکم باشد یا نباشد. «(۵)»

(م ۱۱۸)

۴۶- کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب بجا نیاورده «(۶)» احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، «(۷)» برای خودش عمره مفرده بجا آورد «(۸)» و این احتیاط واجب

۱- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: بلکه باید فوراً نائب بگیرد.

۲- - آیهٔ اللّه تبریزی: بلکه احتیاط واجب در صورت احتمال استمرار عذر این است که نائب بگیرد و چنانچه بعداً خوب شد بنابر احتیاط واجب آن را اعاده نماید.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: به مسأله ۳۹ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه واجب است نائب بگیرد.

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط واجب در این صورت هم این است که نائب بگیرد.

آیهٔ اللّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۳ و مسأله ۱۵ مراجعه شود.

آیهٔاللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: به حاشیه مسأله ۱۵ مراجعه شود.

۴- - آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه مکارم: نیابت او صحیح است هرچند گناه کرده است.

۵- - تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۳۸ گذشت.

۶- - آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً عمره بجا آورد.

آیهٔ اللّه زنجانی: احتیاط مستحب آن است که پیش از محرم شدن به عمره تمتع یا بعد از انجام حجّ و گذشتن ایام تشریق برای خودش عمره مفرده بجا آورد خصوصاً اگر استطاعت انجام عمره مفرده از بلد خود را داشته باشد.

۷- - آیهٔ اللّه فاضل: یا قبل از آن.

۸- - آیهٔ اللّه گلپایگانی: رجاءً.

ص:۵۰

نیست «(۱)» لکن خیلی مطلوب است.

(م ۱۲۱)

۴۷- کسی که خود مستطیع است «(۲)» اگر به نیابت دیگری محرم شود نیابت اوصحیح نیست «(۳)» و احرام او باطل است «(۴)» و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش محرم شود. «(۵)»

(م ۱۲۴)

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب است.

۲- - آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله ۳۸ مراجعه شود.

۳- - آیهٔ اللّه تبریزی: اجاره باطل می‌باشد، ولی حج صحیح است و ذمه منوب‌عنه بریء می‌شود گرچه موظّف بوده است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود.

آیهٔ اللّه خویی: در فرض تنجّز وجوب حج بر خود نایب، اجاره باطل است ولی اگر حج نیابی را تمام کند مجزی از منوب‌عنه است گرچه وظیفه‌اش این بود که هر لحظه حج نیابی را رها کرده و به میقات برود و برای خودش حج بجا آورد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مطمئن باشد در سال بعد حج خود را انجام می‌دهد، حج نیابی را تمام کند و اگر مطمئن نیست باید به یکی از مواقیت رفته و برای خود احرام ببندد ولی اگر حج نیابی را تمام کند حجّش صحیح است و اگر استیجاری باشد اجاره باطل است و مستحقّ اجرت المثل است.

آیهٔ اللّه فاضل: نیابت او صحیح است. همچنین احرام او صحیح است و بنابراین باید عمره تمتع را تمام کند و از احرام خارج شود و بعد به یکی از مواقیت خمسه برود و برای خودش محرم شود. عمره تمتع و حج برای خودش به‌جا آورد و اگر دوباره معصیت کرد و محرم به حج نیابی شد، حج او صحیح است و از منوب عنه کفایت می‌کند.

۴- - آیهٔ اللّه نوری: مگر آنکه بنحو خطاء در تطبیق باشد، که در این صورت از خودش واقع می‌شود.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: نیابت معذور اشکال دارد.

۵- - آیهٔ اللّه زنجانی: تفصیل قسمت اوّل این مسأله در حاشیه مسأله ۱۸ گذشت و تفصیل قسمت دوّم آن در ذیل مسأله ۷۷ و ۸۰ خواهد آمد.

ص:۵۱

۴۸- نایب شدن معذور، «(۱)»صحیح نیست «(۲)» و باید پول را بهصاحبش برگرداند مگر اینکه از طرفصاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در اینصورت می‌تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند، و درصورتی که بدون اجازه، نیابت از میّت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می‌شود، «(۳)» ولی پول را باید بهصاحبش برگرداند «(۴)» وصاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد. «(۵)»

(س ۱۲۵)

۴۹- خدمه کاروانها که به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفاء به منی بروند «(۶)» با توجّه به اینکه

۱- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر عذر بعداً پیش آمده است نایب گرفتن جایز است و همچنین در مواردی که تفصیل آن در حاشیه مسأله ۳۸ گذشت.

آیهٔ اللَّه صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیهٔاللَّه فاضل: در حج واجب.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر بدون توجه محرم شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود و امّا قبل از احرام پس با احراز رضایت منوب عنه حج میقاتی برای او بدهد چون اطلاق اجاره قید مباشرت را بر می‌دارد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: مگر در عذری که پس از احرام پدید آید به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۳۸ گذشت.

۳- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: اگر منوب عنه زنده است نیابت بدون اذن او مجزی نیست.

۴- - آیهٔ اللَّه مکارم: مگر اینکه صاحبش راضی گردد.

۵- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و اگر منوب عنه زنده است در حجّهٔ الاسلام نیابت بدون اذن او مجزی نیست.

۶- - آیهٔاللَّه زنجانی: نیابت آن‌ها صحیح است، هرچند احتیاط مستحب مؤکد در این است که اگرمی‌توانند، قبل از طلوع آفتاب به مشعر بازگردند.

ص:۵۲

از معذورین هستند و نمی‌توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آنهاصحیح نیست «(۱)» و اگر قبل از استخدام اجیر شده‌اند باید حجّ را بجاآورند و وقوف اختیاری مشعر را درک نمایند.

(س ۱۲۶)

۵۰- عمره مفرده «(۲)» و طواف استحبابی را می‌توان به نیابت چند نفر انجام‌داد ودر اعمال آن از جمله طواف نساء باید نیّت همه بشود.

(س ۱۲۸)

۵۱- از کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منی بروند فقط زنها می‌توانند نائب باشند و نیابت در سایر ذوی‌الاعذارصحیح نیست. «(۳)»

(س ۱۳۸)

۱- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه بهجت: بنا بر احتیاط با تمکّن از استیجار غیر معذور نمی‌توانند اجیر شوند مستفاد از مناسک، ص ۴۰ مسأله ۱۱۰ و در جزوه پرسشهای جدید حج ص ۴، مسأله ۱۳ آمده است در صورتیکه بدانند به واجبات اختیاریه نمی‌توانند عمل کنند احتیاط در ترک نیابت است.

آیهٔ اللَّه صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: نیابت آنان محل اشکال است مگر اینکه بتوانند برای درک مسمّی وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

آیهٔ‌اللَّه فاضل: نیابت آن‌ها در حج واجب در صورتی‌که از اول می‌دانسته‌اند که باید همراه زن‌ها بروند و نمی‌توانند برگردند و وقوف اختیاری را درک کنند، صحیح نیست، یعنی کفایت از حج واجب منوب عنه نمی‌کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: نیابت آنها صحیح است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: صحّت نیابت آنان بعید نیست.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: عمره مفرده مستحبی.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: نیابت در این گونه موارد صحیح است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: چون وقوف رکنی را درک کرده‌اند نیابت آنها صحیح است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۳۸ گذشت.

آیهٔ اللَّه زنجانی: کسانی که اختیاراً می‌توانند شب عید در مشعر وقوف کرده به منی کوچ کنند مانند بانوان و کودکان ممیز، و همچنین خدمه‌ای که باید برای انجام کارهای لازم یا همراهی ضعفاء شبانه از مشعر کوچ کنند، می‌توانند نایب شده به وقوف شبانه اکتفا کنند و غیر آنها نمی‌توانند به وقوف شبانه اکتفا کنند مگر در صورتی که عذر آنها بعد از احرام پیش آمده باشد.

ص:۵۳

۵۲- بر نائب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلیـد خودش اعمال را انجام دهد و میزان وظیفه خود او است «(۱)» ولی اگر اجیر شده به کیفیّت خاصی باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیّت ذکر شده بشود. «(۲)»

(س ۱۴۸)

۵۳- کسی که حجّ نیابی انجام می‌دهد اگر در قربانی شخص ثالثی را

۱- - آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: چنانچه منوب‌عنه حیّ باشـد، و او را نائب کرده باشـد بایـدبر طبق تقلید منوب‌عنه عمل کند و چنانچه منوب‌عنه مرده باشـد، اگر وصیت کرده بایـد به تقلیـد منوب‌عنه عمل کند. و در غیر این دو صورت مراعات تقلید منوب‌عنه لازم نیست. آیـهٔ اللَّه تبریزی اضـافه فرموده‌انـد: احتیـاط و لازم آن است که عمل بنا به تقلیـد وصـیّ و ورثه هم صـحیح باشـد و اگر وصیتی نکرده، نایب به حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: بایـد طبق تقلیـد خودش عمل کنـد ولی اگر اجیر شـده باشـد که طبق نظر منوب‌عنه یا مستأجر عمل کنـد، چه به صراحت ذکر شده باشد، و چه اطلاق منصرف به آن باشد باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

آیهٔ اللَّه بهجت: در نیابت از میّت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجمله احتیاط می‌کند.

۲- - آیـهٔ اللَّه زنجانی: نایب اگر به کیفیت خاصـی اجیر نشده باشد باید در مناسک حج و عمره وظیفه فتوایی منوب عنه و اگر اجیر شده باشد وظیفه فتوایی اجیر کننده را نیز رعایت کند و اگر مرجع تقلید خودش محرم شدن را بر او واجب بداند مانند کسی که قبل از یک ماه گذشـته از مکه خارج شـده باید فتوای مرجع تقلید خودش را نیز رعایت کند تا بدون احرام وارد مکه یا حرم نشود، و در هر حال پس از محرم شدن باید بر اساس فتوای مرجع تقلید خودش از محرمات احرام اجتناب کند.

ص:۵۴

وکیل کرد لازم نیست ذابح در نیّت نام میّت را ببرد بلکه چنانچه نیّت کند آنچه بر عهده نایب است را انجام می‌دهد کافی است.

«(۱)»

(س ۱۵۶)

۵۴- نایبی که در وقت قبول نیابت معذور نبوده است و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نموده نیابت او محلّ اشکال است «(۲)» و کفایت او از منوب عنه اشکال دارد.

(س ۱۵۹)

۱- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: نایب باید نیت کند که برای حج نیابتی که انجام می‌دهد قربانی می‌کند و ذابح لازم نیست که نیّت کند هرچند احوط و اولی این است که نیّت کند آنچه را که بر عهده نایب است انجام می‌دهد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر حاجی ذابحی را برای قربانی بفرستد باید خودش نیت کند که برای حج تمتع قربانی می‌کند و با قصد قربت از ذابح بخواهد که قربانی کند، خواه حجهٔ الاسلام خودش باشد یا حج نیابی، و بر ذابح قصد مناسک حج و همچنین قصد قربت لازم نیست.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، فاضل، صافی، مکارم: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نایبی که در وقت قبول نیابت برای حجّ معذور نبوده است لکن بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده اگر عذر او منجرّ به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است مثل اینکه در ارتکاب بعضی از تروک معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود بطلان اجاره در این صورت بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و منوب عنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای منوب عنه می‌باشد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: عذر طاری اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه بهجت: اتمام عمل طبق وظیفه عذر بی‌نایب کفایت می‌کند و مضربه به صحّت نیابت نیست مناسک س ۲۵. و مسأله اجرت در صورت صحّت نیابت و اجزاء مستحق تمام اجرت است اگر شرطی بر خلاف نباشد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۸ مراجعه شود.

ص:۵۵

۵۵- معذور «(۱)» که در حجّ نمی‌تواند نائب شود «(۲)» به کسی گفته می‌شود که نتواند اعمال اختیاری حجّ را انجام دهد لکن چون مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد و لذا کسی که نمی‌تواند ذبح کند می‌تواند برای حجّ نائب شود و برای ذبح نائب بگیرد.

(س ۱۶۲)

۵۶- کسی که قرائت نماز اوصحیح نیست و به نیابت برای حجّ آمده است اگر از قرائتصحیح معذور است نیابت و احرام او باطل است «(۳)» و

۱- – آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔاللّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه بهجت: با علم و اطلاع از معذور بودن قبول نیابت خلاف احتیاط است.

۲- – آیهٔ اللّه سیستانی: اگر از انجام عمل اختیاری در حج معذور باشد، هرچند مانند قرائت نماز طواف یا تلبیه باشد، بنابر احتیاط واجب نیابت او مجزی از منوب‌عنه نیست، ولی اگر از انجام اعمالی که در صحت حج دخالت ندارند، مانند طواف نساء یا بیتوته یا رمی روز ۱۱ و ۱۲ معذور است نیابت صحیح است و همچنین اگر در وقوف در بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت صحیح است.

آیهٔ اللّه تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیهٔ اللّه مکارم: عذرهایی که در حج پیش می‌آید مانع صحّت نیست.

۳- – آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر از قرائت صحیح معذور است نیابت او محلّ اشکال است لکن در باطل بودناحرام و عدم آن فتوای ایشان بدست نیامد.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نیابتش مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند.

آیهٔاللّه فاضل: احرام او صحیح است و باید اعمال را تمام کند، ولی در حج واجب نمی‌توان به آن اکتفا کرد.

آیهٔ اللّه صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود.

ص:۵۶

اگر معذور نیست نیابت و احرام اوصحیح است و باید قرائت خود را درست کند «(۱)» و خودش نمازصحیح بخواند.

(س ۱۶۳)

حجّ استحبابی

۵۷- مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، «(۲)» درصورت امکان حج بجا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال. بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیّت برگشتن نماید و مکروه است قصد برنگشتن داشته باشد. «(۳)»

(م ۱۶۵)

۵۸- مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج بجا آورد تبرّعا، چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین علیهم السلام، و نیز

۱- - آیهٔ اللّه فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: اگر استطاعت نداشتن شخص به جهت آن باشد که حج برای او با ضرر شدید یاهتک حیثیت یا ناامنی همراه است، انجام حج در هیچ یک از سه صورت مستحب نیست.

۳- - آیهٔ اللّه مکارم: ولی اگر انجام حج‌های مستحبی پی‌درپی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود بهتر است مجال را به آنها بدهند.

ص:۵۷

طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است بشرط آنکه در مکّه نباشند یا معذور باشند. «(۱)»

(م ۱۶۶)

اقسام عمره

اشاره

۵۹- عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود، و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می‌شود، «(۲)» هرچند برای حج مستطیع نباشد همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج بجا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست،

۱- - آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه زنجانی: استحباب و مشروعیّت طواف مستحبّی برای حاضر در مکّه هرچند معذور باشد ثابت نشده است.

آیهٔ اللّه زنجانی: و چون بر حسب روایات معتبر حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف همه ساله در موسم حج حضور دارند، انجام طواف مستحبی به نیابت از آن حضرت در موسم حج خالی از اشکال نیست و به جای آن بسیار مناسب است که طواف مستحبی انجام داده، ثواب آن را به محضر مبارک حضرت تقدیم نمایند.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.

آیهٔ اللّه زنجانی، آیهٔاللّه فاضل: و اگر از اهالی مکه یا حوالی آن باشد.

ص:۵۸

چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است «(۱)» بخلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود. «(۲)»

(م ۱۷۱)

۶۰- واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود «(۳)» با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است. «(۴)»

(م ۱۷۲)

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: لکن اگر تنها استطاعت انجام عمره مفرده از مکان خود داشته باشند، احتیاطمستحب مؤکد در انجام عمره مفرده است و در صورتی که حج تمتع آنها مبدل به حج افراد شده- خواه حج تمتع واجب باشد یا مستحب- واجب است بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده انجام بدهند، در ذی حجه باشد یا محرم یا ماه‌های دیگر.

۲- - آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی اگر وظیفه آنها بدل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکّن بعد از آن عمره مفرده انجام دهند.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: ورود به مکّه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست.

آیهٔ اللَّه زنجانی: ورود به مکه یا حرم بدون احرام جایز نیست همچنان که بر کسی که قصد ورود به مکه یا حرم را دارد جایز نیست بدون احرام از مواقیت یا نزدیکی آن‌ها عبور کند.

۴- - آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، گلپایگانی، صافی: همچنین در مورد کسانی که در همان ماه عمره را بجا آورده و خارج شده‌اند و سپس در همان ماه داخل می‌شوند احرام و عمره مجدّد واجب نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند. آیهٔ اللَّه سیستانی اضافه نموده‌اند: چنانچه عمره مفرده‌اش به نیابت از دیگران باشد بنابر احتیاط واجب با احرام جدید وارد حرم یا مکّه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکّه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می‌تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکّه شود و در غیر این صورت حکم آن خواهد آمد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: و همچنین مریضی که احرام بستن و انجام مناسک برای او مشقت دارد و نیز کسانی که قبلًا حج یا عمره بجا آورده‌اند و از بیرون آمدنشان از احرام، سی‌روز نگذشته است، استثناء شده‌اند.

ص:۵۹

فاصله بین دو عمره

۶۱- تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه بقصد رجاء بجا آورده شود. «(۱)»

(م ۱۷۳)

۱- – آیات عظام خویی، سیستانی، فاضل، مکارم با اختلاف در تعبیر: فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می توان یک عمره انجام داد. مثلًا یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوّم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسأله خواهد آمد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتّع و عمره مفرده اگر به نیّت یک شخص باشد احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: فاصله معینی بین دو عمره شرط نیست ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند به جا آورد ولی آوردن عمره برای غیر خود هر نفر یک عمره جایز است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه زنجانی: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست. بلکه می‌توان در یک روز چندین عمره مفرده به جا آورد، خواه برای خود یا نیابت از دیگری.

آیهٔ اللّٰه نوری: می‌تواند هر روز یک عمره به جا آورد.

آیهٔ اللّٰه بهجت: فاصله بین دو عمره لازم نیست بنابر اظهر اگر چه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد، بلکه احد الفصلین احوط است و چنانچه بخواهد، یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به جا آورد فاصله یک ماه لازم نیست و همچنین است، اگر هر دو عمره برای دیگری باشد، همچنانکه فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده و بالعکس لازم نیست.

اما در فاصله بین عمره تمتّع با عمره مفرده نظر آیات عظام چنین است:

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: انجام دو عمره پی در پی با فاصله کمتر از ده روز مکروه است و احوط ترک آن است اگر چه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است.

آیهٔاللّٰه صافی: در تکرار عمره به قصد اشخاص مختلف و همچنین یک عمره برای خود و یک عمره به نیابت از دیگری فاصله معتبر نیست.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه فاضل: کسی که می‌خواهد حج تمتّع به جا آورد می‌تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتّع عمره مفرده به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و امّا انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می‌شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: در فاصله بین عمره تمتّع و عمره مفرده احتیاط ترک نشود.

ص:۶۰

اقسام حجّ

حجّ بر سه قسم است:

تمتّع، قِران، افراد.

تمتع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل «(۱)» که شانزده فرسخ است «(۲)» از مکه دور باشند. قران و افراد بر غیر آنها واجب می‌شود و این تفصیل در حجّةالاسلام است.

(ص ۹۶)

۱- – آیهٔ اللَّه مکارم: یا بیشتر.

۲- – آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

آیات عظام خویی، خامنه‌ای، تبریزی: از مسجدالحرام ۱۶ فرسخ دور باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: بیشتر از ۴۸ میل که بر خلاف مشهور حدود هشتاد کیلومتر است.

ص:۶۱

صورت حجّ افراد و عمره مفرده

۶۲-صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع می‌شود از این قرار است که: زن حائض «(۱)» یا کسی که بواسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع را بجا آورد باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده برود به عرفات و مثل سایر حجاج وقوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و اعمال منی را بجا آورد

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: زنی که هنگام احرام بستن می‌داند که بر اثر حیض یا نفاس نمی‌تواند قبل از خروج‌به عرفات اعمال عمره تمتع را بجا آورد و همچنین زنی که به حکم استصحاب بقاء حیض قدرت انجام طواف را ندارد، به حج افراد محرم می گردد، پس چنانچه قبل از گذشتن وقت پاک شد باید عدول به عمره تمتع کند و اگر پاک نشد حج افراد و عمره مفرده بجا آورد و مجزی از حجهٔ الاسلام اوست. و زنی که فکر می‌کند که حیض یا نفاس مانع انجام عمره تمتع او نخواهد بود و همچنین اگر پاک باشد و شک داشته باشد که در آینده حایض می‌شود یا خیر، در این دو صورت به عمره تمتع محرم می گردد و چنانچه حیض یا نفاس عارض شد، می‌تواند تا آخر وقت صبر کند که اگر پاک شد اعمال عمره را بجا آورد والا سعی و تقصیر کرده احرام حج ببندد و طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و می‌تواند برای پاک شدن صبر نکند بلکه طواف را رها کرده، سعی و تقصیر کند پس اگر قبل از احرام حج پاک شد طواف و نماز را بجا می‌آورد والا آنها را قبل از طواف حج قضا می‌کند و این حج نیز مجزی از حجهٔ الاسلام است و در هر صورت می‌تواند به نیت مافی الذمه محرم شود پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره و پس از آن حج تمتع بجا آورد والا اعمال حج افراد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و مجزی از حجهٔ الاسلام است. و حکم کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع بجاآورد در مناسک الحج مسأله ۱۰۲ و ۱۰۳ مذکور است.
آیهٔاللّه فاضل: کسی که به‌علت ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع به‌جا آورد، می‌تواند قصد حج افراد کند، ولی کفایت از حجهٔالاسلام او نمی‌کند.

ص:۶۲

مگر هـدی را که واجب نیست بر او، بعـد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سـعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، پس در این وقت از احرام خـارج می‌شـود، بعـد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمـال ایـام تشـریق به همـان نحـو که سـایر حجـاج بجا می‌آورنـد، پسـصورت حـج افراد عینصورت حج تمتع است با یک «(۱)» فرق که در حـج تمتع هـدی بایـد ذبـح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

(م ۱۷۴)

۶۳-صورت عمره مفرده- که بایـد کسـی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد از حج بجا آورد «(۲)»- آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیکتر به مسجد الحرام است محرم شود، و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سـعی بینصفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر بتراشد و طواف نساء بجا آورد و نماز طواف بخواند.

(م ۱۷۵)

۶۴- عمره مفرده با عمره تمتع که تفصـیلا خواهـد آمـد درصورت فرق نـدارد مگر در سه چیز: «(۳)» اوّل: آنکه در عمره تمتّع بـاید تقصیر کند، یعنی از مو یا ناخن خود

۱- - آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: حج افراد با حج تمتّع در تمام اعمال مشترک هستند و در ۶ جهت با هم فرق دارند.
آیهٔ اللّه زنجانی: با چند فرق که در مناسک‌الحجّ مذکور است.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: در صورت تمکن.
آیهٔ اللّه زنجانی: باید بعد از حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده بجا آورد، هرچند حج تمتع او استحبابی باشد و بهتر است آن را در اوایل محرّم بجا آورد. و میقات آن خارج حرم است و بهتر است از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم گردند.

۳- - آیات عظام فروق بیشتری را متذکر شده‌اند که به مناسک آنان مراجعه شود.

ص:۶۳

باید بگیرد، «(۱)» و سر تراشیدن «(۲)» جایز نیست و در عمره مفرده مخیّر است «(۳)» بین سر تراشیدن و تقصیر.

دوّم: آنکه در عمره تمتّع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.

سوّم: آنکه میقات عمره تمتّع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آید. «(۴)» و میقات عمره مفرده ادنی‌الحلّ است «(۵)» و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود.

(م ۱۷۶)

۶۵- کیفیت أفعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و

۱- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط واجب این است که تنها به کوتاه کردن ناخن اکتفا نشود.

۲- - آیهٔ اللّٰه فاضل: حرام است و مجزی نیست.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: سر تراشیدن کفایت نمی‌کند و در عمره مفرده مردان بین تراشیدن سر و تقصیر مخیر هستند و تراشیدن سر افضل است.

۳- - آیهٔ‌اللّٰه بهجت: با افضلیّت حلق

۴- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: کسی که از مواقیت یا حوالی آن عبور می‌کند باید از مواقیت محرم گردد و کسی که ازنقاط دیگر عبور می‌کند و کسی که در مکه است خارج حرم از هر کجا محرم شوند کافی است و در این جهت فرقی بین عمره تمتع و عمره مفرده نیست.

۵- - آیات عظام خویی، خامنه‌ای، سیستانی، تبریزی: احرام بستن برای عمره مفرده باید از همان مواقیت عمره تمتّع باشد و اگر مکلّف در مکّه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد جایز است از حرم خارج شده و احرام ببندد و واجب نیست به یکی از مواقیت عمره تمتّع برود و بهتر است که احرامش از یکی از این سه محلّ باشد: حدیبیه، جعرانه، تنعیم.

آیهٔ‌اللّٰه بهجت: اگر در حرم باشد، و میقات است در صورت مرور به آن.

آیهٔ‌اللّٰه فاضل: برای کسی که از میقات یا محاذات آن عبور می‌کند و می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد، واجب است از میقات یا محاذات آن محرم شود، ولی کسی که از میقات یا محاذات آن عبور نمی‌کند کسانی که به جده می‌روند یا در مکه هستند و می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، می‌توانند به یکی از مواقیت خمسه بروند و از آن‌جا محرم شوند یا از ادنی‌الحل محرم شوند و عمره مفرده انجام دهند.

ص:۶۴

اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام مشترک هستند، «(۱)» و کیفیت افعال عمره تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمره مفرده است.

(م ۱۷۷)

۶۶- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده «(۲)» فرسنگ شرعی دور باشند اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج می کنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورد. «(۳)»

(م ۱۷۹)

۶۷- کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.

(م ۱۸۰)

۶۸- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی بجا آورد. «(۴)»

(م ۱۸۱)

۶۹- کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکّه شد اگر احرامش در

۱- – آیهٔ اللَّه زنجانی، آیهٔاللَّه فاضل: در برخی از احکام بین حج تمتع و حج افراد تفاوت هست، مثلًاتقدیم اعمال مکه بر وقوفین در حج افراد اختیاراً جایز است برخلاف حج تمتع، و همچنین کسی که احرام حج تمتع می‌بندد تا طواف‌های حج تمتع را بجا نیاورده نمی‌تواند طواف مستحبی بجا آورد و این امر در حج افراد[آیهٔاللَّه زنجانی: اشکال ندارد] مشروع است.

۲- – آیهٔ اللَّه زنجانی: بیش از شانزده.

۳- – آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط واجب است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: مخصوصاً کسی که استطاعت انجام عمره مفرده را از مکان خود داشته باشد.

۴- – آیهٔاللَّه بهجت: در عمره مفرده تقدیم طواف نساء بر تقصیر در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است.

ص:۶۵

ماههای حجّ بوده «(۱)» جایز است درصورتی که حجّ تمتّع مستحبی باشد که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در اینصورت هدی بر او واجب می‌شود. «(۲)»

(م ۱۸۲)

۷۰- اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد باید عمره دوّم را به قصد رجاء بجاآورد و فرقی «(۳)» بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده‌ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد نیست.

مقصود از ماه در این مسأله ماه هلالی است «(۴)» نه سی روز و اگر در بین ماه

۱- – آیةاللَّه تبریزی: تا وقت حجّ در مکّه باقی ماند.

آیـةاللَّه سیستانی: اگر عمره مفرده را در ماه‌های حـجّ انجام دهـد و در مکّه تا روز هشـتم ذی‌الحجّـهٔ بمانـد و قصد حجّ کند عمره او عمره تمتّع به حساب می‌آید.

۲- – آیهٔ اللَّه زنجانی: بر کسـی که در ماه‌های حج عمره مفرده مسـتحبی بجا آورده و از مکه خارج نشده، جایز بلکه مسـتحب است که آن را عمره تمتع مسـتحبی قرار بدهـد و بعد از آن حج تمتع بجا آورد و چنانچه انجام حج تمتع بر او واجب باشد باید عمره تمتع بجا آورد و عمره مفرده قبلی کفایت نمی‌کند.

۳- – آیهٔ اللَّه بهجت: در این مسأله و دو مسأله بعدی به حاشیه مسأله ۶۱ مراجعه شود. و حکم اجرت هم ازآن معلوم می‌شود.

آیات عظام خویی، سیسـتانی، تبریزی، فاضل، صافی: در یک ماه قمری نمی‌توانـد دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نظر ایشان در خصوص این مسأله و دو مسأله بعد ذیل مسأله ۶۱ آمده است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه زنجانی: فاصله بین دو عمره شرط نیست.

۴- – آیهٔ اللَّه مکارم: بلکه میزان این است که در هر یک از ماههای قمری می‌توان یک عمره مفرده‌انجام داد.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیسـتانی: چنانکه گذشت در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد پس اگر یک عمره را در اواخر ماه انجام دهد عمره دیگر را در اوّل ماه بعد مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه فاضل: میزان عنوان ماه است.

ص:۶۶

عمره بجاآورده احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کند.

(س ۱۸۶ و ۱۸۷)

۷۱- اگر زنی به نیّت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکّه باشد حیض است باید برای طواف و نماز نائب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه از مکّه رفته باشد باید برگردد و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نائب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بجا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

(س ۱۸۹)

۷۲- عمره مفرده قبل از عمره تمتّع با فاصله شدن کمتر از یک ماه جایز است «(۱)» ولی عمره مفرده بعد از عمره تمتّع با فاصله شدن کمتر از یک ماه به قصد رجاء انجام شود. «(۲)»

(س ۱۹۴)

۱- - آیـةاللّه گلپایگانی، آیةاللّه صافی: برای کسـی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب‌نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد.

۲- - آیة اللّه بهجت: به حاشیه مسأله ۶۱ مراجعه شود.

آیـة اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب بین عمره تمتّع و حـج، عمره مفرده انجام ندهـد لکن بعد از اتمام حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست.

آیة اللّه فاضل: در فرض مزبور فاصله و قصد رجا لازم نیست امّا بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع نمی‌تواند عمره مفرده انجام دهد.

آیة اللّه گلپایگانی: قصد رجاء لازم نیست.

آیة اللّه خویی: بعد از فراغ از اعمال حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست.

آیة اللّه صافی: اگر هر دو را برای خود انجام می‌دهد در عمره مفرده قصد رجاء نماید.

آیة اللّه نوری: بین عمره تمتّع و عمره مفرده فاصله لازم نیست چه قبل باشد چه بعد و فاصله ده روز بین دو عمره مفرده معتبر است.

آیة اللّه سیستانی: انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و اعمال حج، موجب بطلان عمره تمتع است ولی اگر بعد از اعمال حج و در ماه دیگر قمری غیر آنچه در آن برای عمره تمتع محرم شـده بود انجـام دهـد اشـکال نـدارد و اگر در همـان مـاه باشـد خالی از اشـکال نیست.

آیة اللّه تبریزی: به ذیل مسأله ۶۱ مراجعه شود.

آیة اللّه زنجانی: کسـی که عمره مفرده انجام داده بلافاصله می‌تواند احرام عمره تمتع ببندد و همچنین کسی که حج تمتع بجا آورده می‌توانـد بعـد از ایـام تشریق عمره مفرده بجـا آورد و انجام عمره مفرده در بین عمره و حـج تمتع باعث بطلان عمره تمتع می‌شود و صحت آن عمره مفرده خالی از اشـکال نیست و بنابر احتیاط بایـد از حرم خارج شود هر چنـد نباید از مکه خارج گردد لذا می‌تواند مثلًا به تنعیم برود و رجاءً به عمره تمتع محرم شده اعمال آن را رجاءً بجا آورد و کفایت می‌کند.

ص:۶۷

صورت اجمالی حجّ تمتّع

۷۳- حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتع، و دیگری حج تمتع. و عمره تمتع مقدم است بر حج.

و عمره تمتع مرکّب است از پنج جزء:

اول- احرام.

دوم- طواف کعبه.

سوم- نماز طواف.

چهارم- سعی بین کوه صفا و مروه.

ص:۶۸

پنجم- تقصیر، یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن. «(۱)» و چون محرم از این اعمال فارغ شد آنچه بر او بواسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می‌شود. «(۲)» و حج تمتع مرکّب است از سیزده عمل:

اول- احرام بستن در مکه.

دوم- وقوف به عرفات.

سوم- وقوف به مشعر الحرام.

چهارم- انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی.

پنجم- قربانی در منی.

ششم- تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم- طواف زیارت در مکه.

هشتم- دو رکعت نماز طواف.

نهم- سعی بینصفا و مروه.

دهم- طواف نساء.

یازدهم- دو رکعت نماز طواف نساء.

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است که تنها به گرفتن ناخن قناعت نکند.

۲- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: بجز تراشیدن سر، و امّا سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمره تمتع در ماه شوال بجا آورده شود سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است و امّا بعد از آن احتیاط این است که سر تراشیده نشود و چنانچه تراشیده شد و از روی علم و عمد بود احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: ولی تراشیدن سر جایز نیست و اگر سر بتراشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد بنابر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

ص:۶۹

دوازدهم- ماندن در منی، شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم- در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند. «(۱)»

(ص ۱۰۰ و ۹۹)

۷۴- بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتع که آن را میقات می‌نامند مختلف می‌شود به اختلاف راههایی که حجاج از آنها بطرف مکه می‌روند، و آن پنج محل است:

اوّل: مسجد شجره؛ که آن را ذوالحلیفه می‌نامند میقات کسانی است که از مدینه منوّره به مکّه می‌روند.

دوّم: وادی عقیق.

سوّم: قرن المنازل.

چهارم: یلملم.

پنجم: جحفه.

(م ۲۰۰)

۷۵- احتیاط واجب «(۲)» آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود

۱- - آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، تبریزی: بنابر احتیاط.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشدکفایت می‌کند هرچند از داخل مسجد مستحب است.

آیهٔ اللّه خویی: احرام از منطقه ذو الحلیفه، مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره برای کسانی که از طریق مدینه به سوی مکه حرکت می‌کنند کفایت نمی‌کند و واجب است داخل مسجد محرم شوند.

آیهٔ اللّه بهجت: جایز نیست در بیرون مسجد بطوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و اختیاراً باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: جایز است در بیرون مسجد بطوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و احوط این‌است که‌درصورت امکان ازدرون‌مسجداحرام بسته‌شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.

ص:۷۰

نه خارج آن، «(۱)» هر چند نزدیک به آن باشد. «(۲)»

(م ۲۰۲)

۷۶- شخص جنب و حائض می‌توانند «(۳)» در حال عبور از مسجد محرم شوند، «(۴)» و نباید در مسجد توقف کنند.

(م ۲۰۳)

وادی عقیق که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامّه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

(ص ۱۱۱)

۱- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: کسی که می‌خواهد محرم شود، باید در مسجد شجره نیت احرام حج یا عمره را انشاء کند، یعنی از قلب خود بگذراند که- مثلًا-« خود را محرم به عمره تمتع قرار می‌دهم» ولی مکان گفتن تلبیه واجب کلّ منطقه ذوالحلیفه است، پس اگر تلبیه واجب را در خارج مسجد هم بگوید، صحیح است.

۳- - آیهٔ اللَّه تبریزی: شخص جنب و حائض در خارج مسجد محرم می‌شود و تجدید تلبیه در جحفه‌لزومی ندارد ونیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی: این مسأله و دو مسأله بعد مبنی بر لزوم احتیاط است و در مسأله قبل گفته شد که احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

۴- - آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔاللَّه زنجانی: می‌توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: برای حائض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

آیهٔاللَّه فاضل: اگر امکان نداشته باشد، یعنی مسجد دو درب نداشته باشد یا امکان عبور از مسجد به جهت ازدحام و موانع دیگر نباشد، کنار مسجد محرم شوند و در این فرض تجدید احرام در جحفه یا محاذات آن لازم نیست.

ص:۷۱

قرن المنازل و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.

(ص ۱۱۱)

یلملم که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.

(ص ۱۱۱)

جحفه و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند. «(۱)»

(ص ۱۱۱)

۷۷- کسی که بواسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر «(۲)» بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می‌توانست با برگشـتن برسد واجب است برگردد و از میقات «(۳)» احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن «(۴)» نیست به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده از همانجا احرام ببندد، و احتیاط مسـتحب «(۵)» آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات

۱- – آیهٔ اللَّه سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده‌اند هرچند بدون عذر.

۲- – آیـهٔ اللَّه بهجت: عـذری که مسوّغ ترک باشد و لو ظاهراً، از قبیل مرض و جهل به موضوع بدون تقصـیر، و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد و این در مسأله بعدی نافع است.

۳- – آیهٔ اللَّه سیسـتانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هرچندعمدی باشد می‌تواند از جحفه محرم شود، گر چه گناه کرده است.

آیهٔ اللَّه مکارم: می‌تواند از همانجا محرم شود.

آیـهٔ اللَّه زنجـانی: واجب است از همـان میقـات احرام ببنـدد و اگر نمی‌توانـد به همان میقات برگردد چنانچه میقات دیگری سـر راه اوست، از میقـات بعـدی محرم شود والاـ از همانجـا که هست محرم می‌گردد مگر داخل حرم شـده باشـد که در صورت امکان باید برای احرام از حرم خارج گردد و در هر صورت اگر از یکی از مواقیت محرم شود کافی است.

۴- – آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کند از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

۵- – آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب.-

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد از حرم خارج شود و هرچند به تنعیم رود.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

ص:۷۲

بر گردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می‌تواند وبه اعمال عمره می‌رسد از حرم خارج شود «(۱)» و محرم گردد، و اگر نمی‌تواند بنحوی که گفته شد همانجا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هرقدر می‌تواند به طرف خارج حرم بر گردد و آنجا محرم شود.

(م ۲۱۵)

۷۸- جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببنددصحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، «(۲)» و باید از همانجا محرم شود. مثلا اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر «(۳)» آن است که به میقات یا

۱- – آیهٔ اللّٰه مکارم: هرچند به تنعیم رود.

آیهٔاللّٰه گلپایگانی، آیهٔاللّٰه صافی: ودر میقات محرم گردد ویا به طرف میقات به مقداریکه ممکن است برود وإلّا از ادنی‌الحل محرم شود و در صورت عدم تمکّن از رفتن به ادنی‌الحلّ در مکّه محرم شود.

آیهٔ اللّٰه بهجت: و احتیاط به دور شدن از حرم بمقدار عدم فوت حج ترک نشود.

۲- – آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرم می‌شود مانند استظلال انعقاد نذر مورداشکال است.

آیهٔاللّٰه فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند، محل اشکال است. بلی، اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود، می‌تواند نذر کند و معصیت هم نکرده است و احرام او صحیح است و احتیاط این است که در ادنی‌الحل تجدید احرام کند و علی أی حال اگر استظلال کرد، باید کفاره آن را بدهد.

۳- – آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور ازمیقات تلبیه را تجدید کند.

آیهٔ اللّٰه فاضل: تجدید احرام لازم نیست.

ص:۷۳

محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند. «(۱)»

(م ۲۱۷)

۷۹- جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط «(۲)» واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

(م ۲۱۸)

۸۰- اگر از میقات بدون احرام «(۳)» عبور کرد واجب است درصورت

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می‌تواند از راهی به مکّه برود که بر- میقات نگذرد.

آیـهٔ اللّه زنجانی: اگر از یکی از مواقیت یا نزدیکی آن عبور می‌کنـد باید از همان میقات محرم شود و نذر کردن مجوز احرام قبل از میقات نیست و اگر از مواقیت و نزدیک آن عبور نمی‌کنـد از هر کجای حل محرم شود کافی است و نیازی به نـذر نیست. هرچند با نذر احرام بستن از محل نذر شده بر او واجب می‌شود مشروط بر آن که مستلزم ارتکاب محرمات احرام- مانند استظلال- نباشد.

۲- - آیهٔ اللّه بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذو الحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً.

آیهٔ اللّه سیستانی: و احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد مگر با احرام، اگر چه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: بلکه واجب است.

آیهٔ اللّه فاضل: این احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّه خوئی: تجاوز نمودن از میقات مسجد شجره و محاذات آن و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر مشکل است.

آیـهٔ اللّه زنجـانی: گذشـتن از مواقیت و محاذات نزدیک آن بـدون احرام جایز نیست و گذشـتن از محاذات بعیـد مانعی نـدارد، پس چنانچه میقات دیگری سر راهش نباشد، هرکجا خارج حرم محرم شود کافی است.

۳- - آیهٔاللّه فاضل: در حج تمتع بدون عذر.

آیهٔ اللّه بهجت: در حال اختیار.

آیـهٔ اللّه زنجانی: اگر بـدون عـذر بی احرام از میقات گـذشت بایـد اگر می‌توانـد به آن میقات برگردد و از آنجا محرم شود هرچند میقات دیگری بعـد از آن باشـد، و در هر صورت اگر به میقات دیگری رفته محرم شود کافی است. و اگر نمی‌توانـد چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از آنجا محرم می‌شود والا حج و عمره او باطل است و داخل شدن در حرم و مکه برایش جایز نیست.

ص:۷۴

امکـان برگردد و از آن میقـات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعـد از آن میقات باشـد بایـد به احتیاط واجب «(۱)» برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.

(م ۲۱۹)

۸۱- اگر زن در میقات حائض باشـد و یقین کنـد که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند «(۲)» و برای حج

۱- – آیهٔ اللّه سیستانی: و هرگاه بدون احرام از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشـته و بـه جحفـه رسـیده باشـد، کـه چنیـن شخصـی بنـابر اظهر برایش کـافی است که از جحفه احرام ببنـدد، اگر چه گناهکار است.

آیات عظام خامنه‌ای، خویی، گلپایگانی، تبریزی، بهجت، صافی: در صورت امکان باید برگردد.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

۲- – آیـهٔ اللّه گلپایگانی، آیـهٔ اللّه صافی: جمعی فرموده‌انـد:« واجب است از میقات محرم به حـج‌افراد شود»، لکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصـد کند محرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشـتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را تمام کند و مُحِلّ شود و بعد اعمال حج را بجا آورد، و حج تمتع او صـحیح است، و اگر پاک نشد به همان احرام اعمال حج افراد را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورده و حج افراد صحیح است.

آیهٔ اللّه خویی: اگر به نیّت مافی‌الذمّه محرم شود اشکالی نیست ولی اگر به نیت حج افراد محرم شود و بعد پاک شود احرامش باطل است.

آیـهٔ‌اللّه خامنه‌ای: می‌توانـد به نیت حـجّ افراد محرم شود و نیز می‌تواند به‌قصد مافی‌الذمهٔ داخل احرام شود، ولی در صورت اول، اگر زودتر از موعـد مقرر پاک شود لازم است برای عمره تمتع، بار دیگر محرم شود. و اما در صورت دوّم اگر پیش از موعد پاک نشد، احرام او برای حج خواهد بود و اگر پیش از موعد پاک شد، با همان احرام می‌تواند عمره تمتع به‌جا آورد.

آیـهٔ اللّه مکارم، آیهٔ‌اللّه فاضل: بهتر است در موقع احرام قصد کند احرامی را که بر او واجب است انجام می‌دهد، تا مشـکلی برای او پیش نیاید.

آیـهٔ اللّه تبریزی: می‌توانـد به قصد مافی‌الذمّه احرام ببندد و چنانچه قبل از گذشـتن وقت عمره تمتع پاک شد، عمره تمتع بجا آورد و بعـد حـج آن را انجام دهد. و اگر پاک نشد به همان احرام حج افراد بجا آورد و سـپس عمره مفرده انجام دهد بلکه اگر بقصد حج افراد احرام بست، و قبـل از گذشـتن وقت عمره پاک شـد، با همان احرام اعمال عمره تمتع را انجام داده و سـپس حـج تمتع را انجام دهد، گرچه احتیاط مستحب در این صورت تجدید احرام برای عمره تمتع می‌باشد.

ص:۷۵

افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد «(۱)» درصورتی که برای حَجّةُ الاسلام محرم شده احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود. «(۲)»

(م ۲۲۱)

۸۲- کسانی که با هواپیما به جدّه می‌روند «(۳)» نمی‌توانند از جدّه

۱- - آیـهٔ اللَّه گلپایگانی، آیـهٔ اللَّه صافی: لازم است این حج افراد را عدول به عمره تمتع کند، یعنی طواف ونماز آن و سـعی را بجا آورد و تقصـیر کند و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را بجا آورد. و این مخصوص کسی است که مکلّف به حج تمتع باشد، و امّا کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام نماید.
آیهٔ اللَّه سیستانی: عدول کند به عمره تمتع و اعمال آن را انجام دهد و باید رعایت کند که پس از انجام سعی تلبیه نگوید.
سایر آیات عظام متذکر مسأله کشف خلاف نشده‌اند. و در نیّت افراد با حضرت امام رحمه الله موافق هستند.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: حکم این فرع در حاشیه مسأله ۶۲ گذشت.

۳- - آیـهٔ اللَّه زنجانی: اگر از میقات یا نزدیکی آن عبور نمی‌کننـد می‌تواننـد از جـده بلکه هر کجای خارج‌حرم مانند حدیبیه محرم شوند. ولی نباید بدون احرام وارد مکه شوند پس برای محرم شدن نباید به مسجد تنعیم بروند.

ص:۷۶

یا حـدیبیّه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه «(۱)» بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شونـد و در این حکم فرقی بین اینکه قصـد عمره تمتع یـا مفرده داشـته باشـند نیست «(۲)» وحـدیبیّه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند. «(۳)»

(م ۲۲۲)

۸۳- میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌تواننـد محرم شونـد و همچنین مسـجد تنعیم خصوصـیّت ندارد «(۴)» و احرام از ادنی الحلّ صحیح است «(۵)» هر چند در مسجد نباشد بنابراین درصورت

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن.

آیهٔ اللَّه سیستانی: می‌تواند از جدّه با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، فاضل، صافی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحلّ کفایت می‌کند، اگرچه‌با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است.

۳- - آیـهٔ اللَّه خویی، آیـهٔ اللَّه تبریزی: و نیز کسـی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده است می‌تواند از ادنی‌الحل برای عمره مفرده محرم شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می‌خواهد وارد حرم شود همان میقاتهای معروف است ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشـته و از میقات گذشـته و سـپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می‌تواند از ادنی‌الحل محرم شود.

آیـهٔ اللَّه زنجانی: کسانی که در مکه هسـتند برای محرم شدن لازم نیست به مواقیت معروفه بروند، بلکه از هر نقطه خارج حرم محرم شوند صحیح است و ادنی‌الحلّ و حدیبیه و سایر حدود حرم خصوصیتی ندارد.

۴- - آیهٔ‌اللَّه زنجانی: و احرام از هر نقطه خارج حرم صحیح است.

۵- - آیهٔ اللَّه مکارم: ادنی الحل میقات عمره مفرده است.

ص:۷۷

توسعه مسجد باصدق جحفه در اوّل و ادنی‌الحلّ در ثانی احرام اشکال ندارد.

(س ۲۳۶)

۸۴- بعد از اتمام حجّ تمتّع اگر شخص از مکّه خارج شود و بخواهد مراجعت کند درصورتی که از وقت احرام «(۱)» عمره تمتع یک ماه نگذشته «(۲)» است لازم نیست محرم شود و می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود.

(س ۲۴۱)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: اگر از زمانی که آخرین واجب حج را انجام داده است سی روز نگذشته لازم نیست‌محرم شود.

آیهٔ‌اللّه فاضل: اگر در ماه قمری بعد وارد شود، عمره تمتع قبلی او باطل شده است و نمی‌تواند حج تمتع انجام دهد، مگر این‌که مجدداً به یکی از مواقیت خمسه رفته و محرم به احرام عمره تمتع شود و سپس بعد از انجام عمره، حج تمتع به‌جا آورد.

۲- - آیهٔ اللّه خویی: در همان ماهی که عمره تمتّع انجام داده اگر برگردد لازم نیست محرم شود.

آیهٔ‌اللّه گلپایگانی: اگر قبل از گذشتن یک ماه سی روز از مُحل شدن قصد ورود داشته باشد، احرام جدید لازم نیست.

آیات عظام مکارم، تبریزی، صافی، فاضل: در همان ماهی که محرم شده مراجعت کند لازم نیست محرم شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتّع را انجام داده است لازم نیست محرم شود.

آیهٔ اللّه بهجت: در این صورت عدم فاصله اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره وارد مکه شود اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اوّل ماه دیگر باشد و همچنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه.

ص:۷۸

ص:۷۹

واجبات احرام

۱- نیّت، ۲- تلبیه، ۳- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان. «(۱)»

(م ۲۵۱)

۸۵- در وقت احرام سه چیز واجب است:

اول- نیت، «(۲)»

یعنی انسان در حالی که می‌خواهد محرم شود به احرام

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: بنابر احتیاط مستحب مؤکد، برای احرام غسل کند و انشاء نیت احرام او پس از نماز- واجب یا مستحب- باشد و بسیار شایسته است که غسل نماز را ترک نکند.

۲- - آیات عظام خویی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت: در نیت چند چیز معتبر است:

۱- قصد قربت، مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

آیهٔ اللّه بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم.

۲- همزمان بودن با شروع در احرام.

۳- تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، و تعیین این که برای خود است یا برای دیگری، و تعیین این که حجش حجهٔ الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجی است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است. خلاصه هریک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: حجهٔ الاسلام عنوان قصدی نیست و اگر مکلّف مستطیع برای خود حج بجا آورد حجهٔالاسلام است مگر با علم و عمد قصد حجّ استحبابی نماید.

آیهٔ اللّه سیستانی: در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتّع است یا قِران یا افراد، و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر ننماید و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد، و لزومی ندارد قصد کند حجی که انجام می‌دهد- مثلًا- حج نذری است، همچنان که برای اینکه حجی که انجام می‌دهد حجهٔالاسلام باشد، کفایت می‌کند که حجهٔالاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی: در نیت احرام- مانند هر امر عبادی- سه امر معتبر است الف: قصد عمل، ب: تعیین نوع احرام، پس باید در نیت احرام معین کند که احرام عمره است یا حج، تمتع است یا افراد، واجب است یا مستحب و اگر نیابی است قصد نیابت و تعیین منوب‌عنه نیز لازم است. ج: قصد قربت و خلوص. در نیت احرام رعایت چند امر دیگر نیز لازم است: ۱- وجود ارتکازی نیت کافی نیست بلکه لازم است چنین معنایی را از قلب خود بگذراند که« خود را محرم می‌کنم- مثلًا- به عمره تمتع». ۲- در نیت عمره تمتع لازم است قصد انجام مجموع عمره و حج تمتع را داشته و عمره تمتع را به عنوان بخش اول این مجموعه بجا آورد. ۳- در احرام

عمره مفرده باید هنگام احرام تصمیم داشته باشد- ولو اجمالًا- که از ارتکاب عمل حرامی که باعث فساد عمره مفرده می‌شود/ جماع قبل از تمام شدن سعی پرهیز کند.

ص:۸۰

عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را و لازم نیست «(۱)» قصد کند ترک محرماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می‌شود، «(۲)» بلکه کسی که بقصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک‌های واجب را گفت، محرم می‌شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند. پس کسی که می‌داند بعضی از محرمات را مرتکب می‌شود مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام اوصحیح «(۳)» است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک

۱- - آیات عظام گلپایگانی، بهجت، صافی: لازم است قصد کند ترک کارهایی که بر محرم حرام است.

آیهٔ اللَّه مکارم: نیت احرام این است که قصد می‌کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.

۲- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: لکن باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می‌کند نداشته باشد.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

ص:۸۱

محرمات را.

(ص ۱۳۳- ۱۳۲)

۸۶- عمره و حج و اجزاء «(۱)» آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت «(۲)» خداوند تعالی بجا آورد. «(۳)»

(م ۲۵۳)

۸۷- دوّم- تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن، وصورت آن بنابر اصحّ آن است که بگوید:

«لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْک». «(۴)»

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب «(۵)» آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را بصورتی که

۱- - آیهٔ اللَّه نوری: و همچنین احرام.

۲- - آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

۳- - آیهٔ اللَّه نوری: و باید نیّت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتّع حج تمتّع را انجام بدهد.

۴- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و نباید به این مقدار اکتفا کند بلکه باید پس از آن بگوید« ان الحمد والنعمهٔ لک والملک، لاشریک لک» و گفتن لبیک پنجم واجب نیست و با گفتن تلبیه واجب محرم می‌شود و پس از آن باید از محرمات احرام اجتناب کند و همچنین واجب است حج یا عمره‌ای را که برای آن محرم شده به پایان برساند. پس اگر احرام عمره تمتع بسته باید آن را تکمیل کرده، پس از آن حج تمتع را به‌جا آورد.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاط واجب این است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: صورت تلبیه واجب که بوسیله آن احرام واقع می‌شود این است:« لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیکَ لَبَّیکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ» احتیاط در این است این جمله اضافه شود:« انَّ الْحَمدَ وَ النِّعْمَهَٔ لَکَ وَ الْمُلکَ لا شَریکَ لَک» و بهتر است بعد از آن بگویند: لَبَّیْکَ.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب است که جمله دوّم را بگوید امّا لبّیک پنجم را نگوید، البته گفتن آن به‌قصد احتیاط مانعی ندارد و در هر حال ضرری به صحّت لبیک وارد نمی‌کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزء این احتیاط استحبابی نیست.

ص:۸۲

گفته شد گفت، بگوید:

«انَّ «(۱)» الْحَمْدَ وَ النِعْمَةَ لَکَ وَ الْمُلْک، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْک».

و اگر بخواهد احتیاط «(۲)» بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّیْکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ انَّ الْحَمْدَ و النِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَرِیْکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ داعِیاً إِلی دارِ السَّلام لَبَّیْک، لَبَّیْکَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ أَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ ذَا الْجَلالِ وَ الْإِکْرام لَبَّیْک، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إِلَیْک، لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ، تَسْتَغْنِی وَ یُفْتَقَرُ إِلَیْکَ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَیْکَ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ إِلَهَ الْحَقِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ یا کَرِیم».

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَبَّیْکَ أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَعاً لَبَّیْک، لَبَّیْکَ هذِهِ عُمْرَةُ مُتْعَةٍ إِلی الْحَجِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ أَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ تَلْبِیَةً تَمامُها وَ بَلاغُها عَلَیْک».

۱- – آیهٔ اللّٰه بهجت: وجوب کسر همزه انّ متّجه است.

۲- – آیات عظام خویی، تبریزی و سیستانی: این احتیاط در مناسک ایشان نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اوّل بگوید.

ص:۸۳

۸۸- معنی تلبیه چنین است: ترجمه

«لَبَّیْکَ، اللّهُمَّ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ»

چنین است: «(۱)» اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را. و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

۸۹- اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند «(۲)» باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او بطورصحیح بگوید.

(م ۲۵۹)

۹۰- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواندبگوید احتیاطآن‌است که‌به‌هر نحو که می‌تواند بگوید، «(۳)» و ترجمه‌اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب «(۴)» هم بگیرد.

(م ۲۶۲)

۱- - آیهٔ اللّٰه نوری: با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا، با کمال میل و شوق اجابت‌می‌کنم، اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی نیست مرتو را، با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم تو را.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: چنانچه وقت احرام وسعت دارد و می‌تواند آن را یاد بگیرد باید احرام را تا تنگی‌وقت به تأخیر بیندازد تا آن را یاد بگیرد یا لااقل با تلقین تلبیه را به طور صحیح ادا کند و اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید باید برای گفتن تلبیه نایب بگیرد و بنابر احتیاط مستحب خود نیز به بهترین شکلی که می‌تواند- ولو با تلقین دیگری- تلبیه بگوید. و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۳- - آیهٔ اللّٰه فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید ونایب نیز بگیرد.

۴- - آیهٔ اللّٰه بهجت: می‌تواند احتیاط کند به جمع بین این و استنابه اگرچه جواز اکتفاء به همان مقداریکه می‌تواند با ضمّ ترجمه عبارت صحیحه خالی از وجه نیست مثل اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانائی به هیچ مقدار و نیز اکتفاء به استنابه عدم قدرت بر ترجمه هم، کما اینکه لال اکتفاء به تحریک لسان و اشاره به انگشت با عقد قلب می‌نماید و اگر ممکن نباشد استنابه می‌کند.

آیهٔ‌اللّٰه تبریزی، آیهٔ‌اللّٰه مکارم: احوط این است نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: باید به هر نحو که می‌تواند بگوید و بنابر احتیاط نایب هم بگیرد.

آیهٔ‌اللّٰه خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست. و نیز اخرس گنگ ولال کافی است با اشاره تلبیه بگوید گرچه احوط استنابه نیز هست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیهٔ اللّٰه نوری: نایب گرفتن لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می‌تواند بخواند و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاءاً که از طرف او بطور صحیح بخواند.

ص:۸۴

۹۱- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هرچه می‌توانـد، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شـده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بسـتن گفته است تکرار کند، بلکه کافی «(۱)» است بگوید «لبیک اللهم لبیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

(م ۲۶۷)

۹۲- احتیاط واجب «(۲)» آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: بقصد رجاء.

۲- - آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، مکارم: واجب است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: قطع تلبیه عمره‌تمتع در هنگام پیدا شدن خانه‌های مکه وقطع تلبیه حج از زوال روز عرفه واجب است.

آیـهٔ اللَّه زنجانی: در عمره تمتع بعـد از مشاهده خانه‌های مکه دیگر تکرار تلبیه مسـتحب نیست و مراد از مکه در این مسأله، محدوده مکه زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و در احرام حج بعد از رسیدن ظهر روز عرفه دیگر تکرار تلبیه مستحب نیست.

ص:۸۵

دروقتی که‌خانه‌های مکه‌پیدا می‌شودلبیک راترک کند و دیگر لبیک نگوید، و مراد از خانه‌های مکه «(۱)» خانه‌هایی است که در زمانی که عمره بجا می‌آورد جزء مکه باشد هرچند مکه بزرگ شود، «(۲)» و احتیاط واجب «(۳)» برای کسی که احرام‌حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

(م ۲۶۸)

۹۳- سوّم- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان «(۴)»

که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب «(۵)»

۱- - آیۀاللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب.

۲- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی، بهجت: بلکه مراد خانه‌های قدیمی مکه است.

۳- - آیات عظام خویی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت، فاضل: باید قطع نماید.

آیۀ اللَّه گلپایگانی، متعرض این مسأله نشده‌اند.

۴- - آیۀ اللَّه گلپایگانی: پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و واجب است که زنها نیز دوجامه را بپوشند اگرچه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند وبهتر آناست که درحال سعی وطواف دو جامه‌احرام را دربرداشته باشند.

آیۀ اللَّه فاضل: دو جامه‌ای که باید محرم بپوشد، مخصوص مرد است. ولی زن قبل از نیت و تلبیه به احتیاط واجب نیت کند. همان لباسی که پوشیده لباس احرامش باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط در حال نیّت و تلبیه دو لباس احرام را بپوشد.

آیۀ اللَّه صافی: احتیاط مستحب آنست که زنها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

آیۀ اللَّه زنجانی: پوشیدن لباس احرام شرط صحت احرام نیست، ولی از آن‌جا که پوشیدن لباس‌های معمولی بر محرم حرام است، لذا چنان‌چه کسی در لباس‌های معمولی نیت احرام کرده، تلبیه بگوید، محرم می‌شود، ولی در صورت عدم عذر گناهکار است و باید یک گوسفند قربانی کند.

۵- - آیۀ اللَّه بهجت: واجب است پوشیدن دو جامه در حال احرام، و محل پوشیدن، از باب مقدّمه قبل ازنیّت و تلبیه است و احتیاط در صورت تاخیر پوشیدن در اعاده نیّت و تلبیه است.

آیۀ اللَّه گلپایگانی، آیۀ اللَّه صافی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

ص:۸۶

آن است که «(۱)» این دو جامه را قبل از نیّت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط «(۲)» آن است که لبیک را دوباره بگوید.

(م ۲۶۹)

۹۴- در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب «(۳)» آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند «(۴)» و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

(م ۲۷۳)

۹۵- شرط است «(۵)» در این دو جامه که نماز در آنهاصحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأکول «(۶)» و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

(م ۲۷۴)

۹۶- دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد

۱- - آیهٔ اللَّه نوری: لباسهای دوخته را بکند، و این دو جامه را.

۲- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

آیهٔاللَّه فاضل: برای مردان که لباس احرام می‌پوشند واجب است که آنرا با قصد قربت بپوشند و زنان نیز لازم است نیت کنند لباسی را که پوشیده‌اند لباس احرام آنها باشد و در این نیت قصد قربت داشته باشند.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: در پوشیدن لباس‌احرام قصد قربت لازم است. متذکر نیت کندن لباس مخیط نشده‌اند

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: پوشیدن دو جامه احرام، واجب تعبّدی است.

آیات عظام خویی، تبریزی و سیستانی: بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر احتیاط. در مجموع موانع نماز خواندن در لباس.

آیهٔ اللَّه زنجانی: پوشیدن لباس احرام بر محرم واجب نیست لکن لباسی که محرم می‌پوشد باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد، خواه مرد باشد یا زن و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۶- - آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب در غیر درندگان.

ص:۸۷

است، «(۱)» ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یانباشد «(۲)» ولی حریر محض نباشد «(۳)» چنانچه گذشت.

(م ۲۷۷)

۹۷- احتیاط واجب «(۴)» آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه «(۵)» نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط «(۶)» مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

(م ۲۷۸)

۱- – نظر آیات عظام گلپایگانی، فاضل و صافی در سوّم از واجبات احرام پوشیدن لباس گذشت.

۲- – آیهٔاللَّه مکارم: و به هر رنگ باشد.

۳- – آیهٔ اللَّه بهجت: امّا زنان بنابر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند گرچه احتیاط در ترک آن است و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔاللَّه سیستانی: زنان می‌توانند در لباسهای عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد احرام ببندند.

۴- – آیهٔ اللَّه گلپایگانی: از مناسک فارسی، مطابق متن احتیاط وجوبی استفاده می‌شود ولکن در مناسک عربی احتیاط استحبابی فرموده‌اند.

آیهٔ اللَّه صافی: اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحبّ آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این حکم واجب است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر.

آیهٔ اللَّه زنجانی: بدن یا لباس محرم نباید نجس شود و اگر نجس شد باید بدون تأخیر تطهیر یا تبدیل شود.

۵- – آیهٔاللَّه فاضل: یا لباسی که زن محرم پوشیده.

۶- – آیهٔ اللَّه بهجت: و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنابر اظهر.

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط استحبابی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: این احتیاط لازم نیست.

ص:۸۸

۹۸- شخص محرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر. «(۱)»

(م ۲۸۵)

۹۹- گره زدن لباس احرام اشکال ندارد «(۲)» ولی احتیاط واجب «(۳)» آن است که آن را که لنگ قرار داده بگردن گره نزند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز «(۴)» است.

(م ۲۸۷)

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: لکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: لکن همه آنها باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام، و سنگ گذاشتن بین دوطرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاك داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچك، در جامه احرام برای آنکه آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

آیات عظام خویی، تبریزی، بهجت، سیستانی: احوط این است که ازار لنگ خویش را به گردن خود بلکه مطلقا گره نزند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: گره زدن لباس احرام و بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم و در هر حال به احرام او ضرر نمی‌زند.

۳- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بستن لنگ به گردن جایز نیست، ولی گره زدن لباس احرام یا گذاشتن سنگ یا چیز دیگر در میان آن و بستن با نخ چنان‌چه برای بستن جلوی رداء معمول است اشکال ندارد و همچنین بستن با سنجاق مادامی که از صدق مسمّای رداء خارج نشود.

۴- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه صافی: اگر بدون گِره باشد مانعی ندارد، بشرط آنکه دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.

آیهٔ اللَّه نوری: چنانکه جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر وصل کند.

ص:۸۹

بعضی از مستحبات احرام

۱۰۰- اوّل: آنکه قبلًا بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

دوّم: آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیزصحیح است «(۱)» و تقدیم این غسل بخصوص درصورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و درصورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث شد غسل را اعاده نماید. «(۲)»

۱- – آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: و کسی که به خاطر عذر تمکّن از غسل ندارد رجاءً بدل از غسل‌تیمّم نماید.

۲- – آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت نشد، غسل را اعاده می‌کند و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است غسل را اعاده می‌کند.

آیهٔ اللَّه بهجت: در انتقاض غسل سابق بغیر نوم، تأمّل است و اظهر در نوم، عدم انتقاض است، و آنکه اعاده، شبیه به مستحب در مستحب است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر محدث به حدث اصغر غیر از خواب بشود بهتر است رجاءً غسل را اعاده کند و غسل روز برای شب و غسل شب برای روز کفایت می‌کند، خصوصاً اگر غسل شب در آخر شب و غسل روز در آخر روز باشد.

ص:۹۰

سوّم: آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد درصورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و درصورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، «(۱)» و درصورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت أول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت أفضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل اوصلوات بفرستد آنگاه بگوید:

عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ، لا أُوقی إلّا ما وَقَیْتَ، وَ لا آخُذُ إلّا ما أَعْطَیْتَ، وَ قَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَ لُکَ أنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیکَصَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَوِیَنِی عَلی ما ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تَسَلَّمَ مِنِی مَناسِکِی فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الَّذِینَ رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إ نِی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ، اللَّهُمَّ فَتَمِمْ لِی حَجی وَ عُمْرَتِی، اللَّهُمَّ إ نِی أُرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إلی الْحَجِ عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیکَصَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَ آله، فَإنْ عَرَضَ لِی عَارِضٌ یَحْبِسُنِی، فَحُلَّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی لِقَدَرِکَ الَّذِی قَدَّرْتَ عَلَیّ، اللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَکَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ مُخِی وَ عَصَبِی مِنَ النِساءِ وَ الثِیابِ وَ الطِیبِ، أَبْتَغِی بِذَلِکَ وَجْهَکَ وَ الدَّارَ الْآخِرَة».

۱- – آیة اللّه فاضل، آیة اللّه بهجت: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضا محرم شود.

ص:۹۱

چهارم: آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف- وقت برخاستن از خواب.

ب- بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج- وقت رسیدن به سواره.

د- هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه- وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و- آخر شب. «(۱)» ز- اوقات سحر.

زن حائض و نفساء «(۲)» نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه خانه‌های مکه راببیند. و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است. «(۳)»

(م ۳۰۲)

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: آخر شب در مناسک ایشان نیامده است.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه بهجت: زن حائض و نفساء و جنب.

۳- - آیهٔ اللَّه بهجت: و همچنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

ص:۹۲

بعضی از مکروهات احرام

۱- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. «(۱)» ۲- احرام بستن در جامه راه راه. «(۲)» ۳- استعمال حنا «(۳)» پیش از احرام درصورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۴- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او راصدا نماید. «(۴)»

(م ۳۰۳)

محرّمات احرام به طور اجمال چنین است «(۵)»:

۱- استعمال عطریّات، ۲- نگاه کردن در آیینه، ۳- انگشتر به دست کردن، ۴- پوشیدن چیز دوخته، ۵- پوشیدن چیزی که تمام روی پا را

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: ولی می‌تواند آنها را تبدیل به احرامی تمییز کند.

۲- - آیهٔ اللَّه سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

آیهٔ اللَّه بهجت: این مورد در مناسک ایشان نیامده است.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگهای امروز نیست.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه بهجت: اظهر جواز استعمال حنا است قبل از احرام هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام.

۴- - آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: بلکه احتیاط مستحب ترک آن است.

آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود و همچنین کشتی گرفتن.

۵- - در مناسک مراجع عظام تفاوت‌هایی در صورت محرمات احرام دیده می‌شود که تفصیل آن در طی محرمات احرام خواهد آمد.

ص:۹۳

بگیرد برای مردان، ۶- پوشانیدن مرد سرخود، ۷- سایه قرار دادن بالای سر خود برای مردان. ۸- پوشیدن زیور برای زنان. ۹- پوشانیدن زنصورت خود را. ۱۰- روغن مالیدن به بدن. ۱۱- ازاله مو از بدن. ۱۲- سرمه کشیدن.

۱۳- ناخن گرفتن. ۱۴- بیرون آوردن خون از بدن خود. ۱۵- کندن دندان.

۱۶- فسوق. ۱۷- جدال. ۱۸- کشتن جانوران ساکن در بدن. ۱۹- کندن درخت و گیاه حرم. ۲۰- شکار حیوانصحرایی. ۲۲- آمیزش و استفاده شهوانی. ۲۳- عقد کردن. ۲۴- استمنا.

ص:۹۴

احکام محرّمات احرام

اشاره

آنچه از محرّمات احرام گفته شد برخی فقط بر مردان محرم حرام است وبرخی بر بانوان محرم‌حرام است وبخشی دیگربر هر دو گروه حرام می‌باشد، که در ابتدا احکام محرّمات مشترک بیان می‌شود و سپس احکام محرّمات مخصوص مردان و در پایان احکام محرّمات مخصوص بانوان.

محرّمات مشترک بین مردان و زنان:

استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عنبر بلکه مطلق «(۱)» عطر هر قسم که باشد.

(م ۳۳۴)

۱- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه بهجت: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از اینهاست.

آیهٔ اللّه تبریزی: این حکم در غیر زعفران وعود و عنبر و مشک وورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّه سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می‌شود چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوشی دارد نیز اجتناب کند.

آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: و نیز استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط جایز نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی: بوییدن مطلق اشیاء خوشبو خواه از عطریات باشد یا گلها و سبزیجات خوشبو بلکه بوییدن میوه‌جات خوشبو بر محرم جایز نیست، لکن حرمت انواع دیگر استعمال عطریات مانند خوردن آنها مخصوص زعفران و مشک و عود و عنبر و ورس و عطرهایی است که در این سطح یا قوی‌تر از آنهاست و لذا هر گونه استفاده از عطرهایی که امروزه متداول است بر محرم حرام است.

ص:۹۵

۱۰۱- مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی‌عطر می‌دهداگرچه قبلا به آن عطر مالیده شده باشد. «(۱)»

(م ۳۳۵)

۱۰۲- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مثل زعفران «(۲)» جایز نیست.

(م ۳۳۶)

۱۰۳- احتیاط «(۳)» آن است که از «دارچین» و «زنجبیل» و «هِل» و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوی حرام نبودن آنها است. «(۴)»

(م ۳۳۹)

۱۰۴- از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها «(۵)» و بوئیدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط «(۶)» آن است که بوئیدن را ترک کند.

(م ۳۴۰)

۱- – آیهٔ اللّٰه مکارم: یا پراکندن در فضا بوسیله اسپری و مانند آن.

۲- – آیهٔ اللّٰه زنجانی: همچنان که گذشت فقط خوردن عطرهایی که در سطح زعفران یا قوی‌تر از آن است‌جایز نیست‌بنابراین خوردن‌گل‌ها وسبزیجات و میوه‌جات خوشبو مانعی ندارد لکن باید از رسیدن بوی خوش آنها به مشام ولو با گرفتن بینی جلوگیری کند و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۳- – آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ‌اللّٰه صافی: لازم است.

۴- – آیهٔ اللّٰه سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می‌شود.

نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

۵- – آیهٔ اللّٰه زنجانی: مانع ندارد لکن به هر نحو که می‌تواند- ولو با گرفتن بینی- باید از رسیدن بوی آن‌به بینی اجتناب کند.

۶- – آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب از بوییدن آنها اجتناب کند.

آیهٔ اللّٰه بهجت: متعرض این احتیاط نشده است.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط از بوئیدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: اولی این است که از بوئیدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

ص:۹۶

۱۰۵- اقوی «(۱)» حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

(م ۳۴۱)

۱۰۶- کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است «(۲)» بنابر احتیاط واجب. «(۳)»

(م ۳۴۳)

۱۰۷- اگر بوی خوش را مکرر «(۴)» استعمال کرد در وقت واحد بعید

۱- - آیة اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب.

آیة اللَّه بهجت: بنابر احوط بلکه اقوی.

آیة اللَّه فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

۲- - آیة اللَّه زنجانی: کفاره خوردن غذای معطر یک گوسفند است و در سایر انواع استفاده از عطریات‌کفاره واجب نیست.

۳- - آیة اللَّه خامنه‌ای: در صورت عمد، یک گوسفند است.

آیة اللَّه خویی، آیة اللَّه تبریزی: کفاره‌اش بنابر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هرچند احوط کفاره دادن است.

آیة اللَّه سیستانی: هرگاه محرم عمداً مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد، و یا چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد در استفاده از بوی خوش کفاره واجب نیست، هرچند احوط کفاره دادن است.

آیة اللَّه فاضل: در صورت علم و عمد.

آیات عظام: گلپایگانی، مکارم، صافی، بهجت: در صورت عمد ...

۴- - آیة اللَّه گلپایگانی، آیةاللَّه صافی: در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود.

آیة اللَّه خامنه‌ای: تکرّر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند کفاره را متعدد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد.

آیة اللَّه بهجت: با تخلل تکفیر کفّاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیة اللَّه تبریزی: چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجوبی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدّد کفاره است.

ص:۹۷

نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط «(۱)» ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد. «(۲)»

(م ۳۴۵)

۱۰۸-صابون و بعضی شامپوها که بویی دارد اگرصدق بوی خوش می‌کند «(۳)» در حال احرام از آن اجتناب کنند «(۴)» و در غیر اینصورت استعمال آن مانع ندارد. «(۵)»

(س ۴۹۵)

۱۰۹-اگر محرم به علّتی مثل عرق سوز شدن بدن احتیاج به مالیدن پماد پیدا کند نمی‌تواند «(۶)» پمادی که چربی دارد به بدن بمالد مگر در موارد

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر در احرام واحد بود یک کفاره کافی است مگر در خوردن غذای معطر که چنان‌چه بعد از کفاره دادن، دوباره غذای معطر بخورد باید دوباره کفاره بدهد.

۲- - آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به حاشیه مسأله ۱۰۶ مراجعه شود.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر بوی خوش آن به مشامشان می‌رسد باید از آن اجتناب کنند.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط واجب اجتناب از استعمال آنهاست در صورتی که بوی خوش داشته باشند.

۵- - آیهٔ اللَّه مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد.

۶- - آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر بوی خوش نداشته باشد برای معالجه اشکال ندارد واگر داشته باشد درصورت ضرورت جایز است.

آیهٔ اللَّه مکارم: مالیدن انواع پمادها در ضرورت و معالجه مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: کفاره روغن مالی از روی علم و عمد یک گوسفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

ص:۹۸

ضرورت «(۱)» ولی کفّاره نـدارد ولو در غیر موارد ضـرورت «(۲)» مگر آنکه بوی خوش داشـته باشـد، که کفاره آن یک گوسـفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد «(۳)» و حتّی درصورتی که چربی نداشته باشد. «(۴)»

(س ۵۰۰)

نگاه کردن در آینه. «(۵)»

۱۱۰- نگاه کردن به اجسامصافصیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آبصاف اشکال «(۶)» ندارد.

(م ۳۶۴)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: و اگر مشـکل او با استفاده از پمادهای غیر معطر برطرف می‌شود، پماد معطر نمالد ودر هر حال، کفاره روغن مالی- هر چنـد معطر نباشـد- از روی علم و عمـد یک گوسـفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است و چنانچه از روی غفلت باشـد کفاره ندارد و در ثبوت کفاره بین ضرورت و غیر آن فرقی نیست.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: در غیر مورد ضرورت کفاره آن احتیاطاً یک گوسفند است.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر بوی خوش داشته باشد بنابر احتیاط مستحب کفّاره آن گوسفند است.

۴- - آیهٔ اللّه مکارم: در صورت چربی داشتن و بوی خوش در غیر موارد ضرورت احتیاط دو گوسفند است.

۵- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت مانند راننده و امثال آن اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: در صورتی که برای تزیین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه تبریزی: نگاه کردن در آینه جهت زینت بر محرم حرام است.

آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که برای عذری از قبیل مرض نباشد که صدق تزیّن نمی‌کند. مناسک شیخ ص ۲۱

آیـهٔ اللّه زنجـانی: نگـاه کردن در آینه و همچنین در دیگر اجسـامی که عکس انسان در آنها پیـداست در صورتی که همراه با قصـد زینت یا در معرض تزیین محرم باشد جایز نیست لکن نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با زینت ندارد مانعی ندارد.

۶- - آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: نگاه کردن به آب زلال یا اجسام صـیقل داده‌شـده که تصویر در آن پیدا است، در حکم نگاه کردن به آینه است و اگر برای زینت و آرایش باشد، حرام است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه برای تزیین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

ص:۹۹

۱۱۱- عینک زدن اگر «(۱)» زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود «(۲)» جایز نیست. «(۳)»

(م ۳۶۵)

۱۱۲- اگر در اطاقی که ساکن است «(۴)» آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

(م ۳۶۷)

۱۱۳- نگاه کردن در دوربین عکاسی برای عکس گرفتن «(۵)» اگر معلوم نیست «(۶)» که در آینه نظر می‌شود اشکال ندارد. «(۷)»

(س ۴۹۸)

۱۱۴- احوط اجتناب «(۸)» از نگاه کردن محرم است در آینه حتّی در مواردی که نخواهد خود را ببیند بلکه برای دیدن ماشین و غیره یا مثلًا

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر بقصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: و به قصد زینت استفاده کند.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می‌شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: در صورتی که عینک زدن عرفاً زینت باشد، احوط پرهیز از آن است.

۴- - آیهٔ اللّه فاضل: یا در ماشینی که نشسته است.

۵- - آیهٔ اللّه زنجانی: اشکال ندارد.

۶- - آیهٔ اللّه مکارم: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند و اشکال ندارد.

آیات عظام سیستانی، خویی، تبریزی: بر فرض آینه بودن، و نظر کردن به آن چون غرض غیر زینت است، مانعی ندارد.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری اشکال ندارد.

۷- - آیهٔ اللّه بهجت: چون برای تزیین نیست اشکال ندارد.

۸- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نگاه کردن محرم در آینه اگر برای زینت باشد حرام است وگرنه حرام نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: تنها در موردی اشکال دارد که برای تزیین و اصلاح سر و وضع خودش در آینه نگاه کند.

آیهٔ اللّه بهجت: نگاه کردن محرم در آیینه اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست.

ص:۱۰۰

علاج دردی در آن نظر می‌کند. «(۱)»

(س ۴۹۷)

انگشتر به دست کردن.

۱۱۵- انگشتر به دست کردن به جهت زینت جایز نیست، و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد. «(۲)»

(ص ۱۸۶)

۱۱۶- احتیـاط واجب «(۳)» آن است که محرم «حنـا» برای زینت نبنـدد «(۴)» بلکه اگر زینت باشـد ولو قصـد نکند احتیاط در ترک است بلکه

۱- - آیهٔاللّه نوری: در صورتی که ضرورتی نباشد.

آیهٔاللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: نظردر آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.

آیـهٔاللّه فاضـل: آن‌چه از محرمـات احرام است آن است که انسان خود را در آینه ببینـد، اما اگر بخواهـد از طریق آینه اشـیاء یا افراد دیگر را ببیند اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه زنجانی: نگاه کردن در آینه در این موارد اشکال ندارد.

۲- - آیـهٔاللّه خـامنه‌ای: بنـابر احتیـاط واجب، محرم بایـد از به دست کردن انگشتر و به کـار بردن حنـا اجتنـاب کنـد اگر اینها زینت محسوب شوند گر چه قصد زینت نکند بلکه باید از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: انگشتر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب و یا نگهداری آن اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

۳- - آیات عظام خویی، تبریزی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مراجعه شود به حاشیه مسأله قبل.

آیهٔ اللّه سیسـتانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محرم ترک هر چیزی است که عرفاً زینت شـمرده شود چه قصد زینت کردن داشته باشـد چه نداشـته باشـد و از این قبیل است حنا مالیـدن به روش معمول ولی اسـتعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: حنا بستن اگرچه برای زینت باشد عیبی ندارد.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: اسـتفاده از لوازم آرایشـی- حنا یا غیر آن- بر محرم جایز نیست هرچند قصد زینت‌نداشـته باشد البته در سـرمه کشیدن تفصیلی است که در حاشیه مسأله ۱۲۲ خواهد آمد.

ص:۱۰۱

حرمت «(۱)» آن در هر دوصورت خالی از وجه نیست.

(م ۳۸۸)

۱۱۷- اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه بقصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است. «(۲)» روغن مالیدن به بدن. «(۳)»

۱۱۸- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالند عیبی ندارد. «(۴)»

(م ۳۹۷)

ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُحِلّ.

(ص ۱۸۰)

۱۱۹- در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است. «(۵)»

(م ۴۰۱)

۱- - آیهٔ اللّه فاضل: حرمت محلّ اشکال است.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند بنابر احتیاط باید خودداری کند و در مناسک عربی، مطابق متن فرموده‌اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: روغن مالیدن به بدن خود

۴- - آیهٔ اللّه سیستانی: محرم می‌تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

آیهٔاللّه زنجانی: لکن‌چنانچه بامالیدن روغن غیرمعطر مشکل برطرف شودنباید روغن‌معطراستفاده کند.

۵- - آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

آیهٔ اللّه زنجانی: لکن موهایی که هنگام وضو یا غسل واجب یامستحب کنده می‌شود اشکال ندارد.

ص:۱۰۲

۱۲۰- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، «(۱)» بلکه احتیاط «(۲)» آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد. «(۳)»

(م ۴۰۷)

۱۲۱- اگر دست بکشد به سر یاریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط «(۴)»

۱- - آیهٔ اللّه نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغلها یک گوسفندکفّاره بدهد.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: این حکم واجب است.

۳- - آیهٔ اللّه سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنابر احتیاط واجب اگر- به وسیله دیگری غیر از کندن موی آنرا ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر محرم سر دیگری را تراشید چه محرم باشد چه غیر محرم کفّاره ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: کفاره ازاله مو از زیر بغل یک گوسفند است.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره‌اش یک گوسفند است بنابر اقوی و در کندن موی یک طرف سه مسکین را طعام بدهد.

آیهٔ اللّه فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

آیهٔ اللّه زنجانی: اگر موی هر دو زیر بغل خود را بکند باید یک گوسفند یا گاو یا شتر قربانی کند و در سایر موارد ازاله مو از زیر بغل کفاره واجب نیست.

۴- - آیهٔ اللّه بهجت: یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقطشدن غیر از ازاله غیر عمدّیه است که فدیه ندارد، اگر چه هر دو جایز است.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: باید یک مشت طعام بدهد.

آیهٔ اللّه سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود و اگر بی‌جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن بدهد، اگرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: در غیر وضو و غسل.

ص:۱۰۳

آن است که یک کف طعامصدقه بدهد. «(۱)»

(م ۴۰۹)

سرمه کشیدن.

۱۲۲- سرمه کشیدن به سیاهی «(۲)» که در آن زینت باشد هرچند قصد زینت «(۳)» نکند جایز نیست. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت‌باشد، بلکه‌اگربوی خوش «(۴)» داشته باشد بنابر اقوی حرام‌است.

(م ۳۵۹)

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: مقصود از یک کف طعام، مقداری غذاست.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: صدقه دادن واجب است و همچنین است حکم کسی که عضو دیگری از بدن خود را به سر یا صورت بکشد و مو بریزد.

۲- - آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: سرمه سیاه بقصد زینت کردن حرام است قطعاً. و بنابر احتیاط یک‌گوسفند کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنابر احتیاط واجب اجتناب کند. آیهٔ اللّٰه خویی: و بنابر احتیاط مستحب کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.

آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: کشیدن سرمه به چشم در صورتی که زینت محسوب شود و همچنین خط بالای پلک‌ها که زنان برای زینت می‌کشند در حال احرام جایز نیست و فرقی میان رنگ سیاه و غیر آن نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه‌ای که زینت حساب شود اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و امّا سرمه‌ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر و هر سرمه‌ای که زینت محسوب شود بر محرم حرام است هرچند قصد زینت نداشته باشد بلی در صورت ضرورت، مانند مواردی که معالجه متوقف بر سرمه کشیدن باشد، مانعی ندارد.

۳- - آیهٔ اللّٰه خویی: اگر قصد زینت نکند بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کند.

آیهٔ‌اللّٰه بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد.

۴- - آیهٔ اللّٰه بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است اگر بقصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد.

نظر آیات عظام در قسم اوّل از محرمات احرام گذشت.

ص:۱۰۴

ناخن گرفتن. «(۱)»

۱۲۳- جـایز نیسـت بعض نـاخن را هـم بگیرد «(۲)» مگر آنکـه مـوجب آزار شـود، مثـل آنکه بعض آن‌افتـاده باشـد وبعض دیگرموجب‌آزار شود. «(۳)»

(م ۴۵۴)

۱۲۴- جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

(م ۴۵۵)

۱۲۵- اگرتمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.

(م ۴۵۹)

بیرون آوردن خون از بدن خود. «(۴)»

۱۲۶- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست. «(۵)»

(م ۴۵۰)

۱۲۷- جایز نیست «(۶)» به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همینطور به مسواک «(۷)» نمودن خون از بن دندانها

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: ناخن گرفتن از خود

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: مگر آن که باقی ماندن ناخن بر او حرجی باشد.

۳- - آیهٔ اللَّه بهجت: لکن محتمل است فدیه بعضی از ناخن آزار رساننده قبضه‌ای از طعام باشد نه مدّ.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: وکفاره آن یک مدّ طعام است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: به‌کاری که‌بداند موجب آن می‌شود، زیرا اخراج احتمالی خون محکوم به حرمت نیست.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔاللَّه سیستانی: به احتیاط واجب.

۵- - آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه زنجانی: لکن اگر این کار باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم شود جایز نیست.

۶- - آیهٔ اللَّه مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

۷- - آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد گرچه بداند خون خارج می‌شود وکفاره ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه مکارم: در این مسأله و مسأله قبل بنابر احتیاط مستحب.

ص:۱۰۵

بیرون آورد. «(۱)»

(م ۴۵۱)

۱۲۸- تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق «(۲)» نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت. «(۳)»

(م ۴۸۷)

کندن دندان. «(۴)»

۱۲۹- کندن دندان بنابر احتیاط جایز نیست هر چند خون نیاید، «(۵)» و

۱- - آیةاللّه گلپایگانی: در غیر مواردی که استثناء شده است، خارج کردن خون از بدن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دارد.

آیةاللّه صافی: بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره دارد.

آیة اللّه زنجانی: اگر بتواند با احتیاط مسواک کند که خون بیرون نیاید نباید در مسواک زدن بی‌احتیاطی کند ولی اگر لثه‌های او طوری است که معمولًا با مسواک زدن خون از آن بیرون می‌آید، مسواک زدن معمولی جایز است هرچند خون بیاید. و در هر حال نباید از خمیر دندان معطر که بوی آن به مشامش می‌رسد استفاده کند.

۲- - آیة اللّه بهجت: یعنی اگر بداند که چنین می‌شود، چنانچه گذشت در ذیل چهاردهم از محرمات احرام.

آیة اللّه سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیة اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب تزریق نکند مگر در صورت نیاز.

آیة اللّه مکارم: مکروه است.

۳- - آیة اللّه فاضل: و در هر صورت کفّاره ندارد.

۴- - آیة اللّه زنجانی: کندن دندان از خود.

۵- - آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هرچند خون نیاید.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: جمعی از فقهاء نظرشان این است که کندن دندان هرچند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره‌اش را یک گوسفند دانسته‌اند، ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

آیة اللّه بهجت: کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد.

آیة اللّه مکارم: این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

ص:۱۰۶

احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد. «(۱)»

(م ۴۶۸)

فسوق

۱۳۰- فسوق اختصاص به دروغ گفتن نـدارد «(۲)» بلکه فحش دادن و فخر «(۳)» به دیگران کردن نیز فسـوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند

۱- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: کشیـدن دندان بدون خونریزی نه حرام است و نه کفاره دارد و در صورتی که کشیـدن دندان ضـرورت پیدا کند و منجر به خونریزی شود، بنابر احتیاط واجب ممنوع است مگر در حال ناچاری و نیاز.

آیهٔ‌اللّٰه صافی: احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: اگر کندن دندان با خونریزی همراه باشد بر محرم جایز نیست ولی کفاره ندارد.

۲- - آیهٔ‌اللّٰه بهجت: اظهر مقیّد بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به آنکه بر غیرمحرم حرام باشند.

۳- - آیت اللّٰه خویی: مراد از فسوق در آیه مبارکه فَلا رَفَثَ وَ لا فُسوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ دروغ و دشـنام‌است، و فخر کردنِ حرام هم ملحق به فسوق است.

آیهٔ اللّٰه خویی: فخر در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد حرام نیست.

آیـهٔ اللّٰه تبریزی: فخر کردن بر دیگران اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشـد که توهین دیگری را در برداشـته باشـد این عمل فی نفسه حرام است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: فخر کردن اگر مسـتلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشـد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکّد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

ص:۱۰۷

بهتر است.

(م ۳۷۲)

جدال و آن گفتن «لا واللّه» و «بلی واللّه» است. «(۱)»

(ص ۱۷۳)

۱۳۱- گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف «(۲)» آن مثل «نه» و «آری» دخالتی «(۳)» در جدال ندارد، بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

(م ۳۷۳)

۱۳۲- قَسَم اگر به لفظ «اللّه» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی «(۴)» جدال «(۵)» است، و اما قَسَم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

(م ۳۷۴)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: و آن قسم خوردن به خداوند تبارک و تعالی است هرچند برای اثبات مطلب حقی باشد.

۲- - آیهٔاللّه فاضل: درمرادف اشکال‌است وظاهراً درجدال محرّم خصوص لفظ« لا» و« بلی» دخالت دارد.

۳- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: بنابر احتیاط لازم، گفتن کلمه آری واللّه و بله واللّه و نه واللّه ملحق‌به آن است.

آیهٔ اللّه تبریزی: و احتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و همچنین با الفاظی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش آیهٔ اللّه خویی این است که: کلمه لا و بلی دخالت در مطلب دارد.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: یا سایر اسماء مخصوص الهی مانند رحمان ....

۵- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔاللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف« اللّه» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیهٔاللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: بنابر احتیاط واجب می‌بایست از مطلق قسم خوردن به خداوند پرهیز شود، بلی در هنگام ضرورت برای ... آداب و احکام ص ۱۵۹.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق است، و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرّد آن است.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً لفظ« اللّه» بدون« لا» و« بلی» جدال محرّم نیست، و مرادف« اللّه» نیز به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی‌باشد.

ص:۱۰۸

کشتن «(۱)» جانورانی که در بدن «(۲)» ساکن می‌شوند «(۳)»

مثل شپش و کَک «(۴)» و کنه که در بدن حیوان است. «(۵)»

(ص ۱۷۶)

کندن «(۶)» درخت یا گیاهی «(۷)» که در حرم روئیده باشد. «(۸)»

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: بنابر مشهور و موافق با احتیاط، و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب‌خالی از وجه نیست.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: انسان یا حیوان.

۳- - آیـهٔ اللّه زنجـانی: کشـتن شـپش مطلقاً و کشـتن پشه و کـک- و بنابر احتیاط سایر جانورانی که در بـدن ساکن می‌شونـد- در صورتی که آزار نرسانند، جـایز نمی‌باشـد، همچنـان که بر محرم جـایز نیست شـپش را از بـدن یـا لباسـش بینـدازد و انـداختن سایر حشرات از بدن و لباس مانعی ندارد.

آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب.

۴- کَک: حشـره‌ای است به انـدازه شـپش، بال نـدارد و چون پاهای عقب او بلنـد است به آسانی می‌جهـد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می‌مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می‌شود.« فرهنگ عمید».

۵- - آیهٔ اللّه سیستانی متعرض حکم کنه که در بدن حیوان است نشده‌اند و در مورد پشه و کک فرموده‌اند اگر ضرر از آنها متوجّه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن آنها جایز است.

آیات عظام خویی، تبریزی، گلپایگانی، صافی: کشـتن شـپش و انـداختن او از بدن برای محرم جایز نیست اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنهاست در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هرچند احوط ترک است.

۶- - آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه سیستانی: این مسأله از محرّمات احرام نیست بلکه بر همه کس حرام است چنانچه خواهد آمد.

آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: و بریدن و مانند آن‌ها.

آیات عظام سیستانی، نوری، فاضل: و بریدن آن.

آیهٔ اللّه بهجت: و بریدن و نحو آنها.

۷- - آیهٔ اللّه سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

۸- - آیهٔ اللّه زنجانی: این امر از محرمات احرام نیست و بر هر مکلفی حرام است، هرچند محرم نباشد.

ص:۱۰۹

۱۳۳- درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌توانـد «(۱)» آنها را قطع کند، ودرگیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد. «(۲)»

(م ۴۷۳)

سلاح همراه برداشتن.

۱۳۴- سـلاح در برداشـتن بنابر احوط «(۳)» مثـل شمشـیر و نیزه و تفنـگ و هرچه از آلات جنگ باشـد «(۴)» مگر برای ضـرورت، و مکروه «(۵)» است سلاح

۱- - آیهٔ الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

آیـهٔ الله فاضل میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیّت میوه تأثیر می‌گـذارد می‌توانـد قطع کنـد اما خود آنها را نباید قطع کند.

۲- - آیـات عظـام گلپایگـانی، آیـهٔ الله صافی: و نیز قطع گیاهی که خود شـخص غرس کرده و یا در ملک او پس از آن‌که ملک او شده روییده است، جایز است.

۳- - آیات عظام گلپایگانی، سیستانی، فاضل، صافی: در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.

آیهٔ الله خویی: رداشتن سلاح بر مُحرم حرام است. برداشتن اعم از پوشیدن و حمل کردن است.

آیهٔ الله مکارم: بنابر اقوی.

آیـهٔ الله بهجت: بر محرم حرام است سـلاح برداشـتن مگر بجهت ضـرورت که در این صورت کفـار هم نـدارد، و منصوص پوشـیدن است یا آنکه صدق کند سلاح بر اوست پس همراه داشتن سلاح حرمت ندارد علی الاظهر.

آیهٔ الله خویی، آیهٔ الله تبریزی: حمل سلاح بر محرم حرام است و الحاق آلات تحفظ به سلاح احوط است و کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است، آیهٔ الله تبریزی: ولی بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند مانعی ندارد هدچند احوط ترک آن است.

آیهٔ الله خامنه‌ای: حمل سلاح بر محرم حرا است مگر برای ضرورت.

۴- - آیهٔ الله سیستانی: ولی پوشیدن و حمل وسائل دفاع مانند زره و سپر اشکال ندارد.

آیهٔ الله زنجانی: مسلح بودن بر محرم جایز نیست مگر برای ضرورت. و مکروه است ...

۵- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه‌صافی: احتیاط واجب آن است که سلاح را حمل نکند.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط مستحب.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: بنـابر احتیـاط حمل آن هم به طوری که او را مسـلّح بداننـد جایز نیست. ولی بودن سـلاح‌نزد محرم‌وحمل‌آن اگر بطوری باشد که او را مسلّح ندانند اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است.

ص:۱۱۰

را همراه بردارد درصورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر «(۱)» باشد و احوط ترک آن است.

(م ۴۸۰)

شکار حیوانصحرایی بر محرم حرام است.

۱۳۵- شکارصحرایی که وحشی باشد، مگر درصورتی که ترس داشته باشد از آزار آن. «(۲)»

(ص ۱۵۲)

۱۳۶- شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند. «(۳)»

(م ۳۰۷)

۱۳۷- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

(م ۳۰۸)

۱۳۸- پرندگان، جزء شکارصحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکارصحرایی است.

(م ۳۰۹)

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

۲- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: حیوانی که در اصل وحشی باشد هر چند بالعرض اهلی شده باشد، و فرقی نمی‌کند که حلال گوشت باشد یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هرگونه ایذا آن حرام است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: و همچنین کمک به شکارچی و نگاه داشتن حیوان شکار شده و خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است.

۳- - آیات عظام گلپایگانی، تبریزی، سیستانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: و زندگی در دریا کند بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّٰه نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیهٔ اللّٰه فاضل: زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

ص:۱۱۱

۱۳۹- احتیاط واجب آن است که زنبور «(۱)» را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته «(۲)» باشد.

(م ۳۱۰)

آمیزش یا هرگونه استفاده شهوانی.

۱۴۰- جماع کردن با زن و بوسیدن و دست‌بازی کردن، «(۳)» و نگاه «(۴)» به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتّعی بردن. «(۵)»

(ص ۱۵۴)

۱- – آیهٔ اللَّه فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

۲- – برخی از مراجع متعرض حکم کشتن زنبور نشده‌اند هرچند آیهٔ اللَّه خویی، در کفارات، کفاره کشتن زنبور را ذکر کرده‌اند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: کشتن زنبور اگر قصد اذیت او را نداشته باشد، بر محرم جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: همان گونه که شکار حیوانات صحرایی حرام است کشتن همه حیوانات حرام است به جز: ۱- حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند. ۲- مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی. ۳- حیوانی که از آن بر خود می‌ترسد یا قصد زدن یا گزیدن انسان را دارد. ۴- پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند. ۵- مار بد و عقرب و موش و همچنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است.

۳- – آیهٔ اللَّه سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

۴- – آیهٔ اللَّه بهجت: قید بودن شهوت برای نظر به اهل مسلّم است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

۵- – آیهٔ اللَّه سیستانی: محرم می‌تواناز همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذّت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقا.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: محرم می‌تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه از عیال خود لذت برد بنابر اظهر مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او و گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

آیهٔ اللَّه فاضل: مرد نسبت به زوجه خودش.

آیهٔ اللَّه مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: برای زنان همین حکم نسبت به مردان صادق است اگر چه از محارم زن باشند.

آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای: نگاه زن و شوهر به یکدیگر و گرفتن دست یکدیگر، اگر از روی شهوت و التذاذ جنسی نباشد، جایز است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: جماع کردن با زن و بوسیدن او از روی شهوت و ملامسه او در صورتی که با قصد لذت یا خروج منی همراه باشد و همچنین نگاه کردن به او و چنانچه با قصد لذت و خروج منی همراه باشد بر محرم حرام است، و احتیاط مستحب ترک مطلق استمتاع است.

آیهٔ اللَّه نوری: از زن.

ص:۱۱۲

۱۴۱- اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمـد پس از سـعی مرتکب شود «(۱)» کفاره بر او واجب می‌شود و کفاره «(۲)» بنابر احتیاط واجب یک

۱- - آیهٔ اللّٰه نوری، آیهٔ اللّٰه فاضل: عمره او صحیح است.

۲- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و کفاره او اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسـفند، و در متوسط الحال یک گاو است، و اظهر تخییر بین سه چیز است مطلقاً.

آیهٔ اللّٰه صافی: کفاره آن اگر متمکّن است یک شتر و إلّایک گاو است.

آیـهٔ اللّٰه خویی، آیـهٔ اللّٰه نوری: بنابر احتیاط واجی یک شتر است برای کسـی که بتواند شتر تهیه کند، و یک گاو است اگر متوسـط باشد و نتواند شتر تهیه کند، و یک گوسفند است اگر مُعْسِر باشد و نتواند گاو تهیه کند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: کفاره‌اش بنابر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: کفاره‌اش یک گوسفند است و بنابر احتیاط یک شتر و یا یک گاو.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه بهجت: کفاره‌اش یک شتر است.

آیـهٔ اللّٰه فاضـل: کفـاره‌اش یـک شتر و یـا یک گاو و یا یک گوسـفند است به اختیار خودش اگرچه بهتر آن است که شتر را کفاره دهد.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: در کفاره بین شتر و گاو و گوسفند مخیر است و شتر افضل از گاو و گاو افضل از گوسفند است و اگر قبل از اتمام سعی مرتکب شود، در این صورت نیز عمره او فاسد نمی‌شود و کفاره آن یک شتر است.

ص:۱۱۳

شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

(م ۳۱۵)

۱۴۲- اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد بجا آورد اگر قبل‌از وقوف به‌عرفات بوده‌حج او فاسد است مسلّماً، «(۱)» و اگر بعد از وقوف به عرفات وقبل از وقوف به مشعرالحرام بوده، حج او فاسد است بنابر اقوی «(۲)» و در هر دوصورت کفاره آن یک شتر «(۳)» است. «(۴)»

(م ۳۱۶)

۱- - آیهٔ اللّه نوری: و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند، و همچنین‌در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محلّ معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً حج او در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گاو کفّاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتّع به عنوان عقوبت انجام دهند. و همچنین در سال بعددر صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محلّ معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده همین حکم را دارد. و اگر مجبور شده کفّاره‌اش به عهده شوهر است.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه بهجت: در این صورت حج او فاسد است علی الاشهر.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد باید حج در سال آینده اعاده شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد باید حج را تمام کند و در سال آینده نیز اعاده نماید چه حج واجب باشد چه مستحب.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: کفاره این عمل در صورت تمکّن یک شتر و در صورت عجز یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند می‌باشد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کفّاره آن شتر است و متعرّض صورت عجز نشده‌اند.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: در هیچ یک از دو صورت حج او فاسد نمی‌شود، ولی سه امر بر او واجب می‌گردد: ۱- سال آینده حجی که از نظر نوع مانند حج امسال باشد بجا آورد هرچند حج اول او استحبابی باشد. ۲- یک شتر قربانی کند. ۳- از یکدیگر جدا شوند یعنی در یک مکان مانند اطاق و خیمه با یکدیگر تنها نباشند پس اگر از همان راه که به عرفات رفته‌اند بازگردند تا رسیدن به مکان معصیت و اگر از راه دیگری باز گردند تا انجام طواف نساء باید از یکدیگر جدا باشند و در سال بعد نیز اگر از همان مسیر سال گذشته به عرفات می‌روند پس از رسیدن به محل معصیت به دستور جدایی سال قبل عمل کنند و زن نیز در صورتی که محرم بوده و از روی علم و عمد و اختیار این عمل از او صادر شده باشد باید سال بعد حج بجا آورده شتر قربانی کند، و اگر شوهرش او را مجبور کرده باید قربانی زن را نیز بپردازد، در این صورت حج سال بعد بر زن واجب نیست و در هر حال برای وجوب جدایی کافی است که این معصیت از یکی از آنها از روی علم و عمد و اختیار صادر شده باشد و اگر این عمل بعد از مشعر واقع شود فقط قربانی شتر و جدایی زن و مرد واجب است مگر آن که بعد از شوط چهارم طواف نساء باشد که کفاره ندارد.

ص:۱۱۴

۱۴۳- اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر «(۱)» است، و

۱- - آیهٔ اللّه خویی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بدهد و اگر منی‌از او خارج نشود بنابر احتیاط یک شتر باید بدهد.

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود و یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد و اگر مردی که محرم نیست همسر محرم خود را ببوسد به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر او را از روی شهوت ببوسد بنابر احتیاط یک شتر کفاره بدهد چه منی خارج شود و چه نشود.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود کفّاره آن یک شتر است و اگر منی خارج نشود کفّاره آن یک گوسفند است. و بوسیدن بدون شهوت کفّاره ندارد، چون حرام نیست. و زن هم در این مسأله حکم مرد را دارد.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّه زنجانی: اگر محرم همسرش را با قصد لذت ببوسد کفاره آن یک شتر است مگر در صورتی که این عمل بعد از اتمام سعی در عمره یا حج تمتع رخ داده باشد که می‌تواند به ذبح گوسفند اکتفا کند و اگر بدون قصد لذت ببوسد کفاره ندارد مگر منی خارج شود که باید یک گوسفند قربانی کند و اگر غیر همسر را ببوسد، مَحرم باشد یا نامحرم، کفاره واجب نمی‌شود.

ص:۱۱۵

اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند «(۱)» است. و احتیاط مستحب آن «(۲)» است که یک شتر کفاره بدهد.

(م ۳۱۹)

عقد کردن.

۱۴۴- عقد کردن زن از برای خود یا غیر، «(۳)» چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و محلّ باشد.

(ص ۱۶۱)

استمناء.

۱۴۵- استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن بدست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی‌کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است، «(۴)» و

۱- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه صافی: اگر زوجه خود را ببوسد، حتی بدون شهوت، یک شتر کفاره دارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه بهجت: در این صورت بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔ اللَّه نوری: در این صورت بنابر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذّت را ترک کند و اگر ببوسد یک گوسفند کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد یک شتر است و اگر بدون شهوت باشد یک گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: متعرّض استحباب کفاره شتر نشده‌اند.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: ازدواج کردن و صیغه نکاح خواندن و شاهد عقد شدن بر محرم حرام است و اگرازدواج کند یا صیغه نکاح بخواند باطل است و چنانچه در حال احرام از روی عمد با علم به حرام بودن عقد با زنی ازدواج کند، به مجرد عقد آن زن بر او حرام ابدی می‌شود.

۴- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این در صورت علم به‌حکم و عمد می‌باشد و اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می‌دهد و پیش از مزدلفه است لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره بجا آورد و اگر استمناء به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم اینگونه عمل کند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر محرم با آلت خود بازی کرده منی از او خارج شود کفاره آن یک شتر و انجام حج در سال آینده است- هر چند قصد او خروج منی نباشد- و اگر با همسر خود به قصد خروج منی ملاعبه نموده، منی از او خارج شود باید یک شتر قربانی کند و انجام عملی که باعث خروج منی شود در غیر این دو صورت کفاره ندارد.

ص:۱۱۶

احتیاط «(۱)» واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد «(۲)» به نحوی که در جماع گفته شد.

(م ۳۳۴)

۱- – آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن‌یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

آیـهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون بیاید حکم کسـی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسأله آن گـذشت. و اگر بـدون بـازی با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می‌شود و بنابر اظهر حـج و عمره‌اش فاسـد نخواهد شد. هرچند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

آیهٔ اللّه سیستانی: استمناء با عضو تناسلی چه با دست و غیر آن مطلقا حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و همچنین در عمره مفرده به احتیـاط واجب و استمناء بوسیله بوسیدن زن و یـا دست زدن و یـا ملاعبه و نگاه حکمش در مسائل قبل گذشت. و استمناء بوسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا بوسیله تصوّرات او در خیال و مانند آن بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: و بدان که انزال منی با استمناء، بعضی او را مفسد حج دانسته‌اند مثل جماع کردن و این قول احوط است در استمناء به مثل عبث با آلت خود و مانند آن‌ها از محرّم بر غیر محرم پس ترک نشود احتیاط به قضاء حج.

۲- – آیـهٔ اللّه فاضـل: ظـاهراً استمناء موجب بطلان نمی‌شود و حکم آن مثل جماع است که گـذشت. وظاهراً زن نیز همین حکم را دارد.

ص:۱۱۷

محرمات مخصوص مردان

پوشیدن چیز دوخته «(۱)»

مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها برای مردان محرم، حرام است.

(ص ۱۶۶)

۱۴۶- چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهنهایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست «(۲)» پوشیدن آنها. «(۳)»

(م ۳۴۶)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: برای محرم جایز نیست که جامه دکمه‌دار یا آنچه فایده دکمه را داشته باشدبپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست جامه‌ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد وسر را از یقه ودستها را از آستین بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیرشلواری و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار لنگ نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است، و بنابر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباسهای متعارف مانند پیراهن و قبا و لبّاده و کت و پیراهن عربی بپرهیزد، هر چند دکمه آنها را نبندد یادست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد.

آیهٔ اللّه خویی: پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه‌دار با بستن دکمه آن و درع زره و هر جامه‌ای که آستین‌دار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است.

آیهٔاللّه زنجانی: دوخته بودن لباس از محرمات احرام نیست ولی پوشیدن لباس‌های معمولی مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیر پوش و هر لباسی که مانند آن عرض بدن را می‌پوشاند بر مرد محرم جایز نیست و در این امر فرقی بین لباس دوخته و بافته و غیر آن نیست و پوشیدن حوله و لنگ و پتو و مانند آن مانعی ندارد و بنابر احتیاط مستحب دوخته نباشد و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: فرقی نیست در آنچه در حاشیه قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتنی یا نمد مالی یا غیر آن.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می‌پوشند.

آیهٔ اللّه مکارم: همچنین لباسهایی که قطعات آن را بهم می‌چسبانند.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: و همچنین لباسهای دکمه‌دار گرچه مخیط نباشد، که پوشیدن آن حرام است ولی سایر استعمالات آن مانند فرش قرار دادن یا به عنوان روانداز استفاده کردن مانعی ندارد.

ص:۱۱۸

۱۴۷- احوط «(۱)» اجتناب از مطلق دوخته است هرچند کم باشد، مثل کمربند «(۲)» دوخته و شب کلاه. «(۳)»

(م ۳۴۷)

۱۴۸- همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد

۱- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: پوشیدن مخیط از غیر انواع لباس مانند کمربند یا همیان حرام نیست، و کفاره‌ندارد. و نیز انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش، هرچند حاشیه‌های آن دوخته باشد، همچنین دوختن حاشیه پارچه احرام اشکال ندارد و نیز نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته و لباس‌های ممنوع یا به‌عنوان رواندار از آن استفاده کردن مانع ندارد.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً حرمت و ثبوت کفاره مخصوص به پوشیدن لباس دوخته مانند پیراهن، قبا، شلوار و سایر لباس‌های متعارف است. اما پوشیدن و استفاده از دمپایی و کفش دوخته که تمام روی پا را نپوشاند و کمربند و همیان و فتق‌بند و بند ساعت و سایر اشیاء دوخته که به آن لباس گفته نمی‌شود و همچنین حمل قمقمه دوخته اشکال ندارد و کفاره هم ندارد.

آیهٔ اللّه خویی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه‌دار که طرفین آن را با نخ دوخته‌اند مانع ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: استفاده از این اشیاء برای محرم جایز است هرچند دوخته باشد: ۱- همیان و کمربند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند. ۲- فتق بند. ۳- کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: کمربند دوخته اشکالی ندارد.

۳- - آیهٔ اللّه سیستانی: معلوم شد که معیار لباس دوخته نیست بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباسهای متعارف هم حرام است و امّا کمربند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد گرچه کمربند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.

آیهٔ اللّه تبریزی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست و کمربند مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه زنجانی: پوشیدن کلاه و هرچه سر را می‌پوشاند و پوشیدن همیان و کمربند و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم پس محرمی که برای حفظ پول یا نگه داشتن لباس احرامش باید از همیان یا کمربند استفاده کند می‌تواند از اینها استفاده نماید هرچند دوخته باشد و کفاره هم ندارد، و از این حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

ص:۱۱۹

هرچند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد. «(۱)»

(م ۳۴۸)

۱۴۹- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد. «(۲)»

(م ۳۵۰)

۱۵۰- جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را ببعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است. «(۳)»

(م ۳۵۲)

۱۵۱- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است. «(۴)»

(م ۳۵۴)

۱۵۲- احتیاط آن است که محرم قمقمه آبی را که در محفظه دوخته نگهداشته می‌شود به دوش «(۵)» نیندازد، و دست گرفتن آن

۱- - آیهٔ اللّٰه بهجت: درمناسک ایشان، قسمت اخیر آورده نشده است.

۲- - آیهٔ اللّٰه بهجت: الّا در صورتی که إزار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیه تامّل است.

آیات عظام خامنه‌ای، خویی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: اگر لنگ نیابد جایز است شلوار بپوشد و کفاره ندارد و در غیر این مورد پوشیدن لباس‌هایی که گفته شد کفاره دارد هرچند مضطر باشد.

۳- - نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۹۹ گذشت.

۴- - آیهٔ اللّٰه بهجت: برای متعمّد و یا مضطرّ، بخلاف ناسی و ساهی و جاهل که چیزی بر آنها نیست.

آیهٔ اللّٰه نوری: هر چند از روی اضطرار پوشیده باشد و با تعدّد لباس یا تکرار در پوشیدن، کفاره نیز تکرار می‌شود.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: اگر مرد محرم پیراهن یا شلوار یا قبا یا زیرپوش و مانند آن یا جوراب یا عمامه و کلاه و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد هرچند دوخته نباشد همچنان که زن محرم نیز اگر دستکش بپوشد یا با نقاب و پوشیه و مانند آن تمام یا قسمتی از صورت خود را بپوشاند باید یک گوسفند قربانی کند.

۵- - آیهٔاللّٰه مکارم، آیهٔاللّٰه زنجانی: حمل کیفها و ساکهای دوخته هر چند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر مثل همیان باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

ص:۱۲۰

مانع ندارد. «(۱)»

(س ۴۹۶)

پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد.

۱۵۳- پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد «(۲)» بر مردان محرم، حرام است. «(۳)»

(ص ۱۷۲)

پوشانیدن سر با هرچه آن را بپوشاند.

۱۵۴- بر مردان محرم پوشانیدن سر با هر چیزی که آن را بپوشاند حرام است و احتیاط واجب «(۴)» آن است که چیزی بر سر نگذارند مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

(م ۴۱۱)

۱۵۵- جایز است «(۵)» ببعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دستها

۱- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: پوشیدن همیان و کمربند و دیگر دوخته‌های کوچک که به آن لباس گفته نمی‌شود اشکال ندارد.

۲- - آیهٔاللّه خامنه‌ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند، مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند، لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن روی پا بیندازد، اشکال ندارد.

۳- - آیهٔ اللّه تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و احتیاط آنست که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: و مانند چکمه و جوراب است بلکه مطلقا با صدق لبس و پوشیدن علی الاحوط.

آیهٔ اللّه زنجانی: و بنابر احتیاط از پوشیدن کفشی که تمام پشت پا را می‌پوشاند نیز اجتناب نماید.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه حرام است.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت: احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست است در غیر مواردضرورت عرفیّه یا شرعیّه. اگرچه جواز خالی از وجه نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی: جایز است به جهت آزار آفتاب.

ص:۱۲۱

را روی سر بگذارد، لکن «(۱)» احتیاط در ترک آن است.

(م ۴۱۲)

۱۵۶- جایز نیست سر را زیر آب کند «(۲)» و در حکم سر است بعض «(۳)» سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.

(م ۴۱۴)

۱۵۷- گوشها ظاهراً «(۴)» از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

(م ۴۱۵)

۱۵۸- دستمالی را که برای سردرد بسر می‌بندد عیب ندارد. «(۵)»

(م ۴۱۸)

۱۵۹- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

(م ۴۱۹)

۱- - آیهٔ اللّٰه نوری: از لکن احتیاط ... در مناسک ایشان نیامده است.

۲- - آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: محرم نبایستی در آب فرو رود که سرش زیر آب برود.

آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: فرو بردن سر در آب برای مرد و زن محرم جایز نیست، ولی کفاره ندارد.

آیهٔ‌اللّٰه فاضل: محرم چه زن و چه مرد نبایستی سرش را در آب فرو ببرد.

۳- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: جایز نیست تمام سر را زیر آب کند، ولی حرمت آن نسبت به بعض سر معلوم نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه خویی: بردن بعض سر در آب مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: پوشیدن بعض سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعض سر جایز است.

۴- - آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: گوشها در این حکم ملحق به سر است.

آیهٔ‌اللّٰه فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: گوشها از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشاند.

۵- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: گناه ندارد ولکن کفّاره دارد.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: کفاره هم ندارد.

ص:۱۲۲

۱۶۰- اگر سر را شست نباید «(۱)» با حوله و دستمال خشک کند و بعض سر هم در حکم همه است.

(م ۴۲۲)

۱۶۱- در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، «(۲)» و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همینطور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، «(۳)» و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن. «(۴)»

(م ۴۲۳)

۱۶۲- اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء، کفاره «(۵)» آن یک گوسفند

۱- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔاللّٰه صافی: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی بایدطوری خشک کند که سر پوشیده نشود.

آیهٔ اللّٰه بهجت: مرد می‌تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار بتدریج انجام گیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔاللّٰه فاضل: هرچند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنابر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: خشک کردن سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: خشک کردن مانع ندارد به شرط اینکه سر را با آن نپوشاند.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: خشک کردن سر با حوله و هر چیز غیر مستقری مانع ندارد.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: مرد محرم می‌تواند موقعی که می‌خواهد بخوابد رو انداز را روی سر خود بکشدهرچند مکروه بوده و احتیاط استحبابی در ترک آن است.

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: و واجب است تلبیه بگوید و گفتن« لبّیک» کافی است.

۴- - آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت، متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللّٰه نوری: از- مستحب است تلبیه ...- در مناسک ایشان نیامده است.

۵- - آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب کفاره‌اش یک گوسفنداست.

ص:۱۲۳

است، «(۱)» و احتیاط «(۲)» واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر.

(م ۴۲۴)

۱۶۳- کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حجّ محرم شده و اعمال خود را انجام داده است ضرر به عمره و حجّ او ندارد ولی چنانچه مرد آن را بر سر گذاشته است باید کفّاره بدهد. «(۳)»

(س ۵۰۴)

۱۶۴- اگر محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند باید دو کفاره بدهد «(۴)» مگر درصورت جهل و نسیان.

(س ۵۲۶)

۱- – آیهٔ اللّه زنجانی: اگر مرد محرم عمداً با پوشیدن کلاه یا عمامه یا دستار و مانند آنها تمام یا مقداری از سر را بپوشاند باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر با گذاشتن غیر لباس مانند بادبزن و حنا و بار سر را بپوشاند کفاره ندارد.

۲- – آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: کفاره پوشانـدن سـر بنابر احتیاط یک گوسـفند قربانی کردن است و بعض سـر حکم تمام سـر را نـدارد مگر عرفاً برآن صدق کند که سر را پوشانده است مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

۳- – آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط کفّاره بدهد.

آیات عظام خویی، تبریزی، زنجانی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفاره ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفاره ندارد و در غیر این صورت بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیهٔاللّه فاضل: در صورتی که تمام سر را پوشانده باشد، اما اگر قسمتی از سر را پوشانده است کفاره ندارد

۴- – آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً.

آیهٔ اللّه مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد ولی کلاه دوخته و مانند آن بنابر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه زنجانی: یک کفاره کافی است.

آیهٔ اللّه خویی: حرمت لبس اینگونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفاره است.

ص:۱۲۴

سایه قرار دادن بالای سر خود برای مردان. «(۱)»

۱۶۵- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص بحال منزل طیّ کردن است و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن «(۲)» زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع «(۳)»

۱- - آیهٔاللَّه فاضل: بنابراحتیاط واجب‌سایه قراردادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن راه جایز نیست. بنابراین نشستن در ماشین و بیرون نگهداشتن سر از شیشه یا سقف آن خلاف احتیاط وجوبی است.

آیهٔ اللَّه نوری: در حال سیر و راه پیمودن.

آیهٔ اللَّه زنجانی: مرد محرم نمی‌تواند با وسیله نقلیه مسقف مانند ماشین مسقف حرکت کند- هرچند شب یا هوا ابری باشد- همچنان که نمی‌تواند در حال حرکت با وسیله‌ای مانند چتر از تابش خورشید یا باریدن باران بر سر یا بدن خود جلوگیری کند، ولی اگر در حال حرکت در سایه ماشینی که از کنار او می‌گذرد قرار گیرد یا سایه صندلی‌ها یا دیوارهای ماشینی که خود بر آن سوار است بر وی بیفتد، اشکال ندارد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: می‌تواند زیر سایه دیوار و خانه و خیمه برود ولی نمی‌تواند با وسیله نقلیه مسقف یابا چتر و مانند آن به جایی مثلًا جمرات و قربانگاه برود.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: امّا پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قرار دادن، اگر محرم بخواهد جهت‌انجام کارهایش به این جا و آنجا برود، مانند اینکه در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجد الحرام برود، و یا به منزل خود در منی وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چه بوسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقف‌دار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردّد برای حوائج غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منی.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔاللَّه خامنه‌ای: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایه‌بان درست کند مثل آنکه چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف‌دار شود.

آیهٔ اللَّه نوری: حرمت سایه بر سر قرار دادن اختصاص به سایه‌ای دارد که با شخص حرکت می‌کند مثل چتر و ماشین مسقّف و هواپیما وامّا سایه ثابت مثل پل و تونل هر قدر طولانی باشد جواز عبور از زیر آنها بدون اشکال است.

ص:۱۲۵

ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود «(۱)» گرچه احتیاط مستحب «(۲)» ترک است در حال راه رفتن.

(م ۴۳۸)

۱۶۶- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب «(۳)» خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن بنظر بعید «(۴)» نیست، بنابراین بعید نیست

۱- - آیهٔ اللّٰه نوری: اشکال ندارد.

۲- - آیهٔ اللّٰه خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنابر احتیاط، سوار ماشین سقف‌دار نشوند.

۳- - آیهٔ اللّٰه بهجت: استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهر مجموع روایات و مقتضای اصل‌اختصاص ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است.

آیهٔ اللّٰه نوری: جایز است بنابر این نشستن محرم در هواپیمایی که در شب حرکت می‌کند و همچنین ماشین و کشتی جائز است.

۴- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که‌ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد. و اگر بارانی باشد کفّاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: جایز است مگر در شبهای سرد و بارانی که باید کفاره بدهد و در روزهای کاملًا ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است پس اگر هیچکدام از آنها نباشد به نحوی که وجود و عدمِ سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست. و در فرض شک در این که آیا مظلّه وجود و عدمش یکسان است یا نه، استظلال جایز است.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: ولی احتیاط به ترک تظلیل درشبهای بارانی وسرد ترک نشود مگر اینکه این احتیاط موجب حرج شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: در حرمت تظلیل و کفاره آن فرقی بین شب و روز نیست، بلی اگر حرکت با ماشین مسقف موجب تحفظ از تابش آفتاب یا بارش باران هم نباشد هرچند جایز نیست لکن کفاره ندارد.

ص:۱۲۶

جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.

(م ۴۴۴)

۱۶۷- استظلال در وقت طیّ منزل برای عذری مثل شدّت گرما یا شدّت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد.

(م ۴۴۷)

۱۶۸- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنابر احتیاط «(۱)» واجب.

(م ۴۴۸)

۱۶۹- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش ازیک مرتبه سایه قرار داده باشد، ویک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد. «(۲)»

(م ۴۴۹)

۱۷۰- شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن. «(۳)»

(م ۴۸۳)

۱۷۱- در شب استظلال «(۴)» نیست بنابر این جایز است محرم در شب با

۱- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی، زنجانی، بهجت، گلپایگانی، خامنه‌ای، صافی: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.

آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه مکارم: بنابر اقوی.

آیهٔ اللّه نوری: کفاره آن یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار و بدون عذر.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یک کفاره بدهد.

۳- - تفصیل این مسأله در مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

۴- - تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

آیهٔ اللّه زنجانی: به قبل از مسأله ۱۶۵ مراجعه شود.

ص:۱۲۷

ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری «(۱)» در روز جایز نیست مگر ابر بطوری تیره «(۲)» باشد که استظلالصدق نکند.

(م ۴۸۵)

۱۷۲- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت «(۳)» مثل پل و غیره نیست «(۴)» و فرقی بین اجبار و اختیار نیست «(۵)» ولی بر عبور از زیر پلهایی که در جاده‌ها هست صادق نیست.

(م ۴۸۸)

۱۷۳- مکّه منزل است و محرم می‌تواند «(۶)» به محض وصول به مکّه

۱- – آیهٔ اللّه بهجت، اگر طوری باشد که تظلیل صادق نباشد اشکال ندارد.

۲- – آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی، در جواب استظلال در روز ابری فرموده‌اند: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

آیهٔ اللّه بهجت، متعرض این حکم نشده‌اند.

آیهٔاللّه سیستانی: اگر ابر تیره باشد که اشعّه آفتاب رابه کلّی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

۳- – آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، تبریزی: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونلهایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند، نرود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: عبور از زیر سایه‌بان ثابت مانند پل و تونل اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه زنجانی: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد ولی در هوای آفتابی یا بارانی اگر مشقت ندارد نباید از تونل‌های طولانی عبور کند.

۴- – آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه نوری: فرق هست و حرمت استظلال، سایه ثابت را شامل نمی‌شود.

آیهٔ اللّه مکارم: پلها اشکال ندارد.

۵- – آیهٔ اللّه سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

۶- – آیهٔ اللّه زنجانی: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد، ولی مرد محرم نمی‌تواند ماشین مسقّف سوارشود یا در سایه چتر و مانند آن حرکت کند و فرقی بین مکه و عرفات و منی و غیر آن‌ها نیست.

ص:۱۲۸

استظلال نماید. «(۱)»

(۵۲۰)

۱۷۴- بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند می‌تواند «(۲)» برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود. «(۳)»

(م ۴۹۰)

۱۷۵- کسانی که در مسجدالحرام برای حجّ محرم می‌شوند تا عرفاً در منزل ومکّه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکّه نیستند می‌توانند استظلال نمایند. «(۴)»

(س ۵۰۸)

۱۷۶- میقات عمره مفرده (تنعیم) در خود مکّه واقع است بنابر این کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می‌تواند در اتوبوس سقف‌دار سوار شود و در خود مکّه به مسجدالحرام یا منزل یا جای دیگر

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه تبریزی: چنانکه در مسأله ۱۶۵ گذشت بعد از رسیدن به مکّه هم بنا بر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند مثل اینکه چتر بردارد یا سوار ماشین مسقف شود بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی: به حاشیه مسأله ۱۶۵ مراجعه شود.

۲- - آیهٔ اللَّه نوری: چون مکه منزل است همین قدر که محرم به مکه رسید می‌تواند در زیر سایه قراربگیرد و در روز هم با ماشین مسقّف حرکت کند و لازم نیست که منتظر رسیدن به منزل و اتّخاذ منزل در مکّه باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

۳- - تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

۴- - به مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: در مکّه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

آیهٔاللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

ص:۱۲۹

برود و در اینصورت استظلال مانع ندارد. «(۱)»

(س ۵۱۰)

۱۷۷- حرمت استظلال مخصوص به سایه بر سر قرار دادن است و اگر سایه فقط بر شانه بیفتد مانع ندارد. «(۲)»

(م ۵۱۶)

۱۷۸- زیر چتر حرکت کردن در عرفات مثل مکّه و منی اشکال ندارد. «(۳)»

(س ۵۱۸)

۱۷۹- در مکّه، رفتن در تونل‌هایی که احداث شده و سفر کردن از داخل آنها مانع ندارد مگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر سقف برود که در اینصورت اشکال دارد. «(۴)»

(س ۵۱۹)

۱- - آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط استظلال نکند تا دخول مکه متیقّن سابق.

آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجد الحرام یا محل اقامت است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سؤال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود.

آیهٔاللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: به احتیاط واجب تظلیل جایز نیست.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل: گذشت که بنابراحتیاط واجب برای بدن نیز نباید سایبان قرار دهد.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔاللَّه زنجانی: صدق می‌کند.

۳- - تفصیل نظر آیات عظام در مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

آیهٔ اللَّه زنجانی: اشکال دارد.

۴- - آیات عظام صافی، فاضل، خامنه‌ای: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در این صورت هم مانعی ندارد.

نظرات آیات عظام در مسأله ۱۷۳ گذشت.

آیهٔ اللَّه بهجت: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۲ رجوع شود.

ص:۱۳۰

محرّمات مخصوص بانوان

پوشیدن زیور برای زنان به قصد زینت. «(۱)» ۱۸۰- اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب «(۲)» آن است که ترک کند هر چندقصد تزیین نداشته باشدبلکه حرمت آن‌خالی از قوت نیست. «(۳)»

(م ۳۹۱)

۱۸۱- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد. «(۴)»

(م ۳۹۲)

۱۸۲- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید «(۵)» به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

(م ۳۹۳)

۱- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: حرمت پوشیدن زیور اگر زینت حساب شود اختصاص به بانوان ندارد.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، بهجت، صافی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم‌حرام است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب می‌شود احتیاط واجب در ترک است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط مستحب.

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: پوشیدن زیوری که زینت محسوب شود بر مرد محرم حرام است و فقط دست کردن انگشتر زینتی اگر به قصد زینت نباشد اشکال ندارد، و در مورد بانوان حرمت پوشیدن زیور اختصاص به گوشواره و گردنبند دارد و این دو نیز در دو مورد مستثنی است. ۱- عادت به پوشیدن آنها داشته باشد. ۲- آن‌ها را قبل از احرام پوشیده باشد و پوشیدن سایر زیورآلات بر بانوان مکروه است و در هر حال اگر زیوری را پوشید، نباید آن را به مرد نشان دهد.

۴- - آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی آن را بپوشاند.

۵- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرمند ظاهرنسازد و نشان ندهد.

ص:۱۳۱

پوشانیدن «(۱)» زنصورت خود را.

۱۸۳- پوشانیـدن رو را به هر چیز اگرچه چیزهـای غیر متعـارف باشـد مثـل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنابر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

(م ۴۲۸)

۱۸۴- بعض رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند. «(۲)»

(م ۴۲۹)

۱۸۵- اگر دستهای خود راروی‌صورت‌بگذارد مانع‌ندارد. «(۳)»

(م ۴۳۰)

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: در غیر حال ضرورت مانند تحفّظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن.

آیـهٔاللّه زنجانی، آیـهٔ اللّه نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیرمتعارف مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

۲- - آیـهٔ اللّه سیستـانی: به احتیـاط واجب، و لـذا پوشـیدن مقنعه که اطراف صورت را می‌گیرد خلاف‌احتیاط است و همچنین جایز نیست بنـابر احتیـاط خشـک کردن صورت بـا حوله یـا دسـتمال، هر چنـد همه صورت را نپوشانـد، ولی تمیز کردن بینی و ماننـد آن اشکال ندارد.

آیـهٔ اللّه فاضل: بعض رو در حکم تمام است. و بنابر اقوی پوشانـدن صورت در قسـمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست. و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: بر زنان حرام است پوشاندن صورت به آنگونه که به‌طور معمول برای حفظ حجاب یا ناشـناخته ماندن می‌پوشانند و نیز پوشانـدن فقط قسـمت‌هایی از صورت که برای این منظورها پوشانـده می‌شود شامل گونه‌ها و بین و دهان و چانه حرام است. و اما پوشانـدن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن بطوری که پوشانـدن صورت بر آن صـدق نکنـد مانع نـدارد، چه در نماز و چه در غیر آن.

آیهٔ اللّه مکارم: پوشانیدن بعض صورت به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیـهٔ اللّه نوری: بـا توجه به حرمت پوشـیدن صورت برای زنان در حال احرام چون چانه جزء صورت محسوب می‌شود بایـد مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد چون زیر چانه جزء صورت نیست.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد.

ص:۱۳۲

۱۸۶- اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد. «(۱)»

(م ۴۳۱)

۱۸۷- بنابر احتیاط «(۲)» زن نبایدصورت خود را با حوله پاک کند.

(س ۵۰۶)

۱۸۸- زنها در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه سعی کنند کهصورتشان پوشیده نشود «(۳)» و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

(س ۵۰۷)

۱۸۹- در مورد حرمت پوشیدنصورت برای زنان در حال احرام «(۴)»

۱- – آیهٔ اللّه نوری: زن محرم نمی‌تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند چنانکه مرد محرم نمی‌تواند سر خود را با آن پاک یا خشک کند.

آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه موقعی که می‌خواهد بخوابد می‌تواند رو‌انداز را روی صورتش بکشد، هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است.

۲- – آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر اینصورت مانع ندارد.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه فاضل: جایز نیست، مگر در حال ضرورت.

آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه زنجانی: پاک کردن صورت با حوله مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: به نحوی که صورت پوشیده نمی‌شود خشک کند.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر تدریجی باشد مانعی ندارد.

۳- – آیهٔ اللّه بهجت: تحفّظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

آیهٔاللّهسیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می‌پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه زنجانی: این مقدار مانعی ندارد.

۴- – آیهٔ اللّه خامنه‌ای: تفصیل مسأله حرمت پوشیدن رو، ذیل مسأله ۱۸۴ گذشت.

ص:۱۳۳

زیرچانه‌صورت محسوب نمی‌شود لکن پوشیدن مقنعه‌ای که چانه را می‌پوشاند اشکال دارد. «(۱)»

(س ۵۰۵)

مسائل متفرّقه احرام

۱۹۰- کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رساننده «(۲)» از احرام خارج شده وگرنه در احرام باقی است. «(۳)»

(م ۴۸۹)

۱۹۱- در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور بدهد، مثلًا نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود یا غیره بکند اشکال ندارد.

(س ۵۲۷)

۱۹۲- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند «(۴)» هیچیک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند. «(۵)»

(م ۱۳۲۷)

۱۹۳- مصرف کفارات: فقراء و مساکین هستند. «(۶)»

(م ۱۳۲۹)

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: اشکال ندارد.-

آیهٔ اللَّه بهجت: جزء صورت است که نباید پوشانده شود و بعض صورت نیز در حکم تمام آن است ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: یا اگر وظیفه او انجام اعمال عمره مفرده است، آن اعمال را انجام داده.

۳- - آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی: اگر حج خود را باطل کند احرامش باطل می‌شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: یا در بعضی از موارد که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند.

آیهٔاللَّه فاضل: و باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود و تا اعمال تمام نشده، محرمات احرام را رعایت کند.

۴- - آیهٔ اللَّه زنجانی: در حیوان کفاره نیز واجب است.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود.

۶- - آیهٔ اللَّه سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متن مطابق احتیاط است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: باید مؤمن باشند.

آیهٔاللَّه فاضل: مصرف کفاره فقیر مؤمن است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود.

ص:۱۳۴

مستحبات ورود به حرم

«(۱)»

۱۹۴- اوّل: همینکه حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

دوّم: از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلَّ و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

سوّم: وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ وَ أذنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِ فَجٍ عَمِیقٍ، اللَّهُمَّ وَ إِنِی أَرْجُو أنْ أَکُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَکَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ وَ مِنْ فَجٍ عَمِیقٍ، سامِعاً لِنِدائِکَ وَ مُسْتَجِیباً لَکَ، مُطِیعاً لِأَمْرِکَ، وَ کُلُّ ذَلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَ إِحْسانِکَ إِلَیَّ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَه، أَبْتَغِی بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَیْکَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی، وَ التَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِکَ، اللَّهُمَّصَلِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِمْ

۱- – آیهٔ اللّه مکارم: بقصد رجاء انجام دهد.

ص:۱۳۵

بَدَنِی عَلَی النَّارِ، وَ آمِنِی مِنْ عَذابِکَ وَ عِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ»

چهارم: وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

(م ۵۲۸)

مستحبات ورود به مکه معظمه

۱۹۵- برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلّف غسل بنماید. و هنگامیکه وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

(م ۵۲۹)

آداب ورود به مسجد الحرام

۱۹۶- مستحب است مکلّف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید «(۱)» و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السّلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السّلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده بگوید:

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست.

ص:۱۳۶

«السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّها النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ ما شاءَ اللَّهُ، وَ السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ، وَ السَّلامُ عَلى إِبْراهِيمَ وَ آلِهِ، وَ السَّلامُ عَلى أَنْبياءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِينَ»

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ ما شاءَ اللَّهُ وَ عَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِصَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ وَ خَيْرُ الْأَسْماءِ لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِصَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّها النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى أَنْبياءِ اللَّهِ وَ رُسُلِه، السَّلامُ عَلى إِبْراهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمان، السَّلامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلى عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحِين، اللَّهُمَّصَلِ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد، وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ‌مُحَمَّد، كَماصَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْراهِيم، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيد، اللَّهُمَّصَلِ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ عَلى إِبْراهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ عَلى أَنْبيائِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ سَلِمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِين، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِين، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طاعَتِكَ وَ مَرْضاتِكَ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمانِ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوَّارِه، وَ

ص:۱۳۷

جَعَلَنِی مِمَّنْ یَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَ جَعَلَنِی مِمَّنْ یُناجِیهِ، اللَّهُمَّ إِنِی عَبْدُکَ وَزائِرُکَ فِی بَیْتِکَ، وَ عَلی کُلِ مَأْتِیٍ حَقٌّ لِمَنْ اتاهُ وَزارَهُ، وَ أَنْتَ خَیْرُ مَأْتِیٍ، وَ أَکْرَمُ مَزُورٍ، فَأَسْأَلُکَ یا اللَّهُ، یا رَحْمانُ، وَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ، وَ بِأَنَّکَ واحِدٌ أَحَدٌ صَمَد، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُواً أَحَد، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلی أَهْلِ بَیْتِه، یا جَوادُ یاکَرِیم، یاماجِدُ یاجَبَّارُ یا کَرِیم، أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إِیَّایَ بِزِیارَتِی إِیَّاکَ أَوَّلَ شَیْءٍ تُعْطِینِی فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّار».

پس می گوید:

«وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِبِ، وَ ادْرَأْ عَنِی شَرَّ شَیاطِینِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَم».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ فِی مَقامِی هذا فِی أَوَّلِ مَناسِکِی، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وَ أَنْ تَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی، وَ تَضَعَ عَنِی وِزْرِی، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامِ، اللَّهُمَّ إِنِی أَشْهَدُ أَنَّ هَذا بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ مُبارَکاً وَ هُدًی

ص:۱۳۸

لِلْعالَمِینَ، اللَّهُمَّ إِ نِی عَبْدُک، وَ الْبَلَدُ بَلَدُک، وَ الْبَیْتُ بَیْتُک، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَک، وَ أَؤُمُّ طاعَتَک، مُطِیعاً لِأَمْرِکَ، راضِیاً بِقَدَرِکَ، أَسْأَلُکَ مَسْأَ لَةَ الْمُضْطَرِ إِلَیْک، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِک، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوابَ رَحْمَتِک، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِک وَ مَرْضاتِک».

بعد خطاب می کند بسوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَظَّمَکِ وَ شَرَّفَکِ وَ کَرَّمَکِ وَ جَعَلَکِ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً مُبارَکاً وَ هُدًی لِلْعالَمِینَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَه، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُه، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوت، وَباللَّاتِ وَالْعُزّی، وَعِبادَةِ الشَّیْطانِ، وَعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجر الاسود افتاد متوجه بسوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهَذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانا اللَّهِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمِیتُ، وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی، وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِ شَیْءٍ قَدِیر، اللَّهُمَّصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد، وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد، کَأَفْضَلِ مَاصَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ

ص:۱۳۹

تَرَحَّمْتَ عَلى إِ بْراهِيمَ وَ آلِ إِ بْراهِيم، إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ سَلامٌ عَلى جَمِيعِ النَّبِيينَ وَ الْمُرْسَلِين، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِ نِی أُومِنُ بِوَعْدِکَ، وَ أُصَدِقُ رُسُلَکَ، وَ أَتَّبِعُ کِتابَکَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، وصلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمانَتِی أَدَّيْتُها، وَ مِيثاقِی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ، اللَّهُمَّ تَصْدِيقاً بِکِتابِکَ، وَ عَلى سُنَّةِ نَبِيک، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيکَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ، وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزّی، وَ عِبادَةِ الشَّيْطانِ وَ عِبادَةِ کُلِ نِدٍ يُدْعی مِنْ دُونِ اللَّه»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْکَ بَسَطْتُ يَدِی، وَ فِيما عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی، فَاقْبَلْ سَيْحَتِی، وَ اغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی، اللَّهُمَّ إِ نِی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَواقِفِ الْخِزْيِ فِی الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ».

(م ۵۳۰)

ص:۱۴۰

ص:۱۴۱

طواف واجب و احکام آن

اشاره

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظّمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

(ص ۲۱۶)

۱۹۷- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن بنحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

(م ۵۳۱)

۱۹۸- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد. «(۱)»

(م ۵۳۲)

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: و وجوب ذبح یک شتر مطلقا حتی در حال علم و عمد موافق احتیاط است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد.

آیهٔاللَّه فاضل: عمره تمتع او باطل می‌شود، ولی احرام او باقی می‌ماند که برای خروج از احرام باید اعمال عمره مفرده را تمام کند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: چه عالم به اصل وجوب طواف باشد و چه جاهل به آن ولی کسی که به خاطر جهل به احکام فرعی طواف، آن را به صورت باطل انجام داده و طواف صحیح را ترک کرده، در بعضی صورت‌ها عمره‌اش باطل نمی‌شود و تفصیل آن در ضمن مسائل طواف خواهد آمد. و کسی که عمره تمتعِ او باطل می‌شود باید حج افراد و پس از آن، عمره مفرده به‌جا آورد، هرچند عمره تمتع او مستحبی باشد و اگر در ترک طواف معذور نبوده، کفایت از حجهٔالاسلام نمی کند.

ص:۱۴۲

۱۹۹- شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

(م ۵۳۸)

واجبات طواف:

واجبات طواف:

۱- نیّت، ۲- طهارت از حدث اکبر و اصغر، ۳- طهارت بدن و لباس، ۴- ختنه برای مردان، ۵- ستر عورت، ۶- شروع طواف از حجر الاسود، ۷- ختم نمودن آن به حجرالاسود، ۸- قرار گرفتن خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده. ۹- داخل کردن حجراسماعیل در طواف. ۱۰- بودن طواف بین خانه کعبه و مقام ابراهیم. ۱۱- خروج طواف‌کننده از خانه کعبه و آنچه از آن محسوب است. ۱۲- هفت دور طواف نه کمتر و نه زیادتر. «(۱)» واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول- چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول- نیت است یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد. «(۲)»

(ص ۲۱۸)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: رعایت امور دیگری نیز در طواف واجب معتبر است. ۱- موالات بین اجزای طواف. ۲- اختیاری بودن طواف. ۳- ترتیب بین اجزای طواف. ۴- حفظ کردن عدد اشواط. ۵- اجتناب زنان از زدن نقاب. و چون طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است باید خود را بپوشاند اما این امر جزء واجبات طواف نیست.

۲- - نظر آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیّت در بحث نیت در احرام گذشت.

آیهٔ اللّه مکارم: برای عمره تمتّع یا حج و غیر آن.

آیهٔ اللّه فاضل: و نیز نیت کند که هفت دور طواف خانه کعبه انجام می‌دهم برای عمره تمتّع از حجهٔ الإسلام یا حج استحبابی.

ص:۱۴۳

۲۰۰- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همانطور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور بجا آورد با نیت بجا آورده. «(۱)»

(م ۵۳۹)

دوم- آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد. «(۲)»

(ص ۲۱۹)

۲۰۱- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب «(۳)» که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

(م ۵۴۵)

۲۰۲- طواف- یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن- مستحب است و بلکه هرچه شخص بتواند طواف کند خوب «(۴)» است. و در این طواف طهارت شرط نیست.

(م ۵۴۷)

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: در نیت طواف رعایت سه امر معتبر است: قصد طواف، تعیین نوع طواف، قصد قربت و خلوص و کافی است این امور به صورت اجمالی در نیت او باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه نوری: و اگر وضو ممکن نیست تیمّم کند.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی در طواف عمره و حج مستحب، طهارت لازم است.

۴- - آیهٔاللَّه زنجانی، آیهٔ اللَّه مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیّت برای طواف واجب، طواف مستحب‌را ترک کنند.

ص:۱۴۴

۲۰۳- اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند. «(۱)»

(م ۵۴۹)

۱- – آیهٔ اللّه فاضل: اگر در بین طواف واجب حدث عارض شود مسأله چهار صورت دارد:

اوّل: حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل می‌شود که باید بعد از تحصیل طهارت آن را از سر بگیرد، خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوّم: پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت بنابر احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم: بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاراً خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوّم احتیاط کند.

چهارم: پس از تمام شدن دور چهارم بی‌اختیار محدث شود، در این صورت پس از تحصیل طهارت، طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند، و صحیح است. و در این مسأله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دوره چهارم، حدث اصغر عارض شود واجب است قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم و قبل از پایان این دور عارض شود، باید طواف را قطع و بعد از طهارت اگر موالات عرفیه باقی است طواف را تکمیل کند و اگر موالات به‌هم خورده طواف کاملی را به‌قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد و در هر دو صورت می‌تواند طواف اول را رها کند و از نو طواف دیگری انجام دهد و حکم عروض حدث پس از پایان دور چهارم نیز همین است، گرچه در این صورت اگر موالات عرفیه به هم خورده باشد، احتیاط در اتمام طواف و اعاده آن است.

آیهٔ اللّه خویی: اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می‌دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده‌اش نماید. و بجای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل بقصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید بجا آورد.

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر حدث قبل از رسیدن به نصف و از روی اختیار باشد طواف را از سر می‌گیرد و در غیر این صورت احتیاط واجب این است که وضو گرفته و طواف را تکمیل کند و پس از نماز طواف آن را اعاده نماید و کافیست یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد.

آیهٔ اللّه بهجت: آنکه حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می‌دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود، باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید.

آیـهٔ اللّه زنجانی: اگر در بین طواف حدث عارض شد چنانچه حدث اختیاری باشد طواف باطل می‌شود و باید پس از طهارت آن را از سر گرفت و چنـانچه غیر اختیـاری باشـد سه صورت دارد: اول: قبـل از رسیـدن به نیمه شوط چهارم، در این صورت بایـد بعـد از تحصیل طهارت طواف را از سر گرفت. دوم: پس از پایان شوط چهارم، در این صورت باید بعد از طهارت طواف قبلی را از جایی که محـدث شـده تکمیل کند. سوم: پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام شوط چهارم، در این صورت باید بعد از طهارت طواف قبل را تکمیل کرده مجدداً یک طواف کامل بجا آورد. و در این تفصیل فرقی بین حدث اصغر و حدث اکبر نیست و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

ص:۱۴۵

۲۰۴- اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، «(۱)» حدث

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر پیش از تمام شدن نصف طواف حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس ازتحصیل طهارت آن را اعاده کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: پس اگر به سه شوط و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر طواف را از سر بگیرد. و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار شوط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف با نمازهای آن ترک نشود.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم و قبل از پایان این دور عارض شود باز هم باید طواف را قطع و بعد از طهارت اعاده کند لکن به نیت مافی الذمّه.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را دوباره انجام دهد.

ص:۱۴۶

عارض شود احتیاط واجب «(۱)» آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است. «(۲)»

(م ۵۵۰)

۲۰۵- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، «(۳)» واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل. «(۴)»

(م ۵۵۲)

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: وظیفه او فقط اعاده است و اتمام طواف سابق لازم نیست.

۲- - نظری که از آیهٔ اللَّه سیستانی در این دو مسأله نقل شد اختصاص به حدث اصغر ندارد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: تفصیل این مسأله در حاشیه مسأله قبل گذشت.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود.

آیهٔ اللَّه زنجانی، آیهٔاللَّه فاضل: بنابر احتیاط باید صبر کند تا عذر او بر طرف شود و اگر از زوال عذر مأیوس شد با تیمم طواف کند بلی قبل از یأس از زوال عذر می‌تواند رجاءً با تیمم طواف نماید پس اگر تا آخر عذر او ادامه داشت به آن طواف اکتفا کند.

۴- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: در غسل غیر جنابت علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد، وگرنه باید یک تیمم دیگر بجای وضو بجا آورد. و جنب متیمّم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللَّه فاضل: و وقت طواف تنگ شود ....

ص:۱۴۷

۲۰۶- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

(م ۵۵۶)

سوّم: طهارت بدن و لباس است از نجاست. «(۱)»

(ص ۲۵۵)

۲۰۷- احتیاط واجب «(۲)» آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده- مثل خون کمتر از درهم «(۳)» و جامه‌ای که با آن نتوان «(۴)» نماز خواند مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر «(۵)» نجس- اجتناب کند.

(م ۵۶۲)

۱- - آیةاللَّه زنجانی: رعایت این امر در طواف مستحب لازم نیست.

آیةاللَّه خامنه‌ای: بدن و لباس طواف‌کننده باید از خون و نیز از سایر نجاسات بنابر احتیاط پاک باشد.

۲- - آیة اللَّه فاضل: ظاهر آن است که ....

آیة اللَّه خامنه‌ای: خونی که در نماز معفوّ است در طواف هم معفو است و در چیزهایی از قبیل جوراب و عرقچین و نیز دستمال و انگشتر طهارت شرط نیست.

آیة اللَّه زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

۳- - آیة اللَّه زنجانی: خون کمتر از درهم در صورتی معفو است که از دماء ثلاثه نباشد والا مانع نماز وطواف واجب است.

۴- - آیات عظام خویی، بهجت، تبریزی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند[یعنی ساتر نباشد مانند مثالهای مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیة اللَّه مکارم: نجس‌بودن این لباسهای کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

آیة اللَّه سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

۵- - آیة اللَّه فاضل: طهارت در انگشتر و مانند آن که عرفاً به آن لباس نمی‌گویند شرط نیست، و همین‌طور بودن چیز نجس همراه انسان در صورت جهل به مسأله در طواف مانعی ندارد.

ص:۱۴۸

۲۰۸- در خون قروح و جروح «(۱)» اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند. «(۲)»

(م ۵۶۳)

۲۰۹- در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

(م ۵۶۴)

۲۱۰- اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طوافشصحیح است.

(م ۵۶۶)

۲۱۱- اگر در بین طواف نجاستی ببدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند، و طواف اوصحیح است. «(۳)»

(م ۵۶۸)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: اگر تطهیر آن حرجی باشد.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

آیات عظام خویی، بهجت، تبریزی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیهٔ اللّه زنجانی: بر کسی که در بدنش زخم یا جراحت یا دملی است که خوب نشده است لازم نیست برای طواف و نماز، آن زخم یا دمل و قسمت‌هایی از بدن و لباس را که معمولًا از آن خون نجس می‌شود تطهیر کند، و اگر خوب شده باید بدن و لباس را تطهیر کند مگر این کار برای او ضرر داشته یا حرجی باشد، و از این حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۳- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند، و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را بجا آورد.

آیهٔ اللّه مکارم: خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی‌دانسته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید، و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد. و اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را بجا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل بقصد اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً

برگردد و طواف را از همانجا تمام کند و طواف او صحیح است.

ص:۱۴۹

۲۱۲- اگر فراموش کنـد نجاست را و طواف کند، احتیاط «(۱)» واجب اعاده است، و همینطور است اگر در بین طواف یادش بیایـد. «(۲)»

(م ۵۷۱)

۱- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: اقوی اعاده طواف است.

آیهٔ اللّه مکارم: در فرض فراموشی اعاده ندارد.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: طوافش صحیح است، ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده، باید آن را دوباره بخواند، و احتیاط آن است که در این صورت طواف را نیز بار دیگر به‌جا آورد.

آیـات عظـام خویی، تبریزی، سیستـانی: بنـابر اظهر طوافش صـحیح است و اگر در اثناء یادش بیایـد، حکم علم به نجاست در اثناء را دارد.

آیـهٔ اللّه بهجت: صـحّت طواف خالی از وجه نیست. در فرضـی که بعـد از طواف یادش بیاید و مسأله بیادآوردن بین نماز را متعرّض نشده‌اند.

آیهٔ اللّه زنجانی: بنابر احتیاط مؤکد استحبابی اعاده کند. و اگر در بین طواف یادش بیاید آنچه انجام داده صحیح است و باید پس از طهارت طوافش را تکمیل کند و بنابر احتیاط مؤکد استحبابی در این صورت نیز طواف را اعاده نماید و اگر بعد از نماز یادش آمد، اعاده نماز واجب است.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و در بین طواف یا پس از آن یادش آمد طواف صحیح است ولی مستحب است آن را اعاده کند. بلی اگر بعد از نماز طواف یادش آمد فقط نماز را اعاده کند.

آیـهٔاللّه خامنه‌ای: اگر بـدون رها کردن طواف، تطهیر ممکن نباشـد، بایـد دست از طواف بردارد و جامه یا بـدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را از همان‌جا تمام کند و طواف او صحیح است.

ص:۱۵۰

چهارم- ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط «(۱)» واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ نیز مراعات شود. «(۲)»

(ص ۲۲۸)

پنجم- ستر عورت «(۳)» است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، «(۴)» و معتبر است در آن اباحه، «(۵)» پس با ساتر غصبی طواف

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر ممیّز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: واجب است.

آیهٔاللَّه فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده، صحیح نیست و از غیر ممیز بنابر احتیاط صحیح نیست، هرچند احرام آن‌ها صحیح است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد، و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر کودک پسر ممیز باشد، ختنه معتبر است و اگر نباشد مطابق احتیاط استحبابی است.

۳- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است.

۴- - آیهٔ اللَّه مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

۵- - آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب.-

آیهٔ اللَّه بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحّت آن تأمّل و احتیاط است خصوصاً در ساتر.

ص:۱۵۱

صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنابر احتیاط «(۱)» واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند. «(۲)»

(ص ۲۲۹)

قسم دوم- چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است: اول- آنکه ابتداء کند به حجر الاسود.

(ص ۲۳۰)

۲۱۳- آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجرالاسود شروع به طواف کرد «(۳)» وختم کرد به حجرالاسود، چه‌از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش.

(م ۵۷۶)

۲۱۴- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجر الأسود» بدون دقتهایصاحبان وسوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند «(۴)» تا هفت دور تمام شود.

۱- – آیات عظام فاضل، سیستانی، خوئی، تبریزی: این احتیاط واجب نیست.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: اگر جامه احرام، کفش و یا لباسهای دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

آیهٔ اللّٰه نوری: بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.

۲- – آیهٔ اللّٰه نوری: از قبیل نبودن از اجزاء میته و از اجزاء حیوان غیر مأکول اللّحم و از حریر نبودن و طلابافت نبودن را بنمایند.

۳- – آیهٔاللّٰه فاضل: آن‌چه که برای صحت طواف لازم است آن است که شروع و ختم طواف عرفاً از مقابل‌حجر و محاذی آن باشد و می‌تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان، کمی پس از حجر ختم کند.

۴- – آیهٔ اللّٰه مکارم: یعنی توقف لازم نیست.-

آیهٔ اللّٰه زنجانی: یعنی توقف لازم نیست، هرچند اگر توقف کند اشکال ندارد مخصوصاً اگر برای استراحت باشد.

ص:۱۵۲

دوم- ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود و این حاصل می‌شود به اینکه بـدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم «(۱)» شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهّال را نباید بکنند.

(ص ۲۳۱)

سوم- آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود. «(۲)»

(ص ۲۳۲)

۲۱۵- لازم نیست در تمـام حالات طواف خانه را حقیقتاً بشانه چپ قرار دهـد، «(۳)» بلکه اگر در موقـع دور زدن به حجر اسـماعیل علیه السلام خانه از طرف

۱- - آیـهٔ اللّه بهجت: و این از حیث مطـاف کافی است، و از حیث طائف در ابتـداء کافی است محاذات معظم‌بـدن شـخص، و تمام بـدن محاذات آن احوط است، و همچنین در ختم محاذات معظم بـدن یا تمام بدن با بعضـی از حجر با رعایت وصول به موضع ابتدا موافق احتیاط است.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: و در شوط آخراحتیاطاً قدری‌از حجر بگذرد وزیادی را مقدمه علمیّه محسوب دارد.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: و مـانعی نـدارد کـه از بـاب احتیـاط انـدکی زودتر وارد مسیر طـواف شـود، بـا ایـن نیت که طـواف او از مقـابل حجرالأسود باشـد هم‌اکنون در مقابل حجرالأسود از کنار کعبه تا آخر صـحن مسـجدالحرام خط تیره‌ای کشـیده شـده است که افراد می‌توانند هنگام رسیدن به آن خط طواف را آغازو به همان‌جا ختم کنند.

۲- - آیـهٔ اللّه زنجانی: یعنی باید از حجر الاسود به سـمت در خانه حرکت کند نه به سوی رکن یمانی و قرار گرفتن خانه در سـمت شانه چپ لازم نیست بلی اگر بر خلاف جهت به طرف رکن یمانی طواف نمود کافی نیست.

۳- - آیـهٔ اللّه زنجـانی: در حال طواف لازم نیست روی طواف کننـده به طرف جلو و شانه چپ او به سـمت‌خانه کعبه باشـد بنابراین می‌توانـد در حـالی که رویش به سوی کعبه است طواف کنـد بلکه اگر در حـال طواف عقب عقب برود یـا گـاهی پشت او به کعبه شود طوافش صـحیح است ولی بایـد در هر حـال از حجر الاسود به سـمت در خانه طواف کنـد پس اگر ناتوانی را که با تخت روان طواف می‌دهنـد از طرف حجر الاسود به سـمت در خانه طواف بدهنـد کافی است هرچنـد شانه راسـتش به طرف خانه کعبه باشد و اگر او را به سمت رکن یمانی طواف دهند کافی نیست هرچند شانه چپش رو به کعبه باشد.

ص:۱۵۳

چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد. «(۱)»

(م ۵۸۰)

۲۱۶- اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود. «(۲)»

(م ۵۸۱)

چهارم- داخل کردن حِجر اسماعیل علیه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

(ص ۲۳۳)

۱- - آیهٔاللَّه خویی، آیهٔاللَّه تبریزی: خانه خدا در جمیع احوال طواف باید در طرف چپ قرار گیرد، پس اگر مقداری این چنین نبود آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود. آیهٔ اللَّه تبریزی در ادامه می‌فرمایند: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ صدق عرفی است، و بهتر این است که دقت شود بخصوص در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبشهای خانه خدا که در این جاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: خانه باید در همه حالات طواف در طرف چپ باشد پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبشهای خانه بدن را منحرف سازد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بهتر است بجای اینگونه کارهای غیر متعارف مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

۲- - نظر آیات عظام در این مسأله، در مسأله قبل گذشت.

ص:۱۵۴

پنجم- بودن طواف است «(۱)» بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.

(ص ۲۳۴)

۲۱۷- مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه «(۲)» طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و مابین مقام و خانه چنانچه گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) «(۳)» پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد. «(۴)»

(م ۵۹۲)

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است و برای کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند‌در طبقه پایین طواف کنند طواف در طبقه بالا مانعی ندارد.

آیهٔ‌اللّه فاضل: ولی چنان‌چه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده با رعایت الأقرب فالأقرب صحیح است.

آیهٔ اللّه نوری: اقوی این است که در طواف همین قدر که« طواف دور خانه خدا» صدق کند کافی است و مراعات اینکه طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام است لازم نیست و مستحب است.

آیهٔ اللّه خویی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: یعنی در همه اطراف مقدار محلی که می‌توان در آن طواف کرد، همین مقداراست، بنابراین در سمت دیوار حجر محل طواف تنگ نمی‌شود و این مقدار از بیرون دیوار حجر محاسبه می‌گردد نه از خانه کعبه. و کسی که نمی‌تواند در محدوده طواف کند یا این امر برای او مشقت شدید دارد، نایب می‌گیرد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد یا مشقت شدید دارد، می‌تواند در فاصله دورتر طواف کند و در هر حال اگر رعایت محدوده طواف- ولو با تأخیر- برای نوع حجاج موجب مشقت شدید باشد طواف در فاصله دورتر از کعبه صحیح است حتی برای کسانی که می‌توانند در محدوده طواف نمایند.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: از خانه تا سنگ مخصوص است نه بناء، و موضع معروف به شاذروان داخل بیت است‌از جمیع جوانب علی الاحوط.

۴- - آیهٔ اللّه خویی: و لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد، خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است، و از این مسأله حکم مسأله بعد هم معلوم می‌شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صورت ازدحام جمعیت تا جایی که جمعیّت طواف کننده متّصل به یکدیگر مشغول طوافند، طواف در آن حدّ صحیح و مجزی است، ومع ذلک اولی رعایت حدّ است با امکان.

آیهٔ اللّه سیستانی: ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم- هرچند که کراهت دارد- طواف جایز باشد، خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می‌شود، و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اقوی عدم وجوب است، و برای مطاف حدی وجود ندارد و تا هر جای مسجدالحرام که طواف در آن طواف کعبه

صدق کند طواف مجزی است، بلی مستحب است که اگر اضطرار و ازدحام نباشد فیمابین کعبه و مقام ابراهیم انجام دهد. و از این مسأله حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت- بیست و شش ذراع و نیم- نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعیّن است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع. و از اینجا حکم مسأله بعدی معلوم می‌شود.

آیهٔاللَّه مکارم: رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همین‌جا حکم مسأله بعد روشن می‌شود.

ص:۱۵۵

۲۱۸- چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود «(۱)»

۱- - آیـهٔ اللَّه فاضل: ظاهر آن است که در طرف حجر اسـماعیل علیه السـلام مقـدار محل طواف ضـیق نمی‌شود و ازحجر به مقـدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطاف را دارد لکن رعایت احتیاط یعنی طواف در مقدار شش ذراع و نیم نیکو است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه زنجانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

آیهٔ اللَّه صافی: در طرف حجر بنابر احتیاط در فاصله ۵/ ۶ ذراع طواف کنند.

ص:۱۵۶

زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می‌شود و چنانچه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود. «(۱)»

(م ۵۹۵)

ششم- خروج طواف کننده است ازخانه و آنچه از آن محسوب است.

(ص ۲۳۶)

۲۱۹- در اطراف دیوار خانه یک پیش‌آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد. «(۲)»

(م ۵۹۷)

۲۲۰- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن «(۳)» در آنجایی که شاذروان است جایز است، «(۴)» و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب «(۵)» در ترک آن است.

(م ۵۹۹)

۲۲۱- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: مانند مسأله سابق است.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: به این معنی که اگر از روی شاذروان طواف کند آن مقدار از طوافش باطل است.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: بلکه طواف کردن کعبه در حال بوسیدن آن.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: احوط آن است که در اثناء طواف دست خودرا دراز نکند از طرف شاذروان به دیوارخانه‌به جهت استلام ارکان یا غیر آن و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد.

۵- - آیهٔ‌اللَّه گلپایگانی، آیهٔ‌اللَّه صافی: احتیاط مستحب آن است که در حال طواف، دیوار بیت را مسح نکند و بر روی دیوار حجر اسماعیل دست نگذارد.

آیهٔ اللَّه نوری، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

ص:۱۵۷

جایز است، «(۱)» و بطواف ضرر نمی‌رساند گر چه احتیاط مستحب «(۲)» در ترک است.

(م ۶۰۰)

هفتم- آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

(م ۲۳۷)

۲۲۲- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور بجا آورد و یا بیشتر بجا آورد طوافش باطل «(۳)» است اگرچه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند. «(۴)»

(م ۶۰۱)

۲۲۳- اگربعد از طواف‌واجب که هفت دور است بخیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طوافش صحیح است.

(م ۶۰۵)

۱- - آیهٔ اللّٰه فاضل: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

۲- - نظر آیات عظام غیر از آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه سیستانی و آیهٔ اللّٰه تبریزی و آیهٔ اللّٰه مکارم که موافق متن هستند در این مسأله مثل مسأله قبل است.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، این احتیاط را متعرض نشده‌اند.

۳- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنابر احتیاط در هر حال طوافش باطل است.

آیهٔ اللّٰه خویی: اعاده لازم نیست.

۴- - آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل: در صورت ندانستن مسأله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

سایر آیات عظام متعرض این مسأله نشده‌اند. و امّا نظر آیهٔ اللّٰه مکارم موافق متن است.

آیهٔ اللّٰه بهجت: اشکال ندارد.

ص:۱۵۸

۲۲۴- در طواف واجب، قران جایز نیست «(۱)» یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بـدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب «(۲)» مکروه است.

(م ۶۱۱)

۲۲۵- جایز است قطع طواف نافله را بـدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است «(۳)» بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط «(۴)» قطع

۱- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود.

آیهٔ اللّه زنجانی: یعنی جایز نیست بعد از طواف واجب بلافاصله طواف دیگری- واجب یا غیر واجب- انجام دهد، بدون آن که بین دو طواف نماز فاصله شود و این کار طواف را باطل می‌کند بلی اعاده احتیاطی طواف از قران خارج است و مبطل طواف نیست.

۲- - آیهٔ اللّه بهجت، حکم قران در طواف مستحب را متعرض نشده‌اند.

۳- - آیـهٔ اللّه بهجت: احوط عـدم قطع طواف واجب است یعنی ترک بقیّه آن بنحویکه موالات عرفیّه فوت‌شود بدون عذر و بمجرّد خواهش نفس.

آیهٔ اللّه خویی: قطع طواف و سعی جایز نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب قطع نکند.

آیـهٔ اللّه سیستانی: قطع طواف واجب برای کاری ضـروری بلکه بنا بر اظهر قطع آن مطلقاً گرچه برای کاری یا ضـرورتی نباشد جایز است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند.

آیـهٔاللّه زنجـانی: قطع‌عمـدی طواف‌واجب درغیرمواردخـاصه جـایز نیست و مراد از قطع در این مسـأله و مسائـل بعـدی این است که طواف کننـده بـا فاصـله زیـاد انـداختن یـا انجـام فعل کثیر وماننـد اینها موالات عرفیه بین اشواط طواف را از بین ببرد، موارد خاصـه عبارتنـد از: استراحت، وضو و غسل، آب کشـیدن بـدن و لباس، تنگی وقت نماز واجب یا نماز وتر، نماز جماعت یا رسـیدن به نماز اول وقت، برآوردن احتیاج‌دیگری، بیماری، عیادت‌بیمار و هر کاری که مطلوب شارع مقـدس بوده و وقت آن می‌گذرد مانند تطهیر مسـجد، تشـییع جنازه مؤمن. در تمام مواردی که طواف را رها می‌کنـد اگر موالات از بین نرفته بایـد آن را تکمیل کند و اگر از بین رفته به وظیفه قطع طواف که در مسائل آینده می‌آید رفتار نماید.

۴- - آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: قطع طواف مـانع نـدارد اگرچه احتیاط مسـتحب قطع نکردن طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه بهم بخورد.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که قطع نکند.

آیهٔ اللّه تبریزی، موافق متن هستند.

سایر آیات عظام متعرض این حکم نشده‌اند.

ص:۱۵۹

نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند بطوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه بهم بخورد.

(م ۶۱۵)

۲۲۶- اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط «(۱)» آن است که اگر چهار دور بجا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده

۱- - آیـهٔ اللّه گلپایگانی، آیـهٔاللّه صافی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور بجا آورده باشـدطواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

آیهٔ اللّه بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط بجا آورده باشد.

آیـهٔ اللّه تبریزی: هرگاه طواف کننـده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطـل و اعاده‌اش لازم است، و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعـد از تجاوز نصف باشـد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیـهٔ اللّه خویی، آیـهٔ اللّه تبریزی: هرگاه طواف کننـده پیش از تجاوز از نصف طواف بـدون عـذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فـوت شود طوافش باطـل و اعـاده‌اش لازم است و چنـانچه موالات فوت نشود یـا خروجش بعـد از تجـاوز نصف باشـد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر طواف کننده در طواف واجب بی‌دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کـاری شود که عرفاً صـدق کنـد طوافش را قطع کرده است پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشـد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد، و اگر بعد از آن باشد، اگر فوت موالات شود، از سر می‌گیرد.

آیـهٔ اللّه زنجـانی: اگر در غیر مـواردی که در حاشیه مسأله قبـل ذکر شـد طواف را قطع کرد بایـد طواف را از سر بگیرد و احتیـاط مستحب در آن است که اگر قطع طواف بعد از نیمه شوط چهارم بود، قبل از اعاده، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند.

ص:۱۶۰

کند، «(۱)» و این درصورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بهم بخورد.

(م ۶۱۶)

۲۲۷- اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است.

(م ۶۱۷)

۲۲۸- اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد «(۲)» مثل مرض یا حیض یا حدث بی‌اختیار «(۳)» پس اگر بعد از تمام شدن چهار

۱- - آیهٔ اللّٰه فاضل: اعاده مستحب است.

۲- - آیـهٔ اللّٰه زنجـانی: قطع طواف واجب به جهت عـذر چنـد صورت دارد: ۱- قطع طواف به خاطرحـدث اصـغر یا اکبر- جنابت و حیض- حکم آن در مسأله ۲۰۳ گذشت. ۲- قطع طواف به خاطر عروض بیماری در اثناء طواف: اگر قبل از نصف/ ۵/ ۳ شوط قطع کرده، بایـد خودش و اگر نمی‌توانـد نـایبش آن را از سر بگیرد، و اگر بعـد از اتمـام شوط چهارم قطع کرده بایـد بـدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و کافی است والا طوافش باطل می‌شود و باید آن را از سر بگیرد و اگر فیمابین نیمه و پایان شوط چهارم بود بایـد هم بـدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و همچنین خودش- و اگر نمی‌تواند نایبش- یک طواف کامل بجا آورد. ۳- قطع طواف برای استراحت یـا تطهیر بـدن و لبـاس یـا مسـجد یـا تنگی وقت نمـاز واجب یـا رسـیدن به نمـاز اول وقت یا شـرکت در نماز جماعت، در تمام این موارد پس از رفع عـذر طواف قبلی را- هر چند کمتر از نصف باشد- تکمیل می‌کند. ۴- قطع طواف به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد و تشکیل صفوف جماعت، حکم آن در حاشیه مسأله ۲۴۳ خواهد آمد.

در تمـام صورت‌های چهار گانه اگر به جهت ندانسـتن حکم، طواف را از سـر بگیرد طوافش صـحیح است برخی صورت‌های دیگر برای قطع طواف هست که باید به مناسک ایشان مراجعه شود.

۳- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر در اثناء طواف حدث اصغر از او سر زند در صورتی که پیش از رسیدن به نیمه‌شوط چهارم یعنی نرسیده به محـاذی رکن سـوم کعبه باشـد طـواف را رهـا کنـد و پس از وضو گرفتن طواف را از اول اعـاده نمایـد و اگر فیمـابین نیمه شوط چهارم و آخر شوط چهارم باشـد طواف را رها کنـد و پس از وضو گرفتن یک طواف کامل به قصـد مافی‌الـذمه انجام دهـد، و اگر پس از اتمام شوط چهارم باشـد طواف را رها کنـد و پس از وضو سه شوط دیگر انجام دهد و در هر صورت می‌تواند آن طواف را رها نموده و از نو طواف کند، و حکم حدث اکبر ذیل مسأله ۲۰۳ گذشت.

ص:۱۶۱

دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده «(۱)» طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض «(۲)» آن است که اتمام کند و اعاده نماید. «(۳)»

(م ۶۱۸)

۱- – آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۵/ ۳ وچهار بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید.

۲- – آیهٔ اللّه صانعی: و حدث.

۳- – نظر آیات عظام در بحث حدث اصغر و جنابت در مسأله ۲۰۲ و ۲۰۳ گذشت و راجع به حیض به مناسک محشّی رجوع شود.

و امّا در مورد مرض:

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را بجا آورده و طواف را اعاده نماید.

آیهٔ اللّه سیستانی، نظر ایشان مطابق با متن است ولی اضافه فرموده‌اند: این در طواف واجب بود و امّا در طواف مستحبی از هرجا که قطع کند مادامی که موالات عرفی فوت نشده است می‌تواند برگردد و تمام نماید و همچنین در مورد عذر علاوه بر مرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده‌اند.

آیهٔ اللّه بهجت: هرگاه طواف کننده به علّت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است، و چنانچه بعد از آن بوده اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود اگر قادر نشد او را دوش می‌گیرند و طواف می‌دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می‌گیرند در اتمام.

ص:۱۶۲

۲۲۹- جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند، «(۱)» و احتیاط آن است که اگر بعد از چهار دور رها کرد از همان جا طواف را تمام کند والا اعاده کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود. «(۲)»

(م ۶۲۱)

۲۳۰- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه اعتناء نکند «(۳)» و طوافش صحیح است، لکن درصورت دوم خالی از اشکال نیست «(۴)» و احتیاط ترک نشود. «(۵)»

(م ۶۲۲)

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر موالات عرفیه بهم نخورد و اگر بهم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشداحتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن.

۲- - آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی: اتمام طواف قبلی در هر صورت کافی است- هرچند قبل از نصف باشد یا از مطاف خارج شده باشد- و رعایت این احتیاط مستحب است.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعایت عدد اشواط، التفات داشته است، درهیچ یک از دو صورت اعتنا به شکّش نکند والّا در صورت استمرار شک طوافش باطل است.

۴- - آیهٔ اللّه فاضل: این اشکال در صورت عدم انصراف از طواف است امّا اگر شک بعد از انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم طواف محکوم به صحّت است و لازم نیست اعتنا کند.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت: هرگاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: در صورت دوم طواف باطل است مگر اینکه بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی‌کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: احتیاط واجب نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در عدد شوطها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید مثلًا پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید.

ص:۱۶۳

۲۳۱- اگر بعد از طواف شک کند کهصحیح بجا آورده آن را یا نه، مثلًا احتمال بدهد که ازطرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده «(۱)» اعتنا نکند، و طوافشصحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، درصورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه.

(م ۶۲۳)

۲۳۲- اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند «(۲)» که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتناء به شک نکند و طوافش صحیح است.

(م ۶۲۴)

۲۳۳- اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است. «(۳)»

(م ۶۲۵)

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعایت شرایط طواف توجه داشته اعتنانکند و همچنین است حکم مسأله بعد.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسأله ۲۳۰ گذشت.

۳- - آیهٔ اللَّه بهجت: احوط بطلان طواف است.

آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاط مستحب این است که به قصد رجاء تمام و پس از نماز طواف آن را اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: شک در اشواط طواف در صورتی طواف را باطل می‌کند که استمرار داشته و در اثناء یا بعد از آن به اطمینان مبدل نشود و از اینجا حکم مسأله بعد نیز معلوم می‌گردد.

ص:۱۶۴

۲۳۴- اگر در آخر دور یا اثناء آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. «(۱)»

(م ۶۲۶)

۲۳۵- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل گذارد، و طوافشصحیح است.

(م ۶۲۷)

۲۳۶- شخص کثیر الشک در عدد دورها «(۲)» اعتناء به شکش نکند «(۳)» و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

(م ۶۲۸)

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آنکه فی الجمله احوط است. و احوط از آن بنا بر اقلّ بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنابر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجّه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد مثل اینکه شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: بنابر اقل گذاشته طواف را تمام کند و سپس دوباره اعاده نماید البته می‌تواند به‌شمارش دیگری اکتفا کند هرچند از گفته او اطمینان پیدا نکند. ولی اگر به حدّ وسواس برسد، اعتنا نکند.

۳- - آیهٔ اللّه مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

آیهٔ اللّه خویی: کثیرالشک در طواف تا به حدّ وسواس نرسد باید به شکش اعتناء کند.

آیهٔ اللّه بهجت: کثیر الشکّ در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: کثیرالشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند.

ص:۱۶۵

۲۳۷- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دوصحیح است. «(۱)» (م ۶۳۳)

۲۳۸- واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند وصفحهصورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، «(۲)» و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند. «(۳)» (م ۶۳۵)

۲۳۹- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، «(۴)» ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه بهم بخورد، و اگر آن قدر نشست «(۵)» احتیاط آن است

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: هرچند شانه چپ آنها رو به کعبه نباشد.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدّی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر رانگاه کند.

آیهٔ اللّه بهجت: متعرّض نگاه کردن به عقب نشده‌اند.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه می‌تواند رو به کعبه یا در حال بوسیدن کعبه طواف نماید همچنان که اگر در همان مسیر طواف کنندگان عقب عقب طواف کند، طوافش صحیح است.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: و در این حکم فرقی نیست بین این که قبل از نصف طواف باشد یا بعد از آن، ازمطاف خارج شده باشد یا نه، استراحت باعث فوت موالات گردد یا خیر.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر در موردی است که عذر صدق نمی‌کند حکم آن در مسأله ۲۲۸ و ۲۲۹ گذشت، و بافرض تحقّق عذر از ادامه، قبل از اکمال شوط چهارم، در حدّی که موالات عرفیه بهم نخورد مانعی ندارد و اگر بهم بخورد احتیاط مراعات شود به اکمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد.

آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیهٔ اللّه فاضل: که موالات عرفیه بهم خورد.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

ص:۱۶۶

که اتمام کند و اعاده نماید. «(۱)»

(م ۶۳۶)

۲۴۰- هرگاه در طواف خانه خدا مثلًا در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی‌اختیار بردند، «(۲)» همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. «(۳)»

(م ۶۳۹)

۲۴۱- اگر در طواف بی‌اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم «(۴)» است و باید طواف راصحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه

۱- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می‌توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: باید از محل اشکال تا هفت شوط را تکمیل نماید و اگر بعد از طواف متوجه شده بایدیک شوط کامل طواف کند تا طوافش کامل شود و در هر صورت اگر به جهت ندانستن مسأله طواف جدیدی بجا آورد، صحیح است.

۳- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای و آیهٔ اللّٰه مکارم: سابقاً گفته شد، از اوّل نیّت می‌کند که خود را در وسط جمعیّت قرار دهد و طواف کند هرچنداو را ببرند، بنابراین اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر بتواند برگردد و از همانجا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند و گرنه بدون نیّت دور میزند تا به محلّی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همانجا به طواف ادامه دهد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ‌اللّٰه فاضل: اگر به‌طور کلی از حالت اختیار خارج نشود، یعنی بتواند بایستد یا از مطاف خارج شود، طوافش صحیح است و اگر به‌طور کلی از اختیا خارج شود، اگر نتواند برگردد و جبران کند می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سربگیرد.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: ولی چنانکه سابقاً گفته شد، مجرّد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

۴- - آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، مکارم: مانند مسأله سابق است.

ص:۱۶۷

ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید «(۱)» ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود «(۲)» بلکه در اینصورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

(م ۶۴۰)

۲۴۲- اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت «(۳)» پشت به «(۴)» خانه شود و قسمتی از طواف به اینصورت انجام گیرد «(۵)» یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا بجایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید. «(۶)»

(م ۶۴۱)

۱- - آیهٔ اللّه فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفاکند، و طواف در این فرض صحیح است.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه همین مقدار که درباره او گفته شود:« این شخص طواف می‌کند» کافی است وچنانچه درباره او گفته شود« او طواف نمی‌کند بلکه او را طواف می‌دهند» باید این مقدار از طواف را به تفصیلی که در متن مسأله بعد گفته شده اعاده کند.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: مقداری از طواف را پشت به خانه شود به طواف او ضرری نمی‌رسد و اگر فشارجمعیت شخص را جلو براند به طوری که نتوانیم درباره او بگوییم:« این شخص طواف می‌کند» باید به تفصیلی که در این مسأله آمده است، رفتار کند.

۴- - آیهٔ اللّه مکارم: در مورد فشار جمعیّت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

۵- - آیهٔ اللّه نوری: باید مقداری از طواف که پشت به خانه بوده اعاده شود.

۶- - آیهٔ اللّه سیستانی: چنانچه فشار جمعیت به حدی باشد که به طور کلی حالت اختیار را از او سلب نماید باید آن قسمت را اعاده نماید و همان گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی‌تواند بدون قصد طواف برود تاجایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیهٔاللّه فاضل: همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالأسود برود و آن شوط را اعاده کند.

ص:۱۶۸

۲۴۳- اگر در اثناء طواف یا سعی نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد «(۱)» اگر بعد از شوط چهارم «(۲)» طواف یا سعی قطع شده، «(۳)» از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، «(۴)» و اگر قبل از

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند، پس از آن طواف و سعی را از همان جا که‌رها کرده تکمیل می‌کند هر چند قبل از نصف باشد و اگر شرکت نکند ولی تشکیل صفوف جماعت مانع ادامه طواف او شود اگر بعد از پایان شوط چهارم است طواف قبلی را اتمام می‌کند مگر بیش از زمان نایب گرفتن افراد بیمار فاصله شود که در این صورت طواف را اعاده می‌کند و اگر قبل از نیمه شوط چهارم بوده طواف را اعاده می‌کند مگر به مقدار استراحت افراد ضعیف فاصله شود که باید آن را تکمیل کند و در بین سه و نیم و چهار شوط طواف قبلی را اتمام و سپس اعاده می‌کند و این تفصیل حکم تمام مواردی است که به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد طواف واجب قطع می‌گردد.

۲- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر در حین طواف واجب برای نماز یومیه، طواف را قطع کند در صورتی که اقلاًنیمی از طواف یعنی سه شوط و نیم را انجام داده است باید از همان‌جا که قطع شده طواف را ادامه دهد و اگر کمتر از سه شوط و نیم طواف کرده است، اگر فاصله طویل شود، احتیاط آن است که طواف را از سر بگیرد و اگر فاصله طویل نشده، بعید نیست که این احتیاط واجب نباشد، اگرچه به‌هرحال مستحسن است و در احکام مذکوره فرقی میان نماز جماعت و فرادا و سعه وقت یا ضیق آن نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: در طواف اگر موالات عرفیه بهم نخورد اشکالی ندارد و اگر بهم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سؤال است مانعی ندارد.

۴- - آیهٔ اللّه تبریزی: حکم قطع طواف در صورتی که در اثناء طواف نماز جماعت اقامه شود گذشت، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دو صورت اتمام و اعاده است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و اگر بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار بوده احتیاط این است که طواف را تمام کند و نماز آنرا بخواند و طواف و نماز را اعاده نماید و اگر قبل از نصف بوده، طواف را اعاده کند.

ص:۱۶۹

شوط چهارم طواف بوده «(۱)» و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، «(۲)» هرچند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

(س ۶۴۶)

۱- – آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همانجا که قطع شده است ادامه‌دهد چه در طواف باشد چه در سعی و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است و اگر شرکت نکند پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد وفوت موالات عرفی نشده باشد از همانجا که قطع شده است ادامه دهد و اگر موالات فوت شده است از سر بگیرد و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد در هر حال اتمام آن کافی است و در سعی اگر موالات از بین برود به احتیاط واجب باید سعی را تمام و اعاده کند.

آیهٔاللّه فاضل: در تمام صور می‌تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد و صحیح است، اما اگر بخواهد احتیاط کند، اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده باشد و فاصله زیاد شده، باید طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم طواف قطع شده و فاصله زیاد شده است، باید طواف را تمام کند و بعد از نماز آن دو مرتبه نماز و طواف آن را اعاده کند و اگر بعد از دور چهارم قطع شده طواف را تمام کند.

آیهٔ اللّه نوری: طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز از همانجا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.

۲- – آیهٔ اللّه فاضل: اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، امّا اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم بوده و فاصله هم شده احتیاطاً باید طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند و سعی را اگر بعد از دور چهارم قطع شده تمام کند. ولی اگر قبل از دور چهارم قطع شده و فاصله هم زیاد شده بنابر احتیاط لازم اعاده کند.

ص:۱۷۰

۲۴۴- کسانی که در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آنرا رها می‌کنند و بلافاصله از نو شروع می‌کنند «(۱)» طواف آنها اشکال دارد «(۲)» و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند و اگر قبل از شوط چهارم بوده با فرض به‌هم خوردن موالات عرفیّه در طواف اوّل ولو به وسیله طواف دوّم مجدّداً طواف را اعاده کند وکفایت می‌کند و چنانچه در سعی آن را رها کند و از نو شروع کند در هرصورت احتیاط در اتمام و اعاده است.

(س ۶۵۷)

۲۴۵- اگر مأمورین نظافت مسجدالحرام با دست به دست دادن و توسعه آن شخص را از مطاف خارج کنند، به همین مقدار ضرورت

۱- – آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر از روی جهل به مسأله باشد، طوافشان صحیح است والا باید بعد ازپایان طواف جدید و نماز آن، یک طواف کامل بجا آورند و در این تفصیل فرقی نیست که در اثناء طواف جدید متوجه حکم مسأله شوند یا بعد از آن، بلی در صورتی که طواف را از سر گرفته‌اند و هنوز موالات طواف قبلی از بین نرفته است باید طواف اول را تکمیل کنند. حکم سعی نیز مانند طواف است.

۲- – آیهٔاللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه صافی: طواف آن‌ها اشکال ندارد و اگر بعد از دور چهارم بوده، طواف قبل را اتمام کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه فاضل: اشکال ندارد و صحیح است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در هر دو صورت اگر یک طواف کامل به نیّت وظیفه فعلیّه اعم از تمام و اتمام بجاآورد کافی است.

آیهٔاللَّه خویی، آیهٔاللَّه تبریزی: در صورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: تفصیل آن در مسأله ۲۲۶ گذشت.

ص:۱۷۱

حاصل نمی‌شود و اگر امکان دارد که در حدّ طواف کند بایدصبر کند و در حدّ طواف نماید و در اینصورت طواف در خارج حدّصحیح نیست. «(۱)»

(س ۶۶۶)

۲۴۶- کسی که سال خمسی برای خود قرار نداده است اگر پول او از در آمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است بدون تخمیس حکم غصب را دارد که اگر با همان پول احرامی تهیّه یا قربانی کند طواف با آن احرامی و قربانی مزبورصحیح نیست. «(۲)»

(س ۶۶۷)

۱- - آیة اللَّه خامنه‌ای، آیة اللَّه مکارم: طواف حدّ معیّنی ندارد.

آیة اللَّه خویی، آیة اللَّه تبریزی: بلکه طواف صحیح است.

آیة اللَّه فاضل: افرادی که به طریق مذکور عمل کرده‌اند طواف و نماز را باید اعاده کرده و مستحب است که سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر کیفیت مذکور در طواف نساء واقع شده زن بر آنها حلال نشده است.

آیـة اللَّه بهجت: می‌توانـد در کنـاری قرار بگیرد تا بعـد از تمام شـدن کار آنها از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیـة اللَّه سیسـتانی: بعیـد نیست که در بیشتر از مقـدار ذکر شـده[فاصـله بین مقام ابراهیم و کعبه] هر چنـد کراهت دارد، طواف جایز باشد.

آیة اللَّه زنجانی: پس اگر موالات طواف قبلی از بین نرفته آن را تکمیل می‌کند وگرنه به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۴۳ ذکر شد باید عمل نماید.

۲- - آیة اللَّه سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

آیـة اللَّه نوری: و بایـد خودش آنها را انجام بدهـد و اگر چون مراجعت کرده قـدرت نـدارد بایـد برای انجام طواف و نماز طواف و قربانی نایب بگیرد.

آیات عظام خویی، تبریزی، صافی، بهجت: ولکن اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد، حجّش صحیح است.

آیـۀاللَّه فاضـل: ولی در همین فرض چنـان‌چه بدانـد پول از درآمـد همـان سـال است و در همـان سـال خرج می‌شود، خمس واجب نیست.

آیة اللَّه گلپایگانی، آیة اللَّه صافی: اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد.

آیة اللَّه زنجانی: کسی که به مقداری از اموالش خمس تعلق گرفته، تا خمس آن را نداده نباید در آن اموال تصرف کند. و همچنین اگر مال متعلق خمس، با اموال دیگری مشتبه شود و همه آن‌ها محل ابتلاء او باشد، و در هر دو صورت اگر آن را در راه حج صرف کرد یا لباس احرام یا قربانی خرید، معصیت کرده، لکن معامله و اعمال بعدی او صحیح است، هرچند احتیاط مستحب مؤکّد در آن است که در فرض عدم عذر به طواف و نماز و سعی در آن اکتفا نکند.

ص:۱۷۲

۲۴۷- اگر با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شود و طواف و نماز بجاآورد چنانچه از روی علم و عمد نبوده اصل عمره و حجّ اوصحیح است ولی درصورتی که جاهل مقصّر باشد «(۱)» باید طواف و نماز را اعاده کند. «(۲)»

(س ۶۶۸)

۲۴۸- اگر با پولی که معلوم نیست متعلّق خمس است یا نه لباس احرام بخرد «(۳)» لازم نیست خمس بدهد و طواف با آنصحیح است هر چند

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: در این صورت نیز مانند بقیه صورت‌هایی که معذور نمی‌باشد. احتیاط مستحب‌مؤکّد در اعاده طواف و نماز و سعی است.

۲- - مراجعه به مسأله قبل شود.

آیهٔاللّه صافی: اگر با عین پول خمس نداده باشد، حکم مطابق با متن است و اگر به‌صورت کلّی خریده و بعد پول را داده اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است.

آیهٔ اللّه فاضل: و مستحب است سعی و تقصیر را اعاده کند.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: چنانچه سابقه تعلق خمس نداشته و همچنین با اموال متعلق خمس مشتبه نشده‌باشد، لازم نیست خمس آن را بدهد.

ص:۱۷۳

احتیاط مطلوب است. «(۱)»

(س ۶۶۹)

۲۴۹- یاوضع فعلی که غالباً در مطاف و نزدیک مقام ازدحام است اگر می‌توانند ولو دروقت خلوت در مطاف طواف کنند باید «(۲)» در حدّ آن طواف کنند «(۳)» و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد. «(۴)»

(س ۶۵۸)

۲۵۰- اگر قبل از حجر الاسود طواف را شروع کند طوافش باطل است. «(۵)»

(س ۶۸۰)

۱- - آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر احتمال می‌دهد از ربحی می‌خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید بنحو کلی فی‌الذمه صحیح است.

آیهٔ اللّٰه خویی: صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود.

۲- - آیهٔ اللّٰه نوری: در مطاف رعایت حدّ معیّنی لازم نیست همینقدر که صدق طواف دور خانه کعبه بکند کافی است هر چند هر قدر بخانه خدا نزدیکتر انجام بگیرد اولی است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: طواف حدّ معیّنی ندارد.

آیهٔ‌اللّٰه فاضل: ولی چنان‌چه ضرورت عرفی اقتضا کند، انجام طواف در خارج از حد با رعایت الأقرب فالأقرب مانعی ندارد و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

۳- - آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ‌اللّٰه صافی: به حاشیه مسأله ۲۱۷ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: و اگر نمی‌توانند یا مشقت شدید دارد، برای طواف در محدوده مقام نایب می‌گیرند و اگر نمی‌توانند نایب بگیرند یا مشقت شدید دارد، می‌توانند در فاصله دورتر طواف کنند و در هر حال اگر طواف در محدوده مقام- ولو با تأخیر- برای نوع حجاج مشقت شدید داشته باشد طواف در فاصله دورتر مانع ندارد حتی برای کسانی که می‌توانند در محدوده طواف کنند و در صورت ازدحام می‌توان نماز طواف واجب را با فاصله از مقام خواند لکن باید پشت مقام بایستد به طوری که از نظر عرفی رو به مقام و کعبه باشد.

۴- - آیهٔ اللّٰه بهجت: برای مسأله نماز به مسأله ۲۸۰ و قبل از آن مراجعه شود.

۵- - آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر کمبود طواف یعنی از موضع شروعش تا حجرالاسود را جبران کند طوافش- صحیح است.

ص:۱۷۴

۲۵۱- قطع طواف بدون عذر مانع ندارد «(۱)» ولی قبل از فوات موالات نمی‌توان آن را از سرگرفت «(۲)» و بعد از فوت موالات قبل از شوط چهارم طواف را اعاده کند و بعد از شوط چهارم احتیاط در اتمام و اعاده است. «(۳)»

(س ۶۸۴)

۲۵۲- چنانچه شخصی در اثناء طواف به خاطر بوسیدن و لمس بیت‌اللّه الحرام از مسیر خود منحرف شود اگر ملتفت «(۴)» بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کرده و بعداً شک عارض شده حکم بصحّت نماید و در غیر اینصورت «(۵)» اکتفا به طواف مزبور محلّ اشکال «(۶)»

۱- - آیهٔ اللّه خویی: قطع طواف جایز نیست.

آیهٔاللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: به مسأله ۲۵۵ مراجعه کنید.

۲- - به مسأله ۲۲۴ و ۲۲۵ مراجعه شود.

آیهٔاللّه فاضل: قبل از فوات موالات نیز می‌تواند آن را از سر بگیرد و فرقی نیست که دور دوم را رها کند یا غیر آن‌را.

آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: از سرگرفتن آن مانعی ندارد.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: حکم قطع طواف واجب در حاشیه مسأله ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۸ گذشت.

۴- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔاللّه خویی: احتمال التفات کافی است.

۵- - آیهٔ اللّه زنجانی: در غیر این صورت نیز طوافش صحیح است.

۶- - آیهٔ اللّه مکارم: هر گاه آگاه به مسأله بوده که نباید در آن حالت زیاد راه برود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صورتی که توجّه به حکم و بنابر اتیان طواف صحیح داشته است. طواف صحیح است.

ص:۱۷۵

است.

(س ۶۹۶)

۲۵۳- اگر در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت به جلو رانده شود و بعد به جای این که همان مقدار را جبران کند شوط دیگری بجاآورد و طواف را تمام کند «(۱)» طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند. «(۲)»

(س ۶۹۷)

۲۵۴- اگر طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد «(۳)» می‌تواند در ماه‌های غیر حجّ هم انجام دهد. «(۴)»

(س ۷۱۰)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: باید یک شوط دیگر بجا آورد تا طوافش کامل گردد.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیهٔاللّه فاضل: اگر آن شوط را رها کرده و از نو یک شوط دیگر به‌جا آورده صحیح است.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: اما در عمره تمتع کسی که بعد از گذشتن زمان تدارک متوجه فراموشی یا بطلان‌طواف شده، عمره تمتعش مبدل به حج افراد می‌گردد و باید بعد از آن عمره مفرده بجا آورد و اما در حج تمتع کسی که بعد از گذشتن ذی حجه متوجه شده چنانچه در مکه باشد باید اعمال مکه را قضا کند و اگر در وطن متوجه شده حجش صحیح است و قضای اعمال مکه واجب نیست، ولی باید طوافش را به‌جا آورد و اگر مشقت دارد می‌تواند نایب بگیرد. و اگر بین راه متوجه شده بنابر احتیاط آن اعمال را قضا کند و اگر مشقت شدید دارد نایب بگیرد.

۴- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صورتی که طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر طواف باطل باشد با گذشت زمان تدارک، حجش باطل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بطلان نیز در اثر فراموشی بعضی از شروط باشد پس اگر طواف عمره باشد و در وقت متذکر شود باید در وقت انجام دهد و اگر بعد از آن و قبل از طواف حج باشد به احتیاط واجب قبل از طواف حج انجام دهد و اگر بعد از آن باشد هر وقت قضا کند جایز است و در صورتی که طواف حج باشد و در ماه ذیحجه متذکر شود باید قبل از پایان ماه انجام دهد وگرنه هر وقت قضا کند کافی است. و چنانچه بطلان حج ناشی از جهل به حکم باشد یا مثلًا بفهمد که در اعضای وضویش حاجب بوده با گذشت عمره تمتع عمره‌اش باطل می‌شود و نیز اگر در حج باشد با گذشت وقت حج حجش باطل می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر بطلان طواف عمره تمتع در اثر فراموشی بعضی از شروط یا از جهت جهل به برخی شرایط و خصوصیات باشد و در وقت متوجه شود، باید آن را تدارک کند و نماز آن را اعاده کند و اگر بعد از تقصیر متوجه شود از احرام خارج شده و فقط طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر بعد از محرم شدن به احرام حج و قبل از طواف حج متوجه شود، باید طواف و نماز آن را اعاده کند و مستحب است که قبل از طواف حج آن را انجام دهد و اگر بعد از اعمال حج و در ماه ذی‌حجه متوجه شد همان وقت طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر نشد هر وقت که توانست و اگر خودش نمی‌تواند نایب بگیرد تا نایب او طواف و نماز او را انجام دهد و عمره و حج او صحیح است.

آیهٔ اللّه زنجانی: می‌تواند به شمارش دیگری اعتماد کند هرچند برایش اطمینان پیدا نشود.

ص:۱۷۶

۲۵۵- اگر در عدد اشواط طواف وسعی و عدد سنگ‌های رمی به دیگری اعتماد کند چنانچه اطمینان به عدد پیدا نماید «(۱)» مانع ندارد.

(س ۷۱۲)

۲۵۶- محرم می‌تواند قبل از انجام طواف واجب خود هم (چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء) همین طوافها را برای معذور نیابت کند. «(۲)»

(س ۷۱۵)

۲۵۷- اگرصاحب عادت وقتیّه و عددیه که عددش مثلًا هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال را بجا آورد و بعداً خون دید «(۳)» چنانچه از روز دهم تجاوز نکرده محکوم به حیض است «(۴)» که در

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: و در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد اگر خود او یقین به عدد اشواطداشته باشد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: یا آن شخص ثقه باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از اداء مناسک خود طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوب عنه انجام دهد.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: چنان‌چه در هنگام اعمال در باطن هم پاک بود، اعمال انجام شده صحیح استهرچند از روز دهم تجاوز نکرده باشد و به طور کلی اگر در بین روزهایی که زن خون می‌بیند مدتی پاک شود، به طوری که در باطن هم خون نباشد در این مدت حائض نیست.

۴- - آیهٔ اللَّه فاضل: اگر در طواف حج واقع شده باید طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و اگر در عمره تمتّع بوده اگر فرصت دارد طواف و نماز را اعاده کند و مستحب است که سعی را اعاده کند و اگر در عمره تمتع بوده اگر فرصت دارد طواف و نماز آن را اعاده کند و احتیاط مستحب این است که سعی و تقصیر را نیز دو مرتبه به‌جا آورد و اگر فرصت نداشته باشد، حج تمتع او بدل به افراد می‌شود و اگر حج واجب بوده، بعد از حج افراد باید یک عمره مفرده به‌جا آورد والّا انجام عمره مفرده واجب نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر آن لک صفات حیض را داشت و قبل از گذشت ده روز از ابتداء حیض قطع شد باید طواف و نماز طواف را که خوانده اعاده نماید و اگر بعد از آن سعی یا تقصیر کرده آنها را هم اعاده نماید و در غیر اینصورت اعمالی را که انجام داده صحیح است.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر به صفات حیض ادامه یافت و از ده روز نگذشت اعمال گذشته باطل بوده و اگر از ده روز گذشت و یا به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده.

آیهٔ اللَّه سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می‌شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید اعمالش را تدارک نماید.

ص:۱۷۷

وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت محلّ اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود. «(۱)»

(س ۷۱۹)

۲۵۸- هر گاه زنی ولو به جهت خوردن قرص نظم عادت ماهانه‌اش بر هم خورد چنانچه خون سه روز استمرار داشته باشد «(۲)» ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد حکم حیض دارد وگرنه

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: لازم نیست سه روز اول حیض پشت سر هم باشد، ولی باید این‌سه روز در یک دهه واقع شود. پس اگر دو روز خون ببیند و هفت روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، هر دو خون حیض است ولی اگر بعد از دو روز خون دیدن، هشت روز پاک باشد خون دیده شده حیض نمی‌باشد مگر پاک بودن وی به جهت مانعی همچون قرص خوردن باشد که لازم نیست سه روز اول در یک دهه واقع شود بلکه اگر به جهت مانعی مجموع خون دیده شده سه روز هم نباشد خونی که در ایام عادت می‌بیند حیض است.

ص:۱۷۸

باید به وظایف مستحاضه عمل کند. «(۱)»

(۷۲۰)

۲۵۹- مستحاضه کثیره باید برای هر یک از طواف و نماز جداگانه غسل کند، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد. «(۲)»

(س ۷۲۵)

۱- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: در صورتی که سه روز اوّل پشت سر هم نباشد مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بینند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی‌بیند هم کارهایی را که بر حایض حرام است ترک کند و عبادتهای خود را بجا آورد.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست، و اگر خون ببیند برای هرکدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود مثل اینکه در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد الحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیهٔ اللّه بهجت: زنی که در حال استحاضه است به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هریک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیهٔ اللّه مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّه خویی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نزده باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهند و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد و اگر غسل برای او حرجی است، یعنی مستلزم مشقتی است که عادتاً قابل تحمل نیست، به‌جای غسل تیمم کند و وضو بگیرد. مستحاضه قلیله برای طواف یک وضو و برای نماز آن هم یک وضو باید بگیرد.

آیهٔ اللّه زنجانی: مستحاضه کثیره باید برای هر نماز و هر طواف جداگانه علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد، و در مورد نماز طواف، چنانچه آن را بدون فاصله قابل توجهی از طواف بجا آورده باشد لازم نیست برای آن مجدداً اعمال مستحاضه را بجا آورد، والا باید برای نماز طواف هم اعمال مستحاضه را تکرار کند، مگر در صورتی که اطمینان داشته باشد که پس از طواف تا پایان نماز آن، از وی خون بیرون نیامده است.

ص:۱۷۹

۲۶۰- اگر برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند چنانچه در ایام عادت لک کمرنگ ببینند «(۱)» این خون حکم استحاضه را دارد «(۲)» و باید به وظیفه مستحاضه عمل کند.

(س ۷۳۶)

۲۶۱- در مواردی که طواف و نماز یا سعی باید اعاده شود لازم

۱- - آیهٔ اللّٰه نوری: اگر در موقع اعمال خون نبینند که پاک می‌باشند و اعمالشان صحیح است ولی اگر درایام عادت یک یا دو لکه کم رنگ ببینند این خون خون استحاضه حساب می‌شود و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند.

۲- - آیهٔ اللّٰه بهجت: مگر آنکه علم پیداکند در باطن خون است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: این خون حیض به حساب می‌آید و به طور کلی خونی که زن در ایام عادت می‌بینند هرچند نشانه‌های حیض را نداشته باشد و به جهت مانعی- چون قرص- کمتر از سه روز باشد، حیض به شمار می‌رود.

ص:۱۸۰

نیست «(۱)» با لباس احرام باشد. «(۲)»

(س ۷۵۱)

۲۶۲- هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره از طواف و سعی را انجام دهد، جهلًا یا عمداً، طواف و سعی مزبورصحیح، و عمره مذکور مجزی است. «(۳)»

(س ۷۵۲)

۲۶۳- حجاب زن در طواف با حجاب زن در نماز فرق می کند، «(۴)» و

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: احوط آنست که طواف و سعی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده تا محل تدارک آن باقی است باقی در احرام می‌باشد و لباس دوخته را باید دربیاورد و بعد از گذشت زمان تدارک حجش باطل است و بعید نیست احرامش هم باطل باشد.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: در صورتی که تقصیر یا حلق او محکوم به صحت باشد اجتناب از پوشیدن لباس‌های معمولی و دیگر محرمات احرام واجب نیست و در هر حال اگر در لباس‌های معمولی طواف یا سعی را بجا آورد ضرری به اعمالش نمی‌زند.

۳- - آیهٔ اللّه مکارم: در صورت عمد خلاف احتیاط است گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

آیهٔ اللّه خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر ساتر منحصر به لباسهای دوخته‌ای که پوشیده است باشد طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیهٔ اللّه بهجت: ولی پوشیدن لباس مخیط در حال احرام کفاره دارد برای متعمّد و یا مضطرّ، بخلاف ناسی و ساهی و جاهل.

آیهٔ اللّه نوری: هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

۴- - آیهٔ اللّه خویی: فرق نمی کند و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم بنابر احتیاط واجب است ولکن‌باید به نحوی باشد که ساتر از صورت زن فاصله داشته باشد.

آیهٔ اللّه فاضل: فرقی ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: فی الجمله فرق می کند گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر مُحل باشد.

آیهٔ اللّه نوری: فرق می کند چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

ص:۱۸۱

فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط. «(۱)»

(س ۷۵۴)

۲۶۴- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، چنانچه عمدی باشد، طوافصحیح نیست «(۲)» علی الاحوط و در غیر مورد عمدصحیح است مگر در جاهل مقصر علی الاحوط.

(س ۷۵۵)

۲۶۵- اکل و شرب در حال طواف مانع ندارد.

(س ۷۵۷)

۲۶۶- اگر در عمره یا حجّ طواف را تمام کند و بگوید دلچسب

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: داشتن ساتر- بر مرد و زن- بنابر احتیاط مستحب در صحت طواف معتبر است بلی چون معمولًا طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است تکلیفاً پوشاندن عورت بر مردها و تمام اندام- بجز وجه و کفین- بر بانوان واجب است.

۲- - آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، سیستانی: طواف صحیح است هرچند گناه کرده است.

آیهٔ اللّه خویی: در فرض جهل به حکم طواف صحیح است.

آیهٔ اللّه زنجانی: طواف مطلقاً صحیح است هر چند در فرض عدم عذر گناهکار است، بلی رعایت این احتیاط بسیار مناسب است.

ص:۱۸۲

نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول بجا می‌آورد، عمل اوصحیح است، «(۱)» هرچند داخل در قِران حرام شده است.

(س ۷۵۶)

۲۶۷- به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود و انجام یک عمل چندین بار به عنوان احتیاط و رجاء با اینکه عمل نقصی هم ندارد وسوسه است بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

(س ۷۶۳)

۲۶۸- اگر در طواف مستحبی زن بداند که به بدن مرد نگاه می‌کند «(۲)» یـا احیاناً در بین فشار مردان قرار می‌گیرد، چنانچه اختیاراً نگاه به نامحرم نکند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هرصورت طواف صحیح است.

(س ۷۶۶)

۱- - آیات عظام خویی، گلپایگانی، صافی، تبریزی، زنجانی: اعاده طواف به عنوان احتیاطقران نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: چون جنبه احتیاطی دارد اشکالی ندارد و طواف احتیاطی طواف دیگر نیست تا قران حاصل شود.

نسبت به نظر سایر آیات عظام مراجعه شود به مسأله ۲۲۴

آیهٔ اللّه سیستانی: صحّت عمل مورد اشکال است از جهت فاصله بین طواف و نماز مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲- - آیـهٔ اللّه زنجانی: چنانچه نگاه او بـدون تلذذ و خوف وقوع در حرام باشد، اشـکال ندارد و همچنین زنی‌که در طواف مسـتحب احیانـاً در بین فشـار مردان قرار می‌گیرد، می‌توانـد طواف کنـد مگر بدانـد این تمـاس موجب تحریک او یا مردان می‌شود و چنانچه استثناء بداند این امر در طواف واجب پیش می‌آید باید طواف را به تأخیر بیندازد.

ص:۱۸۳

۲۶۹- احوط ترک طواف «(۱)» مستحبی است «(۲)» برای محرم قبل از اعمال عمره تمتّع یا عمره مفرده و پس از محرم‌شدن به حجّ قبل از رفتن به عرفات ولی به عمره و حجّ ضرر نمی‌زند.

(س ۷۶۸)

۲۷۰- شخص نمی‌تواند هر شوط از طواف مستحب را به نیّت یک نفر بجاآورد ولی‌می‌تواند مجموع را به نیّت چند نفر انجام دهد. «(۳)»

(س ۷۶۹)

۲۷۱- جایز نیست طواف مستحبی را خارج از محدوده طواف واجب بجاآورد مگر در مورد ضرورت. «(۴)»

(س ۷۷۰)

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل ازرفتن به عرفات به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اقوی جواز و احوط ترک آن است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود بنابر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیهٔ اللَّه بهجت: اشکالی ندارد.

[در عمره تمتع و عمره مفرده نظر آیات عظام نامبرده در مناسک مطابق متن است ولکن در آراء المراجع ص ۳۲۳ در جواب استفتاء آیهٔ اللَّه خویی چنین فرموده‌اند: طواف مستحبی در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده جایز است. و در ادامه از آقای لطفی چنین نقل شده: به نظر آیهٔ اللَّه العظمی خویی احوط ترک طواف مستحبی است در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده قبل از تقصیر، ولی در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.]

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: در عمره و حج تمتع کسی که طواف واجبش- ولو طواف نساء- را انجام نداده نمی‌تواند طواف مستحبی بجا آورد.

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهداء کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

۴- - مراجعه شود به پنجم از واجبات طواف.-

آیهٔ اللَّه زنجانی: طواف مستحب از این جهت حکم طواف واجب را دارد که در مسأله ۲۱۷ گذشت.

ص:۱۸۴

۲۷۲- احوط آن است که حاجی بعد از برگشتن از منی تا اعمال واجب را انجام نداده طواف مستحبی نکند. «(۱)»

(س ۷۷۱)

آداب و مستحبات طواف

«(۲)»

۲۷۳- در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ، کَما یُمْشی بِهِ عَلی جَدَدِ الْأَرْض، وَ أَسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ، وَ أَسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدامُ مَلائِکَتِکَ، وَ أَسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسَی مِنْ جانِبِ الطُّور، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ، وَ أَسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍصَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَأَخَّرَ، وَ أَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ، أنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَ کَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِی إِلَیْکَ فَقِیر، وَ إِنِی خائِفٌ مُسْتَجِیر، فَلا تُغَیرْ جِسْمِی وَ لا تُبَدِلِ اسْمِی»

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۶۹ مراجعه شود.

۲- - آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبّات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص:۱۸۵

خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سائِلُکَ فَقِیرُکَ مِسْکِینُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّهِٔ، اللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَ الْحَرَمُ حَرَمُکَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَقامُ الْعائِذِ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِی وَ والِدَیَّ وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ إِخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّار، یا جَوادُ یا کَرِیم»

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَٔ بِرَحْمَتِکَ، وَ أَجِرْنِی بِرَحْمَتِکَ مِنَ النَّارِ، وَ عافِنِی مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِزْقِ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَهِٔ الْجِنِ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَهِٔ الْعَرَبِ وَالْعَجَم»

و چون از حِجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«یا ذَا الْمَنِ وَ الطَّوْلِ، وَ الْجُودِ وَ الْکَرَمِ، إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَ تَقَبَّلْهُ مِنِی، إِنَّکَ أَ نْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیم».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«یااللَّهُ یاوَلِیَّ الْعافِیَهِٔ، وَخالِقَ الْعافِیَهِٔ، وَرازِقَ الْعافِیَهِٔ، وَالْمُنْعِمَ بِالْعافِیَهِٔ، وَ الْمَنَّانَ بِالْعافِیَهِٔ، وَ الْمُتَفَضِلَ بِالْعافِیَهِٔ عَلَیَّ وَعَلَی جَمِیعِ خَلْقِک، یا رَحْمانَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِٔ وَ رَحِیمَهُما،صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنا الْعافِیَهَٔ، وَ دَوامَ الْعافِیَهِٔ، وَ تَمامَ الْعافِیَهِٔ، وَشُکْرَ الْعافِیَهِٔ فِی‌الدُّنْیا وَالْآخِرَهِٔ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِین».

ص:۱۸۶

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی شَرَّفَکِ وَ عَظَّمَکِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً، وَ جَعَلَ عَلِیّاً إِماماً، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ، وَ جَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید:

«رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار «(۱)» رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هَذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاء اللّه تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَ الرَّاحَةُ، وَ الْفَرَحُ وَ الْعافِیَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَ اغْفِرْ لِی ما اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ، أَسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»

۱- – مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

ص:۱۸۷

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِعْنِی بِما رَزَقْتَنِی، وَ بارِكْ لِی فِیما آتَیْتَنِی»

۲۷۴- برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط أرکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید «(۱)»:

«أَمانَتِی أَدَّیْتُها، وَ مِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاهْ».

(م ۷۷۲)

۱- – آیهٔ اللَّه مکارم: انجام بعضـی از این مسـتحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیّت برای بسـیاری از مردم غیر ممکن است بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نیّت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیّتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

ص:۱۸۸

نماز طواف

اشاره

۲۷۵- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نمازصبح.

(م ۷۷۳)

۲۷۶- می تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌های سجده، «(۱)» و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «قل هو اللَّه احد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل یا أیها الکافرون» را بخواند.

(م ۷۷۴)

۲۷۷- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نمازصبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

(م ۷۷۵)

۲۷۸- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، «(۲)» و باید

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: قرائت سوره‌های سجده در نماز جایز است ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل‌می‌شود مگر اینکه سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: قرائت سوره سجده در نماز مانعی ندارد و فقط آیه سجده را نباید بخواند لذا می‌تواند کل سوره به استثناء آیه سجده را بخواند و نماز را تمام کند و چنانچه آیه سجده را در نماز خواند باید سجده کند و اگر عمداً آیه را خوانده و سجده کرد، نمازش باطل می‌شود.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: بعد از استقرار آن به تروّی علی الاحوط، و اظهر اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ‌در افعال چه ظنّ به وجود باشد یا عدم به مصحّح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن در محل شك و یا نسیان باشد یا خارج از محل پس لوازم آن از تدارك یا بطلان یا عدم تدارك را مترتّب می کند اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجمله در صورت تعلّق ظنّ به فعل که تدارك نمی کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً.

ص:۱۸۹

اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظنّ در «(۱)» رکعات، و در ظن در افعال «(۲)» احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

(م ۷۷۶)

۲۷۹- احوط آن «(۳)» است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.

(م ۷۷۷)

۲۸۰- واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود.

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل: ظن در افعال معتبر است.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

۳- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده.

آیهٔ اللّه خویی اضافه نموده‌اند که فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است و اگر عمداً تدارک نشود حج باطل می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالما عامداً اخلال به فوریت کند. ظاهراً طواف باطل می‌شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.

آیهٔ اللّه نوری: احتیاط واجب آن است که بعد از انجام طواف مبادرت کند به خواندن نماز آن.

آیهٔ اللّه زنجانی: رعایت موالات بین طواف و نماز آن واجب است یعنی باید بعد از طواف بدون تأخیر به خواندن نماز آن اقدام کند به گونه‌ای که نماز عرفاً از توابع طواف محسوب شود و اگر بدون عذر نماز را به تأخیر انداخت باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر نماز طواف اول را نخوانده قبل از اعاده احتیاطاً نماز آن را بخواند.

ص:۱۹۰

و احتیاط «(۱)» واجب آن است که پشت مقام بجا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، «(۲)» و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیکتر بایستد، لکن نه بطوری که مزاحمت با سایرین کند.

(م ۷۷۸)

۲۸۱- اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد بطوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند بواسطه دوری زیاد، «(۳)» در یکی از

۱- - آیةاللَّه گلپایگانی، آیةاللَّه صافی: بنابر احتیاط واجب در هنگام نماز باید مقام ابراهیم پیش روی اوقرار گیرد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است ....

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: اظهر آن است ....

آیهٔ اللَّه خویی: بلکه واجب است.

آیهٔ اللَّه مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد.

آیةاللَّه خامنه‌ای: واجب‌است این نماز پشت مقام نزدیک به آن خوانده شود به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: واجب است این نماز« پشت مقام ابراهیم علیه السلام» خوانده شود و باید نزدیک مقام باشدبه طوری که عرفاً بگویند« نزد مقام» نماز خوانده است.

۳- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کافی است در هر نقطه‌ای که خلف صدق کند گرچه از مقام دور باشد بلکه در این‌صورت صحّت نماز در هر جای مسجدالحرام بعید نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم الأقرب فالأقرب هر چه نزدیکتر باشد بهتر است را مراعات کند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: در مواقع ازدحام طواف کنندگان، لازم نیست نماز را نزد مقام بخواند هرچند بتواند با وسیله‌ای چون محافظت دیگران نزدیک مقام نماز بخواند، بنابراین می‌تواند تا جایی که مزاحمت برای طواف کنندگان نباشد عقب برود اما باید پشت مقام بایستد به طوری که عرفاً رو به مقام و کعبه باشد و نماز در قسمت‌های راست و چپ مقام صحیح نیست. از همین جا حکم مسأله بعد روشن می‌شود.

ص:۱۹۱

دو جانب بجا «(۱)» آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.

(م ۷۷۹)

۲۸۲- اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را بجا آورد باید «(۲)»

۱- - آیـهٔ اللّه خویی: در صورت عـدم تمکّن از نمـاز نزدیک مقام می‌توانـد با رعایت الأقرب فالأقرب دورترنماز بخوانـد ولی به هر حال باید پشت مقام باشد.

آیـهٔ اللّه تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکّن از نزدیکی مقام، با مراعات الاقرب فالاقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند بجاآورد.

آیهٔ اللّه بهجت: در صورت عدم تمکّن و بُعد مفرط در یکی از دو جانب آن بجا آورد.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: و اگر نتوانـد پشت مقـام و نزدیـک به آن بجـا آورد، احتیـاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکیش چه در سمت راست باشـد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد. و اگر نتوانـد آن دو را بجا آورد هر کـدام که ممکن اسـت انجام دهد، و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسـجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقـام نزدیکتر باشـد، و اگر پس از آن تـا زمـانی که وقت سـعی تنـگ شود توانست نزدیـک به مقـام و پشت آن نمـاز را اعـاده کند احتیاط مستحب اعاده آن است.

۲- - آیهٔاللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: اگر ممکن نشد، نماز خواندن در هر جای مسـجدالحرام‌زمان رسول خدا صـلی الله علیه و آله که خلف مقام بر آن صدق کند کافی است و باید رعایت الأقرب فالأقرب را بنماید.

آیـهٔ اللّه بهجت: و اگر آن هم ممکن نباشـد مراعات می‌کند الاقرب فالاقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را با رعایت احتیاط در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف، و احَد جانبین به جمع در نماز بلکه به اعاده پس از تمکن از نماز در پشت سـر اگرچه در آخر وقت امکان باشد. و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است.

ص:۱۹۲

ملاحظه نزدیکتر را بکنـد از میان دو جانب و پشت «(۱)» مقام، و اگر سه طرف مساوی باشـند، در پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیک‌تر از پشت باشـند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفاء به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخوانـد و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیکتری، و احوط «(۲)» اعاده نماز است درصورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت «(۳)» تنگ نشده برای سعی.

(م ۷۸۰)

۲۸۳- جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا آورد اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آن را می‌تواند عمداً ترک «(۴)» کند.

(م ۷۸۱)

۱- - آیهٔ اللّه فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نماز خواندن در دو طرف راست یا چپ مقام در صورت تمکن از خلف گرچه دور باشد کافی نیست.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجاءً بخواند.

۳- - آیهٔ اللّه صانعی: یعنی احتیاط در مبادرت نماز طواف بعد از طواف از بین نرفته که در مسأله ۷۷۷ بیان شد.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اعاده لازم نیست.

۴- - آیهٔ اللّه بهجت: مورد تأمّل است.

آیهٔ اللّه مکارم: ترک آن مشکل است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، متعرض ترک نماز نشده‌اند.

آیهٔ اللّه سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: سزاوار نیست ترک کنند.

ص:۱۹۳

۲۸۴- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۲۸۰ بعد ذکر شده عمل نماید. «(۱)»

(م ۷۸۲)

۲۸۵- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بینصفا و مروه یادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا «(۲)» تمام کند.

(م ۷۸۳)

۲۸۶- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.

(م ۷۸۴)

۲۸۷- اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هرجا «(۳)» یادش آمد نماز را بجا آورد اگرچه در

۱- - آیة اللّه زنجانی: این در صورتی است که در مکه یا حوالی آن یادش بیاید و اگر بعد از دور شدن یادش آمد می‌تواند همانجا نماز بخواند و بهتر است کسی را نایب کند که پشت مقام نماز بخواند و از آن بهتر آن است که خودش برگردد و پشت مقام نماز بخواند و از این حکم مسأله ۲۸۷ نیز روشن می‌شود.

۲- - آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را، و در کمتر از نصف همه آن را مجدداً بجا آورد.

آیة اللّه بهجت: سعی را اعاده نماید.

۳- - آیة اللّه فاضل: اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز در منی و استنابه و الّا در هر جا که‌هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعید نیست.

آیة اللّه سیستانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز بجای آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.

آیة اللّه خامنه‌ای: اگر از مکّه دور نشده و برگشتن و انجام نماز در محلّش بر او مشکل نیست باید برگردد به‌مسجدالحرام ودر محلّش بجاآورد واگر از مکّه دور شده در همانجایی که یادش آمد بجا آورد.

ص:۱۹۴

شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم «(۱)» نیست اگرچه آسان باشد.

(م ۷۸۵)

۲۸۸- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را بطورصحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند «(۲)» اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است، و همچنین حج نیز باطل است، پس علاوه بر آنکه بنابراین قول از حجهٔ الاسلام برائت ذمّه پیدا نمی‌کند ممکن «(۳)» است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود. «(۴)»

(م ۷۸۸)

۱- – آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم بجا آورد.

آیهٔ اللّه بهجت: و احوط آن است برگردد به حرام اگر دشوار نباشد و آنهارا بجا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام استنابه را لازم دانسته‌اند بنابراین احوط جمع است میان قضاء آنها در هرجا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بجای آورد.

آیهٔ اللّه فاضل: برگشتن مطابق احتیاط است ولی واجب نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: منظور برگشتن به حرم خارج از مسجدالحرام است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او بجا آورد.

۲- – آیهٔ اللّه تبریزی: اگر با فرض تمکّن به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر این که‌جاهل قاصر یا معتقد به صحّت قرائت باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.

آیهٔ اللّه خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.

۳- – آیهٔ اللّه بهجت، از اینجا تا آخر مسأله را متعرّض نشده‌اند.

۴- – آیهٔ اللّه مکارم: البته دقّت‌های علمای تجوید شرط نیست همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است.

آیهٔ اللّه زنجانی: محرمی که قرائتش غلط است و می‌تواند آن را تصحیح کند باید طوافش را به تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح کند والا طواف و اعمال بعدی او باطل است بلی اگر بدون اطلاع از لزوم تأخیر طواف، طواف کرده باشد یا لزوم تأخیر را فراموش کرده باشد در هر دو صورت طوافش صحیح است ولی باید نماز طواف و سعی و تقصیر را تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح کند. بلی اگر به‌جهت ندانستن مسأله بدون تصحیح قرائت، بقیه اعمال را انجام دهد، اعمال او صحیح است، ولی باید- به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۸۴ گذشت- نماز طواف را اعاده کند.

ص:۱۹۵

۲۸۹- اگر شخصی نتوانست «(۱)» قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است «(۲)» که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، لکن «(۳)» اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست. «(۴)»

(م ۷۸۹)

۱- – آیهٔ اللّه زنجانی: اگر شخصی نتوانست ولو با تأخیر طواف.

۲- – آیهٔ اللّه زنجانی: این احتیاط استحبابی است.

۳- – آیهٔ اللّه بهجت: و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان‌جماعت عمل به وظیفه یومیّه کافی است.

۴- – آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مشروعیّت جماعت در نماز طواف ثابت نیست پس به هر نحو می‌تواند خودش بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است بطور فرادی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز بهتر و مطابق با احتیاط است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند هر چند در اثر مسامحه و سهل‌انگاری ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قران را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یادگرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنابه یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و امّا سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیهٔ اللّه مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

ص:۱۹۶

۲۹۰- کسی که نماز طواف عمره را در داخل حِجر اسماعیل علیه السلام بجاآورده‌وبعد ازتقصیر متوجه شده است، باید نماز را اعاده کند. «(۱)»

(س ۷۹۳)

۲۹۱- در موقعی که شخص طواف می‌کند جمعیت زیاد باشد و در اثر ازدحام نتواند بعد از طواف نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای بغیر از دور خواندن نماز ندارد با فرض ضرورت «(۲)» نمازش صحیح است. «(۳)»

(س ۷۹۷)

۲۹۲- نیابت کسی که قرائتش درست نیستصحیح نیست «(۴)» هر چند تبرّعی باشد مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی‌الاعذار محسوب نباشد که در اینصورت می‌تواند نیابت را قبول نماید ولی باید قرائت خود را درست کند.

(س ۸۱۰)

۲۹۳- اگر افرادی که قرائتشان درست نیست نائب شوند و عمره را به نیّت منوب‌عنه انجام دهند «(۵)» درصورت امکان باید قرائت خود را درست

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

آیهٔاللّٰه فاضل: ولی اعاده اعمال بعد لازم نیست.

۲- - آیهٔ اللّٰه بهجت: و گذشت رعایت احتیاط در ذیل مسأله ۲۸۱

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: حکم این مسأله در حاشیه مسأله ۲۸۱ گذشت.

۴- - آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: نیابت چنین شخصی خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللّٰه بهجت: اکتفاء به عملش مشکل است.

آیهٔاللّٰه فاضل: در حج واجب.

۵- - آیهٔ اللّٰه بهجت: کسی که قرائتش درست نبوده و یا از جهات دیگر معذور بوده و بدون توجّه به این عذربه نیابت از دیگری محرم شده و در وسط اعمال و یا بعد از عمره تمتّع متوجه نقص کار خود شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد و نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود.

ص:۱۹۷

کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند. بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند «(۱)» احرام آنهاصحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند. «(۲)»

(س ۸۰۲)

۲۹۴- احتیاط در ترک نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بین طواف و نماز و مبادرت به نماز طواف است. «(۳)»

(س ۸۰۷)

۲۹۵- اگر در موقع نماز طواف زن و مرد در کنار یکدیگر قرار گیرند یا زن جلوتر از مرد باشد برای نماز ضرر ندارد. «(۴)»

(س ۸۰۸)

۱- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: بنا بر احتیاط به قصد منوب عنه اعمال را بجا آورد و لکن صحّت‌عمره مذکور برای منوب عنه محلّ إشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نمایند.

۲- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط این است که حج را به نیّت نیابی تمام کند.

آیهٔ اللّه فاضل: در فرض سؤال، اعمال آن‌ها صحیح است و از احرام خارج شده‌اند، ولی کفایت از عمل واجب منوب‌عنه نمی‌کند.

آیهٔاللّه مکارم: ولی‌می‌تواند برای‌خودش حج بجاآورد، اگر وقت وسعت‌دارد حج تمتع وگرنه حج افراد بجا آورد و چنانچه حجهٔالاسلام بجا نیاورده حج واجب او محسوب می‌شود ولی پول نیابت را باید برگرداند.

آیهٔ اللّه سیستانی: احرام صحیح است و باید حج را به نیّت منوب‌عنه تمام کنند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوب‌عنه نیست.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: واجب است میان طواف و نماز طواف فاصله نیفتد و صدق فاصله امر عرفی است و بعید نیست به اندازه خواندن نماز یومیه یا نافله مختصر اشکالی نداشته باشد.

آیهٔ اللّه بهجت: اشکال ندارد اگر مخلّ به فوریّت عرفیّه نباشد.

آیهٔ اللّه زنجانی: چنانچه نماز یا عبادت مستحبی، متابعت عرفی بین طواف و نماز را به هم بزند، انجام آن بدون عذر جایز نیست و باعث بطلان طواف می‌شود.

۴- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه خوئی: ولی باید رعایت عدم تقدّم زن بر مرد بشود پس اگر مرد ولو به مقدار کمی از زن جلوتر باشد نماز هر دو صحیح است و همچنین اگر بین آنان فاصله باشد ولو به مقدار یک وجب.

آیهٔ اللّه فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنّت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: مجرّد تنه زدن مسقط تکلیف نیست بلی در صورت تعذّر به تفصیلی که در مناسک گفته شده عمل کنند.

آیهٔ اللّه زنجانی: و این امر اختصاص به نماز طواف ندارد بلکه در مطلق نمازهایی که در مسجد الحرام و اطراف آن خوانده می‌شود تساوی یا تقدم بانوان اشکال ندارد بلکه کراهتی هم در آن نیست.

ص:۱۹۸

۲۹۶- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خوانـد مگر آنکه مزاحمت کنـد با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخوانـد موجب فوت یومیه شود پس بایـد اول نمـاز یومیه را بخوانـد. «(۱)» ۲۹۷- کسـی که نمازش را غلط می‌خوانـد و وقت تصـحیح آن را ندارد می‌تواند «(۲)» عمره مستحبی بجاآورد. «(۳)»

(س ۸۱۲)

۲۹۸- اگر طواف عمره را بجاآورد و بـدون نماز و سـعی تقصـیر کرده «(۴)» بایـد نمـاز و سـعی را بجاآورد و با فرض جهل «(۵)» یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است. «(۶)»

(س ۸۱۳)

۱- - آیهٔاللَّه زنجانی: و همچنین است در صورت مزاحمت با واجب اهم دیگر.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: می‌تواند برای خودش.

آیهٔاللَّه فاضل: برای خودش یا به نیابت از دیگری.

۳- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: و بنا بر احتیاط برای نماز نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند اگر چه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد.

۴- - آیـهٔ اللَّه زنجـانی: بایـد طواف و نمـاز و اعمال بعـدی را بجا آورد و از محرمات احرام اجتناب نمایـد و درفرض جهل یا نسـیان اعاده سعی و تقصیر و اجتناب از محرمات احرام لازم نیست.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت، احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند. و در صورتی که جهل به حکم نبوده تقصیر قبلی کفّاره ندارد.

۶- - آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر فاصـله زیاد شـده است به احتیاط واجب بایـد طواف را اعاده کنـد و در عمره مفرده باید پس از سـعی، تقصـیر را نیز اعاده کند و همچنین در عمره تمتّع در صورت جهل بلکه در صورت نسـیان نیز بنابراحتیاط و در فرض نسـیان سعی در عمره تمتّع به احتیاط واجب باید یک شتر کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفاره ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیهٔ اللَّه مکارم: و احتیاطاً تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیهٔاللَّه فاضل: و مستحب است تقصیر را اعاده کند.

ص:۱۹۹

۲۹۹- حدّ پشت مقام «(۱)» و مقدارصدق آن عرفی است و تحدید به مقدار معیّنی نشده است.

(س ۸۱۹)

۳۰۰- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد بهصحّت «(۲)» آن بقیه اعمال را انجام دهد فقط نماز را باید اعاده کند.

(س ۸۱۵)

۳۰۱-صحّت نماز در اقتداء نماز طواف به نماز یومیه محلّ اشکال است. «(۳)»

(س ۸۱۸)

مستحبات نماز طواف

«(۴)»

۳۰۲- در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: حد پشت مقام و نزد مقام.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: یا با غفلت از آن.

۳- - آیهٔاللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه صافی: معذور، نماز طواف را به کسی که نماز طواف می‌خواند اقتدا کند والّا می‌تواند به نماز یومیه به رجاء مطلوبیت اقتدا نماید.

آیهٔ اللَّه زنجانی: بلکه محکوم به بطلان است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

۴- - آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص:۲۰۰

الهی را بجا آورده وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید «(۱)»:

«اللّهُمَّ إ نِی أَسْأَ لُکَ بِحَقِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحمَّد، وَ أنْ تَتَقَبَّلَ عَمَلِی، وَ تَشْکُرَ سَعْیِی، وَ لا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِی أَبَداً ما أَبْقَیْتَنِی

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحامِدِهِ کُلِها، عَلی نَعْمائِهِ کُلِها، حَتَّی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إِلی ما یُحِبُّ رَبِی وَ یَرْضی، اللَّهُمَّصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد، وَ تَقَبَّلْ مِنِی وَ طَهِرْ قَلْبِی وَ زَکِّ عَمَلِی».

و در روایت دیگر است:

«اللّهُمَّ ارْحَمْنِی بِطَواعِیَتِی إِیّاک، وَ طَواعِیَتِی رَسُولَکَصَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ جَنِبْنِی أنْ أَتَعَدّی حُدُودَکَ، وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَ یُحِبُّ رَسُولَکَ، وَ مَلائِکَتَکَ وَ عِبادَکَ الصَّالِحِین»

و در بعضی از روایات است که حضرتصادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ وَجْهِی لَکَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً، لا إِلَهَ إِلَّا أ نْتَ حَقّاً حَقّاً، الْأَوَّلُ قَبْلَ کُلِ شَیْءٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ کُلِ شَیْءٍ، وَ ها أَنَا ذا بَیْنَ یَدَیْکَ ناصِیَتِی بِیَدِکَ، فَاغْفِرْ لِی، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ،

۱- – آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه بهجت: دعـای اوّل و دوّم در مناسـک ایشـان موجود نیست و در دعـای آخر نیز تفـاوت در عبارت وجود دارد.

ص:۲۰۱

فَاغْفِرْ لِی، فَإِنِی مُقِرٌّ بِذُنُوبِی عَلی نَفْسِی، وَ لا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

سعی صفا و مروه

اشاره

۳۰۳- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی کند بینصفا و مروه که دو کوه معروفند.

(م ۸۲۵)

۳۰۴- مراد از سعی آن است که از کوهصفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

(م ۸۲۶)

۳۰۵- واجب است سعی بینصفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که ازصفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه بهصفا برگشتن نیز یک شوط است.

(م ۸۲۷)

۳۰۶- واجب است اول ازصفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، «(۱)» و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید «(۲)» باید اعاده کند، و اگر

۱- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند.

۲- - آیهٔاللَّه گلپایگانی، آیهٔاللَّه صافی:

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند بعید نیست، کفایت کند.

ص:۲۰۲

در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و ازصفا شروع کند. «(۱)»

(م ۸۲۸)

۳۰۷- در سعی مابینصفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل، چه در حال اختیار «(۲)» و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

(م ۸۳۰)

۳۰۸- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، «(۳)» پس اگر از راه غیر متعارف بهصفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

(م ۸۳۴)

۳۰۹- اگر بینصفا و مروه را دو طبقه یا چند «(۴)» طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند «(۵)» گرچه احوط «(۶)» سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

(م ۸۳۵)

۳۱۰- واجب است در وقت رفتن بطرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، «(۷)» لکن نگاه کردن به چپ و

۱- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: و اگر بعد از تقصیر فهمید باید تقصیر را نیز اعاده کند.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی، آیهٔاللّٰه فاضل: لکن در حال اختیار باید خودش آن وسیله را راه ببرد.

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: واجب نیست سعی از راه متعارف باشد پس اگر از راهی که معمولًا به طرف صفامی‌روند به طرف مروه برود سعیش باطل نمی‌شود لکن سعی کننده در حال سعی کردن باید بین دو کوه باشد و چنانچه در مقداری از سعی از بین دو کوه خارج شود، آن مقدار از سعیش باطل است.

۴- - آیهٔ اللّٰه بهجت: سعی در طبقه دوّم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم‌می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّٰه فاضل: جایز نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: طبقه دوّم که فعلًا وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد.

۵- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: ولی سعی در طبقه دوم که فعلًا وجود دارد، صحیح نمی‌باشد.

۶- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، این احتیاط در مناسک ایشان نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، این احتیاط در مناسک ایشان و ملحق آن مذکور نیست.

۷- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: لازم نیست سعی به صورت متعارف باشد بنابراین می‌تواند در همان مسیر به پهلوحرکت کند یا عقب عقب برود، هر چند سعی بر خلاف متعارف خلاف احتیاط استحبابی است.

ص:۲۰۳

راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد. «(۱)»

(م ۸۳۷)

۳۱۱- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن برصفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی «(۲)» و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی. «(۳)»

(م ۸۳۸)

۳۱۲- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

(م ۸۳۹)

۳۱۳- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض. «(۴)»

(م ۸۴۰)

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: مثلًا اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد.

۲- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: هر چند رفع خستگی به مقداری طول بکشد که موالات عرفیه سعی به هم بخورد.

۳- - آیهٔ اللّٰه خویی: به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود، و احوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه بهم نخورد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است.

آیهٔ اللّٰه بهجت، متعرض موالات عرفیه نشده‌اند. و فرموده‌اند: گرچه احوط این است که بین آن دو بدون عذر ننشیند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد.

۴- - آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هرچند گناه کرده است.

آیهٔ اللّٰه خویی: اگر تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده نماید.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: تأخیر تکلیفاً جائز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: بلکه تا بین الطلوعین روز بعد نیز به تأخیر نیندازد اما کسی که کمی قبل از طلوع فجر طواف کرده می‌تواند سعی را تا اوایل روز به تأخیر بیندازد و در هر حال اگر بدون عذر سعی را به فردا به تأخیر انداخت، بنابر احتیاط طواف و نماز آن را قبل از انجام سعی اعاده کند.

ص:۲۰۴

۳۱۴- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است بتفصیلی که در طواف گذشت.

(م ۸۴۳)

۳۱۵- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر سعی اوصحیح است، و بهتر آن است که زائد را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند. «(۱)»

(م ۸۴۴)

۳۱۶- با تمام کردن سعی حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود بواسطه احرام.

(م ۸۴۷)

۳۱۷- اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر «(۲)» اعتناء نکند، «(۳)»

۱- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر زائد یک شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: اگر زاید کمتر از یک شوط باشد سعی را رها می‌کند و این سعی بی‌اشکال صحیح است و اگر زاید یک شوط یا بیشتر بود بهتر بلکه احتیاط استحبابی آن است که زاید را به هفت شوط برساند.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: اگر بعد از تقصیر شک در صحت سعی نماید در صورتی که احتمال بدهد هنگام‌سعی متوجه رعایت شرایط آن بوده اعتنا به شکش نکند و همین طور است حکم صورتی که بعد از فارغ شدن و انصراف از سعی شک کند، و در این امر فرقی نیست که شک وی از جهت تعداد اشواط باشد یا از جهات دیگر، شک او در زیاده باشد یا نقیصه یا در هر دو جهت.

۳- - آیهٔ اللّٰه فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه، و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده کند.

ص:۲۰۵

و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بناگذاری بر اتمام و اعتناء نکردن به شک خالی از اشکال نیست «(۱)» احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در اینصورت وجوب اتمام بعید نیست، «(۲)» و اگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده اعتناء نکند.

(م ۸۵۰)

۳۱۸- اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتناء نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر «(۳)» ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک

۱- – آیات عظام نوری، بهجت، مکارم: اعتناء به شک نکند و عملش صحیح است.

آیةاللَّه خویی، آیةاللَّه تبریزی: اظهراین‌است که باید به این شک اعتناء شود. و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند.

آیة اللَّه گلپایگانی، آیة اللَّه صافی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

آیة اللَّه سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد بنابر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شک او قبل از بهم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است.

۲- – آیة اللَّه مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر آن را پایان داده به این شک اعتنا نکند.

۳- – آیة اللَّه زنجانی: چنانچه در اثناء سعی یا بعد از آن شک او به اطمینان مبدل نگردد، سعی او باطل‌است.

ص:۲۰۶

و سه یا دو و چهار و هکذا.

(م ۸۵۲)

۳۱۹- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بینصفا و مروه سعی کند و با همین نیت ازصفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی «(۱)» را اعاده کند اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.

(س ۸۵۴)

۳۲۰- سعی در طبقه فوقانی «(۲)» اگر محرز نیست که بینصفا و مروه است، جایز نیست. «(۳)»

(س ۸۵۶)

۳۲۱- اگر در اثنای سعی مثلًا برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داد، چنانچه سعی را قطع نکرده و به نیّت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده «(۴)» یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کردهصحیح است. «(۵)»

(س ۸۶۰)

۳۲۲- محلّ سعی مسجد نیست و زنهایی که عادت ماهانه دارند و

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه بهجت: سعی صحیح است.

آیهٔاللّه سیستانی: اگر جاهل‌قاصر بودهسعیش صحیح است و اگر مقصر بوده صحتش اشکال دارد.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: سعی در طبقه فوقانی، کافی نیست.

۳- - آیهٔ اللّه مکارم: طبقه فوقانی میان دو کوه نیست.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: در صورتی که سعی وی بین دو کوه بوده است یا اگر ...

۵- - آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه اگر اشتباهاً جلوتر از محل قطع شده سعی را شروع کرده باشد سعی او صحیح‌است و اگر بعد از آن، سعی را شروع کرده، اگر شوط ششم یا هفتم بوده از محل قطع تا پایان سعی را باید اعاده کند و اگر اشواط دیگر بوده دوشوط از سعیش ناقص مانده و باید دو شوط/ از مروه تا مروه بجا آورد.

ص:۲۰۷

برای طواف نائب می‌گیرند سعی را باید خودشان بجاآورند و با مراعات ترتیب بین طواف و نماز و سعی.

(س ۸۶۲)

۳۲۳- اگر در حال سعی عقب عقب به طرف مروه یاصفا رفته «(۱)» باید آن مقدار را تدارک کند و اگر از آن محلّ گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است. «(۲)»

(س ۸۷۵)

۳۲۴- در سعی لازم نیست حتماً پا به سنگ‌های سیاه درصفا و مروه برسد بلکه همین‌که سعی در بین دو کوه باشد و احراز شود کافی است و لازم نیست بالا برود. «(۳)»

(س ۸۶۸)

مستحبّات سعی صفا و مروه

۳۲۵- مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته و مقداری آب بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءًمِنْ کُلِ داءٍ وَسُقْم»

۱- – آیهٔ اللَّه زنجانی: سعی او صحیح است، هر چند احتیاط استحبابی در آن است که از آن محل تامقداری از سعیش که ناقص مانده تدارک کند.

۲- – آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد.

آیهٔ اللَّه مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: اشکال ندارد.

۳- – آیهٔ‌اللَّه بهجت: واجب است که ابتدا کند از جزء اوّل صفا به آنکه پاشنه پا را بچسباند در غیر سوار و محمول؛ به جزء اوّل مسافت.

آیهٔ اللَّه مکارم: سر بالائی صفا و مروه جزء آن دو کوه است بنابراین مسیر فعلی چرخ سوارها اشکال ندارد.

ص:۲۰۸

پس از آن بنزد حجر الأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجر الأسود است بسویصفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالایصفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الأسود آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را بخاطر بیاورد آنگاه این اذکار را بگوید:

«أللّهُ أکْبَرُ»

هفت مرتبه.

«أَلحَمدُ للّهِ»

هفت مرتبه.

«لا إلهَ إلّااللّهُ»

هفت مرتبه.

«لا إلَهَ إلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْد، یُحْیِی وَ یُمِیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِالْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»

سه مرتبه.

پسصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللّهُ أَکْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی ما هَدانا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی ما أَبْلانا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَیِ الْقَیُّوم، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَیِ الدَّائِمِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إلَهَ إلَّا اللّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لا نَعْبُدُ إلَّا إیَّاهُ، مُخْلِصِینَ لَهُ الدِینُ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إنِی أَسْأَ لُکَ الْعَفْوَ وَ الْعافِیَةَ وَ الْیَقِینَ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنا عَذابَ النَّارِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

ص:۲۰۹

«أللَّهُ أَكْبَرُ»

صد مرتبه.

«لا إِلهَ إِلَّااللَّهُ»

صد مرتبه.

«أَ لْحَمْدُ للَّهِ»

صد مرتبه.

«سُبْحانَ اللَّهِ»

صد مرتبه.

پس بگوید:

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بارِكْ لِی فِی الْمَوْتِ، وَ فِی ما بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِ نِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ظُلْمَۀِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِی فِی ظِلِ عَرْشِکَ، یَوْمَ لا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّکَ»

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمانَ الرَّحِیمَ، الَّذِی لا تَضِیعُ وَدائِعُهُ، دِینِی وَ نَفْسِی وَ أَهْلِی، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِی عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّۀِ نَبِیکَ، وَ تَوَفَّنِی عَلی مِلَّتِه، وَ أَعِذْنِی مِنَ الْفِتْنَۀِ».

پس بگوید:

«أللَّهُ أَكْبَرُ»

سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَاغْفِرْ لِی کُلَ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَۀِ،

ص:۲۱۰

فَإِنَّکَ أَ نْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِی ما أَ نْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ بِی مَا أَ نْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِی وَ إِنْ تُعَذِبْنِی فَأَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذابِی وَ أَنَا مُحْتاجٌ إِلی رَحْمَتِکَ، فَیا مَنْ أَنَا مُحْتاجٌ إِلی رَحْمَتِه، ارْحَمْنِی، اللَّهُمَّ لا تَفْعَلْ بِی ما أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِبْنِی وَ لَمْ تَظْلِمْنِی، أَصْبَحْتُ أَتَّقِی عَدْلَکَ، وَلا أَخافُ جَوْرَکَ، فَیا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لایَجُورُ، ارْحَمْنِی».

پس بگوید:

«یا مَنْ لا یَخِیبُ سائِلُهُ، وَ لا یَنْفَدُ نائِلُهُ،صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِمُحَمَّدٍ، وَ أَعِذْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ».

و در حدیث شریف وارد شده است هرکس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن برصفا را طول دهد و هنگامی که ازصفا پائین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضِیقِهِ وَ ضَنْکِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِی فِی ظِلِ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّکَ».

پس از پله چهارم پائین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«یا رَبَّ الْعَفْوِ، یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ هُوَ أَوْلِی بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُثِیبُ عَلیالْعَفْوِ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، یا جَوادُ یاکَرِیمُ، یا قَرِیبُ

ص:۲۱۱

یا بَعِیدُ، ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَک، وَاسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِک وَمَرْضاتِک».

و مستحب است پیاده سعی نماید و ازصفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حدّ را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَکْبَر، اللَّهُمَّصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَم، إِنَّکَ أَ نْتَ الْأَعَزُّ الْأَکْرَم، وَ اهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَم، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَ تَقَبَّلْ مِنِی، اللَّهُمَّ لَکَ سَعْیِی، وَ بِکَ حَوْلِی وَ قُوَّتِی، فَتَقَبَّلْ عَمَلِی، یا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِینَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«یا ذَا الْمَنِ وَ الْفَضْلِ وَ الْکَرَمِ وَ النَّعْماءِ وَ الْجُودِ، اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که درصفا بجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْو، یا مَنْ یَجْزِی عَلَی الْعَفْوِ، یا مَنْ دَلَّ عَلی الْعَفْوِ، یا مَنْ زَیَّنَ الْعَفْوَ، یا مَنْ یُثِیبُ عَلی الْعَفْوِ، یا مَنْ یُحِبُ

ص:۲۱۲

الْعَفْو، یا مَنْ یُعْطِی عَلَی الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَی الْعَفْوِ، یا رَبَّ الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ»

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ حُسْنَ الظَّنِ بِکَ فِی کُلِ حالٍ، وَصِدْقَ النِیَّهِٔ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ».

(م ۸۸۷)

تقصیر و بعض أحکام آن

۳۲۶- واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزنند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکنند، «(۱)» و از موی قدری بزنند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است. «(۲)»

(م ۸۸۸)

۳۲۷- تقصیر نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: این قید را ندارند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: و بنابر احتیاط مؤکد استحبابی برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل: و کندن مو هم کفایت نمی‌کند اگرچه حرمتش محرز نباشد.

آیات عظام خامنه‌ای، بهجت، زنجانی، سیستانی: و چنانچه از روی عمد و علم بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

ص:۲۱۳

غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند «(۱)» موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.

(م ۸۸۹)

۳۲۸- اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره‌اشصحیح است و مستحب است فدیه یک گوسفند، «(۲)» و احتیاط آن است که فدیه بدهد.

(م ۸۹۰)

۳۲۹- در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند طواف و نماز آن را رجاءاً «(۳)» بجاآورد.

(م ۸۹۲)

۳۳۰- بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد حلال می‌شود بر او بغیر از تراشیدن «(۴)» سر هرچه حرام شده بود بر او بواسطه احرام، حتی نزدیکی

۱- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: باطل می‌شود و اگر تا آخر وقت آن را جبران نکند عمره‌اش تبدیل به حج افرادمی گردد و باید بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده نیز بجا آورد، هر چند عمره تمتعش استحبابی باشد.

۲- - آیات عظام خویی، تبریزی، بهجت: بنابر احتیاط یک گوسفند بدهد.

آیات عظام گلپایگانی، نوری، فاضل، صافی: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند فدیه بدهد.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: بنابر احتیاط مؤکد استحبابی یک قربانی شتر یا گاو یا گوسفند ذبح کند و تقصیر فراموش شده قضا ندارد.

۳- - آیهٔ اللّٰه فاضل: در عمره تمتّع طواف نساء واجب نیست بلکه انجام آن موافق احتیاط است و اگر بخواهند احتیاط کنند محلّ انجام آن قبل از تقصیر است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ضرورتی ندارد طواف نساء را بقصد رجاء بجا آورد.

۴- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: سرتراشیدن نیز حلال می‌شود. اگرچه احتیاط مستحب ترک آن است پس ازگذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب این است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: تراشیدن سر بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه بهجت: ظاهر عدم حرمت احرامی آن است و حرمت به جهت منافات با وجوب توفیر محلّ تأمّل است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: تراشیدن سر بین عمره و حج جائز نیست و بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ترک تراشیدن سر احتیاط است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: بنابر احتیاط مؤکد استحبابی سر نتراشد.

ص:۲۱۴

با همسر.

(م ۸۹۳)

۳۳۱- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفاء به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است «(۱)» و احوط «(۲)» در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است. «(۳)»

(م ۸۹۴)

۳۳۲- اگر در عمره مفرده تقصیر را فراموش کرده و طواف نساء را انجام داده باشد باید اوّل تقصیر را در هر جا هست ولو در ایران خودش بجاآورد و سپس طواف نساء «(۴)» را اعاده کند و اگر خودش

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: بلکه نباید برای تقصیر موی زیر بغل و مانند آن را کوتاه کند و به طور کلی کوتاه‌کردن غیر از موی سر و ریش و شارب کفایت نمی‌کند بلکه حرام است.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، این احتیاط را متعرض نشده‌اند.

۳- - به مسأله ۳۲۶ تقصیر مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه سیستانی: متعرض موی زیر بغل نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بنا بر احتیاط واجب.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: اکنون که قبل از تقصیر متذکّر شده است تقصیر می‌کند و طواف نساء را بعد از آن‌اعاده می‌نماید بنابر احوط، و مقدّم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

ص:۲۱۵

نمی‌تواند برود «(۱)» نائب بگیرد.

(س ۸۹۴)

۳۳۳- هرگاه غیر مؤمن برای مؤمن تقصیر نماید اشکال ندارد.

(س ۸۹۹)

۳۳۴- در عمره تمتّع حلق به جای تقصیر کفایت نمی‌کند. «(۲)»

(س ۹۰۳)

۳۳۵- اگر بعد از انجام اعمال عمره تقصیر را در منزل انجام دهد مانعی ندارد.

(س ۹۰۴)

۳۳۶- خدمه کاروانهای حج اگر عمره مفرده بجا آورده باشند «(۳)» هر

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و اگر رفتن به مکه برایش حرجی باشد می‌تواند نایب بگیرد و تا تقصیر نکرده باید از محرمات احرام اجتناب کند بنابراین تا طواف نساء را خودش یا نایبش انجام نداده، زن بر وی حرام است.

۲- - آیهٔ اللَّه مکارم: این کار اگر عمداً باشد و در ماه ذی‌القعده به بعد باشد بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفّاره دارد و در غیر عمد کفاره نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: و در صورت علم و عمد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔ اللَّه خویی: در صورت علم و عمد یک گوسفند کفاره دارد بلکه بنابر احتیاط در غیر صورت علم و عمد نیز کفّاره دارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: و یک گوسفند کفاره دارد و بنا بر احتیاط در صورت جهل و نسیان نیز کفاره دارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کفایت نمی‌کند و اگر این کار را از روی علم و عمد کرده باشد عمل حرام انجام داده و باید یک گوسفند قربانی کند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: به مسأله ۳۲۶ و حاشیه آن مراجعه شود.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: می‌توانند از مکه خارج شوند ولی در برگشت اگر یک ماه از طواف نساء عمره مفرده گذشته است بدون احرام نمی‌توانند وارد حرم یا مکه شوند و اگر عمره تمتع بجا آورده‌اند نباید از مکه و حوالی آن خارج شوند مگر در صورت حاجت که محرم به احرام حج شده بیرون می‌روند آری اگر محرم شدن بر آنها حرجی باشد می‌توانند بدون احرام خارج گردند.

ص:۲۱۶

دفعه که از مکه خارج می‌شونـد و به جـده می‌رونـد و بر می‌گردند لازم نیست محرم شوند «(۱)» ولی اگر عمره تمتع بجـا آورده‌اند بنابر احتیاط «(۲)» نباید از مکه خارج شوند مگر درصورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج. «(۳)»

(م ۹۱۰)

۱- – آیات عظام سیستانی، خویی، فاضل، تبریزی: مگر اینکه ماه هلالی دیگر وارد مکه شوند که بایددومرتبه محرم بشوند. آیهٔ اللّه سیستانی اضافه نموده‌اند: اگر عمره‌اش به نیابت از دیگری باشد بنابر احتیاط واجب با احرام جدید وارد حرم یا مکّه شود.

۲- – آیـهٔ اللّه بهجت: در صورتی که اعمـال حـج تفویت نشود خروج از مکه مانعی نـدارد می‌تواننـدماننـد حطّاب و حَشّاش بـدون احرام بروند و برگردند.

۳- – آیهٔ اللّه مکارم: حرام است خارج شوند مگر اینکه مطمئن باشند که بموقع برمی‌گردند و حج خود را انجام می‌دهند و همچنین در صورت حاجت.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: جائز است برای کسـی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکّه حجّ او فوت نمی‌شود، بعد از انجام عمره تمتّع و قبل از احرام حجّ از مکّه بیرون رود. اگر چه احتیاط مستحبّ آن است که فقط در موارد ضرورت و نیاز، خارج شود.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر مکلّف اعمال عمره تمتّع را بجاآورد، بنابر احتیاط واجب نبایـد از مکّه بیرون برود مگر برای حـج، مگر آنکه بیرون رفتنش جهت انجام کاری باشـد، اگر چه آن کار غیر ضـروری باشـد و ترس از اینکه اعمال حجّش فوت گردد نداشـته باشد، که در این صورت اگر بدانـد که می‌توانـد به مکّه برگردد و از آنجا احرام حـج ببنـدد، اظهر جواز بیرون رفتنش از مکّه بدون احرام است.

آیـهٔ اللّه فاضـل: اگر یقین یا اطمینان دارد که خروج از مکه لطمه به حـج او وارد نمی‌کنـد مانعی نـدارد که حتی بـدون احرام هم از مکه خـارج بشود و برای احرام از مکه و مناسـک به مکه برگردد لکن احتیـاط اسـتحبابی بر خلاـف آن است. بله اگر از مکه خارج شد و در ماه بعد به مکّه بازگشت باید مجدّداً عمره تمتع انجام دهد والّا حجّ تمتّع او صحیح نیست.

ص:۲۱۷

۳۳۷- بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر مانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد، «(۱)» و از «(۲)» ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی الاحوط. «(۳)»

(س ۹۱۲)

۱- - آیهٔ اللّٰه فاضل: سرتراشیدن نیز مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: سر تراشیدن نیز ظاهراً جایز است و کفاره هم ندارد هرچند احتیاط استحبابی مؤکد در آن است که از سر تراشیدن و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است اجتناب کند و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۲- - آیهٔ اللّٰه بهجت، به ذیل مسأله ۳۳۰ مراجعه شود.

۳- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنا بر اظهر سرتراشیدن حلال است، اگر چه احوط ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر.

آیهٔ اللّٰه خوئی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: حکم ماشین کردنی که مانند تراشیدن است ذکر نشده است.

ص:۲۱۸

مسائل متفرّقه

۳۳۸- کفّاره برای سر تراشیدن بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع ثابت نیست «(۱)» اگر چه جایز نیست.

(س ۹۱۳)

۳۳۹- اگر زنی حیض باشد و نداند که حیض است و اعمال عمره را بجاآورد چنانچه در وسعت وقت است «(۲)» باید طواف و نماز را «(۳)» اعاده کند

۱- – آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط هرچند جاهل یا ناسی باشد. ولی در مجمع المسائل می‌فرماید: در صورت علم به مسأله یک گوسفند کفاره دارد و در صورت جهل و نسیان کفاره ندارد.

آیهٔ اللّٰه صافی: باید یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: کفاره آن یک گوسفند است بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود تراشیدن سر تا سی روز بعد از عید فطر جایز است و اما بعد از آن بنابر احتیاط نباید تراشیده شود و در صورت تراشیدن اگر از روی علم و عمد باشد بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر، و احتیاط مستحب آن است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد.

آیهٔ اللّٰه بهجت: به مسأله ۳۳۰ مراجعه شود.

۲- – آیهٔ اللّٰه زنجانی: باید پس از پاکی طواف عمره و نماز آن را اعاده کند و اگر وقت ندارد باید محرم به‌احرام حج تمتع شده قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند و این در صورتی است که در وقت احرام عمره فکر می‌کرده برای انجام طواف عمره و نماز آن پاک است والا محرم به احرام عمره تمتع نشده است پس باید از حرم خارج شده محرم به حج افراد گردد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و مجزی از حجهٔ الاسلام است.

۳- – آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر پس از پاکی، وقت برای انجام اعمال عمره ندارد حج او مبدّل به إفراد می‌شود.

آیهٔ اللّٰه فاضل: مستحب است سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: و سپس سعی و تقصیر را اعاده نماید.

ص:۲۱۹

ولی اگر وقت ندارد در اینکه وظیفه مبدّل شده یا نه اشکال است و احتیاط را مراعات کند. «(۱)»

(س ۹۱۴)

۳۴۰- تراشیدن ریش بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع حکم تراشیدن آن در غیر این موارد را دارد و حکم تراشیدن سر ندارد.

(س ۹۱۵)

۳۴۱- در اینکه غار حرا و غار ثور جزء مکّه است یا خارج آن باید از

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتّع اعاده کند، و اگر وقت ندارد حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتع اعاده نماید، و اگر وقت ندارد حتی برای سعی و تقصیر، حج افراد انجام داده، و عمره مفرده را بعد از حج بجا می‌آورد، و چنانچه متمکن است سعی و تقصیر کند، ولو آنکه مسمّای وقوف اختیاری عرفات را درک کند اگر حیض او بعد از احرام بود مخیّر است بین اینکه سعی و تقصیر کرده سپس برای حج محرم شود و بعد از رجوع از منی طواف عمره تمتّع و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و بین اینکه حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد و اگر حیض او قبل از احرام بستن یا هنگام احرام بستن بوده باید حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد.

آیهٔ اللَّه مکارم: اشکالی نیست، حج او مبدل به حج افراد می‌شود و عمره مفرده بعد از حج بجا آورد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر وقت موسع نباشد، پس اگر در حال احرام حائض بوده است حجش مبدل به افراد می‌شود و پس از فراغ از حج اگر می‌تواند باید عمره مفرده انجام دهد و اگر حیض او بعد از احرام بوده در فرض سؤال باید پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکّه، قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیهٔ اللَّه بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز بجاآورد و چون تقصیر از جهت جهالت به موضوع طهارت بوده کفّاره ندارد.

ص:۲۲۰

اهل محلّ تحقیق شود. «(۱)»

(س ۹۱۶)

۳۴۲- کسی که نائب دیگری است و به ناچار باید بعد از عمره تمتّع و قبل از حجّ از مکّه خارج شود، ضرر به حجّ و نیابت او نمی‌زند ولی درصورت امکان باید محرم شود به احرام حجّ و از مکّه خارج شود علی الاحوط. «(۲)»

(س ۹۱۷)

۳۴۳- اگر شخصی که احرام عمره بسته است بواسطه عذری دیر وقت وارد مکه شد بطوری که اگر می‌خواست عمره بجا بیاورد «(۳)» وقت وقوف به عرفات می‌گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از بجا آوردن آن عمره مفرده بجا آورد و حج اوصحیح و

۱- – آیة اللّه سیستانی: به احتیاط واجب نباید خارج شود این احتیاط شامل غار حرا نیز می‌شود.

آیة اللّه تبریزی، آیة اللّه مکارم: رفتن به غار حرا و امثال آن از مناطق نزدیک ضرری ندارد خواه جزء مکه باشد یا نه.

آیة اللّه خویی: خارج شدن به اطراف و توابع مکّه مانع ندارد.

آیة اللّه فاضل: با توجّه به توسعه شهر مکّه رفتن به اطراف آن تا جایی که صدق کند از مکّه است مانعی ندارد.

آیة اللّه زنجانی: پس اگر در عرف اهل مکه از محلات مکه یا توابع نزدیک آن محسوب می‌شود، می‌تواند بین عمره و حج تمتع به آن اماکن برود.

۲- – آیة اللّه مکارم: اگر احرام برای آنها موجب عسر و حرج است لازم نیست.

آیة اللّه سیستانی، آیة اللّه فاضل: به حاشیه مسأله ۳۳۶ مراجعه شود.

آیة اللّه خامنه‌ای، آیةاللّه بهجت: به مسأله ۳۳۶ مراجعه شود. و همچنین در سه مسأله بعد.

آیة اللّه زنجانی: بلکه اگر مشقت شدید نداشته باشد باید با احرام حج خارج شود، در هر صورت این شخص از ذوی الاعذار است که فقط در صورتی که در هنگام احرام گمان داشته باشد که چنین مشکلی برایش پیش نمی‌آید نیابتش صحیح است.

۳- – آیة اللّه زنجانی: می‌داند یا خوف دارد که نتواند خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند بایدعدول کند به حج افراد ...

ص:۲۲۱

کافی از حجهٔ الاسلام است.

(م ۹۲۱)

۳۴۴- اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد بواسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف بجا آورد و اگر می‌خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد بدستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند. «(۱)»

(م ۹۲۲)

۳۴۵- اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام بواسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد «(۲)» باید در مکه احرام حج افراد ببندد و بدستور سابق عمل کند. «(۳)»

(م ۹۲۳)

۱- - به مسأله ۸۱ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه حیض قبل از بستن احرام یا هنگام احرام بستن بود به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند و اگر بعد از احرام بود مخیّر است بین اینکه به دستور مسأله قبل عمل کند و بین اینکه سعی و تقصیر کند و برای حج احرام ببندد و پس از برگشتن از منی قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: در فرض مسأله اگر در حال احرام حائض بوده است حجّش بدل به افراد می‌شود و در صورت تمکّن باید بعد از حج عمره مفرده انجام دهد و اگر بعد از احرام حائض شده است احتیاط مستحب این است که عدول کند ولی می‌تواند به احرام خود باقی باشد و سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از اعمال منی قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیهٔ اللّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۶۲ مراجعه شود.

۲- - آیهٔاللّه زنجانی: بایداحرام حج‌افراد ببندد وبرای محرم شدن درصورت امکان باید از حرم خارج شود. و این حج کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: اگر ممکن نباشد غیر مکّه والا احتیاط در رعایت احتمالات در محلّ احرام او است.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: کسی که وظیفه‌اش حج تمتّع است، اگر قبل از احرام عمره بفهمد که وقت او برای اتمام عمره قبل از زوال روز عرفه تنگ است نمی‌تواند عدول به حج افراد یا قران نماید، بلکه اگر حج در ذمّه‌اش مستقر بوده باید حج تمتّع خود را در سالهای آینده انجام دهد.

ص:۲۲۲

ص:۲۲۳

احرام حجّ تمتّع

اشاره

۳۴۶- واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

(م ۹۳۷)

۳۴۷- کیفیت احرام بستن و لبّیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد. «(۱)»

(م ۹۴۰)

۳۴۸- تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است، و آنچه کفّاره داشت کفّاره دارد به همان ترتیب.

(م ۹۴۱)

۳۴۹- وقت احرام موسّع است، و تا وقتی که بتوانـد بعـد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسـد می‌تواند تأخیر بیندازد «(۲)» و از آن وقت نمی‌تواند عقب بیندازد. «(۳)»

(م ۹۴۲)

۳۵۰- احتیاط واجب «(۴)» آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: بدون تفاوت مگر در نیت و مکان و زمان احرام.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: بنابراین تأخیر احرام حج تا وقتی که بتواند مقداری قبل از غروب وقوف عرفات رادرک کند، جایز است.

۳- - آیهٔ اللّه سیستانی: کسی که می‌تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند جایز نیست احرام را از وقت مذکور تأخیر بیندازد.

۴- - آیهٔ اللّه مکارم: بلکه واجب است.

آیهٔ اللّه خویی: بلکه جایز نیست و این حکم در اثنای عمره تمتع هم هست.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای، آیـهٔ اللّه نوری: کسـی که از عمره تمتّع خـارج شـد اگر اطمینان داشـته باشـد که می‌توانـد به مکّه برگردد و برای اعمال حجّ محرم شود می‌تواند از مکّه خارج شود و اگر بدون این اطمینان نیز خارج شد ولی برگشت و احرام بست و حج بجاآورد عملش صحیح است.

آیهٔ اللّه بهجت: خروج از مکّه بعـد از عمره تمتّع جایز نیست برای کسـیکه اگر خارج شود می‌شود حج در آن سال، و اگر بعد از عمره بدون احرام بسـتن برای حج از مکّه و حرم و میقات خارج شد و عود نمود در غیر ماه احرام اوّلی پس محتاج به احرام عمره است و عمره ثانیه را عمره تمتّع قرار می‌دهـد و احتیاج اوّلی به طواف نساء موافق احتیاط است و اگر عود کرد قبل از فصل ماه مانعی از اکتفاء بهمان عمره برای حج تمتّع نیست و حکم فصل بین دو عمره و احرام برای دخول مکّه در مسأله ۶۰ و ۶۱ و ۸۴ گذشت.

آیهٔ اللّه تبریزی: بلکه جایز نیست و بنابر احتیاط این حکم در اثناء عمره تمتع هم هست.

ص:۲۲۴

مُحِلّ گردید از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد «(۱)» احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد. «(۲)»

(م ۹۴۳)

۱- – آیـةاللّٰه زنجانی، آیـة اللّٰه فاضل: خروج از مکه برای کسـی که مطمئن است می‌تواند به مکه برگردد واعمال حج تمتع را انجام دهد مانعی ندارد به شرط آن‌که خروج از مکه و ورود به آن در همان ماهی باشد که عمره تمتع را انجام داده است.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: واجب است محرم شود به احرام حج ...

آیـهٔ اللّٰه سیستانی: اگر حاجتی هر چند غیر ضروری پیش آمد اگر خوف فوت اعمال حج نباشد می‌تواند خارج شود و در این صورت اگر بداند که می‌تواند برگردد و محرم شود برای حج مانعی ندارد که بدون احرام خارج شود و اگر نمی‌داند، باید احرام حج را ببندد و برود و در این صورت لازم نیست به مکه بازگردد بلکه می‌تواند از همانجا به عرفات برود.

۲- – آیهٔ اللّٰه مکارم: برای خدمه کاروانها نیز جایز است برای انجام کارهای لازم به جدّه و مانند آن بروند و اگر محرم شدن موجب مشقت است می‌توانند آن را ترک کنند.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: و اگر با احرام بودن برای شخص حرجی باشد بدون احرام نیز می‌تواند خارج شود.

ص:۲۲۵

۳۵۱- اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه لکن برگشت و احرام بست و حج بجا آورد عملشصحیح است. «(۱)»

(م ۹۴۴)

۳۵۲- مستحب است احرام بستن در روز ترویه بلکه احوط است. «(۲)»

(م ۹۴۵)

۳۵۳- محل احرام حج، شهر مکه است «(۳)» هر موضع که باشد گرچه در

۱- - آیهٔ اللّه فاضل: مگر آنکه در ماه بعد وارد مکه شود، که در این صورت باید مجدّداً عمره تمتع بجا آورد و بعد محرم به احرام حج تمتع بشود و عمره اول فاسد شده است، و اگر مجدداً محرم نشود حج تمتّع او نیز باطل می‌شود.
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در ماه بعد وارد شود و دوباره نخواهد بیرون برود و در ماه بعد از آن وارد شود باید با عمره تمتع وارد شود و اگر باز هم بخواهد خارج شود و در ماه بعد وارد شود باید با عمره مفرده وارد شود مانند این که در ماه شوال عمره تمتع انجام داده و خارج شده و در ماه ذیقعده وارد شده و باز هم می‌خواهد خارج شود و ماه ذیحجه وارد شود در این صورت عمره ماه ذیقعده او باید عمره مفرده باشد.
آیهٔاللّه مکارم: اگر در همان ماه قمری برگردد چیزی بر او نیست ولی اگر در ماه بعد برگردد و از میقات هم گذشته باشد مثلًا در ذی‌القعده به مدینه رفت و در ذی‌الحجه برگشت باید دوباره محرم شود و عمره بجا آورد و همان عمره تمتع او حساب می‌شود و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء بجا آورد.
آیهٔ اللّه خویی: اگر از میقاتها گذشت و در ماهی که عمره را انجام داده بوده برنگشته باشد، اعاده عمره لازم است، ولی اگر قبل از گذشت ماهی که عمره را انجام داده باشد اعاده عمره لازم نیست.
آیهٔ اللّه زنجانی: لکن اگر بدون عذر از مکه و حوالی آن خارج شد عمره‌اش باطل می‌شود.
۲- - آیهٔ اللّه صافی: و پیش از روز ترویه نیز احرام‌بستن جایز است و احتیاط آنست که بیشتر از سه روز پیش از ترویه احرام نبندد چنانکه احتیاط آنستکه اگر محرم شده پیش از روز ترویه از مکه خارج نشود.
آیهٔ اللّه زنجانی: احتیاط استحبابی در آن است که احرام را از روز ترویه به تأخیر نیندازد.
۳- - آیهٔ اللّه خویی: طبق استفتایی که که در اواخر از ایشان شده بود احتیاط واجب این است که از مکه‌قدیمه برای حج احرام ببندد.
آیهٔ اللّه تبریزی: بنا بر احتیاط احرام حج باید از مکّه قدیم باشد.
آیهٔ اللّه بهجت: مکلف می‌تواند از هرجای مکه قدیم بنابر احتیاط برای حج احرام ببندد.
آیهٔ اللّه سیستانی: و احوط و اولی احرام بستن از مکّه قدیم است که در زمان رسول اللّه صلی الله علیه و آله بوده است، اگرچه اظهر جواز احرام بستن از قسمتهای جدید شهر است، مگر قسمتهایی که بیرون حرم باشد.
آیهٔ اللّه مکارم: ولی از بیرون حرم مانند مناطقی که بعد از مسجد تنعیم است و اکنون جزء مکه شده خالی از اشکال نیست.
آیهٔ اللّه صافی: و بنابر احتیاط لازم تا می‌تواند از مکّه قدیم محرم شود.

ص:۲۲۶

محله‌های تازه‌ساز، ولی مستحب است «(۱)» در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود.

(م ۹۴۶)

۳۵۴- اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب «(۲)» است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد بواسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست محرم شود. «(۳)»

(م ۹۴۷)

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: مستحب است در مسجدالحرام احرام ببندد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: افضل احرام از مسجدالحرام است.

آیهٔ اللّه نوری، آیهٔ اللّه فاضل: در مسجد یا در مقام ابراهیم.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: احتیاط آن است که هر قدر می‌تواند برگردد، و اگر نتوانست برگردد‌واجب است از همان جا که هست محرم شود.

آیهٔ اللّه مکارم: در عرفات یا مشعر یا منی قبل از رمی جمرات و ذبح ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجش صحیح است.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: و همچنین است اگر برگشتن به مکه برایش مشقت داشته باشد البته این در صورتی است که به عرفات نرسیده باشد اما اگر در عرفات یادش بیاید می‌تواند از همان جا محرم شود و باید قبل یا بعد از تلبیه بگوید:« اللهم علی کتابک و سنهٔ نبیک» و احتیاط مستحب در این صورت نیز این است که اگر می‌تواند به مکه برگردد و از آنجا محرم شود.

ص:۲۲۷

۳۵۵- اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است. «(۱)»

(م ۹۴۹)

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

«(۲)»

۳۵۶- اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَ إِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِغْنِی أَمَلِی، وَ أَصْلِحْ لِی عَمَلِی»

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَقْدَمَنِیهاصالِحاً فِی عافِيَةٍ، وَ بَلَّغَنِی هَذا الْمَكان».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنًی، وَ هِیَ مِمَّا مَنَنْتَ بِها عَلَيْنا مِنَ الْمَناسِكِ،

۱- - آيهٔ اللّٰه سیستانی: اگر ترک کند احرام را از روی علم و عمد تا زمان فوت وقوف اختیاری عرفات حجّش باطل است و اگر به مقدار رکن درک کند حجّش صحیح است گرچه گناه کرده است.

آيـهٔ اللّٰه زنجـانی: اگر از روی علم و عمـد احرام حـج را ترک کنـد تـا زمـانی که نتوانـد وقوف اختیـاری عرفـات- ولو کمی قبل از غروب- را درک کند حجش باطل می‌شود.

۲- - آيهٔ اللّٰه مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص:۲۲۸

فَأَسْأَ لُکَ أَنْ تَمُنَّ عَلَیْنا بِما مَنَنْتَ بِهِ عَلی أَنْبیائِک، فَإِنَّما أَنَا عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ»

و مستحب است «(۱)» شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نمازصبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوعصبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت «(۲)» آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش ازصبح مکروه «(۳)» است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَیْکَصَمَدْتُ، وَ إِیَّاکَ اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَکَ أَرَدْتُ، أَسْأَ لُکَ أَنْ تُبارِکَ لِی فِی رِحْلَتِی، وَ أَنْ تَقْضِیَ لِی حاجَتِی، وَ أَنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ تُباهِی بِهِ الْیَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِی».

(م ۹۵۵)

۱- – آیهٔ اللّه مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است بنابراین‌نباید اصراری بر آن داشته باشد و دردسر برای خود و دیگران ایجاد کند هرگاه نیّتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می‌دهد.

۲- – آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت: بلکه احوط.

۳- – آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یاخائف از ازدحام.

ص:۲۲۹

وقوف به عرفات

اشاره

۳۵۷- واجب است وقوف به عرفات- که محلی است معروف و محدود است بحدود معروفه- بقصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

(م ۹۵۶)

۳۵۸- مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

(م ۹۵۷)

۳۵۹- به احتیاط واجب «(۱)» لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم «(۲)» تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، «(۳)» پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

(م ۹۵۹)

۱- - آیهٔ اللَّه تبریزی: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنابر احتیاط از اول ظهر روز نهم ذی‌الحجه‌تا غروب است، و اظهر این است که می‌تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید.

آیهٔ اللَّه خویی: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنابر احتیاط از اول ...

آیهٔ اللَّه بهجت: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنابر احتیاط از اوّل زوال تا غروب است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: واجب بودن وقوف از اوّل ظهر مبنی بر احتیاط است و اظهر این است که جایز است آنرا از اوّل ظهر به مقدار انجام یک غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سرهم به تأخیر اندازد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: تأخیر وقوف از اول زوال به مقدار ادای نماز ظهر و عصر بلا اشکال جایز است بلکه‌تأخیر آن تا قبل از غروب/ زوال حمره مشرقیه به مقدار مسمای عرفی وقوف جایز می‌باشد هرچند خلاف احتیاط استحبابی است.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: تا غروب آفتاب.

ص:۲۳۰

۳۶۰- بودن در مجموع بعدازظهر تا مغرب گرچه واجب «(۱)» است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج اوصحیح است اگرچه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

(م ۹۶۱)

۳۶۱- آنچه در وقوف رکن است مسمّای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هرچند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه «(۲)» پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

(م ۹۶۲)

۳۶۲- اگرکسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود «(۳)» و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقوی، «(۴)» لکن‌احتیاط در کفاره‌است به

۱- - آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّه بهجت: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه زنجانی: گذشت که مسمای وقوف کافی است لکن بعد از حضور در عرفات نمی‌تواند بدون عذر قبل از غروب از عرفات کوچ کند و اگر کوچ کرد باید کفاره بدهد ولی حجش باطل نمی‌شود.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: بهتر است به این مقدار قناعت نکند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: بقدری که عرفاً بگویند در عرفات توقّف کرده است.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: و دیگر برنگردد باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌توان هیجده روز روزه بگیرد واگر به خاطر پشیمانی یا برای کاری برگردد کفاره ندارد هرچند بعد از برگشتن در وقوفش قصد قربت نکند.

۴- - آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی،: در صورتی که پشیمان شده و برگردد چیزی براو نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب آفتاب از روی عمد و با دانستن حکم آن حرام است، ولی حجّ را باطل نمی‌کند، و در صورتی که دو باره برگردد به عرفات چیزی بر او واجب نیست.

آیهٔ اللّه نوری: احوط کفاره یک شتر است.

آیهٔ اللّه بهجت: احوط ثبوت کفاره است در صورت برگشتن نیز.

ص:۲۳۱

یک شتر، و همچنین «(۱)» اگربدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست. «(۲)»

(م ۹۶۴)

۳۶۳- حدودی که برای عرفات و مزدلفه و منی مشخص شده است چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است. «(۳)»

(س ۹۷۱)

۳۶۴- در وقت وقوف به عرفات کراهت دارد که از جبل الرحمه بالا رود. «(۴)»

(س ۹۷۲)

۳۶۵- وقوف اضطراری عرفه در شب عید است «(۵)» و شب تا طلوع فجر است. «(۶)»

(س ۹۷۶)

۱- - آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب از روی عمد حرام است ولی حج را باطل‌نمی‌کند و در صورت مراجعت کفّاره ندارد.

۲- - آیهٔ اللّٰه نوری: احوط کفاره یک شتر است.

۳- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است، مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: معمولًا مورد قبول اهل محل است بنابر این تابلوها یا علاماتی که گذارده‌اند معتبر است.

۴- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: جبل‌الرحمه جزء موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: بنابر احتیاط مستحب در ساعات وقوف روی جبل الرحمهٔ وقوف ننماید و کراهت آن ثابت نیست.

۵- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: و شب از زوال حمره مشرقیهٔ تا طلوع فجر است.

۶- - آیات عظام نوری، سیستانی، فاضل: و درک مقداری از آن کفایت می‌کند چنانچه گذشت.

آیهٔ اللّٰه مکارم: درک مقداری از آن هرچند کم باشد کافی است.

آیهٔ اللّٰه خویی: و شب تا طلوع آفتاب است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: و شب در این مسأله از زوال حمره مشرقیه تا طلوع فجر است.

ص:۲۳۲

مستحبّات وقوف به عرفات

«(۱)»

۳۶۶- در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال وقوف.

۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر «(۲)» باشد.

۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴- نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵- وقوف او در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است. «(۳)» ۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجاآورد.

۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آنصد مرتبه: «أللَّهُ أكْبَرُ» وصد مرتبه: سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را

۱- - آیهٔاللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء انجام دهد.

۲- - آیهٔ اللَّه نوری: هنگام ظهر.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: وقوف در پایین کوه افضل است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: کراهت ثابت نیست.

ص:۲۳۳

نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشاعِرِ کُلِها، فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرزْقِ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَهِٔ الْجِنِ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لا تَمْکُرْ بِی، وَ لا تَخْدَعْنِی، وَ لا تَسْتَدْرِجْنِی، یا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ، وَ یا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ، وَ یا أَسْرَعَ الْحاسِبِینَ، وَ یا أَرْحَمَ‌الرَّاحِمِینَ، أَسْأَ لُکَ أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّد، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَ کَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حاجَتِی إِلَیْکَ، الَّتِی إِنْ أَعْطَیْتَنِیها لَمْ یَضُرَّنِی ما مَنَعْتَنِی، وَ الَّتِی إِنْ مَنَعْتَنِیها لَمْ یَنْفَعْنِی ما أَعْطَیْتَنِی، أَسْأَ لُکَ خَلاصَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِ نِی عَبْدُکَ وَ مِلْکُ یَدِکَ ناصِیَتِی بِیَدِکَ، وَ أَجَلِی بِعِلْمِکَ، أَسْأَ لُکَ أَنْ تُوَفِقَنِی لِما یُرْضِیکَ عَنِی، وَ أَنْ تُسَلِمَ مِنِی مَناسِکِیَ الَّتِی أَرَیْتَها خَلِیلَکَ إِبْراهِیمَ‌صَلَواتُکَ عَلَیْهِ، وَ دَلَلْتَ عَلَیْها نَبِیَّکَ مُحَمَّداًصَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ رَضِیتَ عَمَلَهُ، وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ، وَ أَحْیَیْتَهُ بَعْدَ الْمَوْت»

۸- این دعا را بخواند:

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْد، یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوت، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِ

ص:۲۳۴

شَیْءٍ قَدِیرٌ، اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَالَّذِی تَقُولُ وَ خَیْراً مِمَّا نَقُولُ وَ فَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَکَ صَلاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیایَ وَ مَماتِی، وَ لَکَ بَراءَتِی وَ بِکَ حَوْلِی وَ مِنْکَ قُوَّتِی، اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ وَساوِسِ الصُّدُورِ، وَ مِنْ شَتاتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ خَیْرَ الرِیاحِ، وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِ ما تَجِیءُ بِهِ الرِیاحُ، وَ أَسْأَ لُکَ خَیْرَ اللَّیْلِ وَ خَیْرَ النَّهارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِی قَلْبِی نُوراً، وَ فِی سَمْعِی وَ بَصَرِی نُوراً، وَ فی لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ عُرُوقِی وَ مَقْعَدِی وَ مَقامِی وَ مَدْخَلِی وَ مَخْرَجِی نُوراً، وَ أَعْظِمْ لِی نُوراً یا رَب یَوْمَ أَ لْقاکَ إِنَّکَ عَلی کُلِ شَیْءٍ قَدِیرٌ».

و در این روز تا می‌تواند از خیرات وصدقات کوتاهی نکند.

۹- آنکه کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحانَ اللَّهِ»

صد مرتبه

«أَللَّهُ أَکْبَرُ»

صد مرتبه

«ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إلّا بِاللَّهِ»

صد مرتبه

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَه، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمِیت، وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِ شَیْءٍ قَدِیرٌ»

صد مرتبه.

پس از اول سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحید سه مرتبه و آیهٔ الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ، ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَالشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ، أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبارَکَ

ص:۲۳۵

اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ* ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

پس سوره

«قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق»

و سوره

«قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ»

را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سائر چیزهایی که حضرت حق به او تفضّل نموده حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی نَعْمائِکَ، الَّتِی لا تُحْصی بِعَدَدٍ، وَ لا تُکافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاهٔ و السلام زیادصلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء اللَّه که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

اللَّهُ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ، إِنِی أَنَا اللَّهُ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِرُ، إِنِی أَنَا اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِرُ

ص:۲۳۶

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَ لُکَ یـا اللَّهُ یـا رَحْمانُ، بِکُلِ اسْمٍ هُوَ لَکَ، وَ أَسْأَ لُکَ بِقُوَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ عِزَّتِکَ، وَ بِجَمِیعِ ما أَحاطَ بِهِ عِلْمُکُ، وَ بِجَمْعِکَ وَ بِأَرْکانِکَ کُلِها، وَ بِحَقِ رَسُولِکَصَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِکَ الْأَکْبَرِ الْأَکْبَرِ، وَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیْکَ أَنْ تُجِیبَهُ، وَ بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِی مَنْ دَعـاکَ بِهِ کـانَ حَقّاً عَلَیْکَ أَنْ لا تَرُدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِیَهُ ما سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِی جَمِیعَ ذُنُوبِی فِی جَمِیعِ عِلْمِکَ فِیَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أسْأَ لُکَ الْجَنَّةَ»

و هفتاد مرتبه

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَأَتُوبُ الَیْهِ».

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فُکَّنِی مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِبِ، وَ ادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۱۰- آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِ نِی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشَتُّتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ شَرِ ما یَحْدُثُ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ، أَمْسی ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ، وَ أَمْسی خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِأَمانِکَ، وَ أَمْسی ذُلِی مُسْتَجِیراً بِعِزِکَ، وَ أَمْسی وَجْهِیَ الْفانِی مُسْتَجِیراً بِوَجْهِکَ الْباقِی، یا خَیْرَ مَنْ

ص:۲۳۷

سُئِلَ، وَ یا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطی، جَلِلْنِی بِرَحْمَتِکَ، وَ أَلْبِسْنِی عافِیَتَکَ، وَ اصْرِفْ عَنِی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ».

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام اللّه علیه را که درصحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِلٍ أَبَداً ما أَبْقَیْتَنِی، وَ اقْلِبْنِی الْیَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِی، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِی، بِأَفْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ الْیَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ عَلَیْکَ، وَ أَعْطِنِی أَفْضَلَ ما أَعْطَیْتَ أَحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَیْرِ وَ الْبَرَکَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِضْوانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بارِکْ لِی فِیما أَرْجِعُ إِلَیْهِ مِنْ أَهْلٍ أَوْ مالٍ أَوْ قَلِیلٍ أَوْ کَثِیرٍ، وَ بارِکْ لَهُمْ فِیَّ».

و بسیار بگوید:

«أللَّهُمَّ أعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ».

(م ۹۷۷)

وقوف به مشعر الحرام

اشاره

۳۶۷- بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود

ص:۲۳۸

معینی دارد.

(م ۹۷۸)

۳۶۸- احتیاط واجب «(۱)» آن است که شب دهم را تا طلوعصبح در مشعر الحرام بسر ببرد «(۲)» و نیت کنـد اطاعت خدا را در این بسر بردن شب. «(۳)»

(م ۹۷۹)

۳۶۹- چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشـعر الحرام کند تا طلوع آفتاب «(۴)»، و چون این وقوف، عبادت خداونـد است باید با نیت خالص از

۱- – آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: وقت وقوف از طلوع فجر عید قربان است تا طلوع شـمس و احتیاط آن است که ازوقت رسـیدن به مشـعر در شب قصد وقوف کند.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند، هرچند وجوب بیتوته ثابت نشده است.

آیهٔ اللّه بهجت: احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: واجب است پس از حرکت از عرفات مقداری از شب عید را تا صـبح در مشـعرالحرام بماند و پس از آن تا طلوع آفتـاب نیز بایـد بمانـد گرچه کوچ کردن به طرف وادی محسِّر قبل از طلوع آفتاب به انـدکی جایز است و جایز نیست از آن تجاوز کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: واجب است بیتوته در مشعر و احتیاط آنست که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند هر چند مختصر و کم باشد.

آیـهٔ اللّه زنجـانی: بیتـوته شب دهم در مشـعر الحرام واجب نیست، بلی کسـی که قبـل از طلوع فجر وارد مشـعر می‌شود بنـابر احتیـاط مستحبّ مؤکّد قصد کند تا طلوع فجر در آنجا می‌ماند قربهٔ الی اللّه.

۲- – آیهٔ اللّه مکارم: و مقداری ذکر خدا بگوید.

۳- – آیهٔ اللّه سیستانی: معتبر در عبادات قصد تذلّل و کرنش در پیشگاه حق است.

آیـهٔ اللّه فاضـل: نیّت این مانـدن که یـک احتیـاط وجـوبی است غیر از نیت مانـدنی است که به عنـوان واجب فتـوایی در مسأله بعد می‌آید. بنابر این دو نیّت جداگانه باید صورت پذیرد.

۴- – آیهٔ اللّه سیستانی: وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب است و وقوف بین‌الطلوعین.

آیهٔ اللّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۷۱ مراجعه شود.

ص:۲۳۹

ریاء و خودنمایی وقوف کند، «(۱)» والّا حج او درصورت ریاء کردن با عمد و علم باطل خواهد شد «(۲)».

(م ۹۸۰)

۳۷۰- اقوی جواز کوچ کردن «(۳)» بلکه استحباب آن است «(۴)» کمی قبل از طلوع آفتاب به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسِّر» تجاوز نکنـد و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر «(۵)» او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کنـد که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

(م ۹۸۱)

۱- - آیهٔ اللّٰه بهجت: از اینجا تا آخر مسأله، از مناسک ایشان استفاده نمی‌شود.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: وقوفی که خالص برای خدا نباشد خواه به قصد ریا باشد یا قصد حرام یا جایز دیگر، باطل است.

۲- - آیـهٔ اللّٰه مکـارم: ترک عمـدی وقوف در مشـعر مـابین الطلوعین به تنهـایی موجب بطلان حـج نمی‌شود ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

۳- - آیهٔ اللّٰه خویی: ماندن تا طلوع آفتاب واجب است و در صورت کوچ قبل از طلوع آفتاب گناه کرده وکفاره ندارد.

آیـهٔ اللّٰه بهجت: اشـهر و احوط وجوب مانـدن است تا طلوع آفتاب پس اگر عمـداً پیش از طلوع آفتاب بیرون رود و از وادی محسّر تجاوز کند گناه کار است و بعضی یک گوسفند کفاره واجب دانسته‌اند.

آیـهٔ اللّٰه زنجانی: چون حاجی وارد مشـعر الحرام شـد نبایـد قبل از آن که هوا به قـدری روشن شود که عابر جلوی پای خود را ببیند بلکه بنابر احتیاط قبل از طلوع خورشـید، از آنجا کوچ کنـد. و اگر بـدون عـذر کوچ کرد و دیگر برنگشت چنانچه قبل از نیمه شب رفته، باید یک شتر قربانی کند و اگر بعد از آن و قبل از طلوع فجر رفته، یک گوسـفند کفاره دارد و چنانچه بعد از طلوع فجر کوچ کرد یا جاهل و ناسی بود یا قبل از طلوع خورشید بازگشت، کفاره ندارد.

۴- - آیهٔ اللّٰه مکارم: ماندن تا طلوع آفتاب در سرزمین مشعر واجب است و اگر قبل از آن عمداً کوچ کند- حج او باطل نیست ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

۵- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: احوط دادن یک گوسفند است ولی اقوی واجب نبودن آن است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر چه از روی عمد باشد کفاره واجب نیست اگر چه گناه کار است.

ص:۲۴۰

۳۷۱- واجب است از طلوعصبح تا کمی قبل «(۱)» از طلوع آفتاب «(۲)» (بطوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است «(۳)» اگرچه بقدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می‌آید «(۴)» حج او باطل خواهد شد.

(م ۹۸۲)

۳۷۲- جایز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منی مثل زنها و بچه‌ها و بیماران و

۱- - آیات عظام گلپایگانی، خویی، مکارم، تبریزی، صافی: وقوف در مزدلفه واجب است از طلوع فجرتا طلوع آفتاب روز عید قربان.

آیهٔ اللّٰه بهجت: بنابر احتیاط ماندن تا طلوع آفتاب روز عید واجب است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بلکه واجب قسمتی از شب است تا طلوع آفتاب و رکن وقوف فی‌الجمله از آن است پس اگر مقداری از شب را درک کند و قبل از طلوع فجر با علم و عمد کوچ کند حجّش صحیح است ولی گوسفندی را باید کفاره بدهد و اگر جاهل باشد کفاره ندارد و اگر فقط بخشی از بین‌الطلوعین بماند و کوچ کند- هرچند عمداً- باز هم حجش صحیح است و کفاره ندارد گرچه گناه کرده است.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: مقدار واجب وقوف اختیاری مشعر مسمای بین الطلوعین است و مقدار رکن آن مسمای وقوف بین غروب/ زوال حمره مشرقیه روز نهم تا طلوع خورشید روز عید است پس کسی که تمام این مقدار را ترک کند- به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۷۳ خواهد آمد- حجش باطل می‌شود و اگر مقداری از شب عید را با قصد قربت در مشعر وقوف نموده رکن وقوف را درک کرده پس چنانچه وقوف بین‌الطلوعین رایکسره‌ترک کند حجش‌باطل نمی‌شود هرچند از روی علم و عمد باشد وعلاوه بر اصل وقوف، گفتن ذکر خداوند متعال نیز از واجبات مشعر است و ذکر قلبی کافی نیست و لازم نیست که ذکر را به عنوان ذکر مشعر الحرام بگوید و به هر صورت نماز، دعا، دعای تهلیل، تسبیح و ... ذکر خداوند را به زبان آورد کافی است و ترک ذکر، وقوف را باطل نمی‌کند.

۳- - آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: به مقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقّف کرده است.

۴- - نظر آیات عظام هم در آنجا خواهد آمد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر شب را در مشعر باشد حج او صحیح است.

ص:۲۴۱

پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، «(۱)» و احتیاط «(۲)» واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند. «(۳)»

(م ۹۸۳)

۱- - آیهٔ اللّٰه بهجت: کسی که شب را در مشعر به روز آورده بقصد وقوف با قصد قربت بنابر احتیاطمتقدّم ۳۶۸ و دشوار باشد براو ماندن بعد از طلوع فجر جایز است که قبل از طلوع فجر از آنجا بیرون رود بسوی منی مثل زنها و مردهای پیر و بیماران و کسانیکه کار ضروری دارند.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: کسانی که ناچارند همراه معذورین باشند اگر بتوانند ولو یک لحظه قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند باید برگردند و در فرض عجز اگر بتوانند قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند باید برگردند.

آیهٔ اللّٰه فاضل: بلی لازم است همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شد. در صورت امکان برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

۲- - آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: جایز است به توقّف قسمتی از شب عید در آنجا و حرکت کردن قبل از طلوع فجر به طرف منی اکتفا کنند.

سایر آیات عظام نظرشان این است: همین که مقداری از شب را در مشعر ماندند می‌توانند تا قبل از طلوع فجر از آنجا بروند.

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: چند دسته‌اند که می‌توانند مقداری از شب عید را در مشعر وقوف کرده به منی کوچ کنند- ولو قبل از نیمه شب-: ۱ و ۲- بانوان و کودکان، هر چند وقوف بین الطلوعین برای آنها مشقت نداشته باشد. ۳- افراد ضعیف مانند کهنسالان؛ در صورتی که وقوف بین الطلوعین بر آنها مشقت- هر چند شدید نباشد- داشته باشد. ۴- کسانی که می‌ترسند در وقوف بین الطلوعین خطری به آنها متوجه شود. ۵- کسانی که وقوف بین الطلوعین بر آنها حرجی است. ۶- بدهکاری که قدرت ادای بدهی ندارد و می‌ترسد با طلبکار مواجه شود. ۷- همراهان گروه‌های پیشین مانند همراهان بانوان به شرط آن که همراهی آنها ضروری باشد. ۸- چوپان و هیزم کش و مانند آن. ۹- مأمورین تدارکات حجاج که موظفند برای تأمین احتیاجات حجاج زودتر به منی بروند هرچند احتیاط استحبابی مؤکد آن است که این گروه‌ها قبل از نیمه شب از مشعر کوچ نکنند.

ص:۲۴۲

۳۷۳- کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را درصورتی کهصاحب عذر باشد «(۱)» اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگرچه کم باشد حج اوصحیح است. «(۲)»

(م ۹۸۵)

۳۷۴- از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول- شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم- بین طلوعصبح و طلوع آفتاب. «(۳)» سوم- از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراریِ مشعر است، چنانچه قسم اول نیز اضطراری است. «(۴)»

(م ۹۸۶)

۳۷۵- خدمه‌ای که نایب شده‌اند و با زنها قبل از طلوع فجر به منی می‌روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می‌رسانند وقوف رکنی

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: اگر وقوف در عرفات را درک کرده باشد.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم، زنجانی، سیستانی: حج او صحیح نیست مگر اینکه وقوف اختیاری یا لااقل اضطراری عرفات را نیز درک کرده باشد که حج او صحیح است.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: قسمتی از شب تا طلوع آفتاب.

آیهٔ اللَّه فاضل: برای افراد عادی یعنی افرادی که عذری برای ترک وقوفین ندارند.

۴- - آیهٔ اللَّه سیستانی: و گذشت که قسم اوّل اختیاری است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: گذشت که وقوف لیلی برای بانوان و کودکان وقوف اختیاری است و اگر حج آنها نیابی باشد، ضرری به نیابتشان نمی‌زند.

ص:۲۴۳

مشعر را درک می‌کنند «(۱)» چنانچه از ذوی‌الاعذار نبوده‌اند «(۲)» که نیابت آنها «(۳)»صحیح است در فرض مرقوم حجشان نیابتاًصحیح است. «(۴)» هرچند مرتکب حرام شده‌اند. «(۵)»

(س ۹۹۲)

مستحبات وقوف به مشعر الحرام

«(۶)»

۳۷۶- بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ «(۷)» تَوَقُّفِي، وَزِدْهُ فی عَمَلی، وَسَلِّمْ لِی دِینی،

وَتَقَبَّلْ مَناسِکی».

و در راه رفتن میانه‌روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه بتأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و

۱- – آیهٔ اللَّه زنجانی: و همچنین اگر نتوانند قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند و در هر دو صورت حج ونیابتشان صحیح بوده، مرتکب معصیت نیز نشده‌اند.

۲- – آیهٔ اللَّه بهجت: و عذر طاری است.

۳- – آیهٔ اللَّه صانعی: در زمان استنابه.

۴- – آیهٔ اللَّه نوری: با فرض ترک عمدی، نیابت محلّ اشکال است.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر لازم بوده است با زنها به منی بروند گناهی نکرده‌اند.

۵- – مراجعه شود به شرط هفتم نایب.

آیهٔ اللَّه سیستانی: نیابت آنها بهر حال صحیح است.

۶- – آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجاء بیاورند.

۷- – آیهٔ اللَّه نوری:« أَللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِی وَزِدْ فِی عَمَلِی».

آیهٔ اللَّه بهجت:« أَللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِی وَزِدْ فِی عَمَلِی».

ص:۲۴۴

میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، «(۱)» و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و درصورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را بتأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه، نزول نماید، و اگر حاجیصروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد «(۲)» و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَـِذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِ نِی أَسْأَ لُکَ أنْ تَجْمَعَ لِی فِیها جَوامِعَ الْخَیْرِ، اللَّهُمَّ لا تُؤْیِسْـِنِی مِنَ الْخَیْرِ الَّذِی سَأَلْتُکَ أنْ تَجْمَعَهُ لِی فِی قَلْبِی، وَ أَطْلُبُ إِلَیْکَ أنْ تُعَرِفَنِی مَا عَرَّفْتَ أَوْلِیَاءَ کَ فِی مَنْزِلِی هَذا، وَ أنْ تَقِیَنِی جَوامِعَ الشَّرِ».

و مستحب است بعد از نمازصبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضّلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمدصلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و این دعا را نیز بخواند:

۱- – آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه می‌گوید و برای عشا فقط اقامه.

۲- – آیهٔ اللَّه مکارم: این حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالًا منظور از آن با پای برهنه قدم‌گذاشتن در سرزمین مشعر است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: واژه« مشعر» گاه به معنای سرزمین مزدلفه به کار می‌رود و گاه به معنای کوهی که در آن سرزمین قرار دارد و نام دیگر آن« قزح» است، منظور از مشعر در این حکم، همین کوه است یعنی اگر حاجی صروره باشد مستحب است در این کوه قدم بگذارد.

ص:۲۴۵

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرام، فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنِی شَرَّ فَسَقَةِالْجِنِ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أ نْتَ خَیْرُ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ، وَ خَیْرُ مَدْعُوٍ وَخَیْرُ مَسْؤُولٍ، وَ لِکُلِ وافِدٍ جائِزَهٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتِی فِی مَوْطِنِی هَذا، أَنْ تُقِیلَنِی عَثْرَتِی، وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتِی، وَ أَنْ تَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوی مِنَ الدُّنْیا زادِی».

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است «(۱)» و مستحب است وقتی که از مزدلفه بسوی منی رفته و به وادی محسَّر رسید به مقدارصد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِمْ لِی عَهْدِی، وَاقْبَلْ تَوْبَتِی، وَأَجِبْ دَعْوَتِی، وَاخْلُفْنِی فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی».

(م ۹۹۵)

۱- – آیهٔ اللَّه مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگها اصابت نمی‌کند بهتر استبیشتر جمع آوری کند.

ص:۲۴۶

ص:۲۴۷

واجبات منی

رمی جمره عقبه

اشاره

۳۷۷- شرط است «(۱)» در سنگی که می‌خواهد بیندازد به آن (حصی) یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آنقدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل (شن) کافی نیست، و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه بغیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست، و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

(م ۹۹۶)

۳۷۸- شرط است که سنگها از حرم باشد، «(۲)» و سنگ خارج حرم کافی نیست، و در حرم از هر موضعی که مباح باشد «(۳)» می‌تواند بردارد مگر مسجدالحرام و مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنابر احوط «(۴)» و مستحب

۱- – آیهٔ اللَّه سیستانی: و مستحب است ریگها رنگین و نقطه‌دار و سست و باندازه سر انگشت باشند.

آیهٔ اللَّه بهجت: باید صدق اسم سنگ و سنگ ریزه بر آنها بکند.

۲- – آیهٔ اللَّه زنجانی: کافی است که سنگ‌ها از حرم برداشته شود، هرچند در اصل خلقت در حرم آفریده‌نشده باشد و بدانیم از خارج حرم آورده شده است.

۳- – آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نسبت به حکم وضعی.

آیهٔ اللَّه زنجانی: باید استفاده از سنگ‌ها مباح باشد و اگر مباح نباشد در فرض عدم عذر، معصیت کرده و اکتفا به آن خلاف احتیاط استحبابی مؤکد است مانند برداشتن سنگ‌هایی که جزء مسجد الحرام یا مسجد خیف یا سایر مساجد است.

۴- – آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط باید بکر باشد.

ص:۲۴۸

است از مشعر بردارد.

(م ۹۹۷)

۳۷۹- شرط است که سنگها بکر «(۱)» باشند، یعنی آنها را خودش یا کس «(۲)» دیگری به وجه صحیح «(۳)» نینداخته باشد اگرچه در سالهای قبل.

(م ۹۹۸)

۳۸۰- شرط است که مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست. «(۴)»

(م ۹۹۹)

۳۸۱- وقت انداختن سنگ «(۵)» از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: این احتیاط را در حکم وضعی ذکر نفرموده‌اند ولی برداشتن سنگ از مساجد اگرجزء آنها باشد مطلقاً جایز نیست.

آیـهٔاللَّه زنجانی: اگراز پای‌جمرات ریگ‌ها رابردارد کافی‌نیست وچنانچه ازجاهای دیگر حرم بردارد کافی است هرچند بکر نباشد و بنابر احتیاط مستحب از سنگ‌هایی که قبلًا در رمی جمرات به کار رفته استفاده نکند.

۲- - آیات‌عظام گلپایگانی، مکارم، صافی: خودش یاکس دیگری از آن برای رمی استفاده نکرده باشد ....

۳- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه مکارم: باید قبلًا در رمی استعمال نشده باشد.

۴- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر اعتقاد داشت سـنگها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیـهٔ اللَّه سیستانی: مشـکل است اکتفـا به آن مگر آنکه ندانـد غصبی است یا فراموش کرده باشـد و خود غاصب نباشـد یا حرمت را فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: تصرف در سنگ غصبی جایز نیست و رمی با آن در صورت عدم عذر بنا بر احتیاط استحبابی اکید کافی نیست.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت: وقت رمی بعد از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد یا ترک کردعمداً علی الاحوط، تـا روز سیزدهم، در روزی که متـذکّر شود بجا آورد با تقـدیم قضاء بر اداء، و احتیاط در رعایت طلوع آفتاب است در قضاء ایضاً با عـدم عـذر مسوّغ رمی در شب در اداء ماننـد خوف و مرض، و اگر متذکّر نشد یا متذکّر شد بعد از انقضاء ایّام تشریق یا ترک کرد عمـداً تا آنوقت علی الاحوط، درسال آینـده‌خود یا نایب او، با ترتب نیابت بر عـدم حج در سال آینـده یا عدم امکان مباشـرت، بجا آورند.

آیهٔ اللَّه فاضل: برای غیر معذورین.

ص:۲۴۹

آن «(۱)» و اگر فراموش کرد تـا روز سـیزدهم «(۲)» می‌توانـد بجا آورد، و اگر تا آن وقت متـذکر نشـد احتیاطاً «(۳)» در سال دیگر خودش یا نایبش بیندازد.

(م ۱۰۰۰)

۱- – آیـهٔ اللَّه زنجـانی: بلی گروههایی که در حاشیه مسأله ۳۹۱ می‌آیـد می‌تواننـد در شب عید جمره‌عقبه را رمی کنند و کسـی که رمی روز عیـد را فراموش کرده بایـد تـا روز سـیزدهم هر وقت متوجه شـد قبـل از رمی آن روز، رمی روز عیـد را قضـا کنـد و بنـابر احتیاط بین رمی ادا و قضا به مقدار ۱۱۲ همان روز فاصله بیندازد و اگر تا روز سیزدهم متذکر نشد چنانچه در مکه یادش آمده بنابر احتیاط تا ذی حجه منقضـی نشـده قضا کنـد و در عید قربان سال بعد نیز اگر خودش به حج می‌رود خودش والا نایبش مجدداً قضـا کنـد و اگر بعـد از خروج از مکه متوجه شـده قضـای آن واجب نیست هرچنـد مطابق احتیاط استحبابی است و همچنین است حکم کسی که بر اثر ندانستن مسأله رمی روز عید را ترک کرده است.

۲- – آیهٔ اللَّه فاضل: ... تا روز سیزدهم می‌تواند به نیّت قضا بجا آورد و واجب است قضا را قبل از رمی آن روز انجام دهد.

آیات عظام خویی، گلپایگانی، صافی: یا مسأله را نمی‌دانست.

آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: احتیـاط واجب آن است که خودش یـا نـایبش انجام دهنـد و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضای آن را بجا آورند.

۳- – آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: اگر از مکّه بیرون نرفته احتیـاط واجب آن است که به منی رفته رمی نمایـد و در سـال دیگر نیز خـودش یا نائبش قضا کند و اگر از مکّه خارج شده احتیاط واجب آن است که در سال بعد خود یا نائبش رمی کند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در سال بعد خودش یا نائبش باید رمی نماید.

آیـهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شـخصاً خودش و یا نائبش بجا آورد، و اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست برگردد بلکه سال دیگر خودش یا نایبش بنابر احتیاط رمی می‌کنند.

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر در روز عید رمی نکرد از روی جهل یا فراموشی یا هر عذر دیگر هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند در منی باشد و یا در مکّه حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، ولی در شب رمی نکند و اگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کنند.

آیهٔاللَّه مکارم: اگربتواند باید خودش در سال‌آینده درهمان موقع‌قضاکند واگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

ص: ۲۵۰

واجبات رمی جمره

۳۸۲- واجب است در انداختن سنگها چند امر:

اول- نیت، با قصد خالص «(۱)» بدون ریاء و نمایش دادن عمل بغیر که موجب بطلان می‌شود.

دوم- آنکه آنها را بیندازد، «(۲)» پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم- آنکه به انداختن، «(۳)» به جمره برسد. «(۴)» پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و بواسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ بجایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً. «(۵)»

۱- – آیهٔ اللَّه فاضل: به این صورت نیّت کند: هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع برای وجوب آن‌می‌اندازم با قصد خالص.

۲- – آیهٔ اللَّه بهجت: بلکه پراندن آنها به سمت خاص.

۳- – آیهٔ اللَّه فاضل: انداختن خودش.

۴- – آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، این توضیح را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ‌اللَّه مکارم: باید توجه داشت که منظور از جمره همان حوضچه‌ای است که در اطراف ستون‌ها قرار دارد و ستون‌ها به‌عنوان نشانه است، بنابراین هرگاه سنگ را به داخل حوضچه‌ها پرتاب کنند کافی است، هرچند به ستون‌ها نخورد.

۵- – آیهٔ اللَّه نوری: کافی نیست ظاهراً مگر آنکه، در حال عبور با چیز دیگر ملاقات کند.

آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، صافی: اگر سنگریزه در راه به چیز بسیار سفتی مانند سنگ بخورد و در اثر آن جَسته و به جمره برسد کافی نخواهد بود.

آیهٔ اللَّه بهجت: ظاهر این است که اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد با بقاء صدق رمی در ابتداء و انتهای آن.

آیهٔ اللَّه فاضل: محلّ اشکال است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: و همچنین اگر پرتاب کرد ولی به جمره برخورد نکرد کافی نیست.

ص:۲۵۱

چهارم- عدد سنگ ریزه‌ها باید هفت باشد.

پنجم- باید بتدریج یکی یکی عقب هم بیندازد «(۱)» و در اینصورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی‌نیست «(۲)» اگرچه باهم به جمره نرسد ودنبال هم برسد.

(م ۱۰۰۱)

۳۸۳- اگر شک کند که سنگ را دیگری در رمی به کار برده یا نه، جایز است با آن رمی کند. «(۳)»

(م ۱۰۰۲)

۳۸۴- اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده‌اند اعتناء نکند. «(۴)»

(م ۱۰۰۳)

۳۸۵- اگر شک کند در عدد انداختن در وقتی که مشغول عمل است باید چندان بیندازد تا علم بعدد پیدا کند، و همچنین اگر شک کند که سنگی که‌انداخت خورد به‌جمره یانه بایدبیندازد تاعلم برسیدن پیدا کند.

(م ۱۰۰۵)

۳۸۶- اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید باید دو مرتبه بیندازد اگرچه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رمی کرده کافی نیست، و باید

۱- – آیهٔ اللّه زنجانی: به گونه‌ای که موالات عرفیه به هم نخورد، به تفصیلی که در مناسک مذکور است.

۲- – آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه زنجانی: یعنی مجموعاً یک رمی حساب می‌شود.

آیهٔ اللّه مکارم: و همه یکی حساب می‌شود.

۳- – آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگهای آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

آیهٔاللّه زنجانی: گذشت که بکر بودن شرط نیست.

۴- – آیهٔ اللّه زنجانی: گذشت که اگر یقین هم داشته باشد که از خارج حرم آورده‌اند مانعی ندارد.

ص:۲۵۲

اعاده کند اگرچه در سال دیگر بوسیله نایبش. «(۱)»

(م ۱۰۰۶)

۳۸۷- اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد «(۲)» شک کند در عدد سنگها، اگر شک در نقیصه کند «(۳)» احتیاط آن است «(۴)» که برگردد و نقیصه را تمام کند، و درشک در زیاده اعتنا نکند.

(م ۱۰۱۰)

۳۸۸- اگر بعد از فارغ شدن «(۵)» شک کند در اینکه درست انداخته یا نه، بنابرصحت بگذارد، «(۶)» بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شک کند باید اعاده کند، «(۷)» ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته

۱- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر پس از خروج از مکه متوجه شود اعاده لازم نیست گرچه احوط است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: لکن اگر اطمینان پیدا کند که هفت سنگ زده، یا به حدی بزند که اگر متعارف مردم این مقدار می‌زدند اطمینان پیدا می‌کردند، کافی است. و در هر حال اگر پس از خروج از مکه متوجه شد که رمی را ترک کرده، قضای رمی واجب نیست.

۲- - آیهٔ اللّٰه فاضل: در حالی که هنوز ذبح یا حلق را انجام نداده.

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام رمی به حفظ عدد سنگ‌ها توجه داشته یا بعد ازگذشتن روز عید شک کرده، در این دو صورت اعتنا به شکش نکند.

۴- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک کند.

سایر آیات عظام قائلند: اگر شک در نقیصه کند باید برگردد و نقیصه را تمام کند.

آیهٔ اللّٰه بهجت: اشکال ندارد.

۵- - آیهٔ اللّٰه فاضل: از رمی.

۶- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: در تمام فروض این مسأله چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن‌توجه داشته اعتنا به شکش نکند.

۷- - آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند، مطلقاً.

آیهٔ اللّٰه فاضل: برای این استثناء وجهی به نظر نمی‌رسد.

آیهٔ اللّٰه بهجت: گذشت در مسأله ۳۸۶

آیهٔ اللّٰه خویی: اگر شک کند سنگریزه به جمره رسید یا نه بنابر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگری بزندمگر آنکه شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس‌از فرارسیدن شب باشد.

ص:۲۵۳

باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد اعتناء نکند.

(م ۱۰۱۲)

۳۸۹- در انداختن سنگها شرط نیست طهارت از حدث «(۱)» یا خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست. «(۲)»

(م ۱۰۱۴)

۳۹۰- مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند. «(۳)»

(م ۱۰۱۶)

۳۹۱- کسانی که عذر دارند از اینکه روزر می‌کنند می‌توانند شب عمل کنند، «(۴)»

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: رعایت طهارت از حدث مطابق احتیاط استحبابی است.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: خلاف احتیاط است.

۳- - آیهٔ اللَّه بهجت: و اگر ممکن است مریض سنگ را بدست گیرد که دیگری بیندازد اورا، و جمع کند بین این کار و استنابه علی الاحوط.

آیهٔ اللَّه زنجانی: مریضی که بدون مشقت شدید می‌تواند ولو با وسایل نقلیه به جمرات برود و خودش رمی کند باید خودش رمی کند والا نایب می‌گیرد و حضور در هنگام رمی واجب نیست.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: یعنی شب مقدّم با علم به عدم تمکّن از رمی در روز، و امّا شب مؤخّر با علم به تمکّن‌از رمی قضائی در روز مؤخّر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب.

آیهٔ اللَّه سیستانی: کسانی که شب از ماندن در مشعر معذور بودند مانند زنان و بیماران می‌توانند همان شب عید رمی کنند و اما پرستاران و همراهان آنها باید روز رمی کنند مگر اینکه آنها نیاز به همراهی در طول روز داشته باشند به طوری که به مقدار رمی هم از آنها مستغنی نشوند و اما رمی در شب بعد کافی نیست و معذور باید نایب بگیرد مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذورند به جهت ترس یا بیماری یا غیر آن.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: شب قبل از آن روز.

آیهٔ اللَّه زنجانی: چند دسته‌اند که می‌توانند جمره عقبه را شب عید رمی کنند:

۱- بانوان. ۲- کودکان. ۳- ضعفایی که در رمی در روز بر آنها مشقت دارد. این گروه می‌توانند شبانه از مشعر کوچ کنند لکن در صورتی می‌توانند شب قبل رمی کنند که رمی در روز بر آنها حرجی باشد. ۴- کسی که از خطر رمی در روز بر خود می‌ترسد. ۵- بدهکاری که نمی‌تواند بدهی خود را بپردازد و می‌ترسد با طلبکار مواجه شود. ۶- کسانی که باید همراه گروه‌های سابق از مشعر کوچ کنند. ۷- کسانی که باید تمام روز به تدارکات حجاج اشتغال داشته باشند و به این جهت نمی‌توانند در روز رمی کنند. ۸- کسانی که از رمی در روز عاجزند یا رمی در روز بر آنها مشقت شدید دارد. این چند گروه می‌توانند شب قبل رمی کنند و نمی‌توانند برای رمی در روز نایب بگیرند یا رمی را به شب بعد به تأخیر بیندازند.

ص:۲۵۴

هر وقت شب که باشد. «(۱)»

(م ۱۰۱۸)

مستحبات رمی جمرات

«(۲)»

۳۹۲- در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال رمی.

۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصَیاتِی فَأَحْصِهِنَّ لِی وَ ارْفَعْهُنَّ فِی عَمَلِی»

۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

۱- - آیـةاللَّه گلپایگانی، آیةاللَّه صافی: و فرقی نیست در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر که شب قبل رمی کنند یا شب بعد و تا وقتی خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند.

آیـة اللَّه مکارم: زنان و پیران می‌تواننـد در شب رمی کننـد، همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرق نمی‌کند در شب قبل یا شب بعد.

آیة اللَّه بهجت: و همچنین زنها و لو عذر نداشته باشند می‌توانند در شب رمی کنند و این مخصوص شب دهم است.

۲- - آیة اللَّه مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص:۲۵۵

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِی الشَّیْطانَ، اللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ، وَعَلی سُنَّةِ نَبِیکَصَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجّاً مَبْرُوراً، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَ سَعْیاً مَشْكُوراً، وَ ذَنْباً مَغْفُوراً»

۵- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸- پس از برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَی وَنِعْمَ النَّصِیرُ».

(م ۱۰۱۹)

دوم از واجبات منی- ذبح است

اشاره

۳۹۳- واجب است بر کسی که حج تمتع بجا می‌آورد ذبح یک هدی، یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند، و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.

(م ۱۰۲۰)

۳۹۴- در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول- آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنجسال نباشد و

ص:۲۵۶

داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنابر احتیاط «(۱)» واجب کمتر از دو سال نباشد «(۲)» و داخل در سه سال شده باشد، و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد، «(۳)» و در میش به احتیاط «(۴)» واجب کمتر از یکسال نباشد «(۵)» و داخل در سال دوم شده باشد.

دوّم- بایدصحیح باشد «(۶)» پس حیوان مریض «(۷)» کافی نیست حتی مثل کچلی بنابر احتیاط.

سوّم- باید خیلی پیر نباشد. «(۸)»

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: اگر گاو داخل در سال دوم شده باشد کفایت می‌کند ولی بهتر است کمتر از دو سال‌نباشد و همچنین است اگر قربانی بز باشد و اگر میش باشد کمتر از یک سال هم کفایت می‌کند ولی احتیاط مستحب است که کمتر از یکسال نباشد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: گاو و بز یک ساله کافی است و بنابر احتیاط مستحب دو ساله باشند.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر احتیاط واجب.

۴- - آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: گوسفند بایستی هفت ماهش تمام و وارد ماه هشتم باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یک سالش تمام و در سال دوم داخل شده باشد.

۵- - آیهٔ اللَّه زنجانی: میش شش ماهه کافی است و بنابر احتیاط مستحب یک ساله باشد.

۶- - آیهٔ اللَّه زنجانی: ذبح حیوانی که مبتلاـ به مرضی است که گوشتش را فاسد کرده کافی نیست و مجردکچلی حیوان مانعی ندارد.

۷- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، متعرض این حکم نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط اولی این است که مریض نباشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب این است که مریض نباشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب باید صحیح باشد.

۸- - آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط اولی آن است که خیلی پیر نباشد یعنی مغز استخوانش آب نشده باشد.

آیهٔاللَّه سیستانی: احتیاطمستحب آن‌است که‌خیلی پیرنباشد یعنی‌مغز استخوانش‌آب نشده باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: پیر نبودن قربانی شرط نیست.

آیهٔ اللَّه زنجانی: به طوری که استخوانش پوک شده باشد.

ص:۲۵۷

چهارم «(۱)»- بایـد تام الاجزاء باشـد، و ناقص کافی نیست. «(۲)» پس اگر واضـح باشـد کوری یا لنگی آن بنابر اقوی کافی نیست، «(۳)» و اگر واضـح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست «(۴)» و احتیاط واجب آن است که چشـمش سـفید نشده باشد و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

پنجم- بایـد لاغر نباشـد، «(۵)» و اگر در گُرده او پیـه باشـد «(۶)» کـافی است، و احتیـاط «(۷)» آن اسـت کـه آن را در عرف لاـغر نگویند.

ششم- باید «خَصیّ» نباشد، «(۸)» یعنی باید خصیتین آن را بیرون

۱- - آیـات عظـام خویی، تبریزی، سیسـتانی: بایـد تام‌الاعضاء باشـد پس کافی نیست کور هر چنـد یک‌چشم باشـد و لنگ و گوش بریده و آن که شاخ داخلش شکسته است و مانند آن.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: باید تام الاجزاء و سالم باشد پس ناقص و معیوب کافی نیست و تفصیل موارد آن در مناسک مذکور است.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه بهجت: باید تام الاجزاء باشد پس کور و یک چشـمی و لنگ و گوش بریده‌حتّی اگر قلیلی از گوش را بریده باشند و آنکه از شاخ اندرونی آن چیزی ناقص است مجزی نیست.

۴- - آیهٔ اللّه مکارم: لنگی مختصر عیب ندارد.

آیهٔ اللّه زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت: باید لاغر نباشد و مشـهور کفایت بودن پیه در گُرده‌ای اوست و احوط آنستکه علاوه براین اورا در عرف لاغر نگویند.

۶- - آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه زنجانی: بر کلیه آن مقداری چربی باشد کافی است.

۷- - آیهٔ اللّه سیستانی: معتبر است که قربانی عرفاً لاغر نباشد.

آیهٔ اللّه خویی: باید عرفاً لاغر نباشد و پیه داشتن در گرده ملاک نیست.

۸- - آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احوط قربانی نباید اخته باشد.

ص:۲۵۸

نیاورده باشند.

هفتم- باید بیضه آن را نکوبیده باشند «(۱)» به احتیاط «(۲)» واجب.

هشتم- باید در اصل خلقت بی‌دم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست کفایت، اگرچه خلاف احتیاط است. «(۳)»

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: بنابر احتیاط مستحب بیضه او را نتابیده و نکوبیده و نمالیده باشند.

۲- - آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: احوط و اولی آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: جایز است کشتن حیوانی که بیضه آن را کوبیده باشند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کوبیده نبودن بیضه شرط نیست مگر اینکه به حدّ اخته شدن برسد.

آیهٔ اللّه مکارم: اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: اظهر اجزاء موجوء است.

۳- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: احوط و اولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دُم نداشته باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: احتیاط واجب آن‌است‌که حیوانی راکه شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکنند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: فقدان اعضایی‌که در همه اصناف این حیوان وجود دارد ونقص محسوب می‌شود، مانع اجزاء است مانند بیضه وگوش ودر غیر آنها مانند شاخ و دُم اگر در این صنف از حیوان معمولًا وجود دارد، فقدان آن نقص محسوب می‌شود و مانع است و الّا نه.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر در اصل خلقت بی‌دم باشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: باکی نیست اگر گوش او شکافته یا سوراخ باشد اگر چه احوط ترک این دو و ترک حیوانی که شاخ یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد و همچنین آن حیوان که عروق و بیضتین او را مالیده باشند که اورا موجوء و مرضوض الخصیتین گویند اگرچه اظهر اجزاء موجوء است.

آیهٔ اللّه زنجانی: ذبح حیوانی که در اصل خلقت گوش ندارد و همچنین حیوانی که دم نداشته و عرفاً ناقص به حساب می‌آید کافی نیست ولی اگر در اصل خلقت شاخ نداشته باشد اشکال ندارد.

ص:۲۵۹

نهم- در اصل خلقت بی‌بیضه نباشد. «(۱)»

(م ۱۰۲۳)

۳۹۵- یک گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است «(۲)» که رسول خداصلی الله علیه و آلهصد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحرکردند وشصت وشش‌تای آنها را برای خودشان.

(م ۱۰۲۹)

۳۹۶- احتیاط واجب «(۳)» آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد. «(۴)»

(م ۱۰۳۲)

۳۹۷- اگر بواسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن در روز عید ذبح نکرد احتیاط واجب آن است که «(۵)» در ایام «تشریق» ذبح کند، و اگر نشد در

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه بهجت: متعرض این فرع نشده‌اند.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و در روایت است که در حج قران رسول خدا صلی الله علیه و آله ...

۳- - آیهٔ اللَّه مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: بنابر احتیاط اختیاراً جایز نیست ذبح هدی را از روز عید تأخیر بیندازد اگرچه اقوی جواز آن است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط این است که ذبح در روز عید قربان باشد.

آیهٔ اللَّه بهجت: واجب است ذبح هدی در روز عید، و امّا بعد از عید پس مجزیست در بقیّه ذی الحجه اگر چه خلاف احتیاط است تکلیفاً تأخیر از آن بدون عذر خصوصاً تأخیر از ایّام تشریق سه گانه.

آیهٔ اللَّه سیستانی: این احتیاط مستحب است و می‌تواند در روزهای تشریق هم قربانی کند.

۴- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اختیاراً می‌تواند ذبح را تا روز دوازدهم به تأخیر بیندازد و در صورت عذر ذبح تا آخر ذی حجه مجزی است ولی باید ترتیب بین اعمال روز عید و همچنین بین حلق یا تقصیر و اعمال مکه رعایت شود. البته لزوم ترتیب بین رمی و ذبح و حلق یا تقصیر مخصوص عالم عامد است. و از این جا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت: حکم آن در مسأله قبل بیان شد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: بلکه بدون تردید لازم است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: این احتیاط واجب نیست اگرچه مطلوب است ولکن اگر در غیر ایام نحر روز عید و سه روز بعد از آن بود بنابر احتیاط قصد ادا و قضا نکند، بلکه بقصد ما فی الذمه ذبح کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اقوی آن است که می‌تواند در روزهای تشریق قربانی کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: تا روز سیزدهم در هر حال جایز است ذبح کند.

ص:۲۶۰

بقیه ماه ذی‌الحجه، و در تأخیر عمدی «(۱)» نیز همین حکم است. «(۲)»

(م ۱۰۳۳)

۳۹۸- احتیاط «(۳)» آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند. و یک قسمت راصدقه بدهند، و قدری هم از ذبیحه بخورند وصدقه را به مؤمنین بدهند، ولکن هیچ‌یک از این احتیاطها واجب «(۴)»

۱- – آیهٔ اللّه خویی: اگر از روی علم و عمد ترک کرده و طواف بجا آورده باشد ظاهراً طوافش باطل و اعاده آن بعد از تدارک ذبح واجب است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: تأخیر عمدی را متعرض نشده‌اند.

۲- – آیهٔ اللّه سیستانی: اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حجش باطل است و نیز بنابر احتیاط واجب اگر جاهل مقصر باشد و اگر معذور باشد بنابر احتیاط واجب باید بین روزه گرفتن و ذبح در مکه تا آخر ذی‌حجه جمع نماید.

۳- – آیهٔ اللّه فاضل: مستحب است که ...

۴- – آیهٔ اللّه مکارم: تقسیم ذبیحه به سه قسمت واجب نیست ولی واجب است که قسمتی از آن را به‌فقراء بدهند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن بدهد و اینکه هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد و در هدیّه فقر شرط نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: احوط آنستکه قدری از ذبیحه بخورد و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند و لازم نیست بنابر اظهر که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ثلث ذبیحه باشد و نیز در خصوص سهم صدقه احوط آنستکه بر مؤمنین بوده باشد و اگر به اختیار خود به غیر مؤمن بدهد احوط ضمان اوست یعنی قیمت قدری از آن را بعنوان صدقه به فقیر می‌دهد و همین احتیاط در سهم هدیه به مثل اتلاف و بیع جاریست و عمل به احتیاط به مثل توسیط فقیر یا استیکال او ممکن است، و در صورت عدم امکان، این تکلیف ساقط است.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: این احتیاط واجب است ولی نسبت به صدقه انسان می‌تواند از فقیر مؤمن و نسبت به هدیه از مؤمن دیگری ولو از شهر خودش وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول و قبض کرده و بعد اعراض نماید و در صورتی که در منی متمکن از تقسیم نیست اخذ وکالت مزبور لازم است و اگر این عمل را با فرض تمکن انجام ندهد بنابر احتیاط واجب ضامن است.

آیهٔ اللّه سیستانی: در دو قسم اول با متن موافق هستند و اما در قسم سوم می‌فرمایند: بنابر احتیاط واجب آن را به فقرای مسلمانان صدقه دهد. و اگر صدقه دادن ممکن نباشد یا موجب مشقّت و زحمت زیادی شود وجوب آن ساقط می‌شود و رساندن آن به خود فقیر لازم نیست بلکه کفایت می‌کند به وکیل او داده شود اگر چه وکیل خود قربانی کننده باشد آنگاه وکیل بر حسب اجازه موکّل در آن تصرّف می‌کند به هدیه دادن یا فروش یا اعراض از آن و یا غیر اینها.

آیهٔ اللّه زنجانی: ولی واجب است حداقل یک‌سوم قربانی را به فقیر حرم- هر چند زائر باشد- صدقه بدهد.

ص:۲۶۱

نیست، و اگرصدقه را به فقرای کفار بدهد یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست، «(۱)» لکن احتیاط خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه خیلی مطلوب است.

(م ۱۰۴۰)

۳۹۹- جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند، و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند. «(۲)»

(م ۱۰۴۱)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه به احتیاط واجب ضامن حصّه فقرا است مگر این که قربانی ارزش مالی خودرا به دلیل فراوانی بیش از حد از دست بدهد.

۲- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: باید نیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند هرچند احوط و اولی نیت نمودن اوست.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: علاوه بر خودش ذابح نیز باید نیت کند.

آیهٔ اللّه مکارم: نیّت را حاجی می کند.

آیهٔ اللّه صافی: و احوط آن است که علاوه بر نایب خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیّت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیلی را که از طرف او برای ذبح نایب می گیرد می‌فرستد نیّت کند ونیّت را تا وقت ذبح مستمر بدارد.

آیهٔ اللّه زنجانی: در ذبح قربانی و کفارات مباشرت معتبر نیست پس حاجی می‌تواند از کسی بخواهد برایش ذبح کند بلکه می‌تواند دیگری را نایب خود قرار دهد و در صورت اول هنگام ذبح باید خود حاجی قصد داشته باشد که« برای حج تمتع قربانی می کنم قربهٔ الی اللّه» و لازم نیست که ذابح نیت انجام قربانی برای حج یا قصد قربت داشته باشد بلکه همین که قربانی او را ذبح می کند کافی است هرچند به نیت او نباشد یا اصلًا کسی را نیت نکند و چون کار ذابح نیابت نیست بلا اشکال ایمان در او معتبر نیست و حکم صورت دوم در مناسک مذکور است. و از این‌جا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

ص:۲۶۲

۴۰۰- احتیاط واجب «(۱)» آن است که ذابح مؤمن باشد، «(۲)» بلکه خالی از قوت نیست، و همینطور در ذبح کفارات.

(م ۱۰۴۲)

۴۰۱- ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

(م ۱۰۴۴)

۴۰۲- اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر

۱- - آیات عظام خامنه‌ای، نوری، فاضل: در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نایب کرده باشد و امّا اگرازاو خصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: این احتیاط واجب نیست.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: ایمان شرط نیست ولی شرائط دیگر را باید دارا باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: تمام مسلمانان که ذبیحه آنان پاک وحلال است می‌توانند ذبح کنند.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: اگر مسلمان باشد کفایت می‌کند و شیعه بودن ذابح لزومی ندارد.

ص:۲۶۳

شرایط را اعتناء نکند. «(۱)»

(م ۱۰۴۶)

۴۰۳- اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

(م ۱۰۵۱)

۴۰۴- مراد ازاینکه قادر برذبح نباشد آن‌است که‌نه هدی‌را داشته باشد و نه پولش را. «(۲)»

(م ۱۰۵۲)

۴۰۵- باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره «(۳)» بجا آورد و قبل از آن نمی‌تواند. «(۴)»

(م ۱۰۶۷)

۴۰۶- هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد.

(م ۱۰۶۸)

۴۰۷- احتیاط واجب «(۵)» آن است که پی در پی بجا آورد.

(م ۱۰۶۹)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: و همچنین اگر شک در این باشد که محل ذبح منی بوده یا جای دیگر.

آیات عظام فاضل، خویی، زنجانی: در صورتی که احتمال بدهد که در حال ذبح احراز شرایط کرده بوده.

آیهٔ اللّه بهجت، متعرض نشده‌اند.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: و قدرت اقتراض یا فروش زاید از مؤونه سفر را هم که در مسائل آینده گفته می‌شود نداشته باشد.

آیهٔ اللّه زنجانی: هرچند بتواند با کسب یا قرض آن را تحصیل کند.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه باید بعد از محرم شدن به احرام حج روزه بگیرد.

۴- - آیهٔ اللّه فاضل: یعنی تا زمانی که محرم به احرام عمره تمتع نشده نمی‌تواند این سه روز را بگیرد اما بعد از احرام عمره تمتع اگر چه محلّ هم باشد این سه روز روزه را باید در ماه ذی‌الحجّه بگیرد و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد و جلوتر نگیرد.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت: اظهر عدم وجوب توالی است.

آیات عظام گلپایگانی، فاضل، مکارم، سیستانی، صافی: بنابر احتیاط مستحب ....

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط این است که هفت روز پی در پی باشد.

آیهٔ اللّه زنجانی: سه روز روزه و همچنین هفت روز روزه باید پی در پی باشد مگر در مواردی که ذکر شده است.

ص:۲۶۴

۴۰۸- تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست. «(۱)» و فروش یا هبه سهم فقیر «(۲)» قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است، «(۳)» بنابراین، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی بخود حاجی می‌فروشند یا هبه می کنندصحیح نیست. (م ۱۰۷۷)

۴۰۹- گفته می‌شود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی مُحسَّر ساخته شده «(۴)» و در اینصورت هر چند درصورت امکان ولو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است. «(۵)»

۱- - نظر آیات عظام در ۳۹۸ گذشت.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل: توسط فقیر یا وکیل او.

۳- - آیـات عظـام خویی، تبریزی، بهجت: جـایز است قبـل از قبض، از فقیری در وطنش وکـالت بگیرد که در یک سوّم قربانی طبق خواسته او تصرف کند.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: جـایز اسـت قبـل از قبض، از فقیری در وطنش وکـالت بگیرد کـه در یـک سـوم قربـانی پس از ذبـح و قبض طبق خواسته او تصرف کند.

آیـهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: نسـبت به صدقه و اهداء، انسان می‌تواند از فقراء و مؤمنین آشـنا در شـهر خود وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید.

آیهٔ اللَّه زنجانی: جایز است از فقیری که در حرم است- خواه اهل حرم باشد یا نباشد- وکالت بگیرد که بعد از ذبح ثلث ذبیحه را از طرف او قبض نموده و آن را رها نماید یا به مبلغ معینی از او بخرد.

۴- - آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: لزوم تأخیر تا آخر ذی‌الحجه برای قربانی در منی را متعرض نشده‌اند.

۵- - آیهٔ اللَّه فاضل: می‌توانند در روز عید در مذبح فعلی ولو خارج از منی باشد قربانی کنند و بقیه اعمال راانجام دهند.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: پس اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد اگرچه تا آخر ذی الحجه، حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبـح را تأخیر بینـدازد و همچنین طواف و نماز طواف و سـعی را تأخیر بیانـدازد و الّا جایز است به ذبـح در مذبح فعلی اکتفاء کنـد، لازم به تـذکر است اگر در روز عیـد متمکن از ذبـح در منی نبود و احتمـال بقاء عـذر تا آخر ذی‌حجه را بدهـد می‌توانـد در مسلخ‌های جدید ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد اعاده نماید.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: وجـایی که مشـکوک است که منی باشـد، مبیت و ذبـح و تقصیر در حـال اختیـار هم مجزی است. و اگر در وادی محسر هم میسور نبود در هر کجای حرک که باشد ذبح مجزیست و احتیاط واجب این است که حتی المقدور به منی نزدیک باشد

آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر به علت تغییر محل، ذبح در منی ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن ولو تا آخر ماه ذی‌حجهٔ موجب عسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از منی اشکال ندارد.

آیـهٔ اللَّه گلپایگانی، آیـهٔ اللَّه صافی: در صورت تمکّن از ذبـح در ایّام تشـریق لازم است ذبـح را تأخیر نماید بلکه لزوم تأخیر تا آخر ذیحجه بعیـد نیست ولی حلق را روز عید انجام دهد و با این عمل از احرام مخیط خارج می‌شود و باقی اعمال را به ترتیب بجا آورد. و اگر بکلّی ذبح در منی ممکن نبود ذبح در وادی محسر کافی است.

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: در صورت زیـاد بودن حجاج و گنجایش نداشـتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبـح، بعیـد نیست کشـتن در وادی محسَّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی‌تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و نیز اگر

ذبح در منی و وادی محسر قرار روز سیزدهم ذی حجه ممکن یا میسور نبود در هر کجای حرم که باشد ذبح نماید.
آیهٔ اللّه مکارم: بدون شک تمام مذابح فعلی خارج از منی است و بنابراین می‌تواند در آن‌جا ذبح کند یا در وطن خود.

ص:۲۶۵

(م ۱۰۷۸)

۴۱۰- کسی که اجیر در حج است می‌تواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور نیت قربانی حجی که موکلش از طرف موکل خود «(۱)» انجام می‌دهد را می‌نماید. «(۲)»

(م ۱۰۷۹)

۱- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: منوب عنه خود.

۲- - به مسأله ۳۹۹ ذبح مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: وکیل باید نیت کند آن قربانی که بر موکلش واجب است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نیت قربانی را نایب اصلی می‌کند.

ص:۲۶۶

۴۱۱- اگر جمعی از حجاج پول روی هم بگذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند بخرد و در وقت ذبح هر گوسفند را برای یک نفر «(۱)» قصد کند و قربانی نماید، چنانچه‌صاحبان پول راضی باشند مانع ندارد «(۲)» هر چند بین گوسفندان تفاوت قیمت باشد و همه به یک اندازه پول داده باشند.

(س ۱۰۸۲)

۴۱۲- ذبح بدون گرفتن وکالت از طرف دیگری کافی نیست «(۳)» هر چند مطمئن باشد که وقتی بفهمد راضی و خوشحال می‌شود.

(س ۱۰۸۸)

۴۱۳- ذبح باید با آهن باشد «(۴)» و اگر شک داشته باشد که چاقو از آهن است یا فلز دیگرصحیح نیست. «(۵)»

(س ۱۰۹۴)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: برای یک نفر مشخص.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: لکن بهتراست که وکالت بگیرد در مقابل وجه مورد توافق یک گوسفند به نیابت از او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح نایب هم بگیرد.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: چنانچه احراز رضایت کرد و شاهد حال هم دالّ بر رضایت بود به طوریکه اگر او بفهمد راضی است کفایت می کند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: این ذبح محل اشکال است و احتیاط واجب اکتفا نکردن به ذبح نایب است بدون اذن قبلی از منوب‌عنه.

آیهٔ اللّه زنجانی: اذن کافی است و وکالت لازم نیست.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد ولی رضایت قلبی کافی نیست.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح وکالت در افراز داشته باشد اشکال ندارد.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: ذبح با کاردی که در تیزی از چاقوی آهنی کمتر نیست مجزی است.

۵- - آیهٔ اللّه مکارم: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: وسیله ذبح باید آهن باشد و استیل فولاد همراه با مواد ضد زنگ در حقیقت همان آهن است و ذبح با آن مانع ندارد.

آیهٔ اللّه فاضل: ذبح با کارد استیل مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه خویی: ذبح به آن مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه تبریزی: مانعی ندارد، بلی اگر در محلّ ذبح آهن باشد احتیاط مستحب آن است که با آن ذبح کند.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر در تیزی و حدّت مثل آهن باشد تا انتهای ذبح، بعید نیست حکم آهن را داشته باشد به الغاء خصوصیت.

آیهٔ اللّه صافی: اگر محرز نباشد که استیل آهن است صحیح نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: خالی از اشکال نیست.

آیهٔ اللّه نوری: ذبح با کاردهای استیل که در برندگی مثل آهن است نیز جایز است.

ص:۲۶۷

۴۱۴- محرم می‌تواند قبل از ذبح گوسفند خود برای دیگری ذبح نماید. «(۱)»

(س ۱۰۹۸)

۴۱۵- اگر قربانی را از پول غیر مخمس تهیه کند کفایت نمی‌کند. «(۲)»

(س ۱۱۰۰)

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: و اگر ذبح باعث نجس شدن لباس یا بدنش شود تا خودش حلق یا تقصیر نکرده در صورت امکان جایز نیست برای دیگری ذبح نماید، هر چند صحیح است.

۲- - به مسأله ۲۴۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است قربانی صحیح است.

آیهٔ اللَّه مکارم: کفایت می‌کند.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر معامله به ذمّه باشد ظاهراً کافی است.

آیهٔاللَّه سیستانی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است قربانی صحیح است ولی ضامن خمس است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر به ثمن در ذمّه باشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: ظاهراً کفایت می‌کند ولی خلاف احتیاط استحبابی مؤکد است مخصوصاً اگر معامله با شخص پول غیر مخمس انجام گرفته باشد.

ص:۲۶۸

۴۱۶- اگر کسی را وکیل در قربانی نمود چنانچه وکالت داده که وکیل خودش قربانی کند وکیل نمی‌تواند به دیگری وکالت بدهد.

(س ۱۱۰۵)

۴۱۷- محرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده درصورت امکان باید لباس خود را تطهیر یا تبدیل کند «(۱)» و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد. «(۲)»

(س ۱۱۰۷)

۴۱۸- بنابر احتیاط واجب «(۳)» باید تخم‌های گوسفند قربانی تابیده نشده باشد. «(۴)»

(س ۱۱۱۱)

مستحبات هَدیْ

۴۱۹- مستحبات هدی چند چیز است «(۵)»:

۱- درصورت تمکن، قربانی شتر باشد، و درصورت نبودن آن گاو و درصورت نبودن آن گوسفند باشد.

۱- - آیهٔ اللّه بهجت: بنابر احوط.

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

۲- - آیهٔ اللّه صافی: احتیاط مستحب تعویض یا تطهیر آن است.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط لباس را تطهیر کند.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: در حاشیه مسأله ۳۹۴ گذشت که رعایت این احتیاط مستحب است.

۴- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر به حدّ اخته شدن برسد مجزی نیست.

آیهٔ اللّه خویی: مسأله در مورد کوبیده نبودن و تابیده و مالیده نبودن مبتنی بر احتیاط استحبابی است بلی باید خصی یعنی اخته نباشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: به مسأله شرایط هدی مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّه بهجت: به مسأله ۳۹۳، شرط هفتم مراجعه شود.

۵- - آیهٔ اللّه مکارم: به قصد رجاء و امید ثواب بجاآورد.

ص:۲۶۹

۲- قربانی بسیار فربه باشد.

۳- درصورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و درصورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴- شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَما أَ نَا مِنَ الْمُشْرِکینَ انَّصَلاتِی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتِی للَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ لا شَرِیکَ لَهُ وَبِذلِکَ امِرْتُ وَأنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ، أللَّهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أکْبَرُ، أللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی».

۵- اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

(م ۱۱۱۹)

ص:۲۷۰

سوّم از واجبات منی تقصیر است

اشاره

۴۲۰- هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن «(۱)» یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:

اول- زنها که باید از مو یا ناخن «(۲)» خود قدری بگیرند، و کافی نیست ظاهراً «(۳)» برای آنها سر تراشیدن.

دوم- کسی که سال اول حج او باشد، «(۴)» که باید سر «(۵)» بتراشد به احتیاط واجب. «(۶)»

(م ۱۱۲۰)

۱- – آیهٔ اللَّه سیستانی: گرفتن ناخن کافی نیست بنابر احتیاط واجب و اگر خواست ناخن بگیرد باید بعد از کوتاه کردن مو باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: بنابر احتیاط مستحب مؤکد برای تقصیر کوتاه کردن مو را اختیار کند و همچنین است حکم تقصیر بانوان.

۲- – آیهٔ اللَّه فاضل: و سرتراشیدن برای آنها کافی نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست.

۳- – آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: سر تراشیدن برای آنها جایز نیست.

۴- – آیهٔ اللَّه زنجانی: مردی که برای خودش حجهٔ الاسلام بجا می‌آورد باید سرش را بتراشد، هرچندحج اول او نباشد، و می‌تواند با ماشینی که مانند تیغ از ته می‌چیند، سرش را بتراشد و همچنین بر دو دسته دیگر حلق واجب است:

۱- مردانی که موهای خود را با ماده‌ای مانند صمغ یا شیره چسبانده‌اند.

۲- مردانی که موهای خود را پیچیده و بافته‌اند.

۵- – آیهٔ اللَّه بهجت: سر تراشیدن در این مورد دوّم و نیز سوم و چهارم مستحبّ مؤکّد است.

آیهٔ اللَّه نوری: مخیّر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو یا چیدن ناخن می‌باشد.

۶- – آیات عظام خویی، فاضل، تبریزی: احتیاط مستحب این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هرچند مخیر بودنش بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: چنین کسی نیز مخیّر است و سر تراشیدن متعیّن نیست.

ص:۲۷۱

۴۲۱- احتیاط آن است کسی که سر را می‌تراشد تمامش را بتراشد. «(۱)»

(م ۱۱۲۲)

۴۲۲- در تقصیر کفایت می‌کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن به هر نحو و با هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، «(۲)» و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

(م ۱۱۲۳)

۴۲۳- جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد، و همچنین در تقصیر و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند. «(۳)»

(م ۱۱۲۵)

۴۲۴- محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است، و جایز نیست اختیاراً در غیر آنجا. «(۴)»

(م ۱۱۳۰)

۴۲۵- احتیاط «(۵)» آن است که در روز عید باشد اگرچه بعید نیست جواز

۱- – آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل: باید سر را تماماً بتراشد.

آیات عظام خویی، تبریزی، زنجانی: بلکه باید تمامش را بتراشد.

۲- – آیهٔ اللَّه مکارم: کفایت ناخن گرفتن به تنهایی مشکل است.

آیهٔاللَّه زنجانی، آیهٔ اللَّه سیستانی: رجوع شود به مسأله ۴۲۰

۳- – آیهٔ اللَّه سیستانی: در رابطه با نیّت سلمانی مطلبی در دست نیست.

آیهٔ اللَّه خویی، متعرّض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔاللَّه زنجانی: از آن جاکه عمل سلمانی از باب نیابت نیست وجهی برای نیت کردن او وجود ندارد.

۴- – آیهٔ اللَّه زنجانی: باید موی حاجی در منی ریخته شود بلکه بنابر احتیاط، باید حلق و تقصیر نیز در منی انجام شود.

۵- – آیهٔ اللَّه نوری: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: این احتیاط واجب است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب این است که از روز عید تأخیر نشود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط واجب آن است که در روز عید باشد، و اگر روز عید نکرد تا آخر ذیحجه وقت دارد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است و اختیاراً تأخیر حلق و تقصیر تا آخر ذی حجه تا زمانی که بتواند اعمال مکه را در ذی حجه را بجا آورد مانعی ندارد.

ص:۲۷۲

تأخیر تا آخر ایام تشریق. «(۱)»

(م ۱۱۳۱)

۴۲۶- اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هرجا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند، و موی خود را بفرستد «(۲)» به منی درصورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود. «(۳)»

(م ۱۱۳۳)

۴۲۷- اگر قربانی بدلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنابر احتیاط نمی‌تواند «(۴)» حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: آخر وقت آن را ذکر نفرموده‌اند.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: مستحب است موی خود را بفرستد.

۳- - آیهٔ اللّه مکارم: یا غیر خیمه خود.

۴- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: تأخیر حلق یا تقصیر از روز عید بر کسی که ذبح را تأخیر انداخته واجب نیست بلکه‌احتیاط واجب آن است که حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد ولکن طواف حج قبل از ذبح محل اشکال است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: می‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود ولی اعمال مکّه باید بعد از قربانی و حلق انجام شود.

آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب باید در این صورت در روز عید حلق یا تقصیر نماید و از احرام خارج می‌شود ولی اعمال مکه را بعد از ذبح انجام دهد.

آیهٔ اللّه نوری: بلکه باید روز عید حلق کند و تأخیر نیندازد.

آیهٔ اللّه زنجانی: بلکه نباید حلق کند و رعایت ترتیب بین اعمال روز عید و بین حلق و تقصیر و اعمال مکه لازم است.

ص:۲۷۳

بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الاحوط. «(۱)»

(م ۱۱۴۲)

۴۲۸- تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق مانع ندارد هرچند عمدی باشد «(۲)» و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می کند. «(۳)»

(م ۱۱۴۳)

۱- - آیهٔ اللّه نوری: به حسب جمع بین روایات، ترتیب مستحب است ولی چون شهرت بر وجوب قائم‌شده احوط رعایت ترتیب است در صورت امکان و عند الضرورهٔ خلاف ترتیب مانعی ندارد و در فرض سؤال اگر ذبح را تأخیر انداخت، تأخیر حلق جایز نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: و اگر رعایت این احتیاط واجب را نکند عمل او باطل نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط، قربانی باید در روز عید باشد و چنانچه قربانی در روز عید ممکن نباشد می‌تواند بعداز رمی حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و مُحلّ شود و قربانی را تأخیر بیندازد.

آیهٔ اللّه صانعی: المستحب در قربانی و حلق.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قربانی را در منی تهیه کرد جایز است تقصیر یا حلق.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: رجوع شود به مسأله ۴۲۵ و حاشیه آن.

۳- - آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصیر باید در روز عید باشد و اگر تأخیر انداخت انجام آن در شب یازدهم یا بعد از آن کافی است.

آیهٔ اللّه سیستانی: حلق در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط در ترک حلق در شب است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عید ترک نمود، روز یازدهم باید حلق کند. معظم له متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایام تشریق نشده‌اند.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه بهجت: احتیاط واجب این است که در روز انجام شود، و آیات عظام متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایّام تشریق نشده‌اند.

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط واجب در عدم تأخیر عمدی است. چنانکه گذشت بنا بر احتیاط حلق باید در روز باشد. پس اگر در روز عید انجام نگرفت باید در روز بعد انجام گیرد.

آیهٔ اللّه زنجانی: حلق و تقصیر در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و زنی که از حیض شدن می‌ترسد و انجام آن در شب‌های بعد مانعی ندارد.

ص:۲۷۴

۴۲۹- کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن «(۱)» می‌باشد بنابر احتیاط، جایز نیست «(۲)» بواسطه زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هرچند فوراً بتراشند و درصورت علم و عمد کفاره دارد. «(۳)»

(م ۱۱۴۵)

۴۳۰- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد «(۴)» ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر. «(۵)»

(م ۱۱۴۶)

۴۳۱- گفته می‌شود که مسلخ جدید در منی نیست اگر پس از قربانی همانجا حلق یا تقصیر کنند چنانچه منی نبوده یا محرز نیست منی بودن آن

۱- - آیهٔاللَّه نوری: مخیّر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو و یا چیدن ناخن که در مسأله ۴۲۰ ذکرشد می‌باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: بلکه بنابر اقوی جایز نیست.

۳- - به مسأله ۴۱۹ مراجعه شود.

آیهٔاللَّه سیستانی: اگر با ماشین ته زن بتراشند کافی است گرچه احتیاط مستحب تراشیدن با تیغ است.

آیهٔ اللَّه مکارم: کوتاه کردن کافی است.

۴- - آیهٔ اللَّه زنجانی: هرچند اگر حلق یا تقصیر کند صحیح است مخصوصاً اگر حرمت آن را ندارند.

۵- - آیهٔاللَّه بهجت: و بعید نیست تقصیر واقع و موجب احلال شود هر چند با فعلی که بر غیر حرام است انجام گیرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: و مجزی نیز نمی‌باشد.

ص:۲۷۵

باید حلق و تقصیر اعاده شود. «(۱)»

(س ۱۱۴۹)

۴۳۲- اگر در مواردی که حاجی بایـد حلق کنـد بجای حلق تقصـیر نمایـد چنانچه جاهل به مسأله بوده کفاره نـدارد و در فرض علم احوط است «(۲)» و در فرض مسأله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکّه را بجا آورده اعاده نماید. «(۳)»

(م ۱۱۵۲)

۴۳۳- کسی که در سال دوم حجّ است «(۴)» می‌تواند تقصیر کند هر چند حجّ او نیابی از کسی باشد که هنوز به حج نرفته است.

(م ۱۱۵۳)

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: مگر اینکه از روی جهل قصور و یا غفلت و نسیان در غیر منی حلق کرده باشد، هر چند که در صورت امکان و عدم عسر و حرج بهتر است به منی برگردد و تقصیر کند و اعمال مترتّبه را اعاده کند.

آیـهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر جهلًا یا نسـیاناً در غیر منی حلق یا تقصـیر کرده صـحّت آن بعید نیست اگر چه احوط و اولی حلق و تقصیر در منی و اعاده اعمال مترتبه است.

آیـهٔ اللَّه زنجانی: بنابر احتیاط بایـد حلق و تقصـیر در منی انجام گیرد و چنانچه پس از کوچ کردن از منی متوجه شده که خارج منی حلق و تقصیر کرده می‌تواند هر جا که هست حلق یا تقصیر کند و لازم نیست برای حلق و تقصیر به منی برگردد ولی باید موی خود را به منی بفرستد.

آیهٔ اللَّه مکارم: این حکم در صورتی است که عمداً باشد ولی در صورت جهل یا نسـیان عمل او صـحیح است، اما چنانچه می تواند به منی برگردد و سر خود را بتراشد یا کوتاه کند.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: در فرض علم باید کفاره بدهد و در هر حال باید حلق کرده اعمال مکه را بجا آورد.

۳- - آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۴۲۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله ۴۲۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: چنانچه گذشت حلق واجب نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی: به مسأله مناسک محشّی مراجه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در فرض جهل اعاده واجب نیست گرچه احوط است.

۴- - آیـهٔ اللَّه زنجانی: مردی که حجی غیر از حجهٔ الاسـلام خود را بجا می‌آورد بین حلق و تقصـیر مخیراست هرچند حجهٔ الاسلام نیابی باشد یا اولین سال حج خودش باشد.

ص:۲۷۶

۴۳۴- اگر مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و قبل از اینکه حلق تمام شود بقیه را کوتاه کند و سپس بتراشد این کار جایز نیست «(۱)» و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است. «(۲)»

(م ۱۱۵۵)

۴۳۵- کسی که قبلًا حجّ بجا آورده است صروره نیست «(۳)» و می‌تواند تقصیر نماید هر چند زمانی که حجّ اول را بجا آورده بالغ نبوده باشد. «(۴)»

(م ۱۱۵۹)

مستحبات حلق

۴۳۶- در حلق چند چیز مستحب است:

۱- آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ أعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَهْ».

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد. «(۵)»

(م ۱۱۷۱)

۱- - آیهٔ اللَّه فاضل: بلی می‌تواند به قصد تقصیر مقداری از موی سر خود را بچیند، و در این فرض لازم‌نیست بقیه سر را حلق کند.

۲- - مراجعه شود به مسأله ۴۲۰

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر با ماشین ته زن بزند کفایت از حلق می‌کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: کوتاه کردن کافی است.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر صروره است در فرض مذکور باید تقصیر کند.

آیهٔ اللَّه خویی: ماشین کردن تقصیر حساب می‌شود و مجزی است.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: صروره کسی است که برای خودش حجهٔ الاسلام بجا می‌آورد هر چند سال اول‌حج او نباشد و بر مرد صروره حلق واجب است.

۴- - آیهٔ اللَّه مکارم: حلق برای صروره واجب نیست.

۵- - آیهٔ اللَّه بهجت: و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند ... و احوط آنستکه از اطراف سروریش و شارب مو بگیرد و ناخنهارا بگیرد.

ص:۲۷۷

واجبات بعد از اعمال منی

اشاره

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

(ص ۴۴۱)

۴۳۷- جایز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال حج، و جایز است «(۱)» تأخیر بیندازد تا «(۲)» روز یازدهم وبعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذی الحجه به این معنی که روز آخر ذی‌الحجه هم اگر آمد واعمال را بجا آورد مانع ندارد. «(۳)»

(م ۱۱۷۲)

۴۳۸- اعمالی که در مکه واجب است بجا بیاورد:

اول- طواف حج است که آن را طواف زیارت می گویند.

دوم- نماز طواف است.

سوم- سعی بینصفا و مروه است.

چهارم- طواف نساء است.

پنجم- نماز طواف نساء است.

(م ۱۱۷۳)

۴۳۹- کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ تفاوت مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف

۱- - آیة اللّه سیستانی: و بنابر احتیاط مستحب از روز یازدهم تأخیر نیفتد.

۲- - آیة اللّه بهجت: در جواز تأخیر از روز یازدهم خلاف است احوط عدم تأخیر است اگرچه جواز تأخیر تا بعد از ایّام تشریق بلکه تا تمام ذی حجّه بعید نیست، و محلّ خلاف جواز تکلیفی است نه وضعی.

۳- - آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: اگر چه احوط آنست که تأخیر نیاندازد.

ص:۲۷۸

نساء بجا آورد.

۴۴۰- جایز نیست «(۱)» طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه‌گانه منی بجا آورد در حال اختیار. «(۲)»

(م ۱۱۷۵)

۴۴۱- چند طایفه‌اند که برای آنها جایز است «(۳)» طواف حج و نماز و سعی و طواف «(۴)» نساء و نماز آن را بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی مقدم‌بدارد اکتفا به آنها مورد اشکال است اگر چه خالی از وجه نمی‌باشد.

۲- - آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه زنجانی: و چنانچه با علم و عمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نموده و یک گوسفند کفاره بدهد چنانچه گذشت.

۳- - آیهٔ اللّه بهجت: اظهر جواز تقدیم برای صاحب عذر است و احوط آنستکه تقدیم کند و بعد از آن اگرممکن شود اعاده آن در ایّام تشریق کند والّا در باقی ماه ذی حجّه اعاده نماید و اگر ممکن نشد استنابه نماید علی الاحوط، و اگر می‌داند مورد چهارم که در تمام ماه ممکن نمی‌شود پس بی اشکال تقدیم واجب است و احوط جمع بین تقدیم و استنابه است.

۴- - آیهٔ اللّه بهجت:... طواف نساء و نماز آن علی المشهور الأظهر....

آیهٔ اللّه خویی: تقدیم طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می‌توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورده و سعی را در وقت خودش بنمایند. و احوط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند. و اولی و بهتر نیز در صورت امکان، اعاده طواف و نماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی‌الحجه کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد می‌تواند طواف حج و نماز و سعی را بر وقوفین مقدم بدارد بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد و بعد از اعمال منی هر جا دلش بخواهد برود.

آیهٔ اللّه تبریزی: کسی که از رفتن به مکّه یا از مباشرت به اعمال بعد از رجوع از منی بر جان خود می‌ترسد او فقط می‌تواند طواف نساء و نمازش را نیز مقدّم بدارد و بقیه طوائف معذورین طواف حج و نماز آن را مقدّم می‌کنند و بنا بر احتیاط مستحبّ سعی را هم مقدّم کنند و بعد در وقت خودش اعاده کنند و چنانچه سعی را مقدّم کردند احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: احوط برای این چند طائفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجاءاً. سپس اعاده بعد از مناسک منی در صورت تمکّن و الّا باید نائب بگیرد.

ص:۲۷۹

قبل از رفتن به عرفات بجا آورند، «(۱)» و عمل آنها مجزی است:

اول- زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم- پیرمردها یا پیر زنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت «(۲)» یا عاجز از برگشتن به مکه باشند. «(۳)»

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیـهٔ اللّٰه زنجانی: بر کسانی که خوف آن دارند که به دلیلی نتوانند به مکه مراجعت کنند واجب است تمام اعمال مکه- طواف حج، سعی، طواف نساء و نمازهای طواف- را بر وقوفین مقـدم کنند و عمل آنها مجزی است هرچند کشف خلاف شود، اما سایر طوایفی که ذکر می‌شونـد نمی‌تواننـد طواف نساء و نمازش را مقـدم بدارنـد و آنها عبارتند از: ۱- کسـانی که به جهتی ماننـد حیض یا پیری زیاد یا بیماری نمی‌توانند یا می‌ترسـند که نتوانند اعمال مکه را بعد از برگشتن از منی انجام دهند، بر اینها واجب است طواف حج و نماز آن و سـعی- بدون طواف نساء- را بر وقوفین مقدم بدارند و مجزی است. ۲- کسانی که انجام طواف و سعی در زمان خودش بر آنها حرجی باشـدماننـد گروهی از کهنسالان و بیماران، بر این گروه جایز است طواف حج و نماز آن و سـعی را بر وقوفین مقدم بدارند و مجزی است. ۳- کسانی که خوف آن دارند که اعمال مکه در زمان خودش برای آنها ایجاد حرج کند این گروه می‌توانند طواف حـج و نماز آن و سـعی را به نیت رجاء مقدم کنند که اگر بعداً معلوم شد واقعاً حرجی بوده است می‌تواند به آن اکتفا کند و این سه طایفه کسانی هستند که مطمئن هستند که می‌توانند به مکه مراجعت کنند.

۲- - آیهٔ اللّٰه فاضل: و نتواند صبر کند تا ازدحام تمام شود.

۳- - آیهٔ اللّٰه خویی: کلمه مریض در مناسکی که متن معتمدالعروه است ذکر شده: إنّما یجوز تقدیم الطواف للعاجز کالشـیخ الکبیر والمریض والمرأهٔ التی تخاف الحیض.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: مناط عسر است نه عجز.

ص:۲۸۰

سوم- اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن. «(۱)» چهارم- کسانی که می‌دانند «(۲)» تا آخر ماه ذی الحجه به جهتی برای آنها ممکن نمی‌شود طواف و سعی. «(۳)»

(م ۱۱۷۶)

۴۴۲- سه طایفه اول اعمالی را که جلو انداختند کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلًا زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط «(۴)» است.

(م ۱۱۷۷)

۴۴۳- شخص محرم که بواسطه احرام حج چیزهایی بر او حرام شد که در سابق بتفصیل ذکر شد در سه موقع و بعد از سه عمل بتدریج آنها بر او حلال می‌شود «(۵)»:

اول- بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی که به آن همه چیز

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیهٔ اللّه فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکّه بمانند.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: کسانی که می‌ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

۳- - آیهٔ اللّه خویی، متعرّض این فرع نشده‌اند.

۴- - آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط به اعاده در صورت امکان ترک نشود.

آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: احتیاط آنست که بعد از برگشتن از منی اگر ممکن شود در ایّام تشریق و گرنه تا آخر ذیحجّه طواف و سعی را دوباره بجاآورند.

۵- - آیهٔ اللّه زنجانی: در چهار مرحله حلال می‌شود: مرحله اول بعد از ذبح است که انجام حلق یا تقصیر که‌از مناسک‌حج است حلال‌می‌گردد واگر حلق‌مستلزم بیرون آوردن خون باشد آن هم حلال می‌شود.

ص:۲۸۱

حلال می‌شود مگر بوی خوش و زن. «(۱)» دوم- بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بینصفا و مروه به تفصیلی که گذشت، حلال می‌شود بر او بوی خوش، «(۲)» ولی زن بر او حرام است. «(۳)» سوم- بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیّت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می‌شود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می‌شود، و اماصید کردن «(۴)» در حرم حرام است برای همه کس چه محرم و چه محلّ. «(۵)» (م ۱۱۷۹)

۱- – آیهٔ اللَّه سیستانی: همه استمتاعات جنسی بر حرمت خود باقی است ولی عقد کردن چه برای خود چه برای دیگران و همچنین شهادت بر عقد پس از حلق یا تقصیر جایز است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: یعنی استمتاعات از زن.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط در ترک صید است هرچند در خارج حرم باشد.

۲- – آیهٔ اللَّه بهجت: و این احوط است امّا اقوی بودن آن در قبال قول به حلیّت بعد از نماز طواف و قبل ازسعی محتاج به تأمل است.

۳- – آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: صید و زن بر او حرام است و احوط در حج تمتّع آنست که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب نماید.

۴- – آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: فقط چیزی که از حرامها باقی می‌ماند شکار است که تاظهر روز سیزدهم حرام است بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه بهجت: امّا کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم گفته شد که حرمتش اختصاص به محرم ندارد و شامل غیر محرم نیز است، ولی حلیّت صید احرامی به مجرّد تمامیّت مناسك منی بی وجه نیست.

۵- – آیهٔ اللَّه زنجانی، آیهٔاللَّه فاضل: و همچنین سایر محرمات حرم مانند کندن گیاه آن بر حرمت خود باقی است.

ص:۲۸۲

۴۴۴- کسانی که بواسطه عذر مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء «(۱)» را مقدّم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود، وتمام‌محرمات بعداز تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

(م ۱۱۸۰)

۴۴۵- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصیّ و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولیّ، او را محرم کرد بایـد او را به احتیاط واجب «(۲)» طواف نساء بدهد «(۳)» تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود. «(۴)»

(م ۱۱۸۱)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: در مسأله ۴۴۱ گذشت که تقدیم طواف نساء مخصوص کسانی است که می‌ترسندبرای آنها مشکلی پیش آید که نتوانند به مکه باز گردند.

۲- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: واجب است ....

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، نظر ایشان نسبت به این فرع یافت نشد.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: بر ولی یا کسی که به اذن او صبی را احجاج کرده است واجب است او را طواف نساء بدهد و ثمره آن این است که بعد از بلوغ همسر بر او حلال می‌شود.

۴- - آیهٔ اللّه سیستانی: همانگونه که گذشت با حلق یا تقصیر عقد حلال می‌شود و اما حلیّت استمتاع در صبیّ ممیّز متوقّف است بر اتمام اعمال و در مورد غیر ممیّز نظر ایشان در دست نیست.

آیهٔاللّه فاضل: مجنون ومغمی‌علیه رانیز اگرمحرم کرده‌اند طواف‌نساءبدهند تادرصورت‌افاقه‌زن یا مرد بر آنها حلال شود.

آیهٔ اللّه خویی: حکم صبی ممیز مانند حکم مرد است. ولی راجع به صبی غیر ممیز که او را به حج می‌برند فتوای ایشان در دست نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می‌شود، ولکن بنابر احتیاط استمتاعات جایز نمی‌شود، گرچه اظهر اختصاص حرمت به جماع است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: متعرض خصیّ و خنثی نشده‌اند ولیکن در مورد مجنونی که ولیّش او را محرم کرده طواف نساء را لازم می‌دانند.

ص:۲۸۳

۴۴۶- طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است و بـدون آن زن حلال نمی‌شود، لکن رکن نیست و ترک عمـدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسـی که حج کرده آن را بجا آورد، «(۱)» و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود بنابر احتیاط واجب. «(۲)»

(م ۱۱۸۲)

۴۴۷- نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد می‌تواند «(۳)» اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد. «(۴)»

(س ۱۱۹۱)

۴۴۸- تقدیم اعمال مکّه برای ذوی الاعذار جایز است ولی واجب نیست. «(۵)»

(س ۱۱۹۳)

۱- - آیهٔ اللَّه بهجت: با مباشرت خودش با امکان، و با استنابه با عدم امکان مباشرت علی الاحوط.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: تا آنرا بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود حتّی عقد کردن و شهادت دادن بر آن علی الاحوط.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: و به احتیاط واجب اداء شهادت هم ننماید.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه تبریزی: و ظاهر این است که بتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنابر احتیاط، اگرچه اظهر جواز غیر از جماع است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: پس از تراشیدن و یا کوتاه کردن مو، بنابر اقوی جایز است زن عقد کند، و شاهد عقد باشد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

۳- - آیهٔ اللَّه خویی، فتوای ایشان در این مورد در دست نیست بلی حکم نایب معذور به عذر طاری قبلًادر بحث نیابت گذشت.

۴- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر هنگام محرم شدن گمان به عدم عذر داشـته باشد حج و نیابتش صـحیح است هر چند بعداً برایش عذری پیش آمده و اعمال مکه را مقدم بدارد.

۵- - آیـهٔ اللَّه تبریزی: مگر اینکه بدانند یا اطمینان داشـته باشـند چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند، بعد امکان انجام آن را ندارند، که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند، و بنابر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیـهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: مگر برای کسـی که یقین دارد بعد از برگشـتن از منی و تا آخر ذیحجّه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم، واجب است.

آیهٔ اللَّه خویی: کسـی که خوف این را دارد که نتواند طواف صـحیح تام بعد از وقوفین انجام دهد لازم است طواف را قبل از وقوف انجام دهـد بلی ظاهر مناسک راجع به زنی که صـرفاً می‌ترسـد حائض بشود ولی اطمینان به آن نـدارد جواز تقـدیم و عـدم لزوم آن است.

آیهٔ اللَّه زنجانی: به حاشیه مسأله ۴۴۱ مراجعه شود.

ص:۲۸۴

۴۴۹- تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حجّ را مقدّم می‌دارند بر عهده خود مکلّف است. «(۱)»

(س ۱۱۹۵)

۴۵۰- کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکّه را انجام نداده «(۲)» احتیاطاً طواف مستحبی بجا نیاورد. «(۳)»

(س ۱۲۰۱)

۴۵۱- اگر شخص، چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچکدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند. «(۴)»

(م ۱۲۰۳)

۱- - آیة اللّٰه زنجانی: یعنی مکلف باید ببیند که معمول مردم حالت وی را عذر می‌دانند یا خیر، و علم وسواس و علم کسی که بر خلاف متعارف کمترین دشواری را عذر می‌داند ملاک نیست و باید به متعارف رجوع گردد.

۲- - آیة اللّٰه زنجانی: جایز نیست طواف مستحبی بجا آورد.

۳- - آیة آللّٰه فاضل، آیة اللّٰه سیستانی: می توانند، ولی متمتع پس از احرام حج و قبل از خروج به عرفات به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند هرچند طواف حج را مقدم داشته باشد.

۴- - آیات عظام خویی، صافی، زنجانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد.

آیة اللّٰه تبریزی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نداده محرم به احرام جدید نشود.

آیة اللّٰه بهجت: احتیاط در تعدد است.

آیة اللّٰه سیستانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد بنابر احتیاط واجب.

آیة اللّٰه خامنه‌ای: علی‌الظاهر واجب است برای هر عمره مفرده جداگانه طواف نساء بجا آورد اگرچه تحلّل با طواف نساء واحد بعید نیست.

آیة اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهند.

ص:۲۸۵

۴۵۲- پیش از بجا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذّذ و تمتع از زن حرام است «(۱)» و اختصاص به جماع ندارد.

(س ۱۲۰۵)

۴۵۳- تأخیر طواف‌نساء ازسعی‌ولوتاچند روز مانع ندارد. «(۲)»

(س ۱۲۰۶)

۴۵۴- ترک طواف نساء حج را باطل نمی‌کند و کفّاره ندارد ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد. «(۳)»

(س ۱۲۱۲)

۴۵۵- اگر نـائب طواف نسـاء را بجانیاورد علاوه بر اینکه زن بر او حرام است ذمه‌اش هم مشـغول است ولی خودش بایـد در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد. «(۴)»

(س ۱۲۱۵)

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

مراجعه شود به مسأله ۴۴۴ و ۴۴۵

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: ولی انجام طواف نساء همچون دیگر واجبات حج نباید از ذی حجه به تأخیر بیفتد.

۳- - آیات عظام خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، بهجت، تبریزی، زنجانی: در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد.

۴- - آیهٔ اللَّه بهجت: و چنانچه قبل از تدارک فوت نماید احتیاط این است که از ترکه‌اش قضای آن بجا آورده شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه فاضل: در صورت عدم تدارک در زمان زنده بودنش بنابر احتیاط باید قضای آن از ترکه او بجا آورده شود.

آیهٔ اللَّه زنجانی: و اگر در زمان حیاتش تدارک نکرد واجب است وصـیت کند و در هر صورت- خواه وصیت کند یا نکند- ولی او بایـد برای انجـام طواف نسـاء او نـایب بگیرد و- در صورت نبودن متبرع- هزینه آن از اصـل ترکه خارج می‌شود مگر وصـیت کرده باشد که از ثلث حساب کنند، و در این صورت نیز اگر ثلث کفایت نکرد از اصل خارج می‌شود.

ص:۲۸۶

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

«(۱)»

۴۵۶- آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شداینجا نیزجاری است، ومستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عیدقربان بیاید وبر درب‌مسجدبایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِی عَلی نُسُکِکَ، وَ سَلِمْنِی لَهُ، وَ سَلِمْهُ لِی، أَسْأَ لُکَ مَسْأَ لَهَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ‌تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، وَأَنْ تَرْجِعَنِی بِحاجَتِی، اللَّهُمَّ إِنِی عَبْدُکَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُکَ، وَ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، جِئْتُ‌أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَأَؤُمُّ طاعَتَکَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِکَ، راضِیاً بِقَدَرِکَ، أَسْأَ لُکَ مَسْأَ لَهَ الْمُضْطَرِ إِلَیْکَ، الْمُطِیعِ لِأَمْرِکَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، أنْ تُبَلِغَنِی عَفْوَکَ، وَ تُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ».

پس بنزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

(م ۱۲۱۹)

۱- – آیهٔ اللَّه مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت بجا آورد.

ص:۲۸۷

بیتوته در منی

۴۵۷- واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند، یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب «(۱)» تا نصف شب. «(۲)»

(م ۱۲۲۰)

۴۵۸- چند طایفه‌اند که واجب نیست در شبهای یازده و دوازده و سیزدهم در منی بمانند «(۳)»:

اول- بیماران و پرستاران آنها، و دیگر کسانی که ماندن در منی برای

۱- - آیهٔ اللَّه نوری: از غروب شرعی.

۲- - آیات عظام خویی، خامنه‌ای، مکارم، تبریزی، سیستانی: می‌تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند.

آیهٔ اللَّه فاضل: و بعید نیست که بتوان به نیمه دوم شب اکتفاء کرد.

آیهٔ اللَّه زنجانی: در شب یازدهم حاجی مخیر است که تمام نیمه اول شب یا هنگام طلوع فجر در منی باشد و در شب دوازدهم- و همچنین شب سیزدهم بر کسانی که بیتوته آن شب بر آنها واجب است- باید از غروب تا طلوع خورشید در منی بمانند.

۳- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اول: کسانی که نتوانند بیتوته کنند. دوم: کسانی که بیتوته بر آنها مشقت شدید داشته باشد. سوم: کسانی که شرعاً موظفند آن‌شب را درخارج منی‌به سر ببرند مانند طبیب یا پرستاری که باید در بیمارستان مکه باشد و مأمورینی که باید در خارج منی به تأمین نیازهای حجاج بپردازند. چهارم: کسانی که شب یازدهم برای اعمال واجب مکه بیتوته را ترک می‌کنند- و اشتغال به عبادات دیگر مجوز ترک بیتوته نیست- پس اگر انجام اعمال مکه و مقدمات آن تمام شب را فرا گیرد بیتوته را ترک می‌کنند والا باید هنگام طلوع فجر در منی حضور یابند مگر کسانی که بعد از غروب از منی خارج شده وپس ازاعمال مکه به سوی منی بازگشته‌اند چنین افرادی پس از این که از مکه قدیم خارج شدند می‌توانند- ولو اختیاراً- در بین راه بخوابند. این چهار طایفه می‌توانند بیتوته را ترک کنند و کفاره ندارد.

ص:۲۸۸

آنها مشقت داشته باشد به هر عذری که باشد. «(۱)» دوّم- کسانی که شب را در مکّه بیدار «(۲)» باشند و به عبادت مشغول باشند تاصبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن بقدر احتیاج و تجدید وضو. «(۳)»

(م ۱۲۲۲)

۴۵۹- مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد از اول شب است تا نصف آن، «(۴)» پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه

۱- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: و احتیاط آنست که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر غیر بیماری و پرستار بودن ترک کرد یک گوسفند ذبح نماید هر چند گناه نکرده.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: کسی که از منی اول شب یا پیش از آن بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه‌دوم شب تا طلوع فجر بجز اندک زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن او را از برگشتن به منی بازداشته است.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده بجز حاجت ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیهٔ اللّه بهجت: به نسک حج از قبیل طواف و سعی علی الاحوط والّا رجوع به منی نماید و مشغول به سایر عبادات نشود مگر در صورت خروج از منی بعد از نصف شب علی الاحوط، و از امور ضروریّه مذکوره نوم غالب است.

۳- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: این طایفه را نیز از وجوب بیتوته استثناء کرده‌اند و آن این است: کسی که طواف خانه خدا را نموده و به عبادت خود باقی مانده و سپس از مکه خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته کند و به منی نیاید.

آیهٔ اللّه سیستانی: طایفه دیگر کسی است که از مکه به قصد منی خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد که در اینصورت می‌تواند در راه پیش از رسیدن به منی بخوابد. ولی اگر منزل او بعد از عقبه مدنیین باشد نمی‌تواند در منزلش بخوابد.

۴- - آیهٔ اللّه فاضل: و اکتفاء کردن به نیمه دوّم شب هم بعید به نظر نمی‌رسد.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۴۵۷ گذشت.

ص:۲۸۹

شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوعصبح وارد مکه نشود.

(م ۱۲۲۴)

۴۶۰- کسی که در اول شب بی‌عذر در منی نبود «(۱)» احتیاط واجب «(۲)» آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تاصبح بماند. «(۳)»

(م ۱۲۲۵)

۴۶۱- نیمه‌شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند بنابر احتیاط «(۴)» واجب، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب کنند. «(۵)»

(م ۱۲۲۶)

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: باید به منی برگردد و تا طلوع آفتاب در منی بماند بلی در مورد شب یازدهم کافی‌است که طلوع فجر را در منی درک کند.

۲- - آیهٔ اللّه فاضل: واجب است.

آیهٔ اللّه سیستانی: ترک نیمه اول چه با عذر باشد چه بی‌عذر بیتوته نیمه دوّم را باید درک کند.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند کفاره ندارد و احتیاطاً قسمت دوّم را در منی بماند.

۳- - به مسأله ۴۵۷ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه فاضل: بیتوته شب در منی نسبت به نیمه اوّل یا دوّم شب واجب تخییری است لذا اگر از روی عذر هم نیمه اوّل شب در منی نباشد باید نیمه دوّم را در منی بیتوته کند.

۴- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: از مغرب تا طلوع فجر حساب کنند.

آیهٔ اللّه سیستانی: نیمه شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: نیمه‌شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می‌شود، ولی اگر بخواهد نیمه دوم شب را بیتوته کند، اولی آن است که آن‌را تا طلوع آفتاب حساب کند.

آیهٔ اللّه مکارم: نیمه شب از اول غروب آفتاب تا طلوع صبح حساب می‌شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: نصف شب در مسأله مبیت در منی، نصف از غروب تا طلوع فجر است، گرچه احتیاط برای کسی که نصف اول شب را بیتوته می‌کند آن است که نصف از غروب تا طلوع آفتاب را در منی بماند.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت، متعرّض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللّه خویی: معیار در بیتوته از غروب آفتاب تا طلوع فجر است و نیمه شب، مابین غروب آفتاب و طلوع فجر می‌باشد.

ص:۲۹۰

۴۶۲- بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند بجا آورد. «(۱)»

(م ۱۲۲۷)

۴۶۳- کسی که ترک کند بیتوته به منی را در شبی که واجب است بماند برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی «(۲)» کند.

(م ۱۲۲۹)

۴۶۴- اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، «(۳)» احتیاط واجب «(۴)» آن است که

۱- – آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه برای تذلّل در پیشگاه خداوند.

۲- – آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللّه بهجت: برای شبی که بیتوته کند برای غیر عبادت در مکّه یا در راه قبل از تجاوز از حدود مکه که آخرش عقبهٔ المدنیین باشد علی الاظهر.

آیهٔ اللّه زنجانی: کسی که بیتوته و صبح کردن در منی را ترک می‌کند باید یک گوسفند قربانی کند هرچند از روی جهل یا نسیان باشد. بلی در چند مورد کفاره ندارد: ۱- کسانی که برای اعمال مکه بیتوته واجب را ترک می‌کنند هرچند شب دوازدهم یا سیزدهم باشد. ۲- کسانی که از بیتوته در منی عاجزند. ۳- کسانی که شرعاً موظفند خارج منی باشند. ۴- کسانی که در منی بوده لکن در این ماندن قصد قربت یا قصد انجام مناسک حج نداشته‌اند.

۳- – آیهٔ اللّه فاضل: چنانکه بیتوته در منی را در نیمه دوّم شب هم ترک کند.

آیهٔ اللّه زنجانی: چنانچه از مواردی باشند که در حاشیه مسأله ۴۶۳ گفته شد یا اگر شب یازدهم است طلوع فجر را در منی درک کرده‌اند، کفاره ندارد.

۴- – آیهٔاللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: در صورت عذر، کفاره واجب نیست و بدون عذر، احتیاط ترک نشود و بقیه شب را تا طلوع فجر در منی بماند، اگرچه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد.

نظر سایر آیات عظام نسبت به حکم این مسأله از مسأله ۴۵۷ بدست می‌آید که درک نیمه دوّم بیتوته هم کافی است و کفاره ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مگر آنکه نیمه دوم شب را کاملًا در منی باشد.

ص:۲۹۱

یک گوسفند قربانی کنند «(۱)» و فرقی بینصورت عذر و عدم عذر نیست.

(م ۱۲۳۵)

۴۶۵- اگر حاجیصبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست «(۲)» برای نَفْر، بعدازظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست. «(۳)»

(م ۱۲۳۷)

۴۶۶- در کوچ کردن بعدازظهر روز دوازدهم زنها هم حکم مردان را دارند بنابراین اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: کافی است نصف اول یا نصف دوم شب را بماند.

۲- - آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر احتیاط برگردد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط اگر گرفتار عسر و حرج نمی‌شود برگردد.

آیـهٔاللَّه گلپایگانی، آیـهٔاللَّه صافی: در صورتی که عمـداً خارج شـده، واجب است برگردد و در صورت جهل یا نسیان، چیزی بر او نیست.

آیهٔاللَّه تبریزی: باید برگردد برای تحقّق نفر بعدازظهر.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر می‌تواند قبل از ظهر به منی بیاید تا بعد از ظهر برگردد واجب است وگرنه بر او چیزی نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب باید برای نفر ....

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در منی متعلقاتی از قبیل رحل و اثاث بجا گذارد که مستلزم برگشتن باشد می‌تواند پس از رمی و پیش از ظهر از منی بیرون رود و در این صورت بایـد به منی برگردد چه پیش از ظهر و چه بعـد از ظهر و قبـل از غروب یا روز بعـد کوچ کنـد، و اگر متعلقـاتی نـدارد بنابر احتیاط جایز نیست پیش از ظهر خارج شود گرچه نیت برگشـتن داشـته باشـد و اگر خارج شـد به احتیاط واجب باید برای نفر باز گردد چه پیش از ظهر چه بعد از آن.

آیـهٔ اللَّه زنجانی: حاجی می‌توانـد اثاثیه و متعلقات خود را در منی گذاشـته قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج شود لکن باید به منی برگردد تا قبل از غروب یا روز بعـد کوچ کنـد و جایز نیست بـدون عـذر اثاثیه خود را جمع کرده پیش از ظهر از منی کوچ کند هر چند اگر کوچ کرد واجب نیست برگردد.

ص:۲۹۲

بعدازظهر معذور باشند.

(م ۱۲۳۸)

۴۶۷- کسانی که در زمینهای متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می‌کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند هرچند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند. «(۱)»

(م ۱۲۳۹)

۴۶۸- اگر بیتوته در غیر منی انجام شود باید قربانی کند و فرقی بین عالم و جاهل نیست. «(۲)»

(م ۱۲۴۱)

۴۶۹- کسانی که عذر دارند از رمی و ماندن در روز می‌توانند بعد از مبیت واجب از منی کوچ کنند. «(۳)»

(م ۱۲۴۷)

۱- - آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، بهجت: بنابر احتیاط واجب.

آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی، فاضل: در ناسی و جاهل و معذور وجوب کفاره مبنی بر احتیاط است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفّاره مبنی بر احتیاط است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: بلی اگر منی گنجایش حجاج را نداشته باشد، می‌توانند در وادی محسر بیتوته کنند و کفاره نیز ندارد.

۲- - مراجعه شود به مسأله ۴۶۶ و ۴۶۳

۳- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: ولی باید در شب قبل رمی نمایند و اگر نمی‌توانند برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط واجب آن است که صبر کنند.

ص:۲۹۳

رمی جمرات سه‌گانه

۴۷۰- شبهایی که واجب است «(۱)» در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه‌گانه کند، یعنی سنگریزه بزند به سه محل که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وُسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترک کند به حج او ضرر نمی‌رساند «(۲)» وصحیح است گرچه درصورت عمد معصیت کار است.

(م ۱۲۵۳)

۴۷۱- عدد سنگریزه که باید به جمره بزند برای هریک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقا در جمره عقبه گفته شد.

(م ۱۲۵۵)

۴۷۲- وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است، و در شب جایز نیست بجا آورد.

(م ۱۲۵۶)

۴۷۳- اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه روز بجا آورد مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تزاحم جمعیت،

۱- – آیهٔ اللّه زنجانی: لکن رمی جمرات روز سیزدهم در صورتی واجب است که شب قبل را در منی‌بیتوته کرده باشد پس بر کسی که بیتوته شب سیزدهم واجب بوده لکن بیتوته را ترک کرده، رمی جمرات روز سیزدهم واجب نیست.

۲- – آیهٔ اللّه بهجت: علی الاشهر الاقوی.

آیهٔ اللّه تبریزی: با ترک رمی اگرچه عمدی باشد، حج باطل نمی‌شود، و بنابر احتیاط باید قضای آنرا در سال آینده خود یا نایبش انجام دهد.

ص:۲۹۴

جایز است شب آن روز یا شب بعد «(۱)» انجام دهد.

(م ۱۲۵۷)

۴۷۴- واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وُسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

(م ۱۲۵۸)

۴۷۵- اگر بترتیبی که گفته شد بجا نیاورد باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده بجا آورد بطوری که ترتیب حاصل شود، مثلًا اگر اول به جمره وُسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می‌کند که جمره وُسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

(م ۱۲۵۹)

۴۷۶- چنانچه قضاء رمی جمرات سه‌گانه واجب است قضاء رمی بعض از آنها هم اگر ترک شده باشد واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دوتای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده

۱- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی: برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز یا شب بعد انجام دهند، و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

آیات عظام خویی، تبریزی، زنجانی: برای چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند، و این بر نیابت مقدم است.

آیهٔ اللَّه بهجت: صاحب عذر در شب رمی می‌کند یعنی شب مقدّم با علم به عدم تمکّن از رمی در روز، و اما شب مؤخّر با علم به تمکّن از رمی قضایی در روز مؤخّر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب.

آیهٔ اللَّه سیستانی: واجب است رمی جمرات در روز باشد، و از این حکم چوپانان، و هر کسی که از ماندن روز در منی معذور است به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری، استثناء می‌شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند. و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند. و امّا زنان، ضعفا، مریضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی‌توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

ص:۲۹۵

اتیان کند و بعد تکلیف این روز را بجا آورد. «(۱)»

(م ۱۲۶۴)

۴۷۷- اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آنصحیح بوده یا نه «(۲)» اعتناء نکند.

(م ۱۲۷۵)

۴۷۸- اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یاصحیح انجام داده یا نه «(۳)» اعتنا نکند.

(م ۱۲۷۶)

۴۷۹- اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر قبل از آنکه داخل شود در رمی جمره بعدی باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده «(۴)» هرچند منصرف «(۵)» از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنابر احتیاط واجب. «(۶)»

(م ۱۲۷۷)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: حکم آن شبیه مسأله سابق است.

آیهٔ اللّه خویی، متعرّض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللّه زنجانی: و باید بین رمی قضایی و رمی ادایی لااقل به مقدار یک ساعت یعنی ۱۱۲ آن روز فاصله بیندازد.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: اگر هنوز از رمی فارغ نشده، دوباره بزند و اگر بعد از آن که از رمی فارغ گشت یا بعد ازآن که خود را فارغ شده یافت و محل رمی را ترک نمود، در این دو صورت چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی شرایط آن را احراز کرده است اعتنا به شکش نکند.

۳- - آیهٔ اللّه زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام منصرف شدن از جمره قبلی یا هنگام شروع این‌جمره، ترتیب را احراز کرده است، اعتنا به شکش نکند.

۴- - آیهٔ اللّه زنجانی: ولی اگر بعد از انصراف شک کرده چنانچه احتمال می‌دهد هنگام منصرف شدن ازآن جمره، کامل بودن آن را احراز کرده، اعتنا به شکش نکند.

۵- - آیهٔ اللّه بهجت، متعرض صورت انصراف نشده‌اند.

۶- - به مسأله ۳۸۴ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: بلکه بنابر اظهر.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً به آن اعتنا نکند.

ص:۲۹۶

۴۸۰- زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعرالحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند می‌توانند شب رمی کنند بلکه زنها مطلقاً مجازند «(۱)» همان شب رمی نمایند. «(۲)»

(م ۱۲۸۳)

۴۸۱- در طبقه دوم «(۳)» جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه

۱- - آیات‌عظام تبریزی، گلپایگانی، صافی: زنهامی‌توانند رمی‌روزدهم را درشب‌آن‌انجام دهند، هرچندمتمکن از رمی در روز دهم باشند، ولی در رمی روز یازدهم و دوازدهم چنانچه از رمی در روز معذور باشند می‌توانند رمی هر روز را در شب آن انجام دهند، و چنانچه معذور نباشند باید در روز رمی کنند.

آیهٔ اللّه خویی: بیماران و پیرها و ضعیف‌ها و کسانی که از دشمن می‌ترسند هم می‌توانند در شب عید رمی کنند.

آیهٔ اللّه بهجت: زنان و کسانی که کوچ از مشعر در شب برایشان جایز است می‌توانند شب عید رمی جمره نمایند بنا بر اظهر. و نیز به ذیل مسأله ۳۹۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: این حکم اختصاص به رمی روز عید دارد.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: در مورد رمی جمره عقبه به حاشیه مسأله ۳۹۱ مراجعه شود. اما نسبت به رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم، بانوان و افراد ضعیف در صورتی که نتوانند در روز رمی کنند یا رمی در روز بر آنها مشقت شدید یا ضرر اساسی داشته باشد می‌توانند رمی هر روز را شب قبل آن انجام دهند و تأخیر آن به شب بعد جایز نیست.

۳- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللّه بهجت: رمی در هر دو طبقه جایز و مکفی است، میزان صدق رمی جمره است ولو از طبقه دوّم باشد حتی اختیاراً کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است واحوط آن‌است که مقدار سابق را رمی نماید. و اگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند و نایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار سابق، و فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست و مقداری که در عصر پیامبر و ائمه علیهم السلام بوده است از جهت عرض ظاهراً فرقی با جمره فعلی ندارد و ازجهت طول‌ظاهراً به‌مقدار یک قامت انسان یا مقدار کمی بیشتر بالاتراز سکوی فعلی‌است.

آیهٔ‌اللّه سیستانی راجع به توسعه اخیر جمرات فرموده‌اند اگر محل قدیم شناسایی شود، همان‌جا را رمی کنند و اگر شناسایی نشود احتیاطاً رمی را در محل‌هایی که احتمال می‌دهد محل قدیم بوده تکرار نماید تا وقتی که مستلزم حرج نشود و آیهٔ‌اللّه تبریزی فرموده‌اند اگر محل قدیم شناسایی نشود، وسط جمرات فعلی را رمی کنند.

آیهٔ اللّه مکارم: در هنگام ازدحام جمعیت جایز است.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط مجزی نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگرچه احتیاط مستحب رمی از مکان متعارف در گذشته است.

ص:۲۹۷

اول رمی نمایند.

(م ۱۲۸۴)

۴۸۲- کسانی که عـذر دارنـد از اینکه روز عیـد رَمْی کنند می‌توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رمی کنند، و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می‌توانند بعد از رمی بجای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند. «(۱)»

(م ۱۲۸۵)

۴۸۳- کسانی که با عذر از رمی در روز می‌توانند شب رمی کنند «(۲)» می‌تواند همان روز هم نایب بگیرند. «(۳)»

(س ۱۲۸۶)

۱- - به مسأله ۴۷۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: رمی روز عید در شب بعد کافی نیست مگر برای کسانی که از ماندن روز در منی معذورند و در مورد رمی شب یازدهم و دوازدهم به حاشیه مسأله ۴۷۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه زنجانی: به مسأله ۴۸۰ مراجعه شود.

۲- - آیـهٔ اللَّه زنجـانی: بایـد شب قبل رمی نماینـد و چنانچه از رمی در شب قبل هم معـذور بودندمی‌تواننـد برای رمی در روز نایب بگیرند.

۳- - آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: اگر از قبیل عـذرهایی است که مجوز رمی در شب قبل است ماننـد خوف و شـغل و امثال آن موردی برای استنابه نیست ولی اگر از عـذرهایی است که در روز حادث شـده است می‌توانـد نائب بگیرد ولی اگر در شب بعـد رفع شد احتیاط واجب آن است که عمل را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: نمی‌توانند نایب بگیرند.

آیات عظام گلپایگانی، تبریزی، صافی: باید شب رمی نماید.

آیـهٔ اللَّه سیستانی: چنـانچه گـذشت کسـی که معـذور از رمی در روز است بایـد نایب بگیرد و نمی‌توانـد در شب رمی نمایـد، مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذور باشند.

آیهٔ اللَّه مکارم: تا در شب بتواند رمی کند نایب گرفتن مشکل است.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر می‌توانند در شب رمی کنند استنابه در روز جایز نیست.

ص:۲۹۸

۴۸۴- اگرصبح روز دهم مثلًا از رمی کردن معذور باشند ولی بعد از ظهر قادر به رمی هستند «(۱)» نمی‌توانند نائب بگیرند بایدصبر کنند و بعد از ظهر خودشان رمی کنند.

(س ۱۲۸۷)

۴۸۵- زن با اینکه درک وقوف شب مشعر و رمی در شب دهم برای او جایز است می‌تواند نایب باشد.

(س ۱۲۹۳)

۴۸۶- اگر سنگ ریزه در مشعر موجود است «(۲)» ولی معلوم است که از خارج مشعر آورده‌اند و معلوم نیست که آیا از حرم است «(۳)» یا خارج حرم «(۴)» نباید در رمی از آن استفاده شود مگر اینکه طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

(س ۱۳۰۰)

۴۸۷- کسی که نتوانسته ذبح کند و حلق یا تقصیر نیز ننموده است

۱- - آیة اللَّه بهجت: رمی جمرات بایستی به مباشرت خودِ شخص انجام شود و نایب گرفتن در حال‌اختیار جایز نیست.

۲- - آیة اللَّه زنجانی: می‌توانند بردارند و از آن در رمی استفاده کنند هرچند بدانند آنها را از خارج حرم‌آورده‌اند.

۳- - آیة اللَّه فاضل: اگر جزء مشعر محسوب می‌شود مانعی ندارد.

۴- - آیة اللَّه خویی و آیة اللَّه تبریزی: یعنی از خارج حرم.

ص:۲۹۹

روز یازدهم می‌تواند رمی آن روز را انجام دهد.

(س ۱۳۰۳)

۴۸۸- زنی که احتمال بدهد رمی باعث قاعدگی او می‌شود «(۱)» اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد عذر محسوب می‌شود و میتواند نائب بگیرد. «(۲)»

(س ۱۳۰۴)

۴۸۹- برای زنها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم درصورتی برای آنان در شبصحیح است که از رمی روز معذور باشند. «(۳)»

(س ۱۳۰۵)

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر در اثر آن به مشقت شدید می‌افتد عذر محسوب می‌شود که حکم آن در مسأله ۴۸۴ گذشت.

۲- - آیهٔ اللَّه تبریزی: قاعدگی مجوّز استنابه برای رمی نیست، باید خودش انجام دهد، و اگر قبل از وقوف به عرفه می‌ترسد که رمی باعث قاعدگی بشود و نتواند طواف کند باید طواف و نماز آن را مقدّم کند، و بنابر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدّم کند و در وقت خودش اعاده کند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی، متعرّض این فرع نشده‌اند.

۳- - نظر آیهٔ اللَّه سیستانی در حاشیه مسأله ۴۷۳ گذشت که رمی در شب برای کسانی جایز است که از ماندن در روز معذورند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این کار اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر از رمی در روز یازدهم و دوازدهم خائف بر نفس خود باشند، می‌توانند رمی روز یازدهم را در شب یازدهم، و رمی روز دوازدهم را در شب دوازدهم انجام دهند. و یک شب نمی‌توانند برای دو روز رمی کنند.

ص:۳۰۰

مستحبات منی

«(۱)»

۴۹۰- بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَر، اللَّهُ أَكْبَر، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَر، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْد، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلى ما هَدانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعام، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلى ما أَبْلانا»

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است کهصد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هرکس در آنجاصد مرتبه

«سُبْحانَ اللَّهُ»

بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده‌آزاد کردن است، و هرکس در آنجاصد مرتبه

«لا إلهَ إلَّااللَّهِ»

بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هرکس در آنجاصد مرتبه

«أَلْحَمْدُ للَّهِ»

بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

(م ۱۳۰۹)

۱- - آیهٔ اللَّه مکارم: مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده بقصد رجاء انجام گیرد.

ص:۳۰۱

مستحبات دیگر مکه معظّمه

۴۹۱- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَ رِزْقاً واسِعاً، وَ شِفاءً مِنْ کُلِ داءٍ وَ سُقْم».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّکْرُ للَّهِ».

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن «(۱)»؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخولصبح دو طواف، و بعدازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه بعدد ایام سال یعنی ۳۶۰ مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد ۵۲ مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود «(۲)» خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ: وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً فَآمِنِی مِنْ عَذابِ النَّار»

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است بهتر است طوافهای‌مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

۲- - آیهٔ اللّٰه مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولًا امکان ندارد و هرگاه کسی نیّت آن را داشته باشدخداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد.

ص:۳۰۲

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَو اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إِلى مَخْلُوقٍ، رَجاءَ رِفْدِهِ وَ جائِزَتِهِ، وَ نَوافِلِهِ وَ فَواضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يا سَيِدِی تَهْيِئَتِی وَ تَعْبِئَتِی وَ إِعْدادِی وَ اسْتِعْدادِی، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوافِلِكَ وَ جائِزَتِكَ، فَلا تُخَيِبِ الْيَوْمَ رَجائِی، يا مَنْ لا يَخِيبُ عَلَيْهِ سائِلٌ، وَ لا يَنْقُصُهُ نائِلٌ، فَإِنِی لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِی أَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَ الْإِساءَةِ عَلى نَفْسِی، فَإِنَّهُ لا حُجَّةَ لِی وَ لا عُذْرَ، فَأَسْأَلُكَ يا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِی مَسْأَلَتِی، وَ تُقِيلَنِی عَثْرَتِی، و تَقْلِبَنِی بِرَغْبَتِی، وَ لا تَرُدَّنِی مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَ لا خائِباً، يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يا عَظِيمُ، أَنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لا إِلَهَ إِلَّا أَ نْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

بگوید پس بگوید:

«اللّهُمَّ لا تُجْهِدْ بَلاءَنا، رَبَّنا وَ لا تُشْمِتْ بِنا أَعْداءَنا، فَإِنَّكَ أَ نْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

ص:۳۰۳

بعد پائین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

(م ۱۳۱۰)

استحباب عمره مفرده

۴۹۲- بدان که بعد از فراغ از اعمال حج درصورتی که میسور باشد مستحب است عمره مفرده بجا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق خلاف «(۱)» است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یکماه بقصد رجاء بجا بیاورد «(۲)» و کیفیت این عمره درصورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد. «(۳)»

(م ۱۳۱۱)

طواف وداع

۴۹۳- بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را درصورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلًا برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعد حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر

۱- – آیهٔ اللَّه فاضل: میزان تبدّل عنوان ماه در فاصله دو عمره است ولی بین عمره مفرده و عمره تمتّع‌فاصله اعتبار ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در هر ماه قمری یک عمره مشروع است و زاید بر آن باید بقصد رجاء بجا آورده شود.

۲- – آیهٔ اللَّه زنجانی: فاصله مطلقاً معتبر نمی‌باشد ولی در ایام تشریق نمی‌تواند عمره مفرده بجا آورد.

۳- – نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۷۲ و ۶۱ گذشت.

ص:۳۰۴

حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید وصلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند: «اللّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ أَمِینِکَ وَ حَبِیبِکَ وَ نَجِیبِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، اللّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالَتَکَ وَ جاهَدَ فِی سَبِیلِکَ وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ، وَ اُوذِیَ فِیکَ وَ فِی جَنْبِکَ حَتّی أَتاهُ الْیَقِینُ، اللّهُمَّ اقْلِبْنِی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِی، بِأَفْضَلِ ما یَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَکَةِ وَ الرِضْوانِ وَ الْعافِیَة».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حنّاطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقراء تصدق نماید.

(م ۱۳۱۲)

ص:۳۰۵

مسائل متفرقه

۴۹۴- در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. «(۱)»

(م ۱۳۱۳)

۱- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: بلی نماز مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را خود برای خود آهسته انجام دهد، و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن با آنها نماز ظهر را اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: جایز است که نماز پشت سر آنها خوانده شود ولی باید اگر مأموم می‌تواند بصورت آهسته برای خود قرائت کند و الّا در ذهن و نفس خود بخواند و اگر نماز جمعه باشد بعد از آن ظهر را بخواند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: نماز با عامّه در حال ضرورت بی‌اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعت آنان خوب است لکن با تمکّن نماز را با شرایط کامل اعاده کند.

آیهٔ اللّه صافی: نماز با عامّه در حال ضرورت بی‌اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتّهام به شیعه باشد خوب است و اعاده آن لازم نیست اگر چه موافق با احتیاط است و خروج از مسجد در هنگام اقامه جماعات و یا ایستادن و شرکت نکردن شایسته نیست بلی اگر ضرورتی ایجاب کند مانع ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند.

آیهٔاللّه زنجانی: حجاج محترم باید از هر کاری که سبب وهن شیعه می‌باشد جداً خودداری کنند و بسیار مناسب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند ولی در شرایط کنونی می‌بایست آن را اعاده کنند.

ص:۳۰۶

۴۹۵- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود جایز است. «(۱)» و سنگهایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همینطور در «مسجد رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله».

(م ۱۳۱۴)

۴۹۶- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید «(۲)» نماز را به جماعت بخوانند «(۳)» و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند. «(۴)»

(م ۱۳۱۵)

۴۹۷- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص «(۵)» به

۱- - آیات عظام خامنه‌ای، بهجت، فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم‌می‌شود سجده کرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیّه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند.

۳- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: در صورتی که مفسده داشته باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: نماز جماعتهای کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتلها و مسافر خانه‌ها در مکّه و مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد ولی شرکت در جماعت مسلمین بهتر است.

۴- - آیهٔ اللَّه زنجانی: برگزار کردن نماز جماعت در هتل‌ها در مکه و مدینه مانعی ندارد مگر باعث مفسده‌ای مانند وهن شیعه گردد و حکم شرکت در نماز جماعت عامه در مسأله ۴۹۴ گذشت.

۵- - آیهٔ اللَّه سیستانی: در تمامی دو شهر مکّه و مدینه با توسعه‌ای که پیدا شده است تخییر جاری است.

آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، صافی، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند.

آیهٔ اللَّه خویی: ظاهراً اختصاص ندارد بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است.[قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است].

آیهٔ اللَّه بهجت: مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی اللَّه علیه وآله و ... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اوّل جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

ص:۳۰۷

مسجدالحرام و مسجدالنبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هرچند احتیاط اقتصار برمسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می‌تواند شکسته بخواند. «(۱)»

(م ۱۳۱۶)

۴۹۸- عمره تمتع و حج تمتع باید در یکسال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی‌باشد.

(م ۱۳۲۱)

۴۹۹- در هر یک از اعمال عمره و حج اگر شک کند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتناء نکند، چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد. «(۲)»

(م ۱۳۲۴)

۵۰۰- باید عمره تمتع و حج تمتع هر دو در ماههای حج واقع شود، و

۱- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: بنابر اقوی تخییر در هیچ یک در اماکن اربعه ثابت نیست و نسبت به این اماکن تنها سفارش اکید به قصد اقامه کردن شده است، همچنان که مشهور اصحاب ائمه علیهم السلام نیز بر این نظر بوده‌اند پس اگر شرایط قصد اقامه محقق نباشد حتی در قسمت قدیمی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله لازم است نماز شکسته خوانده شود.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: چنانچه احتمال می‌دهد در هنگام عمل به شرایط صحت آن توجه داشته و آنها را رعایت کرده است، به شک خود اعتنا نکند، و همچنین است حکم کسی که بعد از پایان یافتن عمل شک کند که صحیح به‌جا آورده یا فاسد.

ص:۳۰۸

ماههای حج؛ شوال و ذی‌القعده و ذی الحجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی القعده عمره تمتع بجا آورد و در موقع حج، حج تمتع بجا آوردصحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع بجا آوردصحیح نیست اگرچه بعض اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماههای حج.

(م ۱۳۲۵)

۵۰۱- اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط «(۱)» در برنداشتن است. «(۲)»

(م ۱۳۳۰)

۵۰۲- درمسجدالنبی صلی الله علیه و آله سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد «(۳)»

۱- - آیة اللّه فاضل وآیة اللّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲- - برای شناخت نظر آیات عظام نسبت به حکم لقطه در حرم به توضیح المسائل آنان مراجعه شود.

آیة اللّه خویی: بنابر احتیاط باید عوض صاحبش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد.

۳- - آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: سجده روی فرشهای مسجد در صورت تقیه مانع ندارد.

آیة اللّه خویی: اگر در آن مکان تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد سجده صحیح است.

آیة اللّه فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلّی که بتواند پیشانی او در محلّ سجده بر سنگهای مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آیة اللّه بهجت: در صورت امکان سجده بر مایصح السجود علیه، اکتفا بغیر آن خلاف احتیاط است. و در پرسشهای جدید حج، می‌فرماید: اعتبار عدم مندوحه در حال عمل، یقینی است وامّا مندوحه مکانی ویا زمانی پس‌اعتبار عدم آن موافق با احتیاط است. و در مورد سجده بر مهر و یا حصیر و بادبزن در مساجد مکّه و مدینه در صورتیکه موجب وهن و انگشت نما شدن باشد و نیز در پرسشهای جدید حج می‌فرماید: در فرض سؤال جایز نیست و حکم در صورت وجود مندوحه در مسأله قبل بیان شد.

آیة اللّه سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصحّ السجود علیه نباشد سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آیة اللّه زنجانی: سجده کردن بر روی فرش‌های مسجد مجزی نیست و اگر ضرورتی اقتضا کرد بر روی فرش‌های مسجد نماز بخواند ولی به آن نماز اکتفا نکند.

ص:۳۰۹

و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست «(۱)» در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می‌شود از عملی که موجب هتك و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب نمایند.

(م ۱۳۳۴)

۵۰۳- در مسجد النبیصلی الله علیه و آله بعد از اتمام نماز جماعت هم می‌توانند روی فرشها سجده کنند و لازم نیست بجای دیگر که سنگ مفروش است بروند. «(۲)»

(م ۱۳۳۵)

۵۰۴- کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است به طوری که رودر روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد. «(۳)»

(م ۱۳۳۶)

۱- - آیهٔ اللّه تبریزی: در صورت تمکّن لازم است ....

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: اگر فرادی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند، و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردیکه بخاطر تقیّه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن گذشت.

۲- - مراجعه شود به مسأله قبل.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: در فرض مذکور اگر با فریضه تقیه منافات ندارد.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه تبریزی: با وجود مکان سنگ فرش، باید به آنجا برود.

۳- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دائره مقدم بر امام نباشد، و همچنین بنابر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد.

آیهٔ اللّه بهجت: با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام با انحفاظ نسبت امام به کعبه اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتّی اطراف حجر اسمعیل علیه السلام و عدم حائل بین هر مأموم و آنکه به او متّصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت بطور استداره در اطراف کعبه یا مسجد.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر به‌جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست و اگر کسی نمی‌دانسته است و به این صورت خوانده نمازش صحیح و قضا ندارد.

آیهٔ اللّه خویی: جایز نیست، ولی بهر حال چون اقتدا صوری است باید قرائت را ولو آهسته و یا اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.

آیهٔ اللّه تبریزی: در هر صورت باید قرائت را خود- ولو به نحو حدیث نفس- بخواند.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که امام به حسب دایره و از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد.

آیهٔ اللّه زنجانی: نماز در مسجد الحرام به نحو استداره مانعی ندارد ولی در حال حاضر که نمازهای جماعت آنها شرایط لازم را ندارد، باید نماز را اعاده کرد هر چند بسیار مناسب است که شیعیان در نماز جماعت عامه حاضر گردند.

ص:۳۱۰

۵۰۵- حائض و جنب نمی‌توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله عبور کنند. «(۱)»

(س ۱۳۴۰)

۵۰۶- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند، جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت «(۲)» نماز عشاء را بخوانند ولی اگر وقت نشده بایدصبر کنند. «(۳)»

(س ۱۳۴۱)

۱- - آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط باید عبور ترک شود.

۲- - آیهٔ اللّٰه زنجانی: نماز مغرب را اعاده کرده و نماز عشا را ...

۳- - آیهٔ اللّٰه مکارم: وقت وارد شده است.

آیهٔ اللّٰه خویی: اگر نماز مغرب قبل از زوال حمره مشرقیه باشد فتوای ایشان به صحت آن معلوم نیست و لذا احتیاط رعایت شود.

آیهٔ اللّٰه بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آنکه استتار قرص کافی است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.

ص:۳۱۱

۵۰۷- برداشتن قرآنهایی که در مسجدالحرام است بدون اینکه از متصدی ذی‌ربط بگیرند جایز نیست و باید برگردانده شود.

(س ۱۳۴۱)

۵۰۸- برداشتن و با خود آوردن مقداری از سنگصفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد. «(۱)»

(م ۱۳۴۷)

۵۰۹- اگر از طرف قاضی مکّه حکم شود فلان روز عید است «(۲)» باید تبعیّت کنند ولو با علم به خلاف. «(۳)»

(س ۱۳۵۲)

۱- - آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: نظر ایشان راجع به برداشتن سنگ از صفا و مروه بدست نیامد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔاللّه صافی: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است.

آیهٔ اللّه بهجت: برداشتن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه جایز نیست، و اگر آورده باید بر گرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست.

۲- - آیهٔ اللّه زنجانی: در غیر صورت علم به خلاف باید تبعیت کنند.

۳- - آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: هرگاه نزد قاضی عامّه، اوّل ماه ذیحجه ثابت شود، و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذیحجه در نزد آنها روز هشتم به نظر شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که نزد شیعه نهم است انجام دهد، و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درک کند، و به مشعر رفته، و وقوف در آنجا را نیز درک نماید، و اعمال روز عید را در منی به عمل آورد، و اگر درک اضطراری عرفات هم ممکن نشد درک اختیاری مشعر کافی است، و حجش صحیح است، و بنابر اقوی چنانچه گفته خواهد شد، درک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز کفایت می‌کند، و اگر درک هیچ یک از این مواقف میسر نشود، حکم آن در مسأله بعد ذکر خواهد شد.

هرگاه هلال نزد قاضی عامّه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد لکن از جهت تقیّه ناچار به متابعت باشند و از عمل بوظیفه خود خائف باشند اقوی صحّت و کفایت همین حج است از حجهٔ الاسلام هرچند عالم بخلاف باشند و اگر بدون خوف متمکّن از عمل بوظیفه باشند احوط آن است که با آنها رجاء متابعت کند و بعد واجب است عمل بوظیفه خود نمایند حتی با عدم علم بخلاف.

آیهٔ اللّه خویی: آن که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه نهم است، واقعاً روز ترویه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود. و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، و در غیر این صورت حجش بدل به عمره مفرده شده و حجی نخواهد داشت. و چنانچه استطاعتش از همین سال بوده و برای سالهای بعد باقی نخواهد ماند، وجوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر این که استطاعت تازه‌ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می‌نماید.

آیهٔ اللّه تبریزی: نظر ایشان عیناً نظر آیهٔ اللّه خویی است امّا با این اضافه:

و ممکن است در صورت دوم چاره کند به اینکه در روز عید آنها روز نهم واقعاً از طریق منی به مکه برگردد و بعد از راه عرفات و مشعر به منی برود بنحوی که قبل از غروب وقوف در عرفات بنماید ولو آناًما ولو یک لحظه و در حال حرکت، و به همین نحو وقوف در مشعر را در شب درک کند و بعد برای اعمال به منی برود.

آیـهٔ اللّه بهجت: آنکه علم به خلاـف فرض شود، که انسـان بدانـد روزی که به حکم قاضـی روز عرفه نهم است، واقعـاً روز ترویه و هشـتم باشـد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهـد بود بلی با عـدم علم بخلاف و عـدم قیام صـحت شـرعیه برخلاف و با صـدق تقیه بر نحو معهود متعـارف، اقوی کفـایت موافقت بـا عـامه است چنـانچه سـیره قطعیه غیر مردوعه بر آن دلالت دارد و عـدم مـانعیت علم به خلاـف از صـحّت عمـل با ناچاری و تقیه، خالی از وجه نیست و عمل به واقع در جمیع صور، ظاهراً مجزی است و با عدم شرایط تقیه صحت عمل مورد تأمل است با موافقت عامه، ولو علم بخلاف عمل ایشان بر حسب حکم حاکم ایشان نباشد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سیسـتانی: اگر برای مکلف ممکن شود که اعمال حج را در اوقات مخصوص خود برطبق ضوابط شرعی در باب ثبوت هلال بجا آورد، و آنها را بهمین صورت بجا آورد حجش در هر صورت صحیح است، و اگر آنها را به صورت یاد شده بجا نیاورد اگرچه به علت عذری باشد پس اگر از نظر و حکم قاضی عامّه نیز در وقوف در عرفات و مشعر پیروی نکرد، شکی در بطلان حج او نیست ولی اگر از او پیروی کند صحّت حج او مورد اشکال است.

ص:۳۱۲

۵۱۰- حجاجی که در مکّه معظمه قصد اقامت کرده‌اند در عرفات و منی و مشعر درصورتی که مسافت شرعی محقّق نشود نمازشان

ص:۳۱۳

تمام است. «(۱)»

(س ۱۳۵۹)

۵۱۱- حجاجی که در مکّه معظّمه قصـد اقامت کرده‌اند درصورت عدم مسافت شـرعیه بین مکّه و عرفات یا شک در آن که در نماز باقی بر تمام هستند اگر از عرفات به مکه برمی گردند از جهت اینکه محلّ اقامت است می‌روند و بعد از مکّه قصد مسافرت می کنند در بازگشت به مکّه و در خود مکّه هم نمازشان تمام است. «(۲)»

(س ۱۳۵۹)

۵۱۲- مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارج که در بازارهای مسلمین به فروش می‌رسد اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد

۱- - آیـهٔ اللّه گلپایگانی: در فرض مـذکور اگر قصـد برگشت به وطن ندارد تا در محل اقامه است باید نمازش را تمام‌بخواند و اگر قصـد مراجعت به وطن قبـل از ده روز داشـته باشـد[در عرفـات نماز تمام است] و در برگشت از محلی که رفته و در محلّ اقامه[در مشعر و منی و در مکه پس از مراجعت از عرفات] باید نماز را شکسته بخواند البته در مکه مخیّر بین قصر و اتمام است.

آیـهٔ اللّه خویی: در مفروض سؤال در مکّه معظّمه بـدون قصد عشـره هم اداء نماز بنحو تمام صـحیح و مجزی است، و با قصد عشـره متعیّن می‌شود، و بـا خـارج شـدن به عرفات حکم سـفر برایش تجدیـد می‌شود که بایـد در آن ایّام نماز رباعی را شکسـته بخوانـد با احراز مسافت شرعیه در عرفات و منی، و چون به مکّه برمی گردد باز مخیّر بین قصر و تمام است، در مکّه مکرّمه قدیم.

آیهٔ اللّه بهجت: باید نماز را شکسته بخواند. استفتائات ویژه حج. و در پرسشـهای جدید حج: در مواردیکه نماز در مکّه تمام است در عرفات و مشعر و منی هم تمام است و گرنه قصر است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مجموع مسافت از مکّه به عرفات و از آنجا به مشعر و منی تا مکّه ۴۴ کیلومتر یا بیشتر باشد نماز شکسته است و اگر کمتر باشـد نماز تمام است و در این صورت اگر از عرفات قصـد بازگشت به وطن را داشـته باشـد و آمدنش به مکّه نه از این جهت باشـد که محلّ اقـامت او است بلکه از این جهت که در راه واقع است نمـازش در مشـعر و منی شکسـته است و در مکّه مخیّر است.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه فاضل: فاصـله مکه تا عرفات فعلًا مسافت شـرعیه نیست و اگر قبلًا در مکّه قصد اقامت کرده‌اند نمازشان در مکه و عرفات و در بازگشت تمام است.

ص:۳۱۴

مسلمین است مانع ندارد «(۱)» و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود درصورتی محکوم به حلّیت است که وارد کننده مسلمان باشد «(۲)» و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است. «(۳)»

(س ۱۳۶۹)

۱- - آیهٔ اللّه سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.

۲- - آیهٔ اللّه سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگرپس از صید در تور ماهی‌گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلس‌دار باشد حلال است. آیهٔ اللّه زنجانی: اگر از دست مسلمان هم گرفته شده و احتمال عقلائی بدهد که تذکیه آن را احراز کرده، کفایت می‌کند.

۳- - آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه زنجانی: اگر ماهی معلوم نباشد که فلس دارد خوردن آن جایز نیست.

ص:۳۱۵

محصور و مصدود

۵۱۳- مصدود عبارت است از کسی که دشمن «(۱)» او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می‌آید. و محصور آن است که بواسطه مرض «(۲)» ممنوع شود از عمره یا حج.

(م ۱۳۷۰)

۵۱۴- کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است

۱- - آیهٔ اللّه زنجانی: یا غیر دشمن او را منع کند بلکه ظاهراً تمام کسانی که به علتی به جز بیماری‌نمی‌توانند اعمال حج یا عمره را به پایان برسانند مصدود می‌باشند و اگر مانع آنها بیماری باشد محصور می‌باشند مراد از بیماری معنای گسترده‌ای است که شامل شکستگی استخوان و مجروح شدن نیز می‌شود، صدّ و حصر در موارد ذیل تحقق می‌یابد:

۱- کسی که احرام عمره مفرده بسته، در صورتی که تا یک سال نتواند عمره را تمام کند. ۲- کسی که احرام عمره تمتع بسته اگر به گونه‌ای از انجام عمره تمتع ممنوع گشته که نمی‌تواند هیچ مقداری از وقوف اختیاری عرفه را درک کند. ۳- در عمره مفرده یا عمره تمتع اگر در مدتی از انجام کامل اعمال باز داشته شده که در احرام ماندن برای شخص وی یا نوع مردم حرجی است. ۴- کسی که در حج از وقوف در عرفات و مشعر یا خصوص وقوف در مشعر منع شده است. ۵- کسی که در حج از رمی جمره عقبه روز عید قربان یا طواف حج یا سعی باز داشته شود و نتواند برای اینها نایب بگیرد.

۲- - آیهٔ اللّه مکارم: یا شکستگی اعضاء یا مجروح شدن و مانند آن.

آیهٔ اللّه سیستانی: مصدود کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.

ص:۳۱۶

عمره و حج را تمام کند و اگر نکند «(۱)» به احرام باقی خواهد ماند. «(۲)» ۵۱۵- اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر ازقبیل‌عمال دولت یاغیر آنها او را منع کننداز رفتن مکه، وراه‌دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می‌تواند درهمان محل که ممنوع‌شده یک‌شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند «(۳)» واز احرام‌خارج شود واحتیاط واجب‌آن‌است که‌به‌نیت‌تحلیل قربانی کند، «(۴)»

۱- - آیهٔ اللَّه زنجانی: گناه کرده است و تا کارهایی که در مسائل آینده گفته می‌شود انجام ندهد از احرام بیرون نمی‌آید.

۲- - آیهٔ اللَّه تبریزی: بقاء احرام در بعضی از صور محل اشکال است.

آیهٔ اللَّه خویی: بقای احرام در بعض صور محلّ منع است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می‌شود.

۳- - آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب بدون آن محل نمی‌شود و اگر نتواند قربانی تهیّه کند به احتیاطواجب ده روز روزه بگیرد.

آیهٔ اللَّه مکارم: ... اگر قربانی میسّر نشد نیّت خروج از احرام می‌کند و احتیاطاً بجای قربانی ۱۰ روز روزه می‌گیرد مطابق آنچه در قربانی در مناسک آورده‌ایم عمل کند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: قربانی کردن تکلیفاً نیز واجب است و این قربانی تنها برای خروج از احرام نمی‌باشد و ظاهراً مراد روایاتی که دستور داده مصدود در محلی که منع شده قربانی کند، آن است که لازم نیست قربانی را به محل قربانی/ مکه یا منی بفرستد و محلی که منع شده خصوصیت ندارد بنابراین می‌تواند در مکان دیگری- در مکه یا منی یا محلی که به آن محل‌ها نزدیک‌تر است یا دورتر- قربانی کند.

۴- - آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی، متعرض قید نیت تحلیل نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه زنجانی: نیت تحلیل لازم نیست ولی پس از قربانی کردن با حلق یا تقصیر از موی سر محرمات احرام- حتی زن- بر او حلال می‌شود، خواه در عمره مصدود شده باشد یا در حج، و کوتاه کردن ریش و شارب یا ناخن گرفتن کفایت نمی‌کند و چنانچه نتواند قربانی کند ظاهراً در عمره مفرده با حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌گردد و در غیر عمره مفرده باید صبر کند تا حج فوت شود و با عمره مفرده و اگر از انجام آن هم مصدود است با حلق یا تقصیر از احرام خارج گردد. احکامی که در این مسأله در مورد مصدود گفته شد در صورتی است که مصدود هنگام احرام بستن شرط تحلل نکرده باشد ولی اگر در هنگام احرام با خداوند متعال قرار گذاشته باشد که اگر مانعی پیش آمد، از احرام بیرون آید، به مجرد مصدود شدن از احرام خارج می‌گردد و قربانی و حلق یا تقصیر لازم نیست.

و در هر حال بر کسی که در عمره تمتع یا مطلق حج- تمتع یا غیر آن- مصدود شده است تکلیفاً واجب است در سال آینده همان قسم از حج را مجدداً بجا آورد هرچند عمره یا حجی که در آن مصدود شده بود استحبابی باشد یا حج واجب بوده ولی استطاعت او تا سال بعد باقی نمانده باشد یا هنگام احرام شرط تحلل کرده باشد. بلی اگر انجام حج آینده غیر مقدور یا حرجی باشد وجوب آن ساقط می‌گردد و نیازی به نایب گرفتن هم نیست، و همین تفصیل در وجوب حج سال بعد در مورد محصور نیز جاری است و ظاهراً بر کسی که در عمره مفرده مصدود شده و از احرام بیرون آمده، واجب نیست دوباره عمره مفرده بجا آورد.

ص:۳۱۷

و به احتیاط واجب «(۱)» قدری از مو یا ناخن «(۲)» خود را بگیرد، و در اینصورت بر او همه چیز حلال می‌شود حتی زن. «(۳)» (م ۱۳۷۲)

۱- – آیـهٔ اللَّه گلپایگانی، آیـهٔ اللَّه صافی: و احتیاط آن است که شـخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیزبنماید، و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر، و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیّت تحلیل از احرام کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: ... و یا بجای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد.

آیهٔ اللَّه بهجت: و احتیاج به حلق یا تقصیر بعد از هدی موافق احتیاط است.

آیـهٔاللَّه خویی، آیـهٔاللَّه تبریزی: احتیاط این است که حلق یا تقصـیر را به آن قربانی ضـمیمه نمایـد، بلکه‌احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده.

۲- – آیهٔ اللَّه مکارم: ناخن به تنهایی کفایت نمی‌کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: گرفتن ناخن بنابر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.

۳- – آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: حکم مـذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می‌شود.

ص:۳۱۸

۵۱۶- کسی که احرام عمره بست «(۱)» و بواسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد مُحلّ شود باید هدی کند، «(۲)» و به احتیاط واجب «(۳)» هدی یا

۱- - آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: شخص محصور اگر حج تمتّع و یا حج افراد بجا می‌آورد، درصورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محلّ گرداند، بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود محلّ می‌شود- حتی نسبت به زن- و شخص محصوری که حج قِران بجا می‌آورد به مجرّد فرستادن قربانی به منی محلّ می‌شود، و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منی برسد نیست.

۲- - آیهٔ اللَّه زنجانی: اگر هنگام احرام با خداوند متعال شرط تحلل کرده باشد به مجرد محصور شدن‌تمام محرمات احرام- حتی زن- بر او حلال می‌شود و اگر شرط نکرده قربانی کردن بر او واجب می‌شود و ذبح قربانی نه تنها برای بیرون آوردن از احرام که تکلیفاً نیز واجب می‌باشد، و آن را به دو شکل می‌توان انجام داد. ۱- قربانی یا پول آن را توسط فرد امینی به محل ذبح- اگر عمره مفرده باشد، مکه و اگر عمره تمتع یا حج باشد، منی- بفرستد و با او قرار بگذارد که در وقت معین قربانی کند و در آن وقت با تقصیر همه محرمات احرام- حتی زن- بر او حلال می‌شود. ۲- در غیر محل ذبح محل بیماری باشد یا جای دیگر قربانی کند، پس از این قربانی محرمات احرام- به جز زن- حلال می گردد و در این صورت تقصیر لازم نیست و برای حلال شدن زن باید شخصاً عمره یا حج بجا آورد و هر نوع حج یا عمره کفایت می‌کند و فرقی نیست که احرامی که در آن محصور شده عمره باشد یا حج، مستحب باشد یا واجب بلی در صورتی که انجام عمره یا حج یا اجتناب از زن تا زمانی که بتواند شخصاً حج یا عمره بجا آورد، حرجی باشد می‌تواند برای آن نایب بگیرد.

ومحصوری که‌نمی‌تواند قربانی کند باید به جای قربانی سه روز روزه بگیرد هرچند این روزه گرفتن دخالتی در بیرون آمدن از احرام ندارد و ظاهراً باید روزه را در وطن یا جایی که قصد اقامه کرده بگیرد.

و در هر حال بر کسی که در احرام عمره تمتع یا حج- تمتع یا غیر آن- محصور گشته و از احرام خارج شده واجب است در سال آینده همان قسم از حج را بجا آورد- به همان تفصیل و خصوصیاتی که در ذیل مسأله ۵۱۵ در مورد مصدود گذشت- با این فرق که بر کسی که در عمره مفرده محصور شده و از احرام بیرون آمده واجب است دوباره عمره مفرده بجا آورد- بر خلاف مصدود در عمره مفرده-

۳- - آیهٔ اللَّه فاضل: اما در عمره مفرده مخیر است بین ارسال هدی به مکّه و یا ذبح هدی در محلّ حصر. و درعمره تمتع به احتیاط واجب ....

آیهٔ اللَّه خویی: وظیفه چنین کسی این است که مخیر است بین فرستادن قربانی و یا قیمت آن توسط فردی به مکه و یا بین اینکه در محلّ خودش قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید. با این فرق که اگر این شخص که محصور از عمره مفرده بوده با قربانی کردن، تمامی محرمات احرام بجز زن بر او حلال خواهد شد و اگر محصور در عمره تمتع باشد زن هم بر او حلال خواهد شد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر در عمره مفرده محصور شد وظیفه‌اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین با تقصیر از احرام خارج می‌شود، و برای چنین شخصی بخصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید، و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرّمات احرام حلال می‌شود بجز زن و زن بر او حلال نمی‌شود مگر بعد ازآنکه خوب‌شد و عمره مفرده را بجا آورد و این در صورتی است که محصور در مکان خودش

ذبح یا نحر نماید، و اما اگر هدی را بفرستد پس برای خروجش از احرام وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد، وکسی که‌در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است با این فرق که فرستادن قربانی براو تعیّن دارد و چنانچه آنچه گفته شد عمل کند زن هم بر این شخص حلال می‌شود.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر در عمره مفرده محصور شده بنابر احتیاط باید قربانی بفرستد که در وقت معینی قربانی نمایند ... و بعد از این کار تمامی محرمات احرام بر او بجز زن حلال می‌شود و اگر محصور در عمره تمتع باشد حکمش حکم سابق است با این تفاوت که زن هم بر او حلال می‌شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در عمره تمتّع یا عمره مفرده محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون آید و اگر این را هم نتواند ده روز روزه بگیرد و در این دو موارد همه چیز بر او حلال می‌شود جز زن.

ص:۳۱۹

پول آن را بفرستد «(۱)» بوسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعودرسید

۱- – آیهٔ اللّه خویی: اگر عمره مفرده باشد فرستادن تعیّن ندارد بلکه می‌تواند در مکان خودش هدی‌را ذبح کرده و محلّ شود.

ص:۳۲۰

تقصیر کند، پس از آن هرچه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر «(۱)» زن و احتیاط آن است که «(۲)» در ذبح، قصد تحلیل منوب‌عنه کند. «(۳)»

(م ۱۳۸۱)

۵۱۷- کسی که حج واجب «(۴)» به عهده او است و بواسطه مرض، محصور شد زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج را بجا «(۵)» بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. «(۶)» و اما کسی که حج او استحبابی

۱- - آیهٔ اللّٰه مکارم: زن هم بر او حلال می‌شود.

آیهٔ اللّٰه بهجت: قبلًا گذشت که در عمره تمتّع از زن هم محلّ می‌شود.

۲- - آیهٔ اللّٰه فاضل: و احتیاط مستحب آن است که نایب.

۳- - آیهٔ اللّٰه سیستانی، متعرض این احتیاط نشده‌اند.

۴- - آیهٔ اللّٰه خویی: بین حج واجب و مستحب تفصیل نیست.

۵- - آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: وقتی طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج و یا عمره مفرده بجاآورد آن وقت زن بر او حلال می‌شود. احتیاط این است که قبل از آن با زن نزدیکی نکند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: هر گاه طواف و سعی را در حجی یا عمره‌ای بجا آورد زن بر او حلال خواهد شد.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: اگر از انجام مناسك روز عید، و یا بعد از روز عید محصور شود باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد، و خودش حلق نماید، و در صورت امکان اعمال مکه را انجام دهد، وگرنه برای اعمال مکه نیز نایب بگیرد، و اگر در مسجد است نماز طواف را خودش بخواند، وگرنه بنابر احتیاط باید خودش نماز بگزارد و نایب هم بگیرد، و در صورت امکان در منی بیتوته کند، و در این صورت حجش صحیح است، و در غیر این صورت برای اینکه بیتوته نکرده، بنابر احتیاط کفاره بدهد. و در اینکه استنابه جهت طواف نساء برای حلیّت زن کافی باشد اشکال است، اگرچه در صورتی که رفتن به مکه برای او حرجی باشد اقوی جواز استنابه است.

آیهٔ اللّٰه زنجانی: مسأله از حواشی گذشته روشن شد.

۶- - در کفایت عمل نائب از آیهٔ اللّٰه سیستانی مطلبی در دست نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: بعد از انجام دستور سابق.

ص:۳۲۱

بوده بعید نیست «(۱)» کفایت طواف نایب از او، ولکن احتیاط آن است که درصورت امکان خودش برود. «(۲)»

(۱۳۸۳)

۵۱۸- در احکام حصر وصد فرقی بین عمره و حجّ استحبابی و غیر آن و بین نیابی و غیر آن هر چند نیابت از معصومین علیهم السلام یا شهدا باشد نیست.

۱- - آیهٔ اللَّه سیستانی: حکم محصور که گفته شد اختصاص به حج واجب ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در صورتی که قادر بر حج نباشد یا عسر و حرج داشته باشد بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه بهجت: در تطوّع، حلّیت نساء متوقّف است بر خصوص طواف نساء به نیابت از او.

آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرعی یا استیجاری بوده یا حج او واجب بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد. و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

۲- - آیهٔ اللَّه فاضل: این احتیاط ترک نشود.

ص:۳۲۲

گزیده‌ای از سخنان امام خمینی قدس سره

وظیفه مهم آموزش

یکی دیگر از وظایف مهم هم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج.

آموزش مناسک

* علمای اعلام کاروان ها از زوّار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند.

بیان محرمات و واجبات

باید آقایان برای مردم جلسه درس قرار بدهند و به مردم، آداب حج، واجبات حج و محرمات حج را بگویند، آدابش هم نشد، نشد، اما محرّمات و واجبات را به مردم تعلیم کنند.

امر مهم حج

از امور مهمه‌ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروان ها وقت شریفشان راصرف آن کنند، یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج است.

ص:۳۲۳

بیان مطالب با علم و یقین

مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن، بیان فرمایند.

بیان احکام قبل از عمل

... قبل از اینکه هرکاری را می‌خواهند بکنند، در هرجا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان به قاعده گوشزد کنید و بگویید، همین طور واجباتش را و محرماتش را.

راهنمایی در وقت عمل

... در وقت اعمال آنان (زائران) نیز مواظب آنها باشید و آنان را هدایت فرمایید.

پرهیز از اعمال نظر

از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود.

نتیجه بیان ناقص

در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا- فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عُسر و حَرَج می گردد.

ص:۳۲۴

آثار زیان‌بار وسواس

وسواس در برنامه‌ها و مراسم و عبادت ها و ادعیه موجب کسالت و بی‌توجهی در واجبات می‌شود.

بکارگیری تمام توان

حجاج محترم و روحانیون معظم کاروان ها، تمام همّ خود راصرف در تعلیم و تعلّم مناسک حج کنند.

حج مطلوب

حضرات آقایان علمای محترم کوشش فرمایند که زائران محترم را به وظایف خود آشنا نمایند تاصورت حج، مطابق شرع مطهر انجام گیرد.

مسؤولیت خطیر

روحانیون ... محترم کاروان های حج ... تمام همت و تلاش خود را در برگزاریصحیح و منظم حج به کار گیرند.

برنامه‌ریزی متناسب

روحانیون ... محترم کاروان ها ... متناسب با حضور قشرهای مختلف؛ اعم از بی‌سواد و باسواد، برای آنان برنامه‌ریزی کنند.

لزوم جدیت روحانیون

باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی که بسیاری‌شان مسائل

ص:۳۲۵

حج را خوب نمی‌دانند مسائل حج را برای اینها بگویید.

استمرار آموزش

باید آقایان ... این جلسات را هر روز داشته باشند.

سادگی در بیان

به روحانیون محترم عرض می‌کنم ... مسائل را به‌طور وضوح که همه کس بفهمد ... به گروه خود یاد دهید.

دقت در بیان مسائل

روحانیون عزیز ... مسائل را به طور واضح و دقیق بیان ... کنند.

آموزش با سعهصدر

روحانیون ... با سعهصدر ... زائران محترم بیت‌اللّٰه را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی کنند.

برنامه‌ریزی

باید روحانیون به هرکس که در کاروان هست بگویند که روی‌میزان و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد نه اینکه هرج و مرج باشد و هرکه هر طور دلش می‌خواهد عمل بکند.

تأثیر ماندنی حج

... از تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند.

ص:۳۲۶

آمادگی دلها

... در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است.

سفر الی اللَّه

توجه داشته باشید که سفر حج ... سفر الی اللَّه است.

سفر مبارک

من امیدوارم که ان‌شاءاللَّه آقایان موفق بشوند با سلامت و پیروزی این سفر مبارک را طی کنند.

تجارت و حج

مباد این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجاری در این سفر مطرح باشد.

سفر تحصیل دنیا

توجه داشته باشید که سفر حج ... سفر تحصیل دنیا نیست.

حج، سفر الی اللَّه

سفر، سفر الی اللَّه است نه سفر به سوی دنیا، آلوده به دنیا نکنید.

احتمال سقوط

بدانید با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش

ص:۳۲۷

خدای تبارک و تعالی پیدا کنید و ممکن است که خدای نخواسته سقوط پیدا کنید.

مراقبت از خویش

از خودتان بسیار پاسبانی بکنید.

باید به شدت مواظب حرکات خود بود.

خدایی بودن امور

* شما دارید به طرف خانه خدا می‌روید تمام اموری که دارید انجام می‌دهید به طور الوهیت باید انجام دهید.

رجم شیطان

این سفر الهی را شما می‌روید و رجم شیطان می کنید، اگر چنانچه خدای‌نخواسته خودتان ازجنود شیطان باشید خودتان را هم رجم می کنید.

رجم رحمانی

شماباید رحمانی‌بشوید تارجمتان رجم‌جنودرحمان به شیطان باشد.

تلبیه و پذیرش خدا

شما در ... میقات که می‌روید، لبیک به خدا می گویید؛ یعنی تو دعوت کردی و ما اجابت، مبادا یک عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر شما را من قبول ندارم، برای اینکه شما اسلامی نیستید.

ص:۳۲۸

دوری از آلودگی

مواقف کریمه مبادا آلوده بشود به یک معصیتی، به یک خلافی.

بردن آبروی اسلام

این مواقف کریمه مبادا آلوده بشود ... به یک چیزی که علاوه براینکه پیش خدا آبرو از دست برود پیش اهل دنیا آبروی اسلام از دست برود.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».